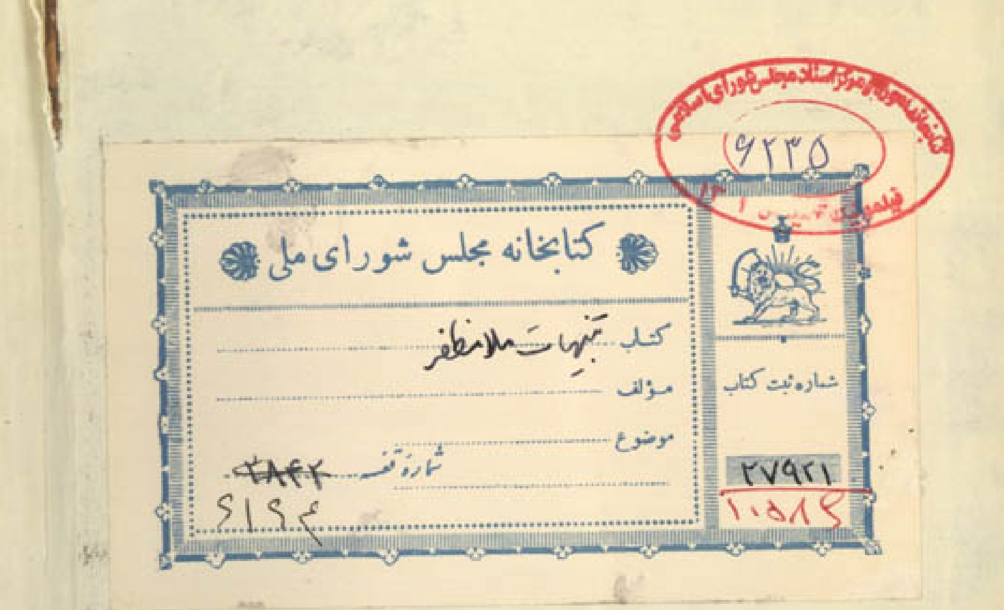
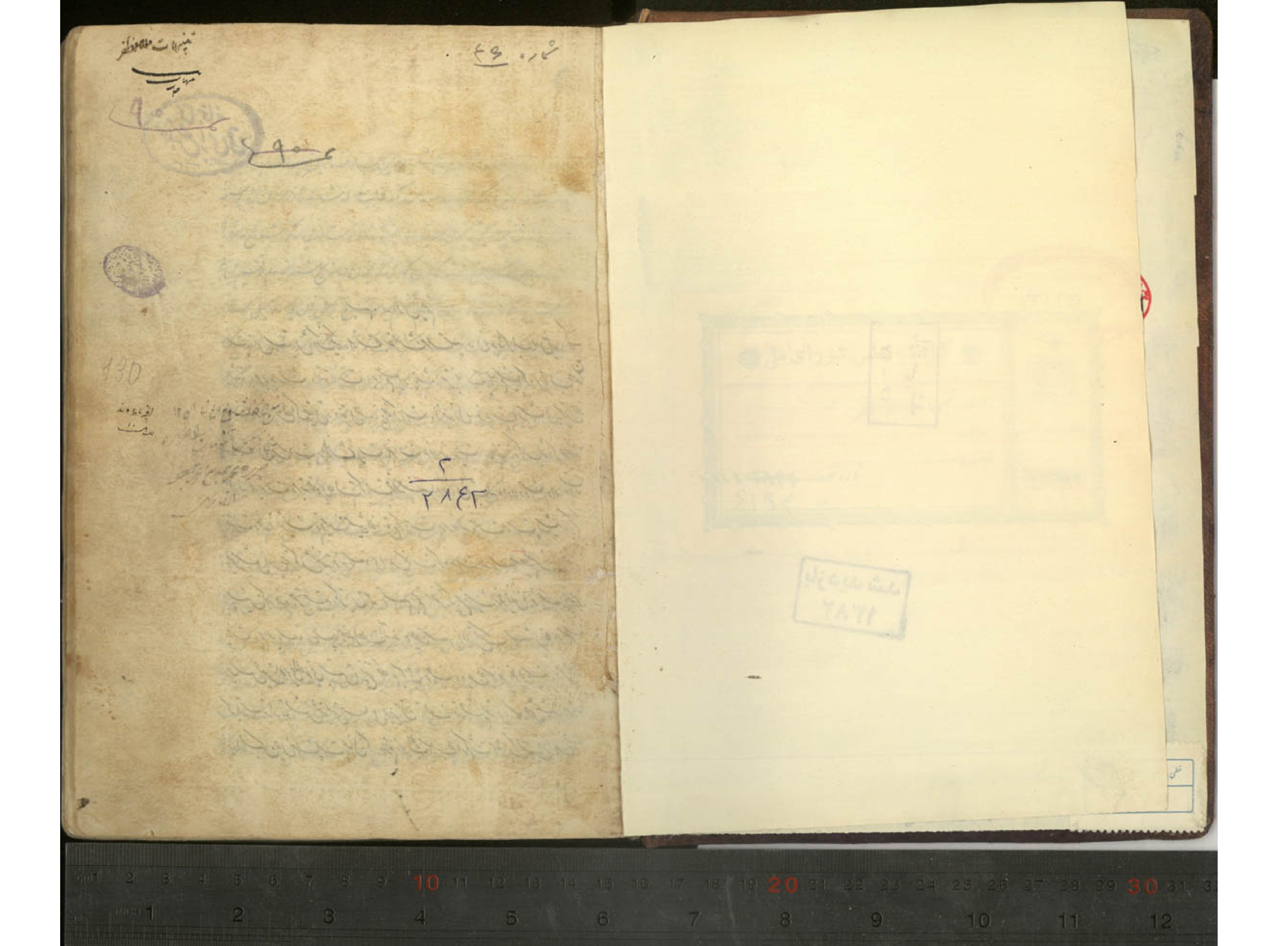

بازرسی شد
۴۲ - ۲۶


کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب تنبیهات ملا مظفر
مؤلف
موضوع
شماره ثبت کتاب
۲۷۹۲۱
۶۲۳۵





بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بی‌قیاس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین اما بعد

چنین گوید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسیار معتبر داشته‌اند و هر نظر که در وقت [illegible] طالع [illegible] تحویل [illegible] مقارنه [illegible]
گفته‌اند خواه چند باشد [illegible] و نظر [illegible] [illegible] قوت [illegible] طبیعت
[illegible] که [illegible] حرکت [illegible] مفصل و مشروح است [illegible] هر کدام
[illegible] نظر [illegible] باشد
[illegible]
بر جندی مفصل تقریب [illegible] آورده‌ایم و [illegible] کتاب [illegible] خواهد شد و هر نظر از نظرات
مشهور که [illegible] باشد اگر [illegible]
هر که آن نظر داند [illegible] تمام [illegible] کرده‌اند از آن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] هر یک را [illegible]
[illegible] است [illegible] در وقت وقوع [illegible] در وقت اجتماع و استقبال [illegible]
[illegible]
این [illegible] مرتبه [illegible] طالع [illegible]
[illegible] این مذکورات [illegible]
باشد معتمد داشته‌اند و [illegible] اگر [illegible]
[illegible] وقت [illegible]

[illegible] صانع جزئیات هر وقت که [illegible] کند [illegible] ترجمه تأثیر [illegible]
باشد [illegible] طالع [illegible] هر وقت [illegible] که [illegible] طالع است
[illegible] چنانچه [illegible] تمام [illegible] هر نظر [illegible]
و دیگر [illegible] صانع که [illegible]
هر کدام [illegible] باشد و چون [illegible] کرده [illegible]
[illegible] و دیگر [illegible] که در [illegible] ثابت است و در [illegible] تعیین [illegible] بسیار
[illegible] که [illegible] است [illegible]
احکام [illegible] که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کردن [illegible] کردن [illegible]
[illegible] کردن [illegible] آب [illegible] کردن [illegible]
بر زمین نهادن و [illegible] آب [illegible]
[illegible] دانستن و همچنین [illegible] کردن [illegible]

چراغ شد بعد ظلمت علامت [illegible] همچنین پیدا آمدن [illegible] از دخان [illegible] و دواب [illegible] بود و دولت
[illegible] بود [illegible] که اگر [illegible] اجتماع علوی [illegible] نیست چه سخن [illegible] باید داشت
مع هذا اگر [illegible] احکام [illegible] و در ولایت [illegible]
در [illegible] بر آن استدلال نمایند اگر در بعضی ولایت اینها را [illegible] از وضع [illegible]
[illegible] نیست آنچه شرط است در احکام و در علم [illegible] باشد [illegible]
[illegible] بیشتر احکام [illegible] و درست آید که [illegible]
درست [illegible] [illegible]
[illegible] اگر [illegible] احکام مشتمل [illegible] **باب اول**
در احکام قرانات کواکب و آن مشتمل است بر [illegible] فصل [illegible] است که هر قران که در [illegible]
واقع شود تاثیرات قوی‌تر است از آنکه [illegible] دلالت کرده [illegible]
خواه [illegible] باشد و خواه [illegible] اگر کوکبین در آن برج [illegible] باشند تاثیر [illegible] او قوی [illegible]
او ضعیف [illegible] و اگر [illegible] باشد بعکس [illegible] کوکبین هر کدام که قوی [illegible] باشند تاثیر [illegible]
قران عظیم‌تر [illegible] و اگر [illegible] باشد بر آن دیگر [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] که [illegible] مشتری [illegible] احکام [illegible] باشد
[illegible] احکام [illegible]
[illegible] **[illegible]**

اول در قرانات کواکب علوی [illegible] **قران مشتری و زحل**
در مثلثه ناری دلالت کند بر خروج [illegible] که [illegible] دولت بود
[illegible] در طرف مشرق [illegible] حرکت [illegible] در اطراف [illegible]
[illegible] در [illegible] اشراف [illegible]
[illegible] زحل [illegible] باشد [illegible]
[illegible] احکام [illegible] که مشتری [illegible] باشد و اگر [illegible]
در جهت مشرق [illegible] اقلیم اول [illegible] اقلیم [illegible] **و اگر در حمل باشد** [illegible]
[illegible]
[illegible] در طرف مشرق [illegible]
که مشتری [illegible]
[illegible] **و اگر در اسد باشد** دلالت کند [illegible] عراق [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] مشتری [illegible] باشد [illegible] طرف مشرق [illegible] اقلیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در میان مردم [illegible]

که زحل رجعت نموده باشد پس اگر زحل مستقیم باشد دلالت کند بر حرکت ملک بابل و وقوع شر
در خلایق و رفتن بجانب دیگری و باران و نقصان نوعی و کشتن [illegible] و اگر مشتری مستقیم باشد دلالت کند
بر [illegible] ملک بابل است بعضی از خلفا و ملوک کبری از [illegible] و جنبش [illegible] اصلاح حال و اگر در ثور باشد
دلالت کند بر فتنه و امراض [illegible] حال [illegible] عظیم [illegible] میان [illegible] و جنبش [illegible]
و [illegible] جلای [illegible] و وطن [illegible] که [illegible] دلالت کند در [illegible]
علم [illegible] و حدیث [illegible] که مشتری [illegible] و احوال مستقیم باشد [illegible] نوع [illegible] رغبت [illegible]
[illegible] و بسیاری از [illegible] کشتن [illegible] و [illegible]
[illegible] که [illegible] مقارنه مشتری و زحل در مثلثه خاکی دلالت کند بر بزرگ شدن خاندان
مشایخ [illegible] و سادات خاندانهای قدیم و فراخی طعام و رغبت خلایق [illegible]
[illegible] سادات [illegible] طایفه [illegible] ملک [illegible]
جنوب و وقوع زلزله [illegible] که زحل [illegible] راجع بود و نظر عداوت [illegible]
و [illegible] باشد [illegible]
در [illegible] باشد [illegible] تاثیرات
در میانه مشرق و جنوب و اقلیم اول و اگر در ثور باشد [illegible]
[illegible]
و کثرت [illegible] قدیم [illegible]
[illegible] که زحل [illegible] راجع بود و نظر عداوت [illegible]

[illegible]

[illegible] مشتری [illegible]
اگر در سنبله باشد دلالت کند بر [illegible] و [illegible] که زحل [illegible]
راجع بود [illegible] نظر عداوت [illegible] و [illegible] ملوک
[illegible] در وقت [illegible] ولایت [illegible] و کثرت امراض [illegible] و [illegible]
[illegible] در ولایت [illegible] و [illegible] احوال [illegible] و اگر در [illegible]
مردم [illegible] و مذهب [illegible] اگر زحل [illegible] دلالت کند بر [illegible]
تا [illegible] وقت [illegible] و اگر مشتری مستقیم بود در ولایت [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و [illegible] ولایت و کثرت [illegible] وقت [illegible] صلاح
نوع [illegible] که [illegible] و اگر در جدی باشد دلالت کند بر مرگ [illegible]
[illegible] و نقصان [illegible] و [illegible] بعضی [illegible] عراق
و ملوک [illegible] و کثرت [illegible] میان [illegible] و [illegible] این نوع [illegible]
و اگر زحل [illegible] باشد دلالت کند بر [illegible] و نقصان [illegible] و اگر مشتری
مستقیم باشد [illegible] بعضی [illegible] و [illegible] ملوک [illegible] شدت [illegible]
[illegible] نوع قران مشتری و زحل در مثلثه هوایی دلالت کند بر قوت [illegible]
[illegible] و [illegible] اگر در جوزا باشد [illegible]
[illegible] مردم [illegible]
[illegible] و [illegible] علم [illegible] و نجوم [illegible] فصیح [illegible]

و نقص و اشتعال در ولایات عالیه و خروج مدعیان دیگر و غارت و کثرت نفاق در اهل دولت و مرض
و از امراض مهلکه خاصه در مغرب و موت پادشاه عظیم الشان و کثرت دزدان و قاطعان طریق
و کثرت کرم طایفه عرب و اندک بودن احوال مردم و رغبت [illegible] و وقت امطار و میاه
و کثرت میاه و خروج شاه یخ زدن گی(؟) از حد و اشراف و ارباب دیانت [illegible]
و شدت [illegible] و حدوث دزدیدن و اگر زحل مستقیم باشد مرگ ملوک [illegible] باشد و کثرت دزدان
و قاطعان طریق سیما عرب و غارت اموال [illegible] و کثرت [illegible] و کثرت [illegible] آن
[illegible] و اگر مشتری مستقیم با زحل در حمل باشد و کثرت [illegible] باشد در [illegible]
از [illegible] حال [illegible] و اگر زحل در جوزا باشد دلالت کند بر قوت حال [illegible]
و کثرت [illegible] و [illegible] و تجدید [illegible] یا [illegible] و تغیر [illegible] و حال [illegible]
و [illegible] مردم [illegible] و [illegible] و [illegible] پادشاهی [illegible]
عادل [illegible] مغرب بود و غارت [illegible] و کثرت [illegible] و [illegible]
قطاع در آن ولایت و کثرت [illegible] اگر زحل مستقیم باشد [illegible] بود و اگر
[illegible] و کثرت [illegible] غارت [illegible] و [illegible] وقت امطار و اگر مشتری مستقیم باشد
اختلاف در میان لشکریان روم [illegible] و [illegible] باشد و [illegible] اگر آن [illegible]
[illegible] احوال از جهت [illegible] بود و اگر در دلو باشد دلالت کند بر شدت [illegible]
خلایق و [illegible] و اگر [illegible] در میان ملک و امرا [illegible] و [illegible] پادشاه و [illegible]
و [illegible] و کثرت امطار و [illegible] و [illegible] و [illegible] حال [illegible] و اگر [illegible] جبال

[illegible]

و [illegible] آن [illegible] بر [illegible] در میان [illegible] و [illegible] و [illegible] قوم
و [illegible] طایفه بزرگ شدن [illegible] آسیب پادشاهان و هلاک بزرگان و تغیر [illegible]
مردم و کثرت [illegible] و [illegible] و قلت [illegible] اگر زحل مستقیم باشد [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] وقت [illegible] و اگر مشتری مستقیم باشد
[illegible] ولایت بلکه [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] و اگر مشتری در حمل باشد دلالت کند بر قوت [illegible]
[illegible] و [illegible] کردن [illegible] پادشاه و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible] و اگر [illegible] در [illegible]
اگر در سرطان باشد دلالت کند بر [illegible] و [illegible] و [illegible] قومی [illegible] کردن [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و شدت [illegible] وقت [illegible]
[illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] ملوک [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] پادشاه و کثرت دزدان [illegible]
[illegible] و اگر زحل مستقیم باشد
[illegible] وقت [illegible] و کثرت [illegible] و اگر مشتری
مستقیم باشد کثرت [illegible] میان ملوک [illegible] پادشاه [illegible] حرب [illegible]
و مرگ [illegible] و کثرت [illegible] وقت [illegible] و اگر در عقرب باشد

دلالت کند بر کثرت امطار و حدوث حریق و خرابی قلعها و قصبها و در باب [illegible]
اهل فضایل و اهل جبال و اکراد و بلاد کرمان که در دوم قرن [illegible] میوه و ظهور پادشاهی بزرگ
بجهت آل و اولاد [illegible] نماید و دیگر آنکه بدین سوم [illegible] بسیاری از ممالک
در سر ایشان شود و حرب در اطراف و اکناف عالم و خرابی [illegible] از آب و غرق کشتیها
و خروج لشکرها و مرگ مردم و جنگ و غارت و قتل عام از جانب شمال و اقلیم چهارم اگر حمل
مستقیم باشد مرگ بعضی ملوک و اهل جبال بود و خرابی بلاد و دشتها و هلاک ترکان آن اماکن و دیگر [illegible]
خانه‌ها خراب شود و کمی باران و کثرت حرب و ریاح و اگر مشتری مستقیم بود بعضی [illegible] میان
بعضی و دیگر محاربت کنند و در میان ایشان [illegible] قتل و قمع باشد و میان اهل عراق اگر
بلاد و قری ویران شده و قحط و کثرت باران بود **و دیگر در دلو** دلالت کند بر کثرت
مرگ در اقلیم و میان اهل [illegible] و تلف مرغ و ماهی و کثرت امطار و [illegible] و طغیان میوه‌ها
بیشتر ملوک از [illegible] پادشاه و در عراق و ویرانی شدن [illegible] و حسن حال [illegible] و اهل [illegible]
و صحت [illegible] در مغرب و قحط در بلاد عجم و بسیاری آبها و آفت میوه‌ها و [illegible]
و جدال و خروج [illegible] و خرابی [illegible] از آب و تفرق [illegible] و [illegible]
میان ملوک اگر حمل مستقیم باشد حدوث [illegible] باشد و اگر [illegible] اقلیم و میان اهل [illegible]
و جبال و وقوع محاربه میان ایشان و تلف مرغ و ماهی و بسیاری یخ و کثرت باران
و برف باشد و [illegible] و اگر مشتری مستقیم بود هلاک حاکم عراق [illegible] باشد و [illegible]
و وارث او و حسن حال اهل اقلیم و باشد که در بعضی بلاد قحط شود و کثرت مرغ و ماهی باشد

[illegible]

و بسیاری باران و رعد و برق **مقارنه مریخ و زحل در مثلثات اربع** قران نخستین [illegible]
شرح داده است و [illegible] آمده است که اگر [illegible] قران در حمل [illegible] باشد و [illegible]
احوال طبقات اهل [illegible] دلیل [illegible] کند و عمارات عالیه
بنا نهند و در [illegible] اگر مریخ مستقیم باشد و [illegible] دلیل بود بر حرکت
لشکرها و حدوث فتنها و خرابی اطراف و حرب و مناقشه میان ملوک و [illegible]
این کواکب دلیل بود بر ضعف حال [illegible] و حدوث فتنه و [illegible] در اقلیم چهارم و [illegible]
[illegible] و تفرق [illegible] و حدوث زلزله بسیار اگر در حمل [illegible]
و کثرت رعد و برق و صاعقه [illegible] که وقوع مریخ در دلو [illegible] بود و [illegible] این کواکب
[illegible] کنند [illegible] اقلیم سیوم [illegible] باشد و دلالت کند بر [illegible]
[illegible] اهل [illegible] **مقارنه نخستین در مثلثه [illegible]** و دلالت کند بر حرکت لشکرها و [illegible]
حرب و [illegible] شدن [illegible] و خرابی [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] در جبال [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] روز [illegible]
[illegible] اقلیم سیوم بود **و دیگر در [illegible]** دلالت کند
بر کثرت [illegible] و [illegible] و [illegible] اهل جبال و [illegible]
شام و عراق و عرب و [illegible] در بلاد [illegible] و [illegible] ایشان

و حرب و اسپاهی کرد و فتنه و مرگ و وبا بسیار گردد و چهارپایان هلاک گردند و ظلم بسیار شود و تنگی
طعام و قحط و ترس و بیم و آنچه دلالت بر حرب و اسباب طعن و ضرب و حشرات سپاه
و احتراق برافتد و تنگی … شدن طرق و … و خوف و خلایق و ظلم و ستم و عفونت
هوا و وجوب ریاح عاصفه و رعد و برق در وقت … و اما نقصان … باشد و عفونت هوا و …
… و طرف مشرق و … میان پادشاهان و احتراق برافتد … حاصل
… و … هوا … و اگر حاصل مستقیم باشد …
… باشد … و اگر مریخ مستقیم باشد … و … باشد و لکن …
… شود اگر در جوزا باشد دلالت کند بر فتنه میان ترک و عرب و تشویش …
ترک و بعضی از … طرف مشرق و …
در میان خلایق … علامت … زلزله … در وقت …
… و … کثرت … در …
… و … و … ظلم و ستم و عفونت …
… و اگر … دلالت کند … از …
در … و اگر زهره … دلالت کند …
باشد … و … و کمی طعام … باشد و اگر مریخ مستقیم باشد هلاک …
… بود و … اگر در قوس باشد دلالت کند بر قیام
فتنه و حرب و … آلات طعن و ضرب … و قتل و غارت

… لشکریان … اب … و نقصان … حرب …
مرگ و … و کثرت موت … و … خونریزی در ولایت …
… و شهرهای عجم و … و هند … و ولایت چین …
کردن … و … کردن … و اگر … دلالت کند
بر کثرت … و … و … گویند …
بود و اگر … دلالت کند بر …
… و …
… و … اگر … بود … و …
مریخ مستقیم بود و … …
… در … دلالت کند بر بدی حال امرا و لشکریان … و …
… و …
… و …
… و … اب …
… ازین … اجتماع و استقبال …
…
این … بود و اگر در ثور باشد دلالت کند بر … و …
… و … هلاک …

دهقانان و مزارع و نزول و هلاک اشراف و بیماری در میان خواص و عوام و مرگ زنان و ضرر کردن دزدان
و نزول پادشاهان و اگر قمر و مشتری در برج شرف باشند دلالت بر بسیاری ارزانی نرخ و ارزانی و
شدن ابها و هلاک اشراف و دولت و وزراء و قوت سلطان و بردن اموال …
بر پادشاه وقت و غضب وی اما در ایام حبس گردد و … زنان فاحشه و بسیاری …
و نقصان اشجار و اثمار و وباها و بیماری مفرط و هر کوکب که در این خانه در وتد بود دلالت کند بر خوف و
و کرند مصیبات آن کوکب در آن خانه و ضعف حال سپاه و امراء و غارت اموال ایشان
و افتادن به کاران و قطع طرقها و نیافتن نجات و انقطاعات و بسیاری گرمی و رعد و برق
خاصه مریخ که در عاشر باشد متصل به نظر عداوت عطارد … و دم … در وقت …
سموم و قحط و وجع و وبا و سرما … یکباره … زلزله خاصه که …
و اگر زحل مستقیم باشد دلالت کند بر قحط و وجع و مرگ و سستی و اگر مریخ مستقیم باشد دلالت کند
بر قوت … از خوزستان یا خراسان و … بیماری و حریق در زلزله اگر در سنبله باشد
دلالت کند بر آفات زراعات و اشجار و کثرت خلاف خاصه در بلاد و قحط و وبا و خوف و در میان
خلایق و حدوث حرب و وقوع مرگ مفاجات و … سپاه …
در ولایت مصر و کثرت منازعت در ولایت … و … وقوع زلزله و نظام
شرطه و خرابها … و کثرت … و فتن و جنگها … و فتنه
در ولایت عرب و خوزستان و فارس و … و بسیاری امراض ممکنه و کمی … و نزاع در میان
عشایر و … و حدوث … و وقوع … و اگر قمر … و حشم …

اعتدال در هوا بود و آفات میوه‌ها و غلات و ثمار و حدوث علت سرفه و گرفتگی سینه بود و اگر مشتری در آن
برج باشد دلالت کند بر هلاک بزرگان و مرگ وزرا و خواص طبیبان و علما و بسیاری نزله
و هلاک … و … در میان زنان و هر کوکب که در وتد سنبله بود …
و مضرت رسد و کثرت تشویش بود در وزراء و حرب اگر زحل مستقیم بود دلالت کند بر خرابها اگر در آن
وقوع برف و در وقت … و … آثار و اگر مریخ مستقیم بود دلالت کند بر وجع و قحط و مرگ و در وقت
دفع و ظهور حشرات الارض و نقصان کشت و ضرع و اگر در جدی باشد دلالت کند بر حرب و خونریزی
… حبشه و زنگ و بربر … و وقت … و اگر …
… دلالت کند بر قوت سرما و حدوث امراض مزمنه و بیماری …
عظیم ایشان و مرگ … و کثرت دزدی و حدوث جنون و سایر امراض سودایی و اگر
مریخ … و انقطاع … و اختلاف هوا و سرما و برف … عظیم در وقت خاصه که زحل …
بود و … و اگر قمر و مشتری … دلالت کند بر ضعف …
… و اگر … زهره بود دلالت کند بر قوت …
… و حدوث … و قحط …
… این قران … باشد … در این برج …
و اگر زحل مستقیم بود دلالت کند بر جنگها … و اگر مریخ مستقیم باشد …
و اگر … باشد … در وقت مقارنه نحسین در مثلثه هوائیه دلالت کند بر حرب و کثرت …
و … و … و خرابی …

بود و بسیار ظلم و جور کس دیگر در خلایق و قحط در مشرق واقع گردد و آتش افتد در هوا
و وزیدن بادهای صعب و برف و شبنم در هوا و چهارپایان و دزدان و کستی قوم در امور دین
و نابودن میوه در وقت و خرابی در شهرها و آب ملاح و جبال و لشکر و این وقت تهی نماید و حرب
پیران و فساد شیوخ در کوهها و فسادی در شهرها و ویرانی و غلبه این تأثیر در اقلیم
سیم در زمین مغرب بود **و اگر در جوزا باشد** دلالت کند بر فتنه در زمین مغرب و شهرهای شمال
و خواب با هم و برف و حال بزرگان و بدی هوا و کمی نم و بیم آمدن علامت و آیات در هر جهت
که مریخ در آنجا بود و سیاه بنظر در قسم و بدی بنظر بزرگ است و حیوانات و اگر بشهد ما
و ثابت در دو باشد دلالت کند بر وقوع فتنها و پیش آمدن سفرها و حرکت بزرگان و برف و
حال مسافران و رسیدن غم و نکبت بر حرب و آداب و شکست سپاه نسبت بر ادران
برف و مزروعات و کم شدن و کشت و بازارها و هر کوکب در وتدی باشد فی و باشد جوهر او و عجائب
بیت او را طلعت و ادوار خلایق و چهارپایان اهل او و حدوث و باد اگر باد و طلوع نجم و حرب
ریاح حادث سیاه که مریخ در عاشر بود و وقوع فتنه در میان حرب و بادهای صعب و مردود شدن
در وقت بر آوردن به کاران فاسد در اقلیم سیوم و چهارپایان و خوشه و پیسه رنگی فصد و علت
و فتنه در میان اهل مغرب و فساد طیور و اگر در حمل یا شد حرکت مردم کوهستان بود
بطرف روم و تخریب و حرب و دزدان بر زمین و حدوث چیزی نو و کشت باران فاسد
و برق در وقت **و اگر در میزان باشد** دلالت کند بر فتنه در جانب مغرب و چهارپایان و خیانت لشکریان
و بکاران و ظلم و ستم و برف و هوا و شبنم و قتل و دزدی و بدیها در وقت و شدت حرب یا نه

و کم و مرگ در خلایق خاصه زنان و اکابر و در دفتر ها و زنبورهای خون و طغیان مفسدان و حرب
و مقاتله در میان عرب و کدورت و بیرحمی هوا و فساد در بار و در هوا و هم در اسیر عبرت کردن دولت
که از مرگ بزرگان و بسبب عداوت دیگر پادشاهان مغرب و قحط و جوع و ظهور کند علامت بر هوا
سیاه که مریخ در عاشر بود و حفظ باد و ناظر فقر بنظر عداوت و اگر بشهد حفظ مشتری بود دلالت
کند بر فتن و حال لشکریان و لشکر و اگر بشهد زهره بود برف و حال زنان باشد و مرگ
ایشان و اگر بشهد بزرن بود دلالت کند بر ظلم و ستم سلاطین و دهقان و رحمت و چهارپایی
و نتایج ایشان و اگر در حمل مستقیم باشد عداوت و نزاع بود در میان پادشاهان و حتی ایل هوای
زمستان و قحط بهار و اگر مریخ مستقیم بود نزاع بود در میان سلاطین و مرگ خواتین و پیران
از تفاوت و کمی باران در وقت **و اگر در دلو باشد** دلالت کند بر حرب و فتنه در بلاد عرب
و حوالی کوفه و ری و گیلان و جرجان و طبرستان و نقل و حرکت ترک و اشراف و بادهای برج
نیز و خطر کشتیها و برف و حال مسافران دریا و جستن برقها و صاعقها و اگر بشهد ماه حفظ بود دلالت
کند بر کمی باران و ریش و بادهای بزرگ و ابرهای بی نم و چهارپایی مهلک در کیش خونها و ظهور علامات در هوا
خاصه که مریخ در کاشه باشد بنظر عداوت حفظ و قطع راهها و اگر بشهد ثابت بود دلالت کند
در غضب زنان و کشتن میان سپاه و اگر بشهد زهره و مشتری بود دلالت کند بر خرابی شهرها و علامتها
در میان تجار و خزانه لشکرها و هر کوکب که در وتد او بود و برف و منسوبات او و جمع شدن لشکرها
و ویران شدن اکراد و حشم و خرابی و فساد پیران و در ان سپاه و چهارپایان و خیانت و هر کس در قوم و دزدی و فتنه
نیک نام بعداوت و فتنه و درست نیک کوفه و بلاد چین و ترک منافات و چند آید و راهها مسدود کردد

پس اگر زحل مستقیم باشد دلالت کند بر شیخی که ما بسته ما هر یک در وقت خود و اگر مریخ مستقیم باشد
دلالت کند بر سپهسالاری قصد و دشمنی سلطان نموده بر وکیل یاران **مقارنه نحسین در مثلث آبی**
دلالت کند بر فتنه و تشویش و خوف و ترس و بیماری و بسیاری حشم سلطنه و غلبه کردن تازیان
و پادشاه کران ایشان را در اهل حرب و کارها و خرابی جهان و حرب و مقاتله و ترس و حسد خلایق
پریشانی نجوم و خرابی مواضع و کثرت اهل خرابی و ذلت و کشتن و تفرقه در میان فرمان در دریا
و به کرد و رنج لشکریان و زحمت خاصه انهدام فتنه ها و خرابی مواضع و کثرت آب و طوفان و سیل
ها و اول **و اگر در سرطان بود** کار به تر بود و هیچ جاسوس خروج کنند خاصه که در وقت بیع با اول کرده
در شهر و مرض و دیگر در زمین عراق و ولایت عرب و خرابی شهرها و تشویش و ترس و بیم
و رنج و محنت خلایق باشد و غلبه کردن ترکان بر اطراف و شهرها و سلاح و حکم و بسیاری
از حیف و کذب و نامیمنی راه ها و قطع طریق و کمی بهار و حال ساکنان دریا و هلاک
جانوران آبی و اگر مشتری زیر این یکی شش باشد دلالت کند بر سلامت و نقصان مریخ از وقت و کمی
لشکر و رنج لشکر بود و خسران بعضی از دولت و اموال ملوک و اشراف و کارها و هر کوکب که در آن آثار
بود کند معبر باشد آن و قه ور آن کوکب باشد و کثرت حروب واقع میان اهل ارمنیه و حرب
و میان طایفه اتراک و عداوت میان ایشان و کثرت جنگ و بعد از آن پیشی احوال لشکریان ایشان را
وقت عظیم و اگر در دولت اسد بود و مرگ یکی از ملوک باشد و اگر وتد الارض بود خرابی مواضع و بلدان آن
باشد خاصه که عقد رد و نظر باشد نیت نظر عداوت و غلبه کردن نجوم سعد و زحمت و مکان
از ایشان هست به کاران و دهقانان و خرابی در فارس و ارمنیه و حوزی و بابل و ...
بجز از

باشد از ترنج سیم که در وقت و هم باشد و وقت حرب هیا از آب خاصه در بند شام
اگر زحل مستقیم باشد دلالت کند بر عداوت میان نجوم و سپهسالاری و یاران در وقت ظهور خرابی
الارض و اگر مریخ مستقیم بود سپهسالاری غالب بود و کثرت مرگ و ترس و یاران در وقت و ولایت
که از این قران جهت تقسیم برج ناسیر قوانین تحلیل ... و احکام این موضوع وقت بکار است
از این مستنبط استخراج ... از ... و منافع مخصوص ... چنانکه در مطولات مذکور است و اگر
این قران در برج ناری بود تحویل سال ... و ترتیب چنان دلیل ... است که ... وقت شمال ... جنوب
از هر جهت ظیم تر باشد **و اگر در عقرب بود** دلالت کند بر حرب و مقاتله و ترس ... و خونی الاصل ... مشرقین
و ترس عظیم و ترسیدن ... ام ... و غرض و هوس ... نحوست ... بلاد و پیم ... سلاطین ... و ... که ... آن
کردن ... ... و خرابی ... و ... حال ... مردم ... و کثرت فتنه و حرب در جبال کوهستان
و ظهور ... است ... ام ... ... و ... در شرب ... زمین حرب و ... ساحل ... حم
... و ... و ... ... از احوال ... رنج و زحمت ... مردم و شدت ... و ستم از جانب ... سلطان
و اگر مشتری ... ... پادشاه ... دلیل است بر بعضی ... از خسران ... ... و ... ...
حکام فارس با ایشان و سپاهیان ... و ... و اگر ... پادشاهان ... بود ... ... ملک
دلیل است بر ... ... ملوک ... وقت ... ... و ... ... ایشان
و امرا و هلاک ... ... ایشان ... ... ایشان ... ... و اگر ... ...
بر ... ... در ولایت ... ... و اگر زحل مستقیم باشد ... ... باشد و ... ... هوا
در وقت باشد و اگر مریخ مستقیم باشد فتنه در ... ... و کثرت خرابات الارض و ... ...

قران زهره و مریخ در شش برج قران زهره و مریخ مطلقا دلالت کند بر خونریزی و وضع حمل و تزویج
شاخ و [illegible] اما اگر رسید در برج [illegible] در ولایت شرق و فتح عظیم در ولایت روم و سپاهی
[illegible] جمع و وبای در حیوان و لشکر [illegible] در ولایت طبرستان و دریای [illegible] و در دستان
و هیبتی عجب اگر در شاخ سیر کواکب شود و ست کرد و اما اگر مریخ مستقیم باشد و زهره زایل بود دلالت کند
بر تنگی حال مشایخ و مردم جبال و زایل بودن ایشان [illegible] و طرب و [illegible] علما و مردم [illegible]
عورات و اگر زهره قوی و مستقیم باشد دلالت کند بر [illegible] منازل زنان و [illegible] و رقص و طرب
و زنان و [illegible] امتزاج ایشان و [illegible] بود و بسیاری حرکت و [illegible] کید و مکر در میان ازواج و تزویج
باشد و آن در اسباب [illegible] و [illegible] لشکر بر [illegible] قران زهره و مریخ در ثور [illegible] دلالت
کند بر [illegible] وقت و [illegible] زنان و [illegible] اصحاب لطافت و [illegible] [illegible]
و [illegible] وضع حمل و [illegible] ازواج و [illegible] ابرهای [illegible] و [illegible]
و طرب در شاخ و [illegible] و [illegible] و آوردن [illegible] و تحقیق [illegible]
[illegible] و [illegible] و اگر در جوزا باشد [illegible] زنان باشد و [illegible] لشکر [illegible]
[illegible] و [illegible] در [illegible] و [illegible] و [illegible] دلالت [illegible]
[illegible] و [illegible] اگر مریخ [illegible] بود [illegible]
و [illegible] [illegible] و [illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible]
و [illegible] و [illegible] و شمال [illegible] تا [illegible] این قران
در این برج و اگر در سرطان باشد [illegible] در [illegible] در ولایت

و [illegible] بود [illegible] و وقت و اگر در حوت باشد دلالت کند بر [illegible]
[illegible] ولایت طبرستان و [illegible] و [illegible] ولایت شام و [illegible]
و [illegible] و [illegible] و اگر [illegible] و [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و [illegible] و [illegible] اگر [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و هر کوکب که [illegible] باشد
[illegible] کوکب و [illegible] و [illegible]
و [illegible] و [illegible] و اگر [illegible] باشد دلالت کند [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] بود دلالت کند [illegible] و [illegible]
تنبیه هر گاه این قرانات [illegible] که [illegible] که [illegible] کواکب
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
و اگر در برج ثابت [illegible] و [illegible] و در برج [illegible] و هر کوکب
که [illegible] که [illegible] کوکب [illegible] و اگر [illegible] کوکب [illegible]
[illegible] قران ضعیف الاثر بود و همچنین اگر برج آتشی بود [illegible] شرق [illegible] و اگر در برج [illegible]
و اگر در برج [illegible] بود در [illegible] و در برج [illegible] در [illegible] شمال [illegible] آن برج [illegible] ولایت که [illegible]
[illegible] تأثیر قران در آن ولایت باشد تنبیه هر کس [illegible] که هر گاه [illegible] در [illegible] جمع شده
[illegible] و [illegible] ایشان بود و اگر آن برج [illegible] باشد [illegible] و [illegible] باشد
و اگر [illegible] باشد و [illegible] از [illegible] و اگر آتشی بود از [illegible] و اگر [illegible] بود [illegible]

مشرق و ملوک زنان ... و ... و وضع حمل و بدی حال ... و ... [illegible]
و بزرگان و ... [illegible] وزارت و میل خلایق بیش ... و دلالت ... اگر
زحل ... باشد مرگ ملوک ... و بزرگان ... [illegible] ... و اگر زهره ...
باشد ... باشد ... باران ... **و اگر در قوس باشد** دلالت کند بر تشویش زنان ...
... و دشمنان ... و کدورت هوا ... ارواح ... و ... باشد ...
... [illegible] ... باران ... اگر زحل ... باشد ...
... و اگر زهره ... باشد مرگ ... زنان ... و ... باران باشد ...
... **قران زهره و زحل در ...** دلالت کند بر رنج زنان ... و ...
... [illegible] ... وضع حمل ... ارواح ... [illegible]
... [illegible] ...
... وقت ... [illegible] ...
... [illegible] ... باران ...
... [illegible] ... **و اگر**
در ثور باشد ... حال زنان ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ... ولایت روم ... زنان ... ولایت ... اگر
زحل ... باشد در ولایت ... روم ...

... و اگر زهره ... باشد ... **و اگر در سنبله باشد** دلالت کند بر مرگ
... زنان ... و ... و ... و ... ولادت و ...
... [illegible] ... ارواح ... بسیار ...
باشد ... باران ... و اگر زهره ... باشد ...
... [illegible] ... **و اگر در جدی باشد** دلالت کند بر ...
حال ... وضع حمل ... ارواح ... [illegible]
... [illegible] ... کند اگر زحل ... باشد دلالت
بر ... و اگر زهره ... باشد دلالت کند بر ...
... بسیاری باران **مقارنه زهره و زحل در ...** دلالت کند بر
زنان ... ارواح ... [illegible]
... وضع حمل ... [illegible]
... زنان ... [illegible] ... و ...
... **و اگر در دلو باشد** دلالت کند بر ... ارواح ... وضع حمل
... [illegible] ... زنان ... [illegible]
... و اگر زحل ... باشد ... روم ...
و مرگ زنان و اگر زهره ... باشد ... ولایت روم ... و کثرت ... باشد ... باران
... **و اگر در حوت باشد** دلالت کند بر ... و ... از هوا و مرگ

زدن و صلاح حال مشایخ و اهل جبال و قرا و اکراد و وقف فواید سلطان و ظهور اسرار و نوشتن
و طرب و شادی اهل رستاق و سود و تغییرات و وحشت ازدواج و کثرت استعمال مزامیر و ادویه
و ظهور سرما پیش آمدن هنگام آن و توانگری ایشان و تاثیر این قران و این برج بهتر افتد و برج
بود و چه هر کوکب که در این برج محمود افتد اگر زحل مستقیم باشد خلاف آن و هیبت و ظاهر شود و ...
گسیخته بود **واگر در دلو بود** دلالت کند بر غلبه نشاط مردان و کثرت ...
در رستاق و کوچها و گرما و گرانی و کثرت موت زنان و بدی حال سلطان ...
و زلزلات و قوت حال پیران و ضعف جوانان و زنان و کودکان اگر زحل مستقیم باشد
تغیر حال ... و اگر رجوع ... باران و اگر زحل مستقیم بود دلالت کند بر ...
... نسل و بسیاری باران **مقارنه زحل ...** دلالت کند بر غلبه
... که در وقت ... و بسیاری ...
... کثرت ... و بسیاری ...
... و حال زنان ... و سیل ...
... **واگر در برج**
سرطان بود دلالت کند بر ... و ...
... و کثرت موت ...
و بسیاری ... و ...
اگر زحل مستقیم باشد دلالت کند بر کثرت موت ... و اگر ... بود

... بود و ... دلالت کند بر برف **واگر در حوت بود** دلالت کند بر برف و ...
و کثرت ... و ... زنان ...
... و ... زحل ... شدن ...
پس اگر زحل مستقیم بود دلالت کند ... در میان مردم ... باران اگر
... بود دلالت کند بر ... **واگر در ... بود** دلالت
کند ... و ... زحل ... و ...
... و کثرت ... و کثرت ...
و ... و اگر زحل مستقیم بود ... زنان ...
... زنان ... و کثرت باران ... و اگر ... مستقیم بود ...
... بود ... و کثرت ... **مقارنه ... در ...**
... زحل ... دلالت کند ... و ...
و اعتدال ... زیرا که ... و ... و چون کوکب ... زحل
زحل که ... بود ... در ... و ... شود در وقت
پس اگر زحل ... دلالت کند بر کوکب ... و ...
... و ... و اگر ... بود دلالت کند بر ...
... و ... و ... این
... و ... و ... و ... در ...

و پرو نقش بازارها و منهی شدن معاملات و وقوع خبر از چهت و کثرت برام دورت
بکار اندوکی در ولایت مغرب مقارنه در حمل در شرف ثریّا دلالت کند بر بد شدن احوال پیران
و اصحاب این دو شخص خلط انجمن و فساد در از چهت و زردن سکه مرده و برنج منافع و کساد
و تباه شدن بستن آن کذشته داعدن کاروانها و وقوع موت دواب و نفع و تغیر هوا در سر و رعد
و برق در وقت و برف و کثرت مرغ و تفاوت زحف و بسیار بیماری بود و بیش مرض و جنون کخ
اطفال و برنج برده و تحقیر و بدی احوال اشراف آن و ما من قسم و خشم ایشان و خطوط و کلان کل
وزرا و بدن عوان و اگر در ثور باشد دلالت کند بر ضعف حال اهل دیوان و ارباب و فقرا و روشن
خطوط مرده و خیانت خلایق و کثرت بیمارها و خونریزی و اوجاع برده و کشند و برف کثیر و رعد
و برق و اره و تفاوت زحف و بسیاری تهمت و تغیر حال خلایق و غزا و اهل اره و روم و خبر کردن امیران
و حدوث آشوب در بادیه و پیر بیماری و وقوع امراض و اشراف کتاب و کثرت از چهت پس اگر
زحل مستقیم بود و جنگ در میان عجم و روم و ترک ... کرکند کان بود و اگر حل رو مستقیم باشد و وقوع
امراض کثیره و اهل فرود و شدن و جستن باد شمال بسیار و اگر در جوزا باشد دلالت کند بر بسیاری
از چهت و تهمت میان خلایق و میل قوم به دزدی و عذر و مکر و اندیشیدن در حق یکدیگر و بستگی کارها
و اندوه کی بدو داد ... مردند و شدن ... از خطوط ... و تاریکی هوا و ظلمت هوا و حبس رت
کتاب و وقوع حرب در میان خلایق و فرو نشستن یکی از بنای ملوک و کثرت کار رو و ... و اگر
زحل مستقیم باشد مرگ یکی از فرماندهان عراق عرب و ... و ظهور حشرات الارض و اعتدال هوا
و اگر حل رو مستقیم باشد دلالت کند بر موت خلایق و قحط و کثرت هوام و اگر در سرطان باشد دلالت کند بر

و ادوار

و امراض و موت و بدی حال فرزندان کتاب و ارباب نقوش و خروج خوارج و هبوب باد قوت
و نوع بحث و ... و بسیاری دیوان و تجار و از چهت و غصب شدن نقود و بستگی بازارها و روشن خطوط
مرده و کمی دلالت و ظهور گروه منافق و کذاب و مشعبد و مفسد و بر گشتن هوا و خشکی باد و زلزله
کارها و بسیاری جوانان و اندوه خلایق پس اگر زحل مستقیم باشد مرگ چارپایان بود و ظهور حشرات
و نبات زمین و بسیاری بادها و قحط کشاورز و اگر حل رو مستقیم باشد خروج خوارج باشد و ... ابطال ان
و بسیاری باب و جستن بادها مقارنه هفتم در حمل و شرف تاکیک دلالت کند بر کثرت ... خاطر پیران و ارباب
قسم و حال و تجار و کلا و شعرا ان و شدن از چهت و تحت آن مرغ و تهمت و فقر و پیچ ضیاع
و عقار و بدی حال کاروانها و کثرت بازارها و فوت و طلب و برف و کثرت مرغ و تفاوت زحف
و سرما و باد و باران در وقت و بسیاری انواع مرض و مرگ ناگاه و در شهر تبریز بسیاری
اطفال و کثرت زنی و زنان و اگر در ثور باشد دلالت کند بر کثرت رعد و باران و مرز سیول ...
و رواج شدن یده و ... احوال وزرا و وقت فواید کتاب و علاوت و بازار برنج تجار
و اهل دیوان و از چهت و تهمت و خشم میان گروه و شدت حال سپاهیان و مرز عوان خصومتها
میان عجم و بسیاری بیماری و ... زحف و گردد و خراب ... هوا و رعد و برق و باد
سرد و ... مرگ پس اگر زحل مستقیم باشد خصومتها و جنگها ... و ظهور فتنه و ...
و خورستان و بسیاری مد و موج دریا و گرانی طعام و اگر حل رو مستقیم باشد و شدن قحط ولایت
... کند و ظهور سرما و برنج و سختی باشد و اگر در سرطان باشد دلالت کند بر حرکت عساکر و شدت
و ضعف میان لشکریان و موت زنان و کدورت و ... سلطان و ازجار و استن و حرکت

دلالت کند بر [illegible] زنان و مخالفت لشکر زمین مغرب و خواری [illegible] و لباس و شیوع
خبرهای عجب دیگر و روشن طلعت نیز کثرت و اگر خسوف [illegible] باشد این معنی با دشمن جنگ
باشد و مرگ مواشی و نقصان غله و کثرت باران بود در مواضع متعدده و اگر خط مستقیم باشد این معنی را با علما و مردم
واقع شود و بسیاری آب رود و خشک شدن [illegible] باشد و اگر در سنبله بود دلالت کند بر بعضی مردمان و وقوع زلزله [illegible]
در پست رایج بود و خوف موت [illegible] نفس مردم و شدت سرما در برف و حلیه و تاریکی هوا [illegible]
که [illegible] در پست [illegible] بود و قحط [illegible] که آب [illegible] متفرقان و مکر و خیانت [illegible]
علما و منجمان [illegible] و خوف و مرگ اشراف و [illegible] اگر [illegible] بود دلالت کند بر وقوع
موت در ولایت خوزستان و [illegible] بسیاری باران [illegible] و اگر خط [illegible] بود دلالت کند بر مرگ
زنان اشراف و طاعون در حیوانات [illegible] و کمی که [illegible] دلیلست بر بیماری
بزرگان و علما [illegible] موت ناگاه [illegible] در میان [illegible] شدت اهل دیوان و متفرقان و عمال [illegible]
[illegible] وکلا و دیوان [illegible] و در بازارها و گرانی [illegible] اظهار داشتن کار [illegible]
نباتات [illegible] در وقت [illegible] علوم [illegible]
[illegible] این حرف و دو بیماری [illegible] شدن کینها
دیگر [illegible] در میان خلایق و اگر این تاثیر در بلاد هند و اقلیم سیوم ظاهر آید و اگر در جوزا بود دلالت
کند بر کثرت [illegible] و تهمت و خیانت و [illegible] عمال و متفرقان و [illegible] جوانان [illegible]
دانندگان [illegible] مرگ [illegible] علوم [illegible]
بادهای عجب و رعد و برق و بحث علوم ریاضیه و [illegible] حال این قسم و وقوع [illegible]

دزدان

دزدان تا قتل از جانب شمال و کثرت [illegible] اگر خسوف [illegible] باشد دلالت کند که [illegible]
[illegible] از قوم [illegible] باشد و اگر خط مستقیم باشد صلاح [illegible] و اگر در میزان بود
دلالت کند بر کثرت اراجیف و [illegible] و خصومت عوام [illegible] شریف و اهل
[illegible] و [illegible] و [illegible] و اهل [illegible] و حدوث [illegible] رعد و برق
[illegible] باران وقت [illegible] و [illegible] اگر خسوف [illegible] بود حدوث
باران باشد [illegible] و اگر خط مستقیم بود [illegible] وقت با دشمنان [illegible]
خصومت کند و اگر در عقرب بود دلالت کند بر [illegible] و وفات [illegible]
[illegible] و کثرت اراجیف و بدی هوا [illegible] و بازارها دلالت کند بر
[illegible] یا عموم [illegible] نوع [illegible] میان [illegible] رستاق
و اگر خسوف [illegible] بود دلالت کند بر [illegible] دشمنان [illegible]
[illegible] و اگر خط مستقیم باشد دلالت کند بر فقدان [illegible] حاکم [illegible]
و ران ولایت و [illegible] کوه [illegible] فرزند [illegible] فرزند بود [illegible]
[illegible] مقارنه [illegible] دلالت کند بر [illegible] و [illegible]
[illegible] در [illegible] و حال [illegible] و اهل [illegible]
[illegible] و بازارها [illegible] اراجیف [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] دیگر [illegible] باشد
[illegible] نیز [illegible] بود [illegible] و [illegible] و وقوع [illegible]

حیوانات بسیار میرند و فراوانی بسبب بیماری حادث شود **و اگر در سرطان بود** دلالت کند بر خشکسالی و کمی باران
و هوای بد و بادهای گرم و سموم و قحط و غلا کردن و اختلال هوا و کثرت موت در دریا و غرق
و بسیاری هموم و مرض خلایق بسبب زنان و اگر خسوف مستوعب بود مرگ بعضی از زنان پیش باشد و حدوث
زلزله و وقوع زلزله و باران و اگر جزوی مستوعب باشد بحسب آن اجزا و اندکی ملخ و کثرت آن **و اگر در اسد بود**
دلالت کند بر شورش اهل بازار و ارباب دولت و تغیر رسوم پادشاهان و سرما و یخ بندان
و آن چه و حضرت سلطان دیده و دشمنان را امید و گرانی و قحط و وقوع وبا و مفلس آن
و هرج و کثرت طاعون و موت در محلات و کثرت بیماری و کثرت مالیخولیا و حال گوسفند
و درندگان و وقوع موت در دواب و باران در حدود پیش اگر خسوف مستوعب بود حدوث مرگ بود در کرم
اقلیم و اگر جزوی مستوعب بود بحسب آن در بزرگ واقع شود و هلاک گاوان بسبب آن در مواضع متعدد **و اگر در سنبله بود**
دلالت کند بر شور و حال کتاب و وزرا و کثرت مرغ و ماهی و حدوث امراض و اسهال و بسیاری رطوبت
و ظلمت هوا و کثرت ابرها و بسیاری ملخ و آنچه در نواحی شمال و تنگی در گندم و بازار و فتنه کسبه
و شایعات در شهرها و وقوع مرگ در بعضی حال فقرا و دشمنان و بسیاری مسافرت
و اگر خسوف مستوعب بود بسیاری مرغ و ماهی باشد و ظلمت هوا و کثرت نم دریا و اگر جزوی مستوعب باشد وقوع
موت باشد میان اهل مشرق و مردم و بسیاری مرغ و کثرت باد و باران **مقارنه قمر در حمل منخسف شده**
با زحل از آن قمر با زحل مطلق دلیل تغیر هوا است و میل بسردی و در زمستان فراوانی برف و ...
و اگر این حالت بعد از انصراف او باشد از خسوف و محسوس بود و کثیر گردد که ذکر کرده شد بحسب آن
و دهقانان و گوسفند اگر قمر در این حال بستر خسوف شود در ولایت مغرب پیش از حیله غله و

مقارنه قمر با زحل در منخسف شده دلالت کند بر خشکی هوا و حرکت بادهای سموم در وقت خشم
و گرگ بر مردم قوت پیدا کند و زوال اساس رسیدن ظلم و پیدایی میان خلایق و کثرت دل چیف
در وقوع شدت بهای بسیار حبوبات **و اگر در ثور منخسف باشد** دلالت کند بر مضرت رسیدن و آزار کشاورزان و برآیت
اذیه و زده و نقصان و ویران شدن و تغیر هوا و قطع بزرات و بودهای با منفعت و مرده و باران
در وقت دفن و حیوانات و تفرقه عامه و تزلزل در لشکریان و بدی حال سلاطین و بچگان و ویرانی
و خوف زنان حامله و طفلان و ملالت در ظرها و حدوث خوف و وقوع جنگ و مفسد و میان خلایق
و وقوف در زنان موافقت و شدت هیجان و خلوص و اگر خسوف مستوعب بود مکروه بسیار بود و ویرانی
بود بسیار در وقت و اگر قمر مستوعب بود جستن بود و شول و باران بسیار در وقت **و اگر در جوزا بود**
دلالت کند بر ماندن در حوام و آن زر و شدی و قطع حاصل و تاریکی هوا در وقت و در وقت
ماندن کار رها و مکروه بودن کاران و سرکردانی سلاطین و جابجا شدن آن و خرابی چیزها و موت بسیار کودکان زنان
و باران در وقت و اگر خسوف مستوعب بود مرگ بزرگان باشد در ولایت خراسان و ایران
و غم در وقت و اگر قمر مستوعب باشد بحساب اجزا بود و حدوث باران در وقت **و اگر**
در قوس بود دلالت کند بر حدوث ابرها و تاریکی هوا و باد و باران اگر در وقت باشد و دیده
شدن خیر و برکت و اصلاح میان مردمان و بسیاری در خلایق و اوقاف و میراث
و مال قضات و زنان و دولت و رفتن آتش کاران و وبا و دواب و تنگی حال عوام و جمعیت
و طلب علوم و دین و ضعف زنان حامله و والدان و خوانان و کثرت رسل و رسایل و میان گرگ
و اگر خسوف مستوعب باشد مرگ چهارپایان بود و کثرت باد و اگر قمر مستوعب باشد خونریزی و کثرت باران

برود در وقت مقارنه قمر و زحل در شرف خود یا دلالت کند بر کمی نفع و درستی هوا و صلاح حال
نباتات و گیاه و فراخی اطعمه و اشربه و هوا در فصل بهار در میان مردم و قوت فرزندگان
و اگر در ثور باشد دلالت کند بر مخالفت میان حکام در عیار اسعار و باریدن [illegible] در وقت و تنگی
طعام و تفرقه طعام و اندوه و تفرقه اکابر بزرگان و وزرا [illegible] و [illegible] و
و کدورت و تنگی حال کشتیها و رنج زنان [illegible] و اگر شتا گوید که شدت برف بود و باران
برف در وقت و اگر زحل مستقیم باشد کثرت [illegible] بود در میان مردم و کمی آب و گرانی طعام
و اگر زحل مستقیم بود [illegible] باشد و کمی کشت و کثرت باد و باران و اگر در سنبله بود دلالت
کند بر تنگی حال زنان و دوری [illegible] مسافران [illegible] و دردی [illegible] در وقت
و [illegible] و گرانی [illegible] و اطعمه و نباتات و تلف خلایق [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] عوام و اگر زحل مستقیم بود کثرت باران [illegible] بود در وقت و اگر زحل مستقیم باشد
[illegible] باشد میان اهل [illegible] و [illegible] و رطوبت هوا در وقت و اگر در عقرب بود دلالت کند بر شدت
و کثرت [illegible] و [illegible] مسافران و [illegible] و خلق عوام و [illegible]
هوا [illegible] در وقت برف و نباتات و [illegible] و کثرت میوه و حدوث امراض و [illegible]
پس اگر زحل مستقیم بود کمی آب و باران بود و اگر مستقیم بود [illegible] در وقت مقارنه
قمر با زحل در شرف هوا یا دلالت کند بر [illegible] [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] و [illegible] معاش و کسب و بدی حال [illegible] که آن
[illegible] و [illegible] و اگر در جوزا بود دلالت کند بر [illegible] و [illegible]

و [illegible] قوم و [illegible] میان ایشان [illegible] و رنج مسافران و [illegible] عوام و [illegible]
[illegible] و [illegible] هوا و [illegible] و [illegible] میان حکام [illegible] و [illegible]
و [illegible] و ضعف [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] و اگر زحل مستقیم بود
[illegible] و [illegible] و اگر زحل مستقیم بود و صلاح اهل [illegible] باشد
[illegible] در وقت و اگر در میزان بود دلالت کند بر [illegible] عوام [illegible]
شدن [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] در وقت [illegible] و کثرت [illegible]
و [illegible] و اگر [illegible] بود [illegible] باشد در وقت [illegible]
[illegible] مستقیم بود و [illegible] و کثرت [illegible] در وقت و اگر در دلو بود دلالت
کند بر [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] میان عوام و [illegible] میان ایشان [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] زنان [illegible] مسافران [illegible] عوام و اگر زحل مستقیم باشد [illegible]
[illegible] در وقت و [illegible] کند [illegible] مقارنه قمر با زحل در شرف خود یا
دلالت کند بر [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible] و اگر در سرطان بود دلالت کند بر [illegible] و [illegible]
در وقت و [illegible] و [illegible] مسافران [illegible] و [illegible]

و نقصان متعب رکود و مدت حرب و دنیا ابتدا اندوه و بلا ارزانی و مدت عوام و حیوانات و ولایات
و شدت و مرض و موت بود با اکثر زنان و کراهت و اگر زحل مستقیم باشد مرگ بزرگی از حبس بیرون آید و اگر
مستقیم باشد کدورت خاطر و حبس در احداث بود و اگر در عقرب باشد دلالت کند بر وزرا و ذکی و زنان
و وزرا مانند جاسوسان و گرفتار شدن و بدی هوا و تیرگی در هوا و باران کم در وقت و بلا و
مخالف در وقت و مانند حدوث عوام الناس و کثرت مراسلات میانه ملوک و سلاطین و اگر
زحل مستقیم باشد باران در وقت و سیل بود و اگر مستقیم باشد حرب بود و هلاک چهارپایان [illegible]
و کثرت باران در وقت و اگر در حوت باشد دلالت بود بر بلا [illegible] هوا و باران [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] و حال [illegible] و اشراف [illegible]
[illegible] و طغیان آب چشمه [illegible] در وقت و اگر زحل مستقیم بود [illegible] باشد و اگر مستقیم باشد
[illegible] بود [illegible] فصل چهارم در قرانات کوکب مشتری و مشتری
در بروج [illegible] مریخ و مشتری [illegible] قران مریخ و مشتری [illegible]
[illegible] پس اگر مشتری [illegible] مستقیم بود دلالت کند [illegible]
[illegible] و حدوث [illegible] ملوک و سادات و اشراف و علما [illegible]
اگر مریخ غالب و مستقیم بود دلالت کند بر تعصب و بیداد کردن حاکمان و نکبت رسیدن
به قضاة و اشراف و ملوک [illegible] و [illegible] مزاج این دو کوکب [illegible]
[illegible] رسیدن [illegible] و حدوث سلاح [illegible]
فضل و ادب [illegible] مریخ و مشتری [illegible] دلالت کند بر [illegible]

[illegible]

سلاح و امرا و جمع شدن لشکرها [illegible] در جانب مشرق [illegible]
و [illegible] لشکریان [illegible] و [illegible] و نقصان باران [illegible]
[illegible] و قضاة و [illegible] و [illegible] سلاطین [illegible]
[illegible] هوا در وقت [illegible] و [illegible]
[illegible] در جانب مشرق بود [illegible] و اگر در حمل باشد
دلالت بود بر [illegible] حرارت [illegible] و اشراف و [illegible]
[illegible] و دیگری هوا
در وقت [illegible] حرب [illegible] حرارت و اگر [illegible]
[illegible] بود [illegible] در ولایت روم و مرگ [illegible]
[illegible] سلاح اگر مشتری مستقیم بود و مرگ [illegible]
[illegible] و اگر مریخ مستقیم بود و مرگ [illegible] جدال باشد [illegible] و اگر در اسد باشد
مرگ [illegible] باشد و خراب شدن [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] در وقت [illegible]
بود و [illegible] حال امرا و لشکریان [illegible] سپاه [illegible]
حال سپاه و [illegible] حرارت [illegible]
[illegible] اگر مشتری [illegible] باشد و اگر مریخ مستقیم باشد [illegible]
[illegible] و اگر در قوس باشد دلالت کند بر [illegible]

در حدود حضرت چین و اطراف اتراک و سپاهان و درویشان جاهای خود و حکمرانان بلاد ق
و وزیدن بادها بسیاری گرد و خراب شدن بزرگان بزرگ کرما در وقت بسیار که و آن در چ
ماه شر باشد خوفی در قحط طعام و وقوع حزن و حدوث مرض و وبا و حدوث اختلاف مذاهب و ظهور بدعت بسبب آن
و قتل بعضی از اهل اطلبان و بیماری و موت در ولایت روم و ظهور اندکی از فتنه‌ها و آن که در جوش
عمارات و … عام و موت و موت بکنگ فتنه انگیزان و اگر مشتری مستقیم باشد مرگ دشمنان سلاطین
با علم و کثرت بریخ و بسیار بیماری و موت و اگر مریخ مستقیم بود موت پادشاه بابل بود و تلف گردد و م
دهستان و نقصان آن بزید و اگر قران مریخ و مشتری در مثلثه خاکی دلالت کند بر رفتن و دفع میان
بزرگان و بودن از جهت و کثرت مصرف قضاة و فتنه داد و وحشی رو بد گشتن هوا و زیان
زرع از ملخ و دیگر حیوانات پرنده خاکزمین که در جهت اثر باشد و بسیاری از خشکی و گرمی
و قوت ارباب سلاح و اهل اداران و … و حصول اشراف و زوال الحکمیان و بیماریهای کهاید
و وقوع غزوهای حزری و خوف و ترس و حرکت لشکریان و هلاک ستوران و … دار اکاب
و غلب این تاثیر در اقلیم چهارم و سیوم بود و اگر در مثلثه بادی دلالت کند بر رفتن و نبات
و منازعت میان اکابر و زحمت این طایفه از اهل شرف و دراقش از اتفاقات از … خاصه که در ربع
برد از ملخ خاصه که در ماه شهر بود و گرمی و خشکی در وقت و خواب بسیار در بلاد و تشویش بزرگان
و هلاک اشراف و خرابه اکثر … و بیماری آمدن شیخ در ستیق در موت یکی از قضاة و اگر مشتری
مستقیم بود خرابی بشتری از نواحی باشد و بسیاری رعب و اگر مریخ مستقیم باشد خرابی بعضی از نواحی
و زمستان و خوف ترس بود و حدوث امراض و موت اکابر و اگر در مثلثه بادی باشد دلالت کند بر کثرت

امورا

اند و اکابر و جهان و شکایت ایشان از اشرار و بسیاری از … بر زواج اشراف
و زیرکان و ظلم و تعطیل شدن اموال تجار و فوع اهل عراق و موت اکابر و فقها و زرق بعضی
از قضاة و وحشت ایشان و کثرت دزدان و در این طایفه و بسیاری دوده دام و کثرت …
ایشان و اگر مشتری مستقیم باشد مرگ بزرگان باشد و اگر مریخ مستقیم باشد مرگ کم باشد و نظر در شش …
و کمی باران و اگر در مثلثه آبی بود دلالت کند بر قوت لشکریان و امرا و ضعف … و اشراف و بیماری
و نزلت در این طبقه در بخش ایشان از امرا و اهل سلاح و قوت او … و کم قلاش …
و بیماری و موت در ولایت روم و مرگ سباع و هوام و موذیه و هلاک طیور اهلیه و زحم و …
در اکثر ماه و ربات و زنده … و در میان ایشان و یکی از فرق اسلام و از شرق … کن
و اوطان و خوف و فتنه در میان اکثر … و شوبا سلاطین و عوض … لشکرها و ارسال عساکر بحرب …
و جای که غازیان و تغییر هوا و خشکی و اگر مشتری مستقیم بود مرگ دزدان و کثرت آب و افراط …
در وقت و اگر مریخ مستقیم بود و بسیاری برده باشد و مرگ گوسفند و کمی باران و … سرما در وقت
مقارنه مریخ و مشتری در مثلثه هوائی دلالت کند بر فتنه در بعضی ولایتها و از جهت … و ظهور … اکابر
و وزرا و قضاة و اشراف و زحمت ایشان از لشکریان و بد گشتن هوا در قحط و بادهای …
و بیماریها از سرخ باد و وبا و وحشت … و مصادره توانگران و میل قضاة و بسیاری
… و ظهور حدوث … در هر … که در جهت … و نزد … و حرکت لشکریان
و خونریزش و بیماریهای خونی و صفراوی و وقوع در چاهها … و … گرمی هوا
در وقت و پیدا آمدن اعدا از اطراف و جوانب و اگر در مثلثه آبی دلالت کند بر … میان

وکثرت خون ریختن وخوف کارها وظهور حیوانات [illegible] واستخراج جواهر از [illegible] وشدتی
خونها وحرکت مسافران وشدتی در بلاد وقری ونزدیکی نباتات وفراخی طعام وشراب
واگر در سرطان باشد دلالت کند بر خشکی [illegible] وقصد بدکان بر ملکان وعقوبت امرا و وزرا وزحمت
مسافران دریا وحرکت مرکب کاران [illegible] و[illegible] ومکروب شدن اشرار وقلت انهار
وموت یکی از اعدای پادشاه وخروج اهل حرب ووقوع نزاع وخصومت میان ایشان ودیگر [illegible]
[illegible] تفرق حکام ومساکین واوطان ودخول دشمن ودر میان خلایق و[illegible] سلاطین [illegible]
ایشان لشکرها را ودر اول سال [illegible] [illegible] تا غایت وتغیر هوا خشکی واگر مشتری مستقیم
بود [illegible] دزدان باشد وبدکاران واگر مریخ مستقیم بود خروج دشمنان وکثرت حریق بود
واگر در عقرب باشد دلالت کند بر [illegible] ولایات عراق وخرابی بعض مواضع [illegible] وموت
لشکریان ونهب وغارت ایشان ووقت [illegible] ونقصان باران [illegible] حال [illegible]
وغلبه کردن امرا واهل سلاح بر ضعفا واشراف ووقوع [illegible] تا [illegible] هوا [illegible] تلف شدن
اموال خلایق وغلبه کردن ملکان اگر مشتری مستقیم بود موت ونوبت [illegible] بود و یکی
از [illegible] ایشان ودر نواحی [illegible] شهرها واگر مریخ مستقیم باشد خوف در عراق وعرب ونزاع
اهل [illegible] با یکدیگر [illegible] جبال وکثرت [illegible] وحرکت **واگر در قوس باشد** دلالت کند بر استیلای [illegible]
بر مزاج قضاة واشراف وعلما [illegible] اهل سلاح [illegible] وغالب شدن [illegible]
[illegible] وکثرت [illegible] [illegible] در ولایت شام و[illegible]
[illegible] [illegible] ودیگر [illegible] هوا وشیوع

امراض در مردم [illegible] در اطراف [illegible] وصداع [illegible] تند در وقت
وکثرت اراجیف [illegible] شب [illegible] عاشر بود [illegible] سیما بعداوت [illegible]
[illegible] ودیانت کتب وقت [illegible] هلاک فضلا وخرابی [illegible] وسیع حال [illegible] دارند یکی
باران ومرگ یکی از قضاة وشدتی از اعدا ولشکریان واگر مشتری مستقیم بود هلاک [illegible] بسیاری
رطوبت در وقت واگر مریخ مستقیم بود مرگ یکی از حکام [illegible] بود [illegible] در اعدا وجوان
واگر در میزان باشد دلالت کند بر ضعف امرا واهل سلاح وقوت وزرا واشراف وارباب صلاح وظفر
یافتن ایشان وبطالت اهل [illegible] وظهور [illegible] در [illegible] سیما در اول سال [illegible] لشکری وخشکی
وکثرت [illegible] وعداوت بعضی بعضی ودر [illegible] وکثرت فوت [illegible] بر اشراف وبسیاری
دزدان ونهب اموال [illegible] اگر مشتری مستقیم بود [illegible] ظهور [illegible]
اموال مسافران وتجار از دزدان وقطع کاروانات واگر مریخ مستقیم بود [illegible]
در میان حکام بود [illegible] وکثرت باران در وقت **واگر در دلو باشد** دلالت کند بر [illegible]
اموال اهل سپاه وامرا وکثرت [illegible] ایشان وبسیاری [illegible] میان [illegible] موت وکدورت قضاة
وارباب [illegible] وبسیاری [illegible] وعلما [illegible] هوا [illegible]
[illegible] [illegible] وغلبه [illegible] اهل [illegible]
وکمی باران واگر مشتری مستقیم بود [illegible] کوهستان شهرهای [illegible] کمی باران بود
واگر مریخ مستقیم بود وبسیاری آب وباران باشد وکثرت طعام **مقارنه مریخ ومشتری در مثلثه**
آبی دلالت کند بر بدی [illegible] دریا وقصد کردن [illegible] وقضاة وعلما [illegible]

دارند

در هشتم و دهم و اگر مشتری مستقیم بود حکام عراق و عرب نیکو کنند و مدحت نیکا کنند و ظهور آیات و حدوث
فرح در مردم و اعتدال هوا و اگر مریخ مستقیم بود اعدا بر اهل بابل و جبال آن پیروز آیند و ظهور فرح بود و در آن
بلاد و در زمان قحط و قطع و [illegible] کنند و کثرت رعد و برق بود در وقت **مقارنه زهره و مشتری**
در مثلث ناری قران زهره و مشتری بهترین قرانات بود و اگر احوال ایشان به این دستور نیستی
خلایق [illegible] یا مردم بیشتر و صلاح زنان و سپاهیان [illegible] اسباب زینت و کثرت
نکاحها و تولد فرزندان [illegible] و فراخی طعام [illegible] و تغیر هوا و [illegible] روش [illegible]
[illegible] نوع [illegible] زمان [illegible] مردم [illegible] و فرحت [illegible]
خیر و برکت **مقارنه سعدین در مثلث آبی** دلالت کند بر عفت زنان و [illegible] اهل عرب و در این
نکاحها و امانت در مردم و قوت دین [illegible] و لهو و طرب و زینت در [illegible] و قضات [illegible]
در عدل و اجابت دعا و [illegible] اعتدال هوا [illegible] و فراخی [illegible] مردم [illegible] و [illegible]
و [illegible] اطراف و قوت [illegible] و [illegible] صلاح [illegible]
[illegible] و [illegible] مردم [illegible] و قوت حال [illegible] **و اگر در [illegible] باشد**
دلالت بود بر صلاح اکابر و قضات و [illegible] احوال [illegible] و [illegible] ایشان [illegible] و کثرت
نکاحها و [illegible] ازواج و [illegible] زنان و اهل طرب و [illegible] اشراف [illegible] و [illegible]
[illegible] و فراخی نعمت و محبت [illegible] عادت [illegible]
و [illegible] و اگر مشتری مستقیم بود قوت حال [illegible] بود و [illegible] و اگر [illegible]
بود [illegible] باشد **و اگر در [illegible] باشد** دلالت کند بر [illegible] و محبت خلایق [illegible]

[illegible] و لهو و طرب [illegible] اهل طرب و سپاهیان [illegible]
[illegible] اهل [illegible] و [illegible] فرح زنان اکابر و قضات و [illegible] دین و [illegible]
حال [illegible] و اگر مشتری مستقیم بود [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible] سپاهیان [illegible]
[illegible] **و اگر در [illegible] باشد** دلالت کند بر کثرت [illegible] اطراف و [illegible]
زنان و کثرت [illegible] و صلاح احوال [illegible] اشراف و کثرت [illegible]
و سپاهیان [illegible] و اگر مشتری مستقیم باشد [illegible] باشد [illegible] عراق و عرب
و [illegible] سپاهیان [illegible] زنان [illegible] احوال [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible] کثرت [illegible] سپاهیان [illegible]
[illegible] **قران سعدین در مثلث خاکی** دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و لهو و طرب [illegible] نکاحها [illegible]
و اجابت دعا و فراخی [illegible] سپاهیان [illegible] اعتدال هوا [illegible] خلایق [illegible]
[illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] **و اگر در [illegible] باشد** دلالت کند بر کثرت [illegible]
[illegible] زنان و مردان [illegible] و [illegible] زینت و کثرت
[illegible] و محبت [illegible] و خوشی [illegible] مردم [illegible] مردم [illegible]
[illegible] رسیدن [illegible] و [illegible] احوال ایشان و کثرت [illegible]

و حدوث ... و اگر مشتری مستقیم باشد هلاک اصل ... بود و بیماری بسیار و کمی باران و کم
زهره مستقیم بود ... و اصل ... بود و مرگ بزرگان بود و اگر در سنبله بود دلالت
کند بر موت زنان و حرب ... و مرگ ... بود و ... [illegible]
و ... خلاف ... جنس ... [illegible]
... [illegible]
فخر الدین ... دلالت کند بر ... [illegible]
... [illegible]
اگر مشتری مستقیم بود ... [illegible]
کمی ... بود و در ... [illegible]
... و اگر در جدی بود دلالت کند بر صلاح ... [illegible]
... [illegible]
کارها ... فخر الدین ... [illegible]
... [illegible]
... اگر مشتری مستقیم باشد ... [illegible]
... و اگر مریخ مستقیم بود ... [illegible]
مقارنه سعدین در مثلثه هوائی دلالت کند بر ... [illegible]
... [illegible]

... و ... خلایق ... [illegible]
... [illegible]
... و اگر در جوزا بود دلالت
کند بر ... اهل اسلام ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
اگر مشتری مستقیم بود صلاح حال ... [illegible]
... [illegible]
... اگر در میزان باشد دلالت کند بر صلاح احوال ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... و اگر مشتری مستقیم بود ... [illegible]
زهره مستقیم بود ... [illegible]
اگر در دلو باشد دلالت کند ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... اگر مشتری مستقیم باشد صلاح حال ... [illegible]

مستعد بود و زحل بلا بود در تلف بهایم و سبب آن نکبت عجب ابرها و کشش ... ملوک فرزند و وزرا
و قحط دانه ها و بران **مقارنه زحل و مشتری در عقرب** دلالت کند بر قوت حال قضات و اشراف
و نوشتن و خدم و سپاهی و بدنه کی نزع در وقت و اعتدال هوا و تند سستی خلایق در ... زمین
و بلاد ایشان و ... حیات و جهت ... اصلاح ... خلایق و سپاهی
و هر ... آن ... فی الطرح ... و قوت اجتماع ... کشته ... احوال ...
سپاهی ... **و اگر در سنبله بود** دلالت کند بر گسستن شدن فلان ... سپاه ...
در ... احکام ... و قوع ... در جبال ... بزرگان ... و ...
و فراخی نعمت و سپاهی طرب ... قضات و ...
... و دریا اگر مشتری مستقیم بود صلاح حال اهل عراق بود و اگر زحل مستقیم بود ...
بود **و اگر در عقرب بود** دلالت کند بر کثرت بارندگی و طرب ... و ...
... و دریا و ... وقوع ... و حدوث ... در ... وقوع ... در دنیا ...
و قوت ... و کثرت ... در عالم ... حال ...
و دشواری ... و اگر مشتری مستقیم بود ... بعد قتل ... و اگر زحل مستقیم
بود ... کوهستان باشد و کثرت ... **و اگر در حوت بود** دلالت کند بر ... ملوک ...
و ... در ... کثرت ... سپاهی ... و ...
و ... دلالت و کثرت ... و ... و ... وقوع ...
... و فراخی نعمت و کثرت ... و ... گشته ... از ...

ا ...

زاهد ... ارباب ... وقوع ... قضات و صلاح ارباب ...
... اگر مشتری مستقیم باشد ... خلایق بود و سپاهی ... زنان
... و اگر زحل مستقیم بود ... بود و ... زنان و کثرت ... و اگر این قران
... احوال ... قوت ... اتفاق افتد ...
... و ... حال ... و فراخی ... سپاه ...
سپاه ... **قران عطارد و مشتری در مثلثات ربع ... آتشی** قران عطارد و مشتری ...
دلیل بود بر حرکت هوا و حدوث ... ضعف ... اتصال کواکب ... قران
باشد ... دلالت کند ... و طلب ... علوم
و امانت ... حال ... پس اگر مشتری ... مستقیم بود دلالت کند بر قوت حال
بزرگان و ... کار ... عدل و سپاهی ... و فراخی ... و اگر عطارد
... بود ... باشد دلالت کند بر راستی و درستی ... و ... سخن ...
و سپاهی ... علوم ... و ... دلیل ...
معتدل بود ... دلالت ... و فراخی ... علوم با یکدیگر **قران عطارد**
و مشتری در مثلثات دلالت کند بر ... حال ... و ...
... و راستی و امانت ... و سپاهی ... جواهر و وقوع ...
... و ... شریعت ... احکام ...
... و راستی ... کلام خلایق ... دین اسلام ...

وشادی ابنای ملوک و حشم پادشاه و بر خزانه و اهل کارخانه و تنظیم کردن مهم خود و اهل بازار و درگاه
سلاطین واگر در حمل بود دلالت کند بر قوت حال تجار و اهل بازار و اصحاب دواوین و ظهور بعضی ان
و ارباب تحقیق و راستی در خلایق و رغبت مردم بعلم و دیانت و بر قران و خیر و خوشی و وقوع
معاملات بنفع و صلاح و پرسش بیماران و ... حق ... امدن تدبیر ... و رواج ... و کثرت
اسباب و کتاب و کثرت باد و رعد و برق و ملوک در میان لشکریان بود و اگر مشتری مستقیم بود
موت و هلاک لشکریان بود و حدوث باران و باد و اگر رجعت و مستقیم باشد قوت حال حکام
بدیه باشد و ظفر او بر دشمنان و جستن بادها واگر در اسد باشد دولت و اقبال بود و کثرت قوت
ندما و فسق ... در جبال و ظهور علوم و موت یکی از حکام و ... اهل مشرق و کثرت
پادشاهان بکند و تموج هوا و ... راستی در خلایق و قوت اهل علم و اختلاط
ایشان با پادشاه و سلاطین اگر مشتری مستقیم بود و اهل مشرق قصد حکام ... کنند ...
... و اگر رجعت و مستقیم بود حرب ... در خوزستان و کثرت ... واگر در قوس بود
دلالت کند بر رغبت مردم بعلم و ادب و شادی اهل حرفه و تفرج اهل دیوان از وزرا و ...
... حق جستن بادها و اعتدال هوا ... حکام و سلاطین شام و ... اهل شام ...
... و حسن حال وزرا و کتاب و قوت حال اهل هند و ظهور علوم و اگر مشتری مستقیم باشد
... بادها جستن و بسیاری کشت و زرع در خوزستان و اگر رجعت و مستقیم باشد اهل مشرق
در ناحیت جنوب قتال کنند و ... نمایند و شیوع قحط ... بود مقارنهٔ زحل و مشتری
در مثلثهٔ خاکی دلالت کند بر رونق بازارها و زیادت و فراخی و ارزانی ... دولت

حال وزرا و دبیران و طب و شعرا و اهل تنجیم و صناعات و تجار و امدن کار و ...
... و ... مقصد ... و حاصل ... طرق و شوارع و رواج بازار کتب
و قوت اهل قلم و ورزیدن ... و اعتدال هوا ... واگر در ثور باشد دلالت کند
بر علامات کتب و فضلا و اهل دیوان و تجار و رونق اهل عراق و دیانت در مردم و امدن ...
... و حدوث ... و انواع ... علوم و حدوث باران و جستن بادهای ...
... در بلاد روم ... حرب و کثرت ... و رواج ... و اگر مشتری مستقیم باشد
... بود ... در ولایت روم و امدن باران ... و اگر رجعت و مستقیم بود خروج
خوارج بود بر حکام عراق و حرب ... واگر در سنبله باشد دلالت کند بر قوت حال اصحاب دیوان
و عمال ... و تجار و اهل عراق و رغبت مردم ... و جستن بادهای ...
رونق ابواب ... و رواج بازار ... راستی در مردم ... و کثرت طلاب علوم
حقیقه ... و ... اگر مشتری مستقیم بود ...
اختلاف و جنگ باشد ... و اگر رجعت و مستقیم باشد ... حاکم بغداد بود
و مرگ ... واگر در جدی بود دلالت کند بر جستن بادها و ... رواج بازار ...
... اهل کلام و قوت حال دبیران و ... از هر نوع علم ...
... و ... احوال ... جمال وزرا و کتب ...
... شرح و اگر مشتری مستقیم بود و جنگ پادشاه روم باشد ... بسیاری
... و اگر رجعت و مستقیم بود مرگ یکی از حکام عراق عرب

بود و بسیار مال پادشاه روم و شهرها و اکثر ولایت در وقوع زلزله در زمین فارس **مقارنه زحل و مشتری**
در مثلثه هوایی دلالت کند بر سلامت حال ملوک و دبیران و مستوفیان و عمال و تجار و اهل بازار
و اسب [illegible] بحث و [illegible] رونق [illegible] و [illegible] کار روانیها و [illegible] برود و [illegible] باد و با
اعتدال هوا و تندرستی خلایق و ارزانی اشیا و اطعمه و شراب و [illegible] حکام و نجوم و مصاحبات اطبا
و رونق کار فضلا و [illegible] عدل و [illegible] سخن حق و [illegible] بحث بیماران
[illegible] و [illegible] و بسیاری [illegible] **و اگر در جوزا باشد** دلالت کند بر رونق تجار
بازار و بسیار [illegible] و صحت و [illegible] و علاج [illegible] بیماران و [illegible] و [illegible] حسن
و [illegible] و فرح ارباب [illegible] و [illegible] و [illegible] بجا [illegible] و [illegible] طبقات [illegible]
و [illegible] و [illegible] و [illegible] و اطعمه و فرح خلایق و [illegible] حرکت [illegible]
و [illegible] در بلاد روم و خرابی شهری از ملک [illegible] اگر مشتری مستقیم بود [illegible] اهل [illegible]
در روم و [illegible] و اگر [illegible] مستقیم بود [illegible] حکام و [illegible] حرب و خون [illegible]
در میان خلق **و اگر در میزان بود** دلالت کند بر [illegible] از [illegible] عجم و [illegible] روم و کثرت
دزدان و [illegible] طریق و [illegible] و فرح [illegible] و کثرت فواید
[illegible] و [illegible] در [illegible] و [illegible] با اهل ایران و [illegible] تندرستی
و علاج [illegible] بیماران و اعتدال هوا و اگر مشتری [illegible] باشد [illegible] از [illegible]
[illegible] و اگر عطارد [illegible] بود [illegible] از حکام فارس [illegible] و بسیاری دزدان [illegible]
و [illegible] **و اگر در دلو بود** دلالت کند بر کثرت [illegible] و شدت [illegible] و [illegible] بر فضلا

[illegible]

و قوت اهل علم و [illegible] و [illegible] و امانت در گوسفند و رونق بازارها و فرح تجار و [illegible]
در شرق [illegible] در روم و حدوث باران و شدت برودت [illegible] و اگر مشتری مستقیم بود حکام
عراق [illegible] و [illegible] پادشاه [illegible] باشد در زلزله و باران [illegible] و اگر
مستقیم بود [illegible] از حکام فارس [illegible] پادشاه روم [illegible] و کثرت باران
باشد **قران زحل و مشتری در مثلثه آبی** دلالت کند بر [illegible] اهل [illegible] و اهل بازار [illegible] و [illegible]
و [illegible] در [illegible] و [illegible] اهل [illegible] و [illegible] خوش
هوا و [illegible] و [illegible] و [illegible] و قوت نباتات و [illegible] خوش
و [illegible] و [illegible] و [illegible] اصلاح کارها و کثرت [illegible] و بحث [illegible]
و [illegible] اهل [illegible] و [illegible] حال بیماران و [illegible] بشود و [illegible] در [illegible]
و اگر در سرطان بود دلالت کند بر [illegible] و [illegible] و [illegible] بیماران و [illegible]
و صحت خلایق و [illegible] و فرح [illegible] و [illegible] و [illegible] و کثرت
خرابی در بلاد و [illegible] و فرح [illegible] و [illegible] ابرها و [illegible] باران [illegible]
[illegible] و اگر مشتری مستقیم بود [illegible] از حکام فارس [illegible] ولایت در [illegible]
آن ولایت و خرابی اکثر اقالیم و بسیاری باران **و اگر در عقرب بود** دلالت کند بر خلاف [illegible]
و وقوع در شرق و [illegible] انواع خرابی و [illegible] شهرها و [illegible] از [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible] و [illegible] و [illegible] خرابی [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] بازارها و بسیار [illegible] و [illegible] و اگر مشتری

سنتي باشد خوف و دشمنی بهم رسد بلا در باشد و هوب در ناحیت مشرق و اگر ... باشد
فتنه باشد در روم و ستان و فتح گرمی و حصار ها و غوغا و انهم ... از ناحیت جنوب و اگر در ثور بود
دلالت کند بر فراخی نعمت و ترتیب ... و کار بر فصل ... باران بیاید و نیل گندم و جو ... و شستی کم
حال ... و کثرت آب ... و کثرت ... آنچه و ... بسیار ... و کثرت ... ایمنی و شنت
برنج و خرما و میوه ... بود ... و اگر ... بیاید حکم ... فی ... خرما
ضایع کند ... در بعضی ولایت ... حادث شود و قحط و کثرت باران بود و مقارنه قرانات مشتری در مثلث
آبی و در برج اثنی عشر و آن قسم مشتری ... دلیل کثرت رطوبت ... باشد و سیل و آب
بعوام ... اگر در جوزا باشد دلالت کند بر حرکت لشکرها و ... ایشان با یکدیگر
... و بسیاری ... و اگر در سرطان بود دلالت ... بیک
هوا ... حال ... و ... خرید و فروخت ... در ... بیش ... خیز
... ولایت ... برنج و گندم و ... و قوت ... اشراف ...
کار ... که ... ایمنی ... بهم ... و ... و باران در وقت اعتدال هوا
... بعضی ... و قحط ... باشد اگر مشتری ... بود فراخی سال بود و باران ... وقت
و اگر ... بود بسیاری رعد و برق و باران در وقت بود و اگر در سنبله بود دلالت کند بر ...
... و طلب کردن ... خرید و فروخت ... و ... و ... در ... بزرگان
... و ... و ... از خلایق و اطاعت ... در ... و اگر مشتری ... بود
... گردد و اگر ... بود ... باشد در وقت و اگر در میزان بود دلالت کند بر ...

باران و ... حرارت هوا در وقت ... و ... ایمنی
... گندم ... و فتح ... میان ... و ... خلایق ... گندم
و ... گندم و ... اگر مشتری ... بود ... باران ... باشد و اگر ... باشد ... بود
... آب ... و ... و مقارنه قرانات مشتری در مثلث خاکی و دلالت بود بر صلاح حال ...
... ایشان ... در وقت ... میان ... و اگر در ثور باشد دلالت بود بر ...
... عامه ... زراعت ... و ... فراخی نعمت
... و کثرت ... آب ... و ... باران در وقت
... و ... اگر مشتری ... بود و ... باران و آب باشد و اگر ... بود و کثرت باران
باشد در وقت و ... آب ... و اگر در سنبله باشد دلالت کند بر آمدن
باران در وقت و کثرت ... زراعت ... و ... بیماری ... کرمات و ...
... و ... حال ... و فراخی نعمت ... بسیار ... و ...
... مشتری ... و اگر مشتری ... بود باران ... و اگر ... بود
... باران ... باشد و اگر در جدی باشد دلالت کند بر ... عوام و ...
... باران ... اعتدال هوا ... گندم ... باران ...
در وقت ... ترددی ... و وقوع ... خلایق ... اگر
مشتری ... بود ... بود و اگر ... بود مقارنه قرانات مشتری در مثلث
هوایی دلالت کند بر جنبش لشکرها ... میان خلایق ... و ... آمدن ...

بسیار خشکی هوا در وقت واگر عطارد با وی باشد دلالت کند بر آمدن خبرهای خوش و جهت [illegible] جهت
جهات شهرها و اعتدال هوا و نوشتن خطها و شادیها و جستن [illegible] و دیگر احوال اهل قلم و [illegible]
و بسیاری فرح اهل علم و [illegible] در وقت و دیگر احوال زنان و [illegible] و بسیاری [illegible] و فتح جهات
واگر مشتری مستقیم بود کمی باران [illegible] شده واگر مستقیم نباشد باران بسیار آید واگر با وی زهره باشد
دلالت بود بر روئیدن نبات و [illegible] خشکی [illegible] و وقوع خبرهای صدق [illegible] جهت اشراف [illegible]
زنان و عوام و بسیاری امر معروف [illegible] کاران [illegible] هر اجتماعی [illegible] طاعات
و بسیاری [illegible] و وقت [illegible] زنان [illegible] واگر مشتری مستقیم بود کمی باران و خشکی هوا
باشد واگر مستقیم [illegible] بود بسیاری باران [illegible] واگر قمر با وی بود دلالت کند بر جستن بادها و [illegible]
شایع و عفونت هوا [illegible] در سفرها و [illegible] طلبات [illegible] و کثرت باران [illegible]
و فرح عامه و عیش زنان و کثرت خیرات و صلات [illegible] سفران و بسیاری کشت و زرع اگر مشتری
مستقیم باشد کمی باران [illegible] بود واگر مستقیم نباشد بسیاری باران [illegible] بود مقارنه قمر و مشتری در برج
آبی دلالت کند بر [illegible] ابر [illegible] و خروج [illegible] پادشاه [illegible]
واگر [illegible] دلالت کند بر [illegible] عامه [illegible] و فرح [illegible] سفران [illegible] و نفع
و فایده در سفر [illegible] بسیاری [illegible] در وقت و فرح زنان [illegible]
[illegible] واگر مشتری مستقیم بود باران
[illegible] بود واگر مستقیم بود [illegible] پادشاه [illegible] باشد [illegible]
[illegible] دلالت کند بر روئیدن بادها و آمدن [illegible]

در دو وقت [illegible] کاران و اعتدال هوا و قوت [illegible] و [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] زنان و [illegible] عوام [illegible] در وقت [illegible] عسکر [illegible]
[illegible] اگر مشتری مستقیم بود دلالت کند بر کمی [illegible] واگر قمر مستقیم بود [illegible] باران بود واگر
[illegible] دلالت بود بر [illegible] عوام و عیش زنان [illegible] کاران [illegible] آمدن باران
[illegible] در وقت [illegible] و [illegible] مسافران [illegible]
عوام [illegible] حال [illegible] و کثرت [illegible] واگر مشتری مستقیم بود [illegible]
واگر قمر مستقیم باشد کثرت [illegible] بود فصل سیوم در قرانات کواکب سفلیه با مریخ در مثلثات [illegible]
[illegible] زهره و مریخ در مثلث [illegible] مقارنه زهره و مریخ دلیل باران باشد [illegible]
در وقت [illegible] که در برج رطب باشد [illegible] ایشان [illegible] دلیل بود بر [illegible]
زنان [illegible] ایشان اگر مریخ غالب [illegible] باشد دلالت کند بر [illegible]
[illegible] در میان ایشان [illegible] زنان [illegible]
[illegible] واگر زهره [illegible] باشد [illegible] واگر زهره غالب بود دلالت کند بر [illegible]
و حکم کردن ایشان [illegible] این کواکب دلیل اختلاف هوا باشد [illegible]
[illegible] اعتدال [illegible] زنان [illegible] میان [illegible] مقارنه
زهره و مریخ در مثلث [illegible] دلالت کند بر [illegible] در میان [illegible] حرب و قتل و کثرت [illegible]
[illegible] و [illegible] زنان [illegible]
[illegible] و [illegible] زنان [illegible] هوا در وقت

و میل امرا و لشکریان بزنان و عیش و وقوع مرگ فجأت و اگر در حمل بود دلالت کند بر خلاف و منازعت
در ازدواج و وقوع طلاق و فراق و کثرت فسق و فجور و زنا و در روایتی دیگر بیماری فرزندان و هلاک
و درمها و بارندگی و مرگ خاصه که در مشرق باشد و طرب و راه و بیش کثرت شود در جبال طاعون و مرگ
و فوت دواب و اگر باد و کثرت قحط و جنس [illegible] اعتدال هوا و حر بیماری زمستان و منازعت
میان ارباب لهو و طرب و اگر مریخ مستقیم باشد وبا و بیماری بود و مرگ در خوزستان و جنوب در شهرها و خشکی
و اگر زهره مستقیم باشد بیماری تب و اگر باد و کثرت باران عد و اگر در اسد بود دلالت کند بر وقوع
عداوت میان خلایق و حدوث رعد و برق و باران در وقت نگاهان و کثرت فرزندان و میل و فرح
و بیماری زنان و فوت در میان زنان بشرافت و قحط و زیاد مطر و ان و فرح خلق و تنگی و اوهام
در میان [illegible] ازدواج و ملامت مزاج زنان و کودکان و میل ببدن زنان و پسندیده و بدنی
و میل خاص بشدن عیش و فجور و اگر مریخ مستقیم باشد مرگ ملک اهواز و خوزستان بود و خواهد داران
و فوت و فوت یکی از اهل حرم او باشد و وقوع حریق و ظهور دیگر باران و اگر زهره مستقیم بود باشد
و شیوع بود و میان خلایق در شهرها و اگر در قوس بود دلالت کند بر علامت و پریشانی در ازدواج و طرب
در اهل صلاح و بارندگی و نقصان حیوان و رغبت زنان بکارهای ناپسندیده و میل اهل صلاح
و فوت یکی از فرزندان ملوک و کثرت امراض و آفات در میان مردم خاصه زنان و قحط و زیادتی باران
و بدی احوال خویشان و اگر مریخ مستقیم بود مرگ ملک عراق و عرب باشد و بیماری عداوت و قتل
میان بزرگان و یکی از اعادی دیگر باران و اگر زهره مستقیم بود و سلامتی اهل عرب باشد و بدی حال
بزرگان و کثرت مطر و مقارنه مریخ و زهره در مثلثه خاکی دلالت بود بر دلیری کردن فرزندان و پسران

عیش و فجور و فساد شدن لهو و طرب و قحط و نباتات و بد گشتن هوا و تفاوت زمستان و بیماری
زنان و زنان بکارهای ازدواج و طلاق و فراق بسبب عیش و عاشقی و ثبات زنان مسلمان و بیماری که
و کوهستان و حدوث بلای عظیم در فرقه و اگر در ثور باشد فساد و دزدان باشد و بدکاران و بیماری عیش و فجور
و فریب زنان و حدوث زنان با شوهران و غلبه کردن درد و دواب و کثرت درد چشم و قحط و نقصان اشجار و ثمار
و سایر نباتات و بیماری و مرگ فجأت و بدی و بیماری حیوان و دزدان و ثبات بستن و بیماری عرب
و کثرت بارندگی و هوا و تفاوت زمستان و تابستان و در طرف مشرق و خواهد بعضی قرار و مرگ
در خلاف و بیماری و فوت زنان و فرح لشکریان و کثرت فساد و دزدان و رعد و برق و باران و اگر مریخ
مستقیم باشد مرگ و وبا و درد اعضاء و کرمی هوا باشد و اگر زهره مستقیم باشد بیماری و باران و مرگ و اهل عراق
که بستن و مرگ بزرگان در ولایت و اگر در سنبله باشد دلالت کند بر کثرت فرقت فرزندان و وقوع حرب
و قتل و ضرب در میان لشکریان و قتل بعضی از فرزندان و فوت بعضی و فساد و طلب مریخ زنان و میل
و خاصه و در پیران و کم رشد شدن کار و فرزندان و بعضی ان و خصومت ازدواج و دوستداری و وقوع تحصیل
و نقصان حیوان و ابدان زنان و بعضی ان و بیماری در این طبقه و گرفتاری جمعی از اهل قبول ایشان
و بیداری ظهور و هوام خانه و اگر مریخ مستقیم بود و فوت یکی از فرزندان و بیشتر اسباب زنان و هلاک
اطفال و اگر در جدی بود دلالت کند بر فرح اهل صلاح و رغبت مردم بفسق و فجور و دروغ و خوردن و لا
و بیماری و بارندگی و گرمی هوا و نباتات و بکارهای ازدواج و عزیز شدن کنیزکان و حریق در جنوب
عراق و فوت حال امرا و لشکریان و کرامت و لایتها و اسیر بردن و دعوت زنان و پیروی
مطربان و کودکان و خویشان و اگر مریخ مستقیم باشد هلاک ملک خوزستان باشد و مرگ و غم

و در نسخه دیگر [illegible] [illegible] [illegible]

وسختی سرما و اگر زهره مستقیم باشد حوادثی حادث شود و اگر در ولایات خراسان و خروج
خوارج در کوهستان و ... و کثرت باران **مقارنه زهره و مریخ در شرف بود** دلالت کند
برف و حال ... میان زنان ... و ... نباتات و اشجار در بساتین
دیرها و بسیاری هوام و ... برادران ... و بزرگان و اختلاف هوا ...
شدن ... زنان ... ایشان ... خواستن ... گران
... **و اگر در جوزا باشد** دلالت کند بر ... اخلاق ...
... ازواج در ... زهره
... در وقت ... میان زنان ... مخالف ...
... اگر مریخ مستقیم بود ... باشد ... و اگر زهره مستقیم بود
... کوهستان بود ... **و اگر در سرطان باشد** دلالت
کند بر ... زنان ... و کثرت
... زنان ... ازواج ...
... اگر مریخ مستقیم بود ... و اگر زهره مستقیم بود ...
زنان و کثرت خوارج در جبال و بسیاری ... **و اگر در اسد باشد**
دلالت کند بر بسیاری ... زنان ... اولاد ...
... اگر مریخ
... بود در عراق ... باران و اگر زهره مستقیم باشد ...

دلیری

... **مقارنه مریخ و زهره در ...** دلالت کند بر ... و حال ...
حال زنان ... اطفال ... و ... ازواج ...
... در وقت ... باشد ... نباتات ...
... **و اگر در سنبله باشد** دلالت کند بر ... زنان ...
... خواستن ... **...** ... حال ...
... اگر مریخ مستقیم بود ... خوارج در جبال در رسیدن ...
... زنان ... باران و اگر زهره مستقیم بود ...
... در عراق ... **و اگر در عقرب باشد** دلالت کند بر کثرت باران ...
... در لشکریان ... دلالت ...
... زنان ... خوارج در جبال ...
... زنان ... و اگر مریخ
... زنان ... و اگر زهره مستقیم باشد ...
... **و اگر در قوس باشد** دلالت کند بر ...
... بسیاری باران ...
... زنان ... بسیاری ...
حال ... و اگر مریخ مستقیم باشد ... بسیاری ...
و اگر زهره مستقیم بود ... بسیاری باران باشد **قران زهره و مریخ در ... [illegible]**

و در برج ثور اگر زحل رد دو مریخ متعلق و کیس بود دلیل خوف و خطر باشد و آمدن باران بموسم و تقویت امور
دیوانیان و کثرت رسیدن اموال و غارت و تاراج و پیری و تیغ ها و بارانها اگر مریخ غالب و مستقیم بود دلیل
بر تعصب و خصومت و استیلای فتنه و فساد و قتل نمودن مردم با یکدیگر و حقد و حسد و حرب و جنگ کردن
و اگر عطارد غالب و مستقیم بود دلیل بود بر طلوع و گیاه و له و ستیزه کردن و ماررستن در مردم و بسیاری
دروغ و شقاوت و قحط و غم و اگر زحل و عطارد و مریخ در ثور مجتمع شوند دلالت کند بر ساختن آلات حرب
و حرکت لشکرها و غضب و سفاهت در میان مردم و رجحان ارباب قلم و تکار و اهل بازار و تهمت و غم و حاجت
متفرقان و تعصب میان مردم به ایشان و لشکر و سپاهی از جهت و خبر بد و فتنه و غوغای خلق و در اقلیم سیوم
رشم و بسیار بلا و مخوف مریخ و عطارد و زدن در آنهم و خوف و قحط و خفا و معطل شدن و طراران و شیادان
و ظهور مدعیان کیمیا و حیله و زرد آن جماعت و ظهور علامات آسمانی و دواب و اگر در جوزا باشند دلالت کند
بر حرب در ولایت شام و حرب و قتل جماعت و قتال میانه های ایشان و در ولایت روم و گسستن حوضها
لشکری از طرف مغرب و خروج و غارت کردن و فساد و امراض از سعال و وجع و بر ابر در عراق
و ویران و ساختن آلات حرب و رجحان مردم بقیه و خصومت میان اهل بازار و نوبت و طلب آتش
و دروغ مستمر و ظهور کذابان و اهل شقاق و سفاهت و رجحان اعمال و کتب آن از جهت و خیانت در مردم قطعی
طرق و فتنه در شرق و رزدن در صحرای قبله و بانگ بوق و دهل در میان اهل بازار و میدان و ایمن
مرکب گران و شعیدان و منازعت صنایع و اهل حرفه اگر مریخ مستقیم بود میان اهل روم و دشمن و دلیل
و متحرک شدن و هلاک بزرگی در آن ملک و اتفاق افتد و خشم و بیماری و تشنجی و اگر در سرطان باشند دلالت کند
بر کم شدن خشکی هوا و سپاهی شدت جنگ و دار جهت و حیله و اختلاف و فساد و علت در حرکت

آلات حرب و ستم و بیماریها و بیم و شکست و اماره رنج و آنکه به ظهور فرس و هلاک اعدای ایشان
و دولت در کتب ارباب نویسنده و حرب میان اهل مغرب و مشرق و در کرک و ملایر مرده و کثرت
ریح و گرد و غبار در وقت باران و کثرت کرمه و منازعت میان اهل قم و خداوندان سلاح و تعزیت
و تشنیع در میان ایشان در زمین و دریا و سپاه میان اهل فضل و تقوی و تألیف چهار پایان اگر مریخ مستقیم بود
موت یکی از فرماندهان روم باشد و کثرت امراض و علل و موت خیلی از افراد و اگر عطارد مستقیم باشد
سپاهی خوف از رسیدن ایشان شود و کرشمه تو در بدرت در حکمت روم و خلاف پسران و بعد از آن دولت
انجام و اگر در اسد باشند دلالت کند بر کشته شدن امرا و زنان و کتاب و وقت وزاید ایشان و وقوع
مرض است میان ایشان و کثرت از جهت ترس میان ترک و قتال و موت و فساد و غضب و علامت
دیران و مکتب ان و ارباب فضل و کسب و بازارها و ستم بر رعیت و بحث و مناظره میان اهل علم و اگر
مریخ متحیر بود و قتل شد میان اهل عراق و عرب و دریا و حرکت و فساد و بدان و اگر عطارد مستقیم
بود قتل و خون ریختن میان اهل مشرق و مغرب و کثرت دریا و جستن دواها و اگر زحل و عطارد و مریخ
در سنبله باشند دلالت کند بر خروج مخالفان و بدی راهها و غضب و زردان و طراران و فساد و حال گاو
و مرارعان و کمی اطعمه و نباتات و آمدن کاروانها و فساد در جهت و بدی حال متفرقان و کلا
و حرکت اهل دیوان و فساد دواب و نقصان بازرگانان و حال پسران و فساد بعض حیوانات و خوف اهل
قم و لشکریان و دعوی میان برسبیل آن سپه سالاران و اگر در میزان باشند فساد حال زنان و رقت و
دو کشتن و نباتات و آمدن بعضی از اهل بلاد در زمین در صحرا و ظهور کذابان و طراران و جستن
چهار پایان و چرندهای صحرا و فساد مزارع و دواب و رنج اهل متفرقان و لشکریان و دروغ و تهمت

و بیماری اطفال بود و اگر ابر بود کثرت موت مردم و بسیاری باران و حوادث کند و حزن
و موت میدید و حوادث و خروج رعیت بر اهل سلاح و اگر مریخ مستولی بود دفع و شده و اگر زحل
و موت مردم و باران و بسیاری برف و اوضاع مستقیم و اگر عطارد مستولی باشد و خوف و ترس و مرگ و قتل
باشد و جستن باد و ترسناک باران **و اگر در سنبله باشد** دلالت کند بر فتنه و نزاع و ترس و اهل سلطان
و حوادث و حرب در شب یک صفر بود و خوف و شدت در بعضی بلاد و حشیش هوا و کثرت فتنه و بیماری
و حوادث بر حوادث و حرارت ... اهل دیوان و ارباب سلاح و غضب کردن عوام و کثرت اندوه و چیزها
و اگر و حیله و ... و نکشتن هوا و بسیاری آفات حرب و موت ان ... که از اهل قلم
و اگر مریخ مستولی بود جنگ ... و میان ... از اهل ... ترس مردم جبال ... بسیاری دزدان
و اگر عطارد مستولی بود خونریزی ... باشد و ... کثرت دزدان **و اگر در جدی بود** دلالت کند
بر بسیاری اندوه و ... مردم ... بسیار و کشتن بزرگان ... مال و دروغ و وقوع و ... و کثرت
حیله و کارهای ... و نکشتن هوا ... رعد و برق و باران که ... و قوت ... هی
در ولایت مردم و کثرت مرض ... و ... کهنه ... ایشان ... و اگر مریخ مستولی بود مرگ
مردم هلاک شود و کثرت باران ... بود و اگر عطارد مستولی باشد مرگ ... ترس بود در زمین مردم
و ... **مقارنه زحل و مریخ در مثلثه آبی** دلالت کند بر ... و ... و اهل
... و ... بسیار ... اهل ... و ... و بسیاری اندوه
و ... دواب و ... و نکشتن هوا و بسیاری حیوانات و ... مردم ... و ... و ... جستن
... و ... دزدان ... اهل قلم و ... و ظلم ... در ...

ابر بهم

... و ... مردم ... و ... و ... دزدان و ... و ... و ... مردم و قت **و اگر در جوزا بود**
دلالت کند بر ... و ... و ... بزرگان ... و ... مردم خاصه ... و اهل قلم
... ارباب ... ب ... مرض ... از ... و ... و ... و ... ترس ... و ...
... و ... و ... و ... و کثرت ... و ... اولاد و مرگ
و ... که ... از ... و ... و ... و خروج ... از جانب ... و ...
میان ... اگر مریخ مستولی بود مرگ ... از ... و ... باشد و خروج لشکر ... ان
... اطراف ... جستن ... و اگر عطارد مستولی باشد ... جنگ بود و میان اهل ... قلم
و ... و ... ان **و اگر در میزان بود** دلالت کند بر ... اهل مرگ ... و وقوع ... حریق
... و ... و ... و ... و ... و ارباب ... و ... و ... ان
و ارباب ... ان ... اهل ... و ... در رعد و برق و باد و ... و ...
... ان ... و ... هوا و ... مردم و ... و ... و ... و اگر مریخ
مستولی باشد مرگ ... و ... و بسیاری خوف و ترس ... و ... اهل
... و ... و ... و اگر عطارد مستولی باشد صلاح حال مردم ... شد و ... حریق ...
... و کثرت باران در ... ان ... **و اگر در دلو باشد** دلالت کند بر جنگ و ... در میان
مردم و ... ظلم و ستم بر اهل ... و ... و ... مردم و ... میان
... و ... و ... و نکشتن هوا و ... و ... و هلاک ... اهل ... از ولایت ... مرگ
... بیک ... ولایت و کثرت ... و قتال ... و اگر ... و کثرت مرض ...

وگرانی و بسیاری نم و رطوبت و اگر مریخ مستقیم بود مرگ در زمین فارس شیوع یابد و در شاهان فتنه و اگر
عطارد مستقیم باشد بسیاری جدال باشد و در شاهان مرگ در مردم و کرث [illegible] **مقارنه عطارد و مریخ در [illegible]**
آید دلالت کند بر تلف کشتها و در شاهان اندک حیف و برخاستن سحابات و [illegible] و بیماری که نیستی
صعب و کثرت [illegible] و رطوبت در نوع و ظلم و [illegible] بهمت [illegible] و [illegible] دا [illegible]
و برق و هلاک حیوانات اهل [illegible] و [illegible] و ابرهای مختلف و پراکنده که [illegible] و [illegible] ن
و کلاه [illegible] **و اگر در سرطان باشد** دلالت کند بر [illegible] و خیانتها [illegible] بسیاری اندک حیف و [illegible]
و [illegible] را [illegible] و [illegible] و [illegible] کشتها و [illegible] صعب و [illegible]
و [illegible] و [illegible] هوا [illegible] اهل [illegible] و وبا و کثرت موت در مشرق و قتال [illegible] ملوک
و [illegible] عوام و [illegible] هلاک و شدت حرارت و [illegible] و [illegible] و [illegible]
و موت در میان اهل [illegible] و کثرت [illegible] اگر مریخ مستقیم بود و [illegible] بسیار باشد و [illegible] شهرها
[illegible] و اگر مستقیم بود حدوث زلزله بود و گرمی هوا و در شاهان مرگ در میان [illegible] **و اگر در عقرب باشد** دلالت
[illegible] بود در [illegible] عرب [illegible] اهل جدال [illegible] ظفر یافتن و اگر [illegible] ولایت [illegible] و کثرت
موت [illegible] و شدت مرض [illegible] و [illegible] کثرت [illegible] خلایق و ظلم بر اهل [illegible]
و [illegible] کشتها و کثرت [illegible] و مرگ [illegible] کذب [illegible] و خیانت [illegible]
[illegible] هوا [illegible] اهل [illegible] اگر مریخ مستقیم بود هلاک [illegible] و در شاهان مرگ در مردم و [illegible]
[illegible] و اگر عطارد مستقیم باشد جنگ [illegible] عراق عرب [illegible] و بسیاری ابر و باران بود
و اگر در قوس باشد دلالت کند بر بدی حال [illegible] اهل [illegible] و [illegible] و خیانت [illegible]

[illegible] خلایق [illegible] حیف [illegible] و [illegible] حیوانات اهل [illegible] و [illegible] هوا [illegible]
[illegible] مردم و اهل مشرق و [illegible] شاهان [illegible] و قتال [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و ابرها [illegible] و [illegible] اهل [illegible] و اگر مریخ مستقیم بود حرکت ملوک [illegible]
[illegible] مردم [illegible] و اگر عطارد مستقیم بود پیدا شدن [illegible] بود و مرگ مردم و کثرت
[illegible] **مقارنه قمر و مریخ در شرف [illegible] در برج [illegible]** مقارنه قمر و مریخ دلیل است بر [illegible]
و [illegible] و [illegible] در عوام اهل [illegible] و بسیاری [illegible] در [illegible] اهل [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و اختلاف [illegible] اهل [illegible] اگر مریخ مستقیم بود [illegible] باشد و کثرت قتال
و [illegible] و اگر [illegible] بسیاری موت [illegible] در [illegible] و [illegible] سباع و [illegible] و [illegible]
و اگر قمر مستقیم باشد کثرت [illegible] بود در وقت **مقارنه قمر و مریخ در [illegible]** دلالت کند بر حدوث
امراض [illegible] و [illegible] در وقت [illegible] و حرکت لشکریان [illegible] و [illegible] بسیار [illegible]
[illegible] و ابرهای پراکنده و بسیاری ظلم **اگر در حمل باشد** دلالت کند بر [illegible] عوام [illegible]
و [illegible] اهل [illegible] مختلف [illegible] مریخ [illegible] و بیماری [illegible] و اگر [illegible] در وقت
[illegible] لشکریان [illegible] و [illegible] و مرگ [illegible] اموال [illegible]
و [illegible] در میان عامه و [illegible] ارباب [illegible] و اگر مریخ مستقیم بود [illegible] عراق عرب بود
و [illegible] در آن ولایت و بیماری [illegible] و اگر قمر مستقیم باشد بسیاری باران بود در وقت
و اگر در ثور باشد دلالت کند بر مرگ [illegible] و در ولایت مغرب و پراکندگی [illegible] در آن [illegible]
و کثرت [illegible] و قتال [illegible] سباع و [illegible] و [illegible] هوا [illegible] و اختلاف [illegible]

و تزویر رسولان و حاجبان و نامه و فرمانها و آن درخت سرما و ان و مادهای کف و بیماری حلق
و بیماری زنان حامله و اگر مریخ مستقیم باشد اندکی باران بود و اگر مستقیم بود کثرت باران و نم بود
در وقت. **و اگر در ثور بود** دلالت کند بر رنج خاطر عوام الناس و میان گوسپند و رسل و بوس ... کارزار
و امردان وقت و آن حد رنج نفوس و کمی هوا در وقت و واقع کردن دواب و ازکار بگیرد هم بکارداران
دکانها عوام و رنج ذات و کارهای دنیا و اگر مریخ مستقیم باشد اندکی بهار و باران باشد در وقت و اگر مستقیم
باشد بسیاری باران و آب بود در وقت **مقارنه مشتری و مریخ در ثور** دلالت کند بر ناایمنی راهها
و جنبش لشکریان و دزدان و راه زنان و بدی حال سوداگران و بزرگان و آفت درختان و میوه‌ها
و تاریکی و حیات هوا در وقت و بیماری دزدان و کثرت مرگ ... جات **و اگر در جوزا بود** دلالت کند بر کثرت
درخت و خبرهای ... و رنج عامه و زنان حامله و مقاطعه و ... و خرابی عوام الناس و پیمان
و تشنیع ... و سکون ... و نظم دزدان و تغیر ... و حال زنان مرگ و ... کار
بزرگان و بسیاری ... مرگ ... و شفقت ... رسیدن ... و اکثر ...
و اموال ... و دواب و اگر مریخ مستقیم بود جنگ و لشکرکشی در میان مردم بسیار باشد و کمی
باران و گرانی طعام و اگر مستقیم بود ... حاصل باشد و کمی کشت ... و بسیاری باد و باران
در وقت **و اگر در سرطان بود** دلالت کند بر خبر ... و ظلم ... دیوان و ... اهل عراق
از سپاهیان و ارباب ... و تباهی راهها و ... در میان عوام و ... و بیماری ... و
... فرزندان و رنج ... و بسیاری باد و باران و نم بسیار ... و اگر مستقیم باشد میان
... و ... و ... بر کثرت ... و واقع ... **و اگر در جدی بود** دلالت کند بر

و ... در عوام الناس ... و ... بازارها و ترقی ... و ... و دشواری وضع حمل و ... بیماری
... در وقت ... حال ... و کرفتاری ... و بیماری ... بزرگ و ...
... و ... و اگر مریخ مستقیم بود هلاک ... زنان ... اگر مستقیم باشد
کثرت ... بسیاری ... بود **مقارنه قمر و مریخ در میزان** دلالت کند بر ظهور ... در ...
... دنیا ... و کمی ... در وقت و کثرت دزدی و خیانت **و اگر در ...** دلالت کند
بر رنج زنان حامله و ... دزدان ... و ... و ... و کدورت
... و ... و بیماری ... و ...
... در ... و ... و کثرت ... عوام ... و ...
و اگر مریخ مستقیم باشد کمی باران باشد و خشکی هوا و اگر مستقیم بود باران بسیار ... در وقت
و اگر در ... باشد ... و ... مرگ ... و ... باران ... در وقت
... و ... بیمی راهها و ... و ... زنان و بیماری ...
... و ... در میان عوام الناس اگر مریخ مستقیم باشد کمی باران و نم بود و اگر مستقیم
باشد بسیاری باران و نم بود در وقت **قران قمر و مریخ در ...** دلالت کند بر ...
... و ... و ... و ... حال ... و ...
... در وقت **و اگر در ...** دلالت کند بر ...
... و ... و ... و دشواری وضع حمل و ...
... و ... عوام الناس ... و ... لشکرکشی ... و

پیکار میان ایشان و روم و ویران و مرده و برق در وقت و حرب و فتنه و مرگ از فرزندان و نیمه
مرگ و مال اسپهبدان و بر لشکریان و اهل حرب و فتنه و ملاحیس بسیار گردد و غرق شدن و این در وقت
جادوی کلیه و جولیه و فصول باشد و دلیل و عجایب و استقبالات اگر اتفاق افتد و اگر مریخ مستقیم باشد
بر ایران و روم اسپهبدان بود و اگر قمر مستقیم بود و اسپهبدان ایشان باشد و در اکثر بلاد و ولایت سکونت [illegible]
باشد در روم و جنگ بود و **اگر در عقرب بود** فتنه و قران بود در حد قران در دریا و قید جاسوسان
و حرکات ابها و پدید آمدن سنگ ریزه و کدورت هوا و اندوه زنان و هیبت ایشان و علت فرزندان
و ضیق عیش عوام و تنگدستی از بیکاران و استیم و مرگ یک از جانوران و فارت در حد برق و باران
در وقت و اگر مریخ مستقیم بود مرگ بیماری باشد در عراق و حرب و قوت ایشان اسپهبدان و مرگ
در حد ترس عوام و در حد برق و اگر قمر مستقیم بود و اسپهبدان ایشان بود در حد در عقرب **اگر در قوس باشد** دلالت
کند بر رنج قران و اندوه کشتن در میان زنان و مرگ عوام و اسپهبدان بکثرت غارت و دیگر ... و کثرت
علما و شرف و مرگ حیوانات پا و هوای صید و آن در دریا و حیرت و کثرت و بلاک بلاد و قتل و غارت
و اسپهبدان و در ولایت روم و کوهستان آن و بیماری در وقت و پدید آمدن دزدان اگر
مریخ مستقیم بود هلاک عوام باشد و ترس بود و اگر قمر مستقیم بود و در حد بلاد اسپهبدان باشد **صنف چهارم**
در قرانات زحل به مریخ در شش برج مثلثات که اول برج حمل است و قران زحل و مریخ در قرانات و ...
در ربع مقارنه زحل و مریخ دلیل است بر اعتدال هوا و حسن بود در تابستان و سردی
زمستان و رغبت مردم بعلم و بسیاری و تدبیر و قوت ایشان از آن کشف و وضع رسوم و بعضی و لطیف
و فیهما رزق ایشان اگر در حد و مقارنه باشد دلیل بود بر کثرت کمال علوم و رغبت مردم بعلوم

و صنایع دقیقه و اعتدال مزاجها و روش ... و حال آن مردم در دوق ... و زاره و روش عمیق ... بر **قران**
و صفین در مثلث ناری دلالت کند بر دروغ و کار بزرگان و اهل دین و پایه و قتل ایشان در عدالت و بر ایران
و اهل بازار اسپهبدان پیچ و بره و وحوش و جوامع و اعتدال هوا و در اوقات بخار و تاریکی در حد برق
و ما دون عدالت و تبها و فتنه‌ها و بعضی حرکات میان خلایق و در زاید الحوم و حوادث و فراخی معرفت
و دیگر دلالت بر پیدا آمدن جنگ و محبوس و اهل قم و دفع ... **و اگر در حمل باشد** دلالت کند بر عنیمت
و خوف کتاب و بدحالی زنان و ترک و نیکی حال پیران و صناع و تجار و رغبت خلایق به حرب
و کثرت پیچ و فزونی و برده و فتنه و اوقات بحارات و تاریکی هوا در حد برق و در اوایل بازارها
میان بازاریان و مخالفت ازدواج و کثرت اولاد و فتنه در ولایت ... و وصل ایشان و زنان اگر
زحل مستقیم بود لشکرها در فتنه و وصل ... و دولت اهل ... و کثرت ... و باران باشد اگر عطارد
مستقیم بود فتنه در کوهستان و ... کرده و کثرت ابر و باران **و اگر در اسد باشد** دلالت کند بر تعشق میان زنان
و امور آن و اعتدال هوا و بسیاری خلایق بعضی و فجور و تزیین بازارها و بسیاری اهل قرار و وقوع موت در
بلاد و حرب و کثرت اطعمه و عفونت هوا و غالب شدن خون بر مزاجها و اگر زحل مستقیم باشد
کثرت ... باشد در زنان و کودکان و مشایخ در حد برق و اگر عطارد مستقیم باشد ترس و خوف
و در اکثر ممالک باشد و حرب و خون ریختن و گرمی هوا **و اگر در قوس باشد** دلالت کند بر کثرت اندوه
و اسپهبدان عداوت میان مردم و حکام و فراخت ... و دوستی ... اهل ... و تعشق میان زنان و مردان
و کثرت فتنه در بعضی از اقلیمها و جمع شدن مردم در زمین عراق و عرب و اهل ... و مانند آن و حرب ... گشتن
و نیکی حال پیران و اگر زحل مستقیم بود میان اهل عراق و ولایت حرب باشد و ارتفاع باران در حد برق

باشد و اگر قطع دستی بود ملک با سبب هزیمت شود و بسیار کشته بود و مرگ ایشان فرج زن باشد **مقارنه بعقیلین**
در برج جدی دلالت کند بر بسیاری پیچ و شری و ظلم و عیب است و شر بسیار و عیب میان و زنا زاید و دروغی
و بسیار کشته شدن و آمده شده کار روا نشود مسافران و رفتن دزدان خبر رونق و بسیاری خارت و غارت
و بدی حال و کلاه و تفرقه ایشان و ظهور شدید بزرگان و بودن سرما و کمی باران در وقت و جا بیکار کردن علامه
دزدان و بدی در ... از ... و بیمار ان و در وقت ... و ... رنشد ... و تیز هوا و خشکی
و کشت ... و دانا ... کار ... داران ... اهل ... **اگر در ثور باشد** دلالت کند بر رونق
... اهل ... و ... بازارها و غیر ... علامات و آمدن خبر ... و ... اهل عادت
و ... دیدن مسافران و فرح فضلا وار باب ... در بازرگانی در وقت ... و ... اهل ... با ...
در طبع با اعتدال و بدوها ... و فرح ... و ... زنان ... بر ایران و اهل ...
اگر ... بود مرگ ... و ... باشد و ... کمی ... و اگر ... دستی بود اهل ... میان
کند و جستن ... و کثرت باران **اگر در سنبله باشد** دلالت کند بر ... اهل ... و ترک
... و حکمت و فرح ... و ... کثرت فواید ایشان ... و فرح ... و تعلق زنان
با مردان و ... و ... بهات ... و ... و ... و ... ... و ظهور ...
و تیز هوا و بسیار حال ... ... ارباب ... ... و ... ان اگر ... دستی باشد
هم و حکمت ظاهر کرده و رعد و برق ... باشد در مواضع ... و اگر قطع دستی بود پادشاه
روم و عرب از مرتبه خود نازل کردند و کثرت ... **اگر در میزان باشد** دلالت کند
بر رونق ... اهل ... و غیرهای ... ... در خلایق و ... ... اهل اسلام و ...

و ... و ... میان زنان و ... و دروغ و مرگ ... عظیم ایشان مردم و کثرت ربا
و ... و جدال ... ... و فرو ... ... و مرگ زنان اگر ... دستی بود پادشاه
روم ... بسیاری ... باشد و کمی باران و اگر قطع دستی بود پادشاه مردم را ... فراق
... و ... طاعون ... و کثرت باران و طوفان باشد **قران علویین در برج عقرب** دلالت کند
بر رونق ... ... بسیاری ... ... بازار ... ... ایشان
و ... ... کار ... اهل ... و ... زنان ... ... اهل ... ... ایشان
و ... ... و ... در وقت ... و ... در وقت ... و ... ... بود
و ... ... اسلام و ... ... زنان و ... ...
و ... ... و ... ... کثرت ... **اگر در جوزا باشد** دلالت کند
بر ... کار اهل ... ... و امانت ... ... و ... و ... ... محبت ...
... ... مسافران و ... ... اطراف ... رعد و برق ... ...
اگر ... دستی بود ... ... باشد ... رعد و برق و اگر قطع دستی بود ... اهل روم و عراق ...
... باشد **و اگر در سرطان باشد** دلالت کند بر بسیاری ... مسافران ... ...
... ... ازدواج ... بازارها و فرح ... ... و تیز هوا و مرگ ... ... میان
... مردم ... کردن ... و اگر قطع دستی بود ... اهل روم ... ... و مرگ
... شود **و اگر در اسد باشد** دلالت کند بر ... اهل روم ... ... و ... ...
... ... زنان ... ... بسیار ... ...

اگر زهره مستقیم بود میان مردم بزرگ شدن و حرب بود و در زمستان خوب مخصوص باشد و از قحط باز دیگر
و اگر عطارد مستقیم باشد قصد مردم باشد و اگر راجع باشد بازرگانان را منفعت **قران مشتری با زهره**
در شرف دلالت کند بر صحت سلطان و کثرت میوه و بسیاری نعمت و بسیاری باران و ...
در غربت و باران دیگر در وقت در روز غلات ارزان و ... و صلاح حال عامه و فراغی
علوم و شادی اهل صحت و لهو و طرب در ... مردم و عداوت ... باشد
اگر در سرطان باشد زلزله بود و موت در بلاد و در ولایت شرق مردم بیشتر شوند و رعد و برق باشد
و باران و بادهای خوش شود و اگر زهره مستقیم بود فواید باشد در زمین و ... در ولایت روم
... و کثرت رعد و برق بود و اگر عطارد مستقیم بود ... مردم ... ایشان بود
و شرق ... زن و ... دلالت کند **و اگر در عقرب** دلالت کند بر ... حال زنان و ...
و کثرت ... و ... از آن در شرق ... و در ... باران ...
و ... از مغرب ... و ... قتل و ... و دزدی و ...
خوب و پراکنده شدن لشکر ... و ... زنان ... و ... رعد و برق اگر زهره مستقیم باشد
موت حاکم ... قتل ... رعد و برق ... و اگر عطارد مستقیم بود کثرت ...
و پراکنده شدن لشکرها ... **و اگر در حوت باشد** دلالت کند بر ...
زنان ... و ... از ... و ... مفسده و صلاح
احوال مردم و عدل سلطان و رعد و برق ... و زیاده شدن ... و خوب ... گرگ ... و مرگ
پس اگر زهره مستقیم بود صلاح حال مردم باشد و کثرت ... و باران و برف اگر عطارد مستقیم

بود و خوب بزرگ بود و در ... بسیار بود و باران **قران قمر با زهره و مشتری در برج** قران و مستقیم
زهره مستقیم دلیل بسیاری مال و عمارت ... و کثرت نعمت و فراخی ... و مرگ ... بیماری ... رشید ...
و مکان ... و طبیعت ... و ... کردن ... و ... کرده ... لطیف ... بسیار
... و در وقت پس اگر زهره مستقیم باشد دلالت کند بر کثرت ... و در وقت اگر قمر مستقیم باشد
... بود و کثرت ... بسیار در ... **مقارنه** ... اگر قمر مقارن زهره شود و قبل از ...
غروب کند ... زهره تحت الشعاع بود ... در ولایت شرق هلاک شود و اگر زهره ...
... باشد و قبل از قمر غارب شود و ... صلاح ... بود و اگر قمر مقارن مشتری شود ...
تحت الشعاع ... غروب کند ... مغرب هلاک شود **قران قمر با زهره و مشتری** دلالت کند بر ...
زنان ... و اختلاف ... و ... کردن ... ایشان ... بسیار مزاج ...
و ... بسیاری ... و ... **و اگر در حمل** دلالت کند بر ... هوا ... مشتری
... زنان ... و ... و معاشرت ... عوام ... زنان ...
و کثرت ... و ... در ... عوام ... در شرق اگر زهره مستقیم باشد
باران ... و اگر قمر مستقیم باشد ... **و اگر در ...** دلالت کند بر کثرت
عداوت ... و ... ایشان ...
و ... و کثرت ... و ... طرب ... و ... ایشان ... قوت ...
... بزرگ ... زنان ... و ... طرب ... عوام ... و کثرت ... حرکت
... و ... اگر زهره مستقیم بود باران ... و اگر قمر مستقیم بود در مواضع ...

باران بسیار آید و اگر در قوس بود دلالت کند بر سلامتی مسافران و رسیدن رسولان و صلاح عمر و فرج
آن سال و موردان و بارندگی و در ماه حوت میان اهل بیت عداوت و کثرت دزدان و سقط حمل و
دواب بی علت عموم فساد حال اطفال و عسرت وبا در میان علما و وزرا و قحط و بسیاری
خیرات و ... صلاح و ربیع برده ... و دزدان ... و اگر زهره مستقیم بود
بسیاری غم و باران و رعد و برق و اگر قمر مستقیم بود و شمس مستعلی زهره بود قران قمر با زهره و در شرف
خود بود دلالت کند بر ... حال عامه ... و اگر در ثور بود دلالت کند
بر ... فارس ... احکام ... بسیاری دزدان و ... طرق ... دولت
بزرگان ... طرب و آمدن مسافران ... اگر زهره مستقیم بود ...
کردد و اگر قمر مستقیم بود ... فارس ... احکام ... بسیاری دزدان
و ... و اگر در سرطان بود دلالت کند بر ... میان اهل فارس ... سقط
حمل و ... دوام ... طرب ... قوت حال مسافران ...
... طرب ... رسیدن ... اگر زهره
مستقیم بود باران بسیار آید و اگر قمر مستقیم بود دزدان ... بسیار بود و کثرت
... در فارس و اگر در اسد بود دلالت کند بر قوت حال مسافران ...
... ظلمت ... رسیدن ...
حال ... و ربیع برده ... در میان اهل فارس ...
... و قوت ... و اگر زهره مستقیم بود باران ...

و اگر قمر مستقیم باشد جنگ ... باشد در فارس و بسیاری دزدان ... باشد و اندک
مقارنه قمر با زهره و در شرف ... دلالت کند بر ... در میان علما ... فضل ... زنان ...
... حال ... و اگر در جوزا بود دلالت کند بر ... حال
رغبت نمودن به نکاح و قصد ... و فرزندان ... حال ... دواب ... بسیاری
رسیدن خبرهای ... و ... حال ... و ... و صنایع و ...
و آمدن خبر ... حال ... طرب ... رسولان و اگر زهره مستقیم
بود باران ... باشد و اگر قمر مستقیم بود ... و اگر در اسد بود دلالت بود بر ...
... مجالس ... و قدوم مسافران ... ارباب ... و
... طرب ... اهل ... و اگر زهره ... بود ... صحت ...
و قوت ... و اگر قمر مستقیم باشد بسیاری غم بود و اگر در سنبله بود دلالت
کند بر ... باران ... در میان ... و ... علما و فقها
و میل مشایخ ... و قوت حال ... قدیم ... و کثرت ...
و سلامتی مسافران ... اگر زهره مستقیم بود بسیاری ... باشد و اگر قمر مستقیم بود رعد و برق
و باران بود مقارنه قمر با زهره و در شرف ... دلالت کند بر ... در میان ... صاحبان ...
... و اگر در میزان بود دلالت
بر کثرت ... حال ... دین ... منفعت ... طرب و دوام
و ... حال ... بسیاری ... عشرت ... و قوت حال ...

دیو صدان و فرح زنان و میل طرب و جمع شدن ایشان در درها و خفیه و بیرون آمدن کارها با بیرون
و اخبار ریک و اگر زهره مستقیم باشد باران دو لبسیار باشد و اگر قمر مستقیم باشد کم بود باشد و اگر در حوت
بود دلالت بر بدحالی اعزاز و میل فسق و زیاده شدن ابها و بر ماه سلامتی زنان حامله و کثرت
ابر و باران در وقت و سستی حال زنان بزرگ و روزه داشتن مسافران و رسولان و قبض خاطر زنان
و بیماری اهل ریته و خادم و ناامنی طرق و مزارع اگر زهره مستقیم باشد باران دو لبسیار بود و اگر
قمر مستقیم باشد مثل مستعد و مصره باشد و اگر در حوت باشد دلالت کند بر کثرت رغبت و یک دیگر حجت
خواستن و مطالب از بزرگان و شرف و حرمت و تحفه و فروع علوم و التماس و ترتیب و یک بشیع و حجت
حکم و نکاح و تغیر هوا و تزاید آب شراه و عیون و سردی هوا و فایده و نفع مسافران دریا و غرا
در ولایت و کثرت مرغ دها و اگر زهره مستقیم بود دو نم و نداوت پیشتر بود و اگر قمر مستقیم بود
بود فصل ششم در قران قمر و عطارد در شش تا بیع ببروج شمالی عشر قران قمر و عطارد در حمل دلالت
کند بر طلب کردن مردم تعلیم علوم او در تحقیق و تفتیش مسائل سعی و منع نمودن و میل کردن به تجدید
عیش و کارهای نهانی قران قمر و عطارد در ثور دلالت کند بر نیز کردن سلاطین و فرماندهان
و تردد رسولان و جاسوسان و ارسال ایشان از اطراف به اطراف و تکمیل آلات حرب و لشکر آرایی و جمع
اگر در جوزا باشد دلالت کند بر بسیاری دها و خبرهای مختلف و آمد و شد رسولان و پیکان و تیزی
بازار قصابان و جمع و شرای برده و سلاح و نیک شدن هوا و نزدیک خلایق و بسیاری خراج مردم
و شور و طرازی و تیزی هوا و بسیار و داشتن عهدنامه و روش پیشه کاران و اگر عطارد مستقیم بود مردم
ضرر رسد و باران و ریاه بسیار بود و اگر قمر مستقیم بود باران بسیار باشد و اگر در سرطان باشد دلالت

کند بر حرکت ملوک و سلاطین و رسیدن رسل و رسایل از جانب یکی از سلاطین به جانب دیگران
و جمع جواهر معدنیه و طلب مال کردن حکام و زیاده شدن شغل و عمل ایشان که از ایشان اضطرار دوران
سلاطین و ایشان بادهای گرم و رسیدن قحط و متردد دین در رواج بازارها و خشکی عامه و بیماری گرم
و جستن بادهای گرم و اگر عطارد مستقیم باشد ملوک بسیار دلبرد و ظهور مرض و هبوب بادها و اگر قمر مستقیم باشد
موت شیوع بیماری گرم باران و بعضی جای با تیاج بود و اگر در اسد باشد دلالت کند بر دو دست و اگر
بیخ بند و تردد رسولان و مسافران و حدوث خبر مختلف و جمع بردن و جهر لات شکم و شدوی
اهل حرفه رسیدن مسافران و شادمانی و دلایل و شرعی و ایشان و شادی و جشن
و موت یکی از اهل کار اگر عطارد مستقیم باشد و شدت میان حکام و کثرت باران بود و اگر قمر
مستقیم بود بسیاری باشد و موت یکی از حکام کن رادیا مقارنه قمر و عطارد در سنبله دلالت
کند بر فراخی طعام و شراب و خشکی هوا در زمستان و اگر در میزان باشد دلالت کند از ایشان
کی و توسط باشد یک بسیاری از جهت وقوع سرما و جمع عطف عادات و ستور و عمارت صنع
و آمدن مسافران و بیش دین عامه و کشت و کارها و فراخی نعمت در بازارها و رواج کار اهل اسواق
و بسیاری عمارات و زراعت و خشکی هوا و تاریکی و اگر عطارد مستقیم باشد عزم و دوام و رغبت
باران و آب رود فراوان باشد و اگر قمر مستقیم بود و توالد و تناسل بسیار بود و بعضی
باشد و توسط باران و اگر در عقرب باشد دلالت کند بر رواج بازارها و کثرت معاملات و آمدن
و رسولان و میل مردم به جنگ و قصه و رستن و حال بزرگان و آمدن
و دروغ و دیوانگی اهل عراق و جمع غله و حبوبات و برده و کتب و اطبا

و امن تمام اگر خسوف در وسط بود دلیل الشمال بر ... بود و اگر قسم ... بود باران میانه بود و اگر در جدی
بود دلالت کند بر وقوع ما بین ... و ... اختلاف هوا و شدت سرما
و حرکت ریح ... حال ... و تغیر حال ... زمین ... و ... بود
... و حرکت ... و ... اگر خسوف در وسط بود ... بود و اگر قسم
... بود ... باشد و اگر در دلو بود دلالت کند بر رواج کار ... و ...
و ... در ... جنگ هوا و اگر در حوت بود دلالت کند بر کثرت تعلیم و تعلم
... اطراف ... حال ... و ... بود ... و ...
... بیان ... حال ... و ...
... احوال ... و ... بر ... رواج ... کشتی ... جواهر ... رواج
کار ... رطوبت هوا ... اگر خسوف در وسط بود ... بود ... باشد
... و اگر در ... بود دلالت کند بر ... و ... رطوبت
... و ... باران ...
رواج ... و حرکت ... و ... عوام ...
... باران ... حال ... و ...
و اگر خسوف در وسط بود ... باران بود ... بود و اگر در ... بود دلالت
کند بر ... مخالف ... عوام ... و ... بسیاری ... و ...
و ... و ... و ... و ... و حرکت ...

ادام و صلاح ... و کثرت ... و اگر خسوف در وسط بود میانه اهل ... و ...
... بسیاری باران باشد و اگر قسم ... باشد ... باشد ... اهل ...
... و اگر در ... بود دلالت کند بر ... و ... حال ... و ...
... و ... حال ... و ... و ... و حرکت ... و ...
... میانه ... و ... حال ... و ... و ...
... و اگر در ... بود دلالت کند بر ... و ... کشتی ...
... و ... رواج ... و ... و ...
... و ... حال ... و ... و ...
... اگر خسوف در وسط بود ... و ... و کثرت رطوبت ...
و اگر قسم ... بود ... و اگر در عقرب بود دلالت کند بر ...
... و کثرت هوا ... و ... حال ... و ...
... و ... و ... و ... و اگر خسوف در وسط بود
... و ... باران ... باشد و اگر قسم ... بود
... رطوبت بود ... و اگر در قوس بود دلالت کند بر ... و ...
... و ... و ... باران ... و ...
... حال ... و حرکت ... و ... شدن ...
... و ... حال ... و ... و ...

ویران شدن بناها و هدم و اگر عطارد مستولی بود حرب پادشاهان بود در طرف مشرق و طغیان
آبها و اگر قمر مستولی بود مرغان بسیار شوند و بارانهای نافع و زیاده شدن آب رودخانه
ها باشد تنبیه استقرا در صحاح اصل این قرینه از انواع است و آنچه مکررات مذکور شد اشاره بیک
نوع است که پیش از پنج مناسب آنست که هر کوکب از دو کوکب مقارن که بعد درجه هم دور اقرب
باشد و همچنین هر کدام در بیرش برج از آن کوکب دیگر او مستولی باشد بران دیگر و بعضی در دور شرط
اعتبار کنند و حق آنست که هر دو معتبر دانند و اگر اتفاق افتد که کوکبی در هر دو هم مساوی آنکه غلبه
باشد غالب بود برانکه نباشد و اگر هر دو درین حال ضد یکدیگر باشند آنکه حیزش علیا بود مستولی
باشد بر آنکه حیزش سفلی بود و اگر هر دو مساوی باشند آنکه حیز او مستقیم بود و اگر هر دو حیز یکی باشند آنکه اکثر بود
تنبیه اتصال بجرم اقوی است از اتصال بنظر هر چند این نظر بحسب آن اقرب بود و به تصریح
کرده اند که قضایای مقارنه تأثیر نظر تسدیس را باطل کند بدین عکس تنبیه معلوم بوده باشد که هر گاه کوکب
مقارن یک برج حلول کنند از جمیع ایشان ضعیف بود هر چند اتصال متحقق شده باشد فصل بیست و
دوم در قرانات چون دو کوکب با یکدیگر قران کنند اگر یک کوکب دیگر با ایشان در قصد مقارنت ایشان
کند حکم آن قران متفاوت شود و همچنین اگر قصد نظر دیگر کند اما از نظر کمتر از مقارنه باشد و تمام حکم
آن بحث [illegible] منوط است که تاکید از یکدیگر تأمل کنند و بعضی را که در تربیت دید [illegible] حکم
کواکب [illegible] رسند [illegible] امتزاج از کنند بعد حکم بعضی قرانات غیر [illegible]
[illegible] حکیم [illegible] ذکر کنیم تا طالب این فن را تذکره و دستوری باشد و تفسیر آن بجمیع
مذکور خانه شود از آن تواند کرد مقارنه مشتری با شمس در زهره و عطارد و قمر و ذنب دلالت کند بر حسن احوال [illegible]

زنان و رفعت مرتبت ایشان بسیاری گویند و اینها برکت و کثرت و اتفاق و داد در جمیع بلاد
و نوامیس معظمه و بلندی حال کتاب و اشراف و زهاد و ملوک و عقلا و کبرا مقارنه زحل و مشتری و مریخ در دلو
دلالت کند بر خروج بعضی از ملوک از ممالک نواحی جنوب بلاد دیگر و وقوع امراض در خلایق خاصه
پادشاهان و اشراف و اکابر و رنج زنان و [illegible] ایشان بود در اجسام و نقصان بهائم مقارنه مشتری
و مریخ و زهره و شمس و قمر در ثور دلالت کند بر [illegible] باد و جفاف در میان [illegible] و هرج و مرج در بلاد
و هلاک اشراف و حکام و ملوک [illegible] خروج [illegible] از جبال [illegible] بر پادشاهان
و بسیاری [illegible] اطراف [illegible] ایشان [illegible] مقارنه شمس و عطارد و زهره و قمر در جوزا دلالت کند
بر [illegible] و حال کتاب و اگر زحل نیز [illegible] باشد کتاب [illegible] متبدل شوند و احوال ایشان [illegible]
گردد و خوارج بر پادشاه بیرون آیند [illegible] مقارنه زحل و مشتری
و مریخ و شمس و عطارد و قمر در سرطان دلالت کند بر قحط [illegible] در جمیع مواضع و خوف از سلاطین
بعضی اقوام از بعضی دیگر و [illegible] ظهور علامات در هوا [illegible] و قحط [illegible]
مقارنه زحل و مریخ و قمر در اسد دلالت کند بر قصد ملوک [illegible] و بعضی [illegible] بسیاری
[illegible] مقارنه زحل و مریخ و عطارد در سنبله دلالت کند بر اتفاق [illegible] و اگر شمس و قمر
با ایشان بود دلالت کند بر [illegible] ملوک [illegible] اموال رعایا و کثرت فسق و دزدان و اگر
ذنب با ایشان بود دلالت کند بر [illegible] شمس [illegible] و غبارات [illegible] ارض
[illegible] دلالت کند بر [illegible] قران مشتری
و مریخ و شمس و قمر در میزان دلالت کند بر [illegible] بارانها و بادها و کثرت [illegible]

و فتن بسیار و خصومت در دنیا و موت جمعی از صلحا و دین داران و ارباب علم دین و دیگر غبار **مقارنهٔ زحل و مریخ**

و زهره و عطارد در برج حوت دلالت کند بر کثرت سیلها و تنسیم آب و بسیاری توام و حشرات و عقارب و جنبندگان و

پادشاه و لشکریان و اهوا و موج و دور و وبا و طاعون در عالم و اگر با زحل و مریخ و قمر باشد بدون زهره دلالت

کند بر کثرت باران و از آن مواضع دور و زمین باشد **مقارنهٔ زحل و مشتری و عطارد در برج قوس** دلالت کند بر وقوع

شدن کشتیها و کثرت تحرک ملوک و اشراف و کتب و کتاب به علوم و نجوم و دیگر **مقارنهٔ مریخ و شمس**

و عطارد در برج جدی دلالت کند بر حدوث برص و جذام و جراحتها و محتاج گشتن دواخانه باشد در ملک

یا معین دولت و کثرت برق و ریاح و غبار و بسیاری دزدان **مقارنهٔ زحل و مریخ و قمر در برج دلو** دلالت کند

بر قلت باران و کثرت آب چشمه‌ها و موت در خلایق و قطع طرق و برص و فراوان و کثرت حد بطلان

مقارنهٔ زحل و مریخ و شمس در برج حوت دلالت کند بر قلت امداد و کثرت صید دریا و آمدن یخ و اگر مشتری

با ایشان بود و جز شمس اما اندک تر خطر بود و اگر شمس با ایشان و عطارد و مریخ دلالت کند

بر موت اشراف و عقلا و قتل پادشاهی و لشکر اگر مریخ و زهره مقارن شوند و از شمس متفرق شده

قران کنند و مشتری متصل شوند دلالت کند بر اشغال پادشاه عادل و نیکی و کثرت ایشان مردان

و تربیت و عطا و حقوق **تنبیه** اگر زحل و مشتری و شمس در برجی باشند و مریخ در برجی دیگر منفرد

گوید پادشاه بر دشمن ظفر یابد اگر در برج ... باشند و اگر شمس در برج ... باشد

تنبیه اجتماع هر کواکب که در برجهای هوائیه دلالت کند بر کثرت ریاح

ریاح شمس است و عطارد و مشتری و اگر کواکب در ... دلالت

کند بر کثرت باران چنانکه بحث ... شود **تنبیه** ابو معشر بلخی گوید که هرگاه ثلاثه علویه در یک

برج

یا یک درجه جمع شوند و شمس با ایشان باشد هر آینه قران عظیم بود که پادشاهی از ملوک پیدا گردد

که خراج ... در برابر ... و قتل ... هم ... حکم بطلیموس ... در ...

که قرانات کواکب ثلاثه ... چنانکه بطلیموس در ... و در کتاب ثمره

بطلیموس ... لا تغفل عن امر ... العشرين ... الکواکب المتحیره والذین

... الکواکب ... واز جهة اینست ... در یک ... ثلاثه ... شده

... ... تفصیل ...

تحقیق ... ثمره ... ثلاثیات است که ...

مذکور ... ... کلام

منجر ... ... باید دانست که از این قرانات هر کدام که

اتفاق افتد تا اثر آن ... پس ... قران ... باشد

که ... ... مشتری ... اگر در یک درجه جمع شوند ...

شمس ... زحل و مریخ ...

کنند اجتماع این کواکب ...

پس ... برج ... باشد و ...

آن برج و درجه که ... اجتماع ... جمع شوند ...

در یک برج ... شمس ... کواکب ...

شمس کواکب ... در سال ... هزار و ...

هر یک را چهار و پنج کرات مشاهده کردیم پس اگر این اوضاع قریب بهم بین دوری یا فصلی افتد عظیم اثر
باشد و اگر شخصی بر طالع آن برج متولد شود و اگر قدر شود او دو دمان ملوک بر او پادشاهی بزرگ گردد
گر او [illegible] حکم [illegible] و [illegible] مرتبه [illegible] **باب سیم در احکام نظرات کواکب سبعه و قرانات**
و مقابلات و تربیعات و تسدیسات و تثلیثات و این فصل است [illegible] باید دانست که نظر هر کوکب
که اتفاق افتد در هر موضع بر حالی باشد که بعضی بروج کوکب را قوی کند و بعضی ضعیف و تقویت نظرات [illegible]
تفاوت کند و [illegible] اوضاع نظرات از رجعت و استقامت و [illegible] و قبول [illegible] و غیر اینها متفاوت
باشد و [illegible] حکم آن [illegible] پس [illegible] مربوطات [illegible] آنچه مقدور بود [illegible] نموده ان شاء الله تعالی
فصل اول در احکام تسدیسات و تثلیثات زحل و مشتری دلالت کند بر الفت میان
ملوک و عمال دولت [illegible] و اهل قلاع و جبال و اصلاح
[illegible] پادشاه [illegible] احکام [illegible] اهل [illegible] خراج [illegible]
در جهت شمال [illegible] رعیت [illegible] **و اگر تثلیث باشد** دلالت کند
بر [illegible] پادشاه [illegible] از [illegible] ملوک [illegible]
منزل شدن [illegible] آمدن [illegible] حسن [illegible]
[illegible] قبول [illegible] رعیت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] قوی باشد
و اگر تسدیس باشد دلالت کند بر [illegible] میان ملوک و سلاطین [illegible]
[illegible] احکام در جهت شمال [illegible] احوال باشد [illegible] میان بزرگان

[illegible]

در [illegible] رعیت [illegible] از [illegible]
[illegible] **تثلیث و تسدیس مریخ و زحل** دلالت کند بر [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] رعیت [illegible] اهل [illegible]
قلاع و [illegible] کرد [illegible] کدام [illegible] شدن
[illegible] **و اگر تثلیث باشد** دلالت کند بر [illegible]
ملوک [illegible] لشکریان [illegible] کشیدن
[illegible] سپاه [illegible] اهل [illegible] سلاطین [illegible]
[illegible] سپاه [illegible] الفت [illegible] ملوک [illegible] **و اگر تسدیس باشد**
دلالت کند بر الفت میان سپه‌سالاران و [illegible] رعیت [illegible]
[illegible] ملوک [illegible] اهل [illegible]
[illegible] سپه‌سالاران [illegible] رعیت [illegible]
[illegible] میان بزرگان [illegible]
[illegible] تثلیث و تسدیس مریخ و شمس دلالت کند بر [illegible] اهل جبال [illegible]
قدیم [illegible] رعیت ملوک [illegible]
[illegible] برج [illegible] اهل قلاع [illegible]
اهل [illegible] **و اگر تثلیث باشد** دلالت کند بر [illegible] ملوک و سلاطین [illegible]
[illegible] شدن [illegible] ظلم [illegible] حصارها و [illegible] رعیت

و تنگ شدن روزیان و تغیر هوا بسبب قوت و زوالش و بیش و قیمتی در هوا [illegible] اگر بر بسیار

پیران را با داید و [illegible] دانستن بدکاران و زمستان [illegible] بدقت خویش و اگر تثلیث از برج

آبی یا خاکی باشد در جنس [illegible] و اگر تسدیس بود دلالت کند بر زوالش و بیش و قیمتی

و غله داران و بزرگان از ایشان و [illegible] دلالت [illegible] کردن [illegible] و اصلاح [illegible]

و تغیر هوا در وقت [illegible] بود و ظلم [illegible] و [illegible] این طایفه و مردود شدن

املاک [illegible] و [illegible] ایشان [illegible] حال اهل [illegible]

[illegible] ایشان تثلیث و تسدیس زهره و مریخ دلالت کند بر [illegible] ازدواج و فرح [illegible] و اهل

و سرور و قیمتی [illegible] و [illegible] و [illegible] بسیار [illegible]

زهره و [illegible] در وقت [illegible] که [illegible] برده

و اگر تثلیث بود دلالت کند بر [illegible] پیران [illegible] و [illegible] این طایفه و کثرت

[illegible] و [illegible] بودن [illegible] اهل [illegible] و [illegible]

و [illegible] و اصلاح [illegible] و [illegible]

[illegible] و کثرت [illegible] و [illegible] برده باشد و اگر تسدیس باشد دلالت کند

بر [illegible] اهل طرب و [illegible]

ازدواج و قوت [illegible] و [illegible] ایشان [illegible] و طرب [illegible]

[illegible] دلالت [illegible] زنان [illegible] پیران [illegible]

اهل طرب [illegible] و حکم [illegible] این [illegible] تثلیث بود تثلیث و تسدیس عطارد و مشتری

دلالت

دلالت کند بر قوت کارها و [illegible] و [illegible] اهل [illegible] و [illegible]

و صلاح املاک و [illegible] کارها و تغیر هوا [illegible] در وقت و اختلاف ریاح عاصفه

و کثرت [illegible] و فرح [illegible] و [illegible] بسیاری شغل

و احوال کارها [illegible] و اگر تثلیث بود دلالت کند بر [illegible] بزرگان و پیران و [illegible]

[illegible] و [illegible] از اطراف و جوانب [illegible] بتحقیق [illegible]

و [illegible] کارها و بسیاری [illegible] و تغیر [illegible] و [illegible] بزرگان [illegible]

و بودن [illegible] در وقت تثلیث و تسدیس قمر و زحل دلالت کند بر [illegible] و پیران

و [illegible] فرزندان و [illegible] و تغیر هوا [illegible] اهل [illegible]

[illegible] و قوت [illegible] و [illegible]

و [illegible] و اگر تثلیث بود دلالت کند بر [illegible] و [illegible]

[illegible] ازدواج و [illegible] پیران [illegible] و اگر تسدیس بود دلالت

کند بر [illegible] ازدواج و [illegible] فرزندان [illegible] و [illegible]

و تغیر هوا تثلیث و تسدیس مریخ و مشتری دلالت کند بر قوت [illegible] اهل [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] و در [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]

ایشان و اگر تثلیث بود دلالت کند بر [illegible] و [illegible] این طایفه [illegible]

و بسیاری امر معروف و رونق دار الحفظ و کم شدن ترسا در وقت و قوت حال بزرگان و امرا و لشکرها
و بسیاری سلاطین و عقد مجلس و خوارج و بازار شدن و قیمت بزرگان و فراخی طعام و اگر تدبیر به
دلالت کند بر خروج خلایق بعضا و قوت حال ائمه و سادات و هلاک دزدان و قطاع طریق و زنان
و زوال انطاف اهل دین و دیانت و کرایه ستور و برده و عزت قیمت اسب و آلات حرب و
اهل دیانت و جاه و دولت بکه عادت حسن پرورش اسبها و تربیت پیش امرا و بازرگانان دل به کارها
و شور و عادت ابواب البر و اگر تثلیث و تسدیس مریخ شد دلالت کند بر قوت حال ملوک و سلاطین و سروران
و ادا و و نیا جاه و دولت وزرا و اهل تقرب پادشاه و قضاة و حکام و اشراف و داد و عدل و
نفوذ و بسیاری خیرات از پادشاه و سلاطین و فراخی ولایتها و کرمی هوا در وقت و آمدن خبرهای خوش
و اگر تثلیث شمس شد دلالت کند بر صلاح این ملوک و سلاطین در دنیا و دین و مرتبت علما و اشراف و امیران
و قضاة و علما و سادات و ابدال و ایام مساجد و مدارس و عدل و انصاف ملوک و حصول مراد و تمام و بسیاری
زر و سیم و جواهر و خیرات بزرگان و فراخی ولایتها و امر معروف و نهی منکر و ایمنی اهل صلاح و تقوی
و طلب مردم و حکم بجمع غلات و حبوبات و اگر تسدیس شد دلالت کند بر قوت اهل صلاح و قضاة و وزرا
و تشریف از ملوک و سلاطین و کار و آب و ولایتها و مدارس و مساجد و بسیار فتح خیر و خلعت و پیش علما و طلاب و اسباب ایشان
و طهارت دیها و زیارت معدن کتابهای قدیم و تربیت پیش اهل علم و کثرت خیرات و کارهای نیک روز به روز
شدن و اگر تثلیث و تسدیس زهره شد دلالت کند بر رونق اهل ادیان و خوشی علما و قضاة و وزرا و زنان
و توبه اهل و سادات و شادمان و دولت پرایه و ملبوسات و عطریات و کرایه برده و خوشی معیشت
خلایق و ولایتها و زهد و خشک سال بدو و در وقت و محبت خلایق و وجه ازدواج و بسیاری

منافع دو صحبت و کثرت زینت زنان و تقلید ایشان مردان و اگر مشتری شد دلالت کند
بر قوت کار بزرگان و سادات و وزرا و اشراف و محبت یاران و با صلاح آمدن کارها و وقوع نکاحها
و حسن زینتها و ادام کردن فسقها و دوستی و عشق و اهل مزامیر و آمدن خبر بشارت و کثرت
تفرق و اولاد خلایق و حرمت مردم و لطافت و جاه و دولت و نیکی احوال و فضل ملوک و پوشش مردم و با
شریفه و زنها و زینت هر که و توبه از بدیها و اگر تدبیر شمس شد دلالت کند بر بسیاری حال علما و پوشش
شد و دیها و ... و الحق میان این طایفه و آیین و خوشی علما و اشراف و بسیاری ... و علما و مردمان ایشان
و قیمت لباس ابریشمی و قوت و عزت پرایه زنان و کثرت عیش و علما و اشراف و رونق
قضاة و سادات و صلاح ایام و اگر تثلیث و تسدیس عطارد مشتری شد دلالت کند بر رونق اهل فضل و علما
و قوت دبیران و مستوفیان و ارباب قلم و ... و تجار و تقلید ایشان و درستی ... و دولت
و مهمات و معاملات و تیزی بازارها و ... و رواج و درستی اخبار و ... و فساد دشمنان و جمع
و آرامش ... و قبالجات و درستی در عدل و درست شدن معاملات و اخبار و احکام و تنجیم و ولایتها
و اهل ... که در رواج ... شود و اگر تثلیث شد دلالت کند بر قوت حال شعرا و اطبا و منجمان
و رونق مساجد و مدارس و رواج بازار کتب و جدال و مناظره اهل علم با یکدیگر و جمعیت
این طایفه و سادات و اهل حرفه و صنعت و دولت برده و باران بسیار که در رواج طبع باشند و صحت
اطفال و درستی و اهل ... و تخفیف ... سیاست و ... و اگر تدبیر شد دلالت کند
بر فراخی و رونق اهل علم و زیاده شدن وظایف ایشان و ترقی اهل قلم و صنایع و بسیاری حکمت
و عبادت و دعا و ورد و رغبت مردم به ... مسایل علمیه و شرعیه و خواندن قرآن و انجیل و ... تعلیم و تلاوت

ونیکی حال کاسبان برده وبسته وفزونی ایشان باز ارزان از جهت وصدور ولادت بحساب رواج

حال اهل ادب وفرزانگی وشعرا وآمدن خبر نیک واعتدال هوا در وقت وفراخی نعمت ونیکی دوران

ولایتها که متعلق بعطارد است **تثلیث زحل با قمر بر برج** دلالت کند بر خبث عوام وتجارات ودلالات

ومصرات وحشیش وبیع وفزونی نیکو احوال فرزان وظهور امور دینیه وعدل ولایت ورایض وفراخی بر ایشان

کاروها وحاجت ایشان را برآید در میان مردم وپیش آید بر وکثرت سرور وفرح **واگر تثلیث بود** دلالت کند

بر اطلاق ولایت ودیانت در عوام الناس وملاقی شوند ونیکی حال ایشان ودیعت دادن وایادت

آمدن کارها ومحبت یاران وبازیادت در وقت **واگر تسدیس بود** دلالت کند بر سلامتی عامه وعیش زنان

ورونق بازارها وبرآمدن حاجات لشکریان **تثلیث وتسدیس شمس وقمر** دلالت کند بر رغبت ایشان

بسبب مراد وحشیش کار لشکرها در ترتیب نظام مهام ایشان ودر وقوع ثبات وتکلف در حق این

طایفه ام اگر خوش در این حال دلو بود وارباب صلاح واهل حج به درگاه بتهاون ورزند ونیز بسبب

که انهد ودر این سبب شر وعموم وحرمت ملت وسبب امر ودرخت در اموال وارکان ولیکن قوت

حرارت ویبوست در مزاج اکابر وکرمی هوا وفراخی رونق بازار وخرید در دنیا نقود ورواج لشکریان

وقیمت طعام ودرم واوریه وجاره **واگر تثلیث بود** دلالت کند بر افزونی ومیل سپهسالاران از ایشان

رونق اهل سلاح وتجار ورواج بازار اسلحه ورزیدن لشکر بروجه نیز دادن وعموم حرارت هوا در وقت

ورواق وشادی رای وتدبیر امرا ولشکریان در امور ملک ودولت خواهی ایشان وقطع دنیا وازالت

وضرات ریشه وتنبیه رسیدن خاص که نظر نظر قبول بود ودوقت حال اهل شرق وآرام کرفتن

فتنه وبرخواستن ترس وبیم از عامه وخلایق **واگر تسدیس بود** دلالت کند بر قوت تمام امرا واهل سلاح

ونرنیه ودنیا جهة این طایفه وغلبه حرارت بر مزاج ملوک واکابر وتندی وتیزی این طایفه وحرمت

چهارپایان وقیمت براق وسلاح بهیدان وحرمت جبه وداران وسلاح سازان وافزونی ایشان

بیشتر از ایشان وسپاهی لشکرها وظهور پیش اهل غرور وکفر واهل بیت طبل **تثلیث وتسدیس زهره**

ومریخ دلالت کند بر وقوع فکاهه وتدبیر نکته ودوستی میان اهل حرب واصحاب غنا ودوره ورغبت وسلاح

تماشا وتکلف ورزف ورواج کار شراب وبزان ورونق اهل بیت لطف ورغبت ایشان نیز ازو ایشان

ونوبه شکستن اهل جد وتقوی ومنکرات ایشان بمحرمات واعتدال هوا وباراندگی در وقت حرمت

کثرت دنیا وطعام وبیماری از غلبه خون وصفرا **واگر تثلیث بود** دلالت کند بر میل لشکریان بطرب ولهو

وعشرت وشادمانی ونوشیدن وامرا وکثرت زینت در میان سپاهیان وعشق بازی میان

زنان وامردان ونوعیت ازدواج وبسیاری بیرها وحرمت برده وبستر وجنس بطرب آن

ورزند چون وایمنی طرق وشوارع وکم شدن اثر شب وظلم ودنیا ورخت کوچ اهل شهر وحرمت

ابریشم ونیکی حال مکاران ودهقان ونیکی سازان وآمدن باران در عدد برق در وقت

خانه که نظر در برج آبی باشد **واگر تسدیس بود** دلالت کند بر رغبت ازدواج وامنیت فتح حاصل

وکثرت کفایت ورواج بازار وبستر وخوشی وعورات وآمدن خبر بشارت وکثرت توالد وتناسل

خوشی از مواضع شریف وفتح مهمات وبرآمدن کفایت وجمعیت وبسیاری رود وتماشا وروزه

بازندگی در وقت **تثلیث وتسدیس عطارد ومریخ** دلالت کند بر رونق دوایر ان وعمل وکلام وتقرر آن

وکوشیدن ان وظهور مدیران کیمیا وتحصیل سکه ودادن خبر در وقت حال مستوفیان وشروع طرق

وبدی بازار سلاح ورواج بیرده وترک فرش اهل ضلال وبدنامی که از این طایفه پدید آید

شعرا و ارکان [illegible] بجهت [illegible] مرا اگر تثلیث باشد دلالت کند بر رغبت اهل دیوان و امرا به [illegible]
در رونق صنایع خاصه آتش کاران در رواج بازارها سیما بازار یراق اهل سپاه و لشکریان
و سلامتی حال تجار و آمدن کاروانها و رونق بلاد المغرب و وفور [illegible] و بدنامی یکی از اهل عمل
با اهل قلم و وبا و داهی تند و قوت اهل شرف و خونریز شدن اهل حرب و رغبت مردم به تدبیر
سلاح و [illegible] صنایع و کشتن و غزوات و حروب و اگر تسدیس باشد دلالت کند بر قوت طراران
و کیسه بران و دزدان و ناایمنی صحراها و بدی حال [illegible] مردمان [illegible] نوع و رغبت مردم به [illegible]
تواریخ و بر شنیدن قصه و داستان و حکایت و اخبار و ارکان [illegible] مردم [illegible] و جراحت اهل [illegible]
و آتش کارها [illegible] تثلیث و تسدیس قمر و مریخ دلالت کند بر حدوث حرارت طبایع
مردم و حرکت لشکرها و [illegible] و فرح [illegible] و کثرت [illegible] و کشتن انواع سلاح
و [illegible] و جراحت [illegible] و دلیری [illegible] و دوستی اهل
سلاح [illegible] اگر تثلیث باشد دلالت کند بر [illegible] اهل [illegible] کردن [illegible] مردم
[illegible] و اتفاق [illegible] و قسم [illegible] و فرح [illegible]
اگر تسدیس باشد دلالت کند بر دوستی عوام با اهل سلاح [illegible] و اتفاق [illegible]
[illegible] مردم [illegible] و رغبت [illegible] و [illegible]
[illegible] تثلیث و تسدیس قمر و شمس دلالت کند بر عدل ملوک [illegible] عوام [illegible]
[illegible] و دوستی میان پدر و فرزند و زن و شوهر [illegible]
[illegible] اگر تثلیث باشد دلالت کند بر [illegible]

حروم ازانکه بر سلاطین [illegible] و عام [illegible] سلاطین [illegible] ملوک [illegible] باشد
[illegible] اگر تسدیس باشد دلالت کند بر [illegible] میان [illegible]
بر [illegible] ملوک [illegible] تسدیس [illegible]
دلالت کند بر قوت ارباب دیوان و اهل [illegible] سپاه و ارباب [illegible]
[illegible] مردم [illegible] میان زنان و مردان [illegible] رواج [illegible]
[illegible] و حدوث [illegible] در وقت [illegible] کتاب [illegible] میان عوام [illegible]
[illegible] کتاب و ارباب حساب و [illegible] شدن [illegible]
[illegible] رواج بازار [illegible] شعرا [illegible] اهل [illegible]
[illegible] تثلیث و تسدیس قمر و زهره دلالت کند بر بسیاری
طرب و فرح عوام [illegible] و اتفاق [illegible] حال اهل [illegible]
[illegible] مانند [illegible] ترک [illegible]
[illegible] سلامتی لشکر [illegible] و قوت حال [illegible]
اگر تثلیث باشد دلالت کند بر رواج کار [illegible] و قوت [illegible]
[illegible] اهل صناعت و طرب [illegible] زنان [illegible]
[illegible] اگر تسدیس باشد دلالت کند بر کثرت [illegible]
[illegible] و فراح [illegible]
[illegible] تثلیث و تسدیس قمر و عطارد دلالت کند بر تیزی بازار

فلانان رکن خبر دکانها و میوه و فروش شهرها و فروختن سلطان و آمدن خبر روش درست
شدن معاملات سلطان و حکام بخوبی و [illegible] مشتری در فرح و متفرق شدن [illegible] و دیوان
و اهل بلاد و اگر تثلیث باشد دلالت کند بر دوستی اهل دیوان با رعیت و رونق بازارها و فرح خلایق
و تغیر هوا و اگر تسدیس باشد دلالت کند بر خصب و محبت میان اهل قلم و تجار و عامه خلایق در رواج بازارها
و تغیر هوا و اگر تسلیم [illegible] چون میانه دو کوکب نظر مودت واقع شود هر کدام در خانه یا شرف یا حد
خود باشد حکم می کند بحسب طبیعت او بود در حد کمال بود و اگر هر دو را این حالات میسر شود آنچه در حکم
آن نظر مکتوب بود بر مبالغه و تأکید محول باشد و اگر در هبوط یا وبال بود بر عکس یعنی احکام آن ضعیف
و کم اثر باشد و اینها همه بلحاظ استعداد و قوابل آراسته بود و فق [illegible] در احکام تربیعات
و مقابلات کواکب تربیع و مقابله مشتری و زحل دلالت کند بر مخالفت میان علما و مشایخ و قضاة
و ائمه و سلاطین و وزرا و امرا و اهل [illegible] و ظهور عداوتها میان بندگان و ظلم و جور [illegible]
و بیماری معروف و توانگران و تغیر [illegible] و تغیر حال [illegible] و تعصب میان اکابر و [illegible]
از [illegible] بر [illegible] و [illegible] قدیم و خوف [illegible] و [illegible]
از اهل خروج و ملال خطا و معروف و اگر مقابله بود دلالت کند بر خصومت میان پادشاه
دیگر از خطا و [illegible] ظلم و ستم سلاطین و حکام و رعیت [illegible] و حرکت سپاه [illegible]
در [illegible] و کوه [illegible] بندگان [illegible] و [illegible]
بطرف شرق و تغیر ملک [illegible] میان امم [illegible] در دین و مذهب [illegible]
[illegible] در اقلیم اول [illegible]

مایل گردانیدن هوا و اگر تربیع باشد دلالت کند بر خصومت اکابر و ستم بر دهاقین [illegible] اهل [illegible]
[illegible] پادشاهان و فرمانروایان و ویرانیها و فساد [illegible] توانگران در [illegible] قضاة و عدل
محتسب [illegible] و شراب و طلب کردن فرمانروایان و سلاطین بیکدیگر [illegible] از قضاة و اهل
شرع [illegible] زوال اکابر [illegible] و فساد [illegible] خصومت میان علما و اهل تصوف [illegible]
و [illegible] و ظهور تعصب و ستیزه در حکم [illegible] دین [illegible] و اهل اسلام [illegible]
توحید با ملاحده و زنادقه و قتل اهل بدعت و یهود و نصاری و حکم کردن پادشاهان بکشتن
خوارج و اهل طغیان و تربیع زحل و مریخ [illegible] دلالت کند بر فتنه [illegible] و عداوتها و [illegible]
دزدان و راهزنان و [illegible] میان اکابر [illegible] خلایق [illegible]
[illegible] حال اهل [illegible] طریق [illegible]
[illegible] و اگر مقابله باشد دلالت کند
بر کثرت [illegible]
بر پادشاهان [illegible] و تهدید و وعید [illegible] میان ایشان و مرگ یکی از سلاطین مشهور و بیماری [illegible]
[illegible] بیماری [illegible] از معروف [illegible]
[illegible] در اقلیم اول و سیوم و پنجم [illegible]
لشکریان [illegible]
[illegible] در برج [illegible] و اگر در رابع طالع واقع شود [illegible] عداوت [illegible]
[illegible] نظر عداوت و حکیم [illegible] الدین [illegible]

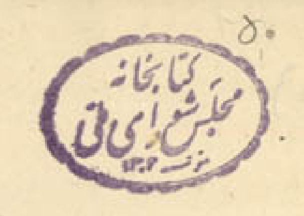
در برج آتشی باشد دلالت کند بر شدت حرارت هوا و اگر تربیع بود دلالت کند بر غلبه کردن
دزدان و عیاران و قتل ایشان و هجوم مردم بر کار و حروب و اندوه رعیت و نکبت اکراد و الوار و بیماری
صعب و عسر العلاج و قطع طرق و شیوع [illegible] و دستور و کثرت طیور و آفت مزارع و منع ارزش و رخ
و رنجور [illegible] بی سبب شکستن و قتل و کشش و غلبه خوارج و خوف شیخ و مزارعان از اهل فتنه و تجبر
شدن رعایا و ترک کارها و کساد بازارها و مرگ بدان و گرفتاری توانگران و مالداران و قحط و بیم چون
داشتن روا دارند زنان و کثرت بدنامی اهل زنان و هلاک اهل صنعت و بیماری بسیار و آبله و حدوث
حیات [illegible] و حمره و قلاع و کثرت اراجیف و ستم بر رعیت از حکام و نفاذ ایشان نیز تربیع و مقابله
شمس و زحل دلالت کند بر آشوب و تفرقه خاطر در اقلیم اول و چهارم و غضب پادشاه بر رؤسا و اهل قلاع
و جبال و اگر در برج آتشی باشد خروج خارجی بود و [illegible] پیدا نبود و دعوت و طلب از رعیت و [illegible]
و خطرها و [illegible] شدن دشمنان و خوف فرماندهان و سروران هر قوم و حیرت و پشیمانی و تعویق
در مهمات خاطر در امور [illegible] و تغیر هوا و سرما و برف و باران در وقت خاصه که زحل در آن برج بود
در برج بادی و اگر مقابله باشد دلالت کند بر خیانت و کلا و [illegible] مالداران و فاش شدن خیانتها
و [illegible] و نقود و رنج محتران و خصومت پادشاه بسبب طمع در ولایت و خروج سپاه و راندن اهل
قلاع و کمینها و فتنه و غلات و گرانی [illegible] و شکستن [illegible] و حرب و [illegible] میان [illegible] و موت
و مرگ در اهل بحر و جبال و حدوث [illegible] و فروبستن مهمات و [illegible] کارها [illegible] در برج
و [illegible] و حرص پیران در شهوت و مجامعت و قحط و [illegible] اهل [illegible] و کثرت موت و مرض در میان
مردم سال [illegible] و [illegible] و وقوع سرما و برف در وقت [illegible] و اگر تربیع بود دلالت

کند بر فساد یکی از سلاطین و فرماندهان و تغیر قواعد و قوانین پادشاه و تحریک عسکر و جنود
و شدت خوف و بسیاری فرح و کثرت و اشتعال و خشم گرفتن ملوک بر رعیت و دهاقین و [illegible]
رستاق و بدی حال بزرگان و اهل جبال و [illegible] نشینان و وقوع علامتها میان اکابر و خرابی ضیاع
و عقار و نقصان در غلات و کمی دخل گنجها و [illegible] و [illegible] بر سرما در زمستان و حدوث زلزله
خاصه که زحل در طالع بود و منظور بنظر عداوت عطارد و قمر و اگر طالع در برج خاکی بود تاکید امر مذکور
کند تربیع و مقابله به زهره و مریخ دلالت کند بر خلف در ازدواج و بیماری و موت زنان و دوشیزگان
و دشواری وضع حمل و فساد [illegible] زنها و [illegible] و فساد زنان و عداوتها و بغض و کدورت خاندانهای
قدیم و فساد در بعضی مواضع که متعلق بزهره باشد در اقلیم سوم و بسیاری امر [illegible] و [illegible] بر شیوخ و اهل
اهل طرب و فساد و اظهار [illegible] و در آمدن [illegible] و حدوث باران در وقت در برج [illegible]
و اگر مقابله باشد دلالت کند بر اندوه رعیت و فروبستن کارها و سقوط [illegible] و زوال [illegible]
سپاه اهل زنا و خصومت و خویشان با اهل رستاق و دهقانان و جدال ازدواج و طلب تفرق و تطلیق
و [illegible] بعضی از خویشان [illegible] و جدال و گفتگوی در مجالس زنان و در [illegible] و مرگ
جوانان [illegible] بازارها و ظلم [illegible] طلب مال و [illegible] و طعام و [illegible]
و ابرهای تیره و سرما در وقت [illegible] و بادها [illegible] زلزله در [illegible]
و بیماری [illegible] و اگر تربیع باشد دلالت کند بر نقصان [illegible] و [illegible] در وقت و [illegible]
میان زنان و شوهران و پیوسته [illegible] ایشان و شیوع درد [illegible] در میان مردم و فرو ماندن
زنان در [illegible] و حیرت و کدورت [illegible] و نقصان غلات [illegible] و کثرت خصومت زنان [illegible]



باشد از احوال طبع و زوال آن و درباب روش کارها داننده نجوم و دشواری وضع حمل زنان و بیماران
و برف در وقت **مقارنه مریخ با زهره در جدی** دلالت کند بر گشتگی نجوم و دردهای اهل
و ترشی خاطر و دروغ و اختلاف حق و شهوات و فرزند و گشتن خسته و ملال و زنان
و اهل قم و ناراستی در عدول و تفرقه اهل عراق و تجزیه و کشت و بارکت و خشک فرقه
مزارعان از اهل قم و ناراستی در عدول و ترس هم که دکان و تهمت بر غلامان و جنگها هوا
و ضعف و دغل و لطیف آن سرد از طبع و بادها و افراط برفها و آمدن برف در وقت **اگر مقا**
رنه باشد دلالت کند بر کار به دکان و تفرقه آن و بیماریهای در ازکشش و برف و نباتات و رنج نجوم
داننده ای اهل و ضرر و اختلاف و شکستگی و حرکت عساکر از ساکن دار وطن و آمدن برف و سیلاب
در وقت و خصومت عوام و کرفتاری مردم اهل و ظهور طاعون و امراض و بعضی از علمای نجوم اراده
و جنگ و کار و دشمن افسون و سحر و جادو و تهمت در میان مردم و ظهور اهل کذب و نفاق و فساد
اهل رستاق و کوه نشینان و تیرگی هوا و بادهای ناخوش **و اگر تربیع باشد** دلالت کند بر ظهور جنگها
و تهمت و بهتان در میان مردم و حدوث دردهای ناحق و اندوه و دیوانگان و بسیار شدن اهل بلا
و پریشی و قحط و کشت و زنان و اهل صحرا و چشم و خصومت سلاطین و حکام با رعیت و بد گشتن
هوا و ارجیف و سخن دروغ و وقوع خوابهای هولناک و بیماری جوانان و برف و نباتات
و ابر و برف و باران که در وقت و هوب بادها **محو تسدیس و مقارنه با مشتری و زحل** دلالت کند بر وقوع
خصومتها میان عوام و شدت و رنج اهل بغداد و ترددی و دیگر میان پدران و فرزندان و بیماری
خاصه در اطفال و شدت زحمت و تغیر هوا و ابرها و نامیمنی بادها و ملال و فسوخ و خوابهای کهنگی

زنان و شوهران **تثلیث** اثر این نوع نظر در محل ربعیه بود **و اگر مقارنه باشد** دلالت کند بر وجود
و برادرستم و بیماری ناگهانی ظهور شرفی در میان مردم و محبت و لذت و تفرقه و تشنیع در میان عامه و رنج بسیار فراوان و رفت
کشتیها و بیماری زنان **و اگر تربیع باشد** دلالت کند بر رنج و بارگی میان عوام و اندوه
اهل صحرا و مسافران و روش حیوش تازیانه زدن اهل حرب بر عوام و بسیاری فرع
در مردم و هبوب بادها و برف **تثلیث** منحوس که تربیع و مقارنه چون کواکب بسیار که مستقیم باشد بخلاف
از مقارنه مریخ و این به عکس است یعنی مقارنه او با کواکب خاصه که مستقیم باشد بخلاف از تربیع و مقابله
چه نکته منظور اول از مقارنه است در فصل شتا و بهار از کواکب خود شد و مقرون **تربیع و مقابله مریخ و مشتری**
دلالت کند بر قصد امراء و لشکریان بر رعایا و اهالی و اولاد و مصادره و ضعف و قضاة و اختلاف میان
اکابر و اشراف و معینان پادشاه و توانگران و شدت و قتل و قتال و ظهور دزدان و خوف بسیار در هواها و وحشت
و شدت در میان بزرگان و مصادره و ضرب و حال امرا و ان و عزل و خوف شدن نقود و پدید آمدن زر و رخنها
و میل قضاة و اهل فساد و بی کلمی و ناحق و کرسنی هوا و بیماریها و قحط و طاعون **و اگر مقارنه باشد** دلالت کند بر رحمت
و حرکت از مرتبه و پایه و رعایا و ظهور عوام الناس و بیماریها در میان بزرگان و وقوع منازعت و تهمت
و فتنه و محبت و دولت و ظهور حیل و مکر علماء و ارباب تدبیر و غلبه کردن دزدان و بسیاری نکبت بر مالها و وقفها و بسیار
و ردی و بیماریهای مریخ و بیگانگان و روش و شدت و درد و حرب و هلاکت در بلاد شرقی و وقوع شر میان پادشاهان
و پدید آمدن کرانی و آفتها در شأن امراء و گناه و شرب و در ولایت ترکستان و ظهور نفاق و ملامت و رنج و وقوع
و غلبه کردن گناه و مصادره توانگران و تشویش خلایق و هراس مردم و خصومت پادشاهان و ظهور شرف و نفس
و بدیها و مکر و شر میان قضات و حکام **و اگر تربیع باشد** دلالت کند بر کشت و حرب و غلبه کردن دزدان



و قطع طرق و بدی حال تجار و نکبت رسیدن بشر من عموم از ایشان و حرکت جنود و جنگ و خوف
رسیدن آنکار روزها و ترس ... از حکام و نزدی و قتل بعضی و تشویش در میان سادات و قضاة
و غضب بزرگان بر ایشان و ابتلای اشراف و شرار و خروج جماعت از چاکران بر خداوندان و کشته شدن
خوارج و جلای قوم از مسکن و اوطان و ارزانی بوده دیوه و حدوث رفتن ... حکام و وجوب ... ارباب
صلاح از خوارت و استیلای حدت بر مزاج اکابر و قتل به ناحیه مشرق و دولایی که منسوب به مشتری باشد
تربیع و مقابله با شمس و مشتری دلالت کند بر غضب پادشاه بر وزیری که از وی صرف و عصیان دیده و توانگران
و اهانت علما و ... و قتل و ضعف از قضاة و حیرت اکابر و اشراف و ... ارباب مناصب و تغیر و تبدیل
در احوال قضاة و تعدی ... طعام ... و فرار ... و طلب ... و ظلم ...
عدل و ظهور ... و طلب ... بر اهل ... گرانی ... هوا ...
آتش ... و اگر مقابله باشد دلالت کند بر ... و وزرا ... از عموم ... حیرت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و اگر تربیع باشد دلالت کند بر قوت علما و ظهور قضاة و اهل شرع و ارباب ... و غضب ...
علما و ارباب مناصب ... و ظهور ... و حکام ... اهل
فضل و ارباب تقوی ... و ... تغیر ... و گرمی هوا ... وقت
و خیانت اهل ... و ... و دروغ و ... و ...

... و ... تربیع و مقابله با زهره و مشتری دلالت کند
بر ... ازدواج و رغبت علما و اهل صلاح و ارباب شریعت ... و طرب ... و ...
شریعه و ... شدن ... و تهمت ... قضاة و حدوث ...
از جهت ... و ... و خرید و فروخت
... و اگر مقابله باشد دلالت کند بر خصومت ازدواج ... و کثرت ...
... اهل صلاح ... و طلب ...
... اهل ... و ظهور خیانت ... اهل تقوی و علم
از ... شدن ... زنان ... و ...
... و اگر تربیع باشد دلالت کند بر کثرت ...
و ... ارباب مذاهب ... و کثرت ... و حدوث
... زنان ... و کثرت ...
... و ... و ...
... از ازدواج ... اهل شرع تربیع و مقابله با عطارد و مشتری دلالت کند بر کثرت
بحث و مناظره میان علما و اهل ادیان و ... و ...
... اهل ورع و تقوی ... و خیانت ... و ... و کثرت
... و تغیر ... وقت ... قضاة و دیوان الصداره و اهل ...
ارباب دیوان ... و ... و ... و ... دیوان

در میان خلق پراکنده شود **اگر مقارنه ... باشد** دلالت کند بر خصومت و جدال میان علما و فقها و خلاف کردن
بر یکدیگر و نزاع در میان اهل مذهب و دادن فتویهای ناحق و کثرت مرافعات و رغبت میان
طلب علم و مناظره و مباحثه ایشان بجهة طلب وظایف و ادرارات و اوقاف و ناراستی در کردن و حیلها در میان
شرع و اهل بلاد و ... پیشه وران و ... مخالف و بیداری ... شدن ... سبب
دخلها پنهانی و ظهور دزدان در اسم مغشوشه و ضرب ... قلابان در شهرها و آمدن باران در وقت
اگر تربیع باشد دلالت کند بر کثرت خصومت فقها و ظهور اسرار کرده و طلب ... کتب بسیاری
و آمدن باد و باران در وقت و جدل علما و وزرا و خصومت اهل بلاد و اظهار حسد در کردن
و ... در جدل و توبه ملوک و اکابر علوم حقیقه و مناصب ... علما و متکلمین و اهل سنت
و ... عامه ... اتفاقی و ... **تربیع و مقارنه ... مشتری** دلالت کند بر
و ملال ائمه و قضات و ... غضب ... حکام ... در ... دعاوی شرعیه و ...
... و ... تو انگران و اشراف ... مردی ... و اهل ...
اگر مقابله باشد دلالت کند بر ... میان علما و قضات و تبع ... و ... ارباب
... عوام الناس و وقوع دعاوی شرعیه ... و ... دولت ... کثرت
خصومات و مناظرات ... امور دینیه ... در ... بسبب دین و مذهب **اگر تربیع**
باشد دلالت کند بر حدت و تندی ... عوام ... زنان ... جران
و خصومت ازواج و کتمان اسرار و ... قضاة و ... بدعت ... ب ... ات
و بحث علما در تعیین ... و ... ت ... **تربیع و مقابله ... مریخ** دلالت کند بر ... فساد

میان امرا و لشکریان ... ایشان و پادشاه و غضب پادشاه بر بعضی از ایشان و ظهور فتنها و عداوتها
و حیرت اهل خیانت و شر و حرب ... و کثرت اراجیف و هول و هراس و هجوم و قطع طریق و ...
مواضع و زلزال حال سلاطین و بیماری و موت اکابر و ... بعضی از فرزندان و بسیاری هوا و اوساط
و ورود و موت در وقت ... و ... کردن ... و حکیم فخرالدین
... گوید اگر در این وقت مریخ در برج ناری بود از جانب مشرق باشد ... در برج
و اگر در برج هوایی بود از طرف مغرب بود و در برج ارضی از طرف جنوب و در برج مایی از طرف
شمال **اگر مقابله باشد** دلالت کند بر خشم ملوک بر امرا و سپهسالاران و معزول شدن بعضی از ایشان
... و آمدن خبرهای ... از طرف مشرق و قتل دزدان و ... از اهل فساد
و ضعف حال ... خارج ... حرب و ... کاران
... و قتل ... امرا و لشکریان ... خلایق از ظلم و ستم ... در
... مغشوش ... حکیم ... گوید که چون در این حال مریخ
در برج ناری بود دلالت کند بر ... در وقت **اگر تربیع باشد** دلالت کند بر ... امری
و کثرت ... ملوک و سلاطین ... ایشان ... امرا
... قضات ... و ... ان ... و حیرت ...
... دولت ... و ... ان ... **تربیع**
و مقابله زهره و مریخ دلالت کند بر ... شدن فسقه و فجره ... امرد ... زنان
... و طلاق و فراق ازواج ... و ... ارباب طرب

و بیماری عرض شود بخصوص از امراض سرد و تغیر زمستانی و قوت حال خود نمایان و وقت بعضی از شجاعان ترکان
و تغیر هوا و جستن بادهای مضطرب و قبض خاطرها و خوف در خلایق و کساد بازار قماش و ابریشمینه
و شیر در قسم ... و ولایت کرمان اگر مقابله باشد دلالت کند بر ضعیف زنان و تباه کاری و حرمت و عادت
خواستن ... و ... زنان و کساد بازارها و فسق و حیله میان ازواج و بیماری زنان و امثال آن
اهل طرب و وقوع نکاحهای بسیار و رغبت و خواری لباس و قماش و بادهای مضطرب و جستن رعد و برق
و ظلمت هوا و افراط باران و در وقت ... مصروف و ... تسخیر در حکام و ... خرج اموال
و خیار و عداوت زنان با شوهران و وقوع ... و ... عورات و ... اسباب و آلات
و ادوات زنان و عطریات بخلاف مطربان و مغنیان و ... [illegible]
و ... و تغیر اهل فسق ... اگر تربیع باشد دلالت کند بر کثرت خصومت و ... [illegible]
... خلایق ... و ... مفارقت میان ازواج و ... [illegible] و کثرت
زنا و ... باران در وقت تربیع و مقابله دو مریخ دلالت کند بر مخالفت ...
میان امرا و دیوانیان و اهل قلم و ... شدن عمال ... دیوان و طلب اموال
... و ... و خیانت مستوفیان و کارکنان دیوان و ... این
طایفه و قطع طرق و ... در معالجات اطبا و ... آتش کاران و کثرت ...
فضلا و عفونت هوا و بیماری اطفال اگر مقارنه باشد دلالت کند بر ... جوانان و ...
و اهل ... و ... زنان و ... کذب و ... [illegible]
و کثرت خیانت ... و گرمی هوا و رعد و برق ...
دارد

و کثرت خیانت و خصومت ... و جدال ... و ... اعمال ... بیماری ... و ...
میان امرا و اهل دیوان و ... [illegible]
اگر تربیع باشد دلالت کند بر کثرت ... و ... [illegible]
... و کثرت ... [illegible]
... و ... [illegible]
... و طلب کردن ... [illegible]
... و ... [illegible]
تربیع و مقابله ... دلالت کند بر ... [illegible]
... [illegible]
... اگر مقابله باشد دلالت
کند بر ... و جدال و ... [illegible]
و بیماری زنان ... [illegible]
... اگر تربیع باشد دلالت کند
بر ... [illegible]
... [illegible]
... تربیع و مقابله ...
دلالت کند بر ... [illegible]

و کشتن مردم در وقت و گفتگو در امور ملکی و جهات سلطنت و تغیر امرا و حدوث طلب خروج و بیرون آمدن
ایشان اگر قران بود بمشتری دلالت کند بر خلاف بزرگان و ظهور خصومت در میان ایشان و بداوری و پنهان
و وقوع هجوم و خیانت و پیدا شدن درمیان ایشان و در عوام الناس خصومت و طلب دین و در عوام و تغیر هوا
و گرانی آمدن نرخها و ظهور امراض و پیدا شدن پنهانیها و فتنه درمیان عوام اگر تربیع بود دلالت کند بر حرکت
روزگاری احوال ... کارها و وقت ... اهل ... و امر ... خبر ... ایشان ... [illegible]
عوام ... پنهانیها و خصومت در ... ایشان ... بزرگان ... و ... [illegible]
تربیع و مقابله بود بمشتری و زهره دلالت کند بر تیزی بازارها و ... احوال ... زنان ... [illegible]
... درمیان ... طایفه ... و ظهور خیانت ... دوران ... [illegible]
و آمدن زنان ... در وقت ... اگر مقابله بود دلالت کند بر خصومت
و نفاق درمیان زنان ... عوام و نفاق درمیان امردان ... [illegible]
و ... درمیان ایشان ... این طایفه ... اگر تربیع بود دلالت کند
بر وقوع ... پنهانی ... کردن ... [illegible]
در ... دوران ... خلل ... [illegible] تنبیه اتصال قمر ...
از ... دلالت عظیم است بر ... تربیع و مقابله بمشتری
و زهره دلالت کند بر ... بازارها ... و خیانت ... [illegible]
عوام ... بازارها ... اگر مقابله بود دلالت
کند بر ... و ... درمیان ... و ... [illegible]

بلکه

با ... و مدت این ... بجای ... و ظهور ... مرده و اگر تربیع باشد دلالت کند بر کثرت ...
در ... و اگر ... بنده ... و ... کنند و ... [illegible]
کرده تنبیه در این نظرات هر کدام که ... باشند و در تاثیرات جیده
... نیکو ... کنند و اگر ... باشد ... [illegible]
تنبیه چون مزاج دو کوکب ... اتصالات ... معدوم باشد ... کوکب
... کوکب ... بیکدیگر ... باشد ... طبیع مزاج ... [illegible]
این کوکب بود ... قوی باشد تنبیه هر دو کوکب که بیکدیگر نظر کنند هر کدام که در این اتصال ... [illegible]
اقوی باشد ... در حکم اغلب و اگر هر دو ... باشد ... و اگر ... [illegible]
باشد اگر ... باشد و اگر ... [illegible]
... تنبیه چون اتفاق افتد که میان دو کوکب هم نظر تربیع محقق شود و هم ... [illegible]
این ... خوانند ... کوکب ... حقیقی ... [illegible]
در ... حقیقی ... دیگری ... حقیقی ... [illegible]
بلکه ... حقیقی ... و این طایفه ... حقیقی ... [illegible]
کنند ... تثلیث خوانند و این سلطان المحققین نصیر الملة والدین قدس سره
... تصریح کرده اند ... بدل ... [illegible]
... تربیع ... مقابله ... [illegible]
... تربیع را ... تاثیرات جیده ... [illegible]

نه زده چنانکه در مقدمه اشارت بان شده است چنانکه اگر کوکبی [illegible] در محل مقبول از خانه و شرف
و غیر هما اقوی بوده باشد تنبیه چون عطارد در جوزا باشد و کوکبی را بیند که در سنبله باشد یا بعکس از [illegible] طبع
گویند و آن نیز بقوت تثلیث بود و در مثل این باشد چون مشتری در حوت بود و کوکبی را بیند که در قوس باشد
یا بعکس تنبیه عظم نظرات و اقوی در تاثیر مقارنه است پس مقابله پس تربیع پس تسدیس بنابر این هرگاه اگر
نظر در دو امر متعارض محقق شود آنکه اقوی است در اثر غالب شد بر آن دیگر سیما اگر کوکب قوی ناظر
که در وتد باشد تنبیه در معرفت انتقالات اوضاع مختلف کواکب را می افتد چنانکه در مقدمه اشاره بان شد
و کیفیت آن در کتب احکام مذکور است و بعضی از آن مشهور و ما نیز آنها را منفصلا در شرح [illegible] بتحقیق [illegible]
ایراد نموده ایم و عمده آن اوضاع قبول و رد و دفع قوت و دو [illegible] دفع قوت طبیعت و دستور [illegible] دیگر
رجوع و نقل [illegible] و قطع نور و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و سعد [illegible] شد
پس اگر وقوع و تحقق یکی از این اوضاع در حال نظر کوکب دست دهد حکم آن را در معرفت آن نظر
بقیاس صحیح و مراقبت مستحسن بطبع مستقیم [illegible] باشد [illegible] و از این اوضاع [illegible]
در حاشیه تقویم ثبت است چه [illegible] تقویم [illegible] هرچه که [illegible] عمل آتش شده و در برج
آتشی [illegible] و هرجا ذکر [illegible] یکی [illegible] آب شده [illegible] در برج [illegible] آن را
فصل سیم در احکام احتراقات [illegible] و تثلیثات [illegible] برج [illegible] اولا باید دانست که احتراق را
اهل احکام دلیل هلاکت دانند چه مزاج کوکب در این حال باطل گردد [illegible] تقسیم [illegible] باشد که کمال
سلامت [illegible] معلم اول ارسطاطالیس گوید که کوکب محترق بمنزله مریض بود [illegible] دست [illegible] چه
فصل [illegible] در [illegible] باشد و جمهور حد احتراق [illegible] طرف شش درجه [illegible] کواکب ابومعشر بلخی در مریخ ده درجه

کرده

کرده چون [illegible] کوکب [illegible] و از این مقدار [illegible] بود در حد احتراق باشد [illegible] که از حد تحت الشعاع
بر خارج شده [illegible] تحت الشعاع بعد [illegible] در مبحث ظهور و خفا ذکر خواهد شد [illegible] علامه [illegible]
سره در بعضی تصانیف خود حد احتراق را [illegible] مذکور [illegible] نموده اند و ابومعشر و [illegible] پرداخته
نیز بر این رفته اند [illegible] که [illegible] زهره [illegible] در احتراق زیاده است [illegible] کواکب [illegible]
و [illegible] رطوبت که در این دو کوکب است لکن محقق طوسی و ابومعشر بلخی و ابوجعفر [illegible] و ابوریحان
در حد احتراق [illegible] ایراد [illegible] که چون [illegible] زهره [illegible] زیاده [illegible] شش درجه باشد احتراق را بر او اطلاق
کنند هرچند مقارنه او بآفتاب محقق شده باشد و هم چنین تقسیم را توقف بر تحقق احتراق است [illegible] چون
[illegible] زهره [illegible] شش درجه شود ابومعشر گوید در حد احتراق بود و جمهور برآنند که احتراق در حد
و قبل [illegible] مخصوص [illegible] گویند قوت [illegible] چنانکه اول ارسطو [illegible]
ارکان [illegible] عبارت الکواکب کلها [illegible] ضعیفه [illegible]
[illegible] اذا جامعها [illegible] قوة [illegible] السعادة [illegible] کذلک [illegible] القوی [illegible]
ان [illegible] الطوالع [illegible]
[illegible] گویند [illegible] در این حال [illegible] بوده باشد چنانکه [illegible]
بر او اطلاق کنند [illegible] جمهور [illegible] گفته اند [illegible] گوید که هر کواکب [illegible] چون [illegible] تحت الشعاع
شوند [illegible] قوت [illegible] پس گوید اگر [illegible]
پانزده درجه بود [illegible] صدق [illegible] باشد و هم چنین سایر کواکب الا [illegible]
[illegible] است [illegible] ابومعشر نیز بر این است اما [illegible]

دیگر آنکه تحت الشعاع و احتراق در جمیع کواکب ردی الاثر است الا عطارد که در احتراق قلیل التغیرات
است و بعضی از سعادت عظیم دهد و بعضی از احکام اهل احکام هر یک از این کواکب را به مردی تشبیه کرده اند چنانچه
گویند زحل در احتراق چون کسی است که در آتش پیر زیاده شود و مشتری چون مردی که بگدازد و خبث او ظاهر
شود و مریخ چون مسی که بتابد و تو پل ادبیه و زهره چون سیماب که بپرد و عطارد چون سنگ که شود و عطارد چون
ارزیز افروخته گردد و زحل خراج شود و آتش ضعیف شود و قمر چون نقره بسیار که بگدازد و بهتر
خبث شود و دیگر طلب کرده و گویند هر کوکب که بکوکب محترق نقل کرد و صفرت بدان کوکب نزدیک
مانند ... قرب **احتراق زحل در مثلثه ناری** اثر احتراق
زحل ... که احتراق زحل در مثلثه
دلیل است بر ... مشایخ و کبار ارباب ... قدیم و اضطراب ... و جور و پیدا
کردن ... اهل ... و تعویق در رخت و باطل
شدن ... یافت شدن طعام و تغیر هوا و غیره **احتراق زحل در مثلثه آبی** دلالت
کند بر کثرت مرگ ... اول و چهارم و ... در ... و نقود
و اضطراب احوال ... و اهل ... در ... و ... بعضی ...
یک ... و قطع طرق و خشم بزرگان ... رسیدن از ... و
حال مشایخ و فراخی طعام و شراب ... عظیم ... در ... و ... در وقت
اگر مشتری ... بود و ... فراخی طعام ... بعضی ... نباتات و کثرت
... اگر مریخ در ... بود و ناظر باشد ... و خلاف ... حرکت ... ایشان

بود و موت ... و در ... و اهل صلاح و بدی شدن نقود و بعضی ...
و بدی هوا اگر زهره ... بود ... و موت زنان باشد و ... در ماه بود ... در وقت ... در ...
عطارد ... بود و در ... باشد و اهل دیوان ... از باب ... رسد ... الا آنکه
... ... باشد تغیر هوا ...
در وقت اگر قمر ... بود ... باشد ... در وقت طعام ... زنان ...
... در وقت ... **احتراق زحل در مثلثه خاکی** دلالت کند بر ... مرگ ...
در جانب جنوب و ... در ماه و تغیر هوا ... در جانب شرقی ... و ...
... و ... آب و بدی حال ... و موت ... در ...
... طعام ... اهل صلاح ... بعضی ... بسیار ...
... اگر مشتری ... بود ... فراخی طعام ... باشد ...
... باشد ... کنند ... اگر مریخ ... بود ...
باشد ... خشک ... هوا ... باشد ... ضعف حال ...
... اگر زهره ...
... اگر عطارد ... بود ... ناظر بود ...
... اگر قمر ... بود ... باشد ...
... بود و ... ناظر بود ... باشد ...

هوا دیا رند یا در وقت دلالت عوام و رنج مسافران و بیکاران و ایشان رفاهیت بود و آمدن کار روشنها
احتراق شمس در ششم دلالت کند بر فتنه در ملوک و اشراف و اکابر و مغرب و علوم و بکشش هوا و ابرها
در ملک در مشرق بود و بادهای خوش و وقوع برها در وقت و ف در وقت او در شان و ترکیا علوم و قحط و قدر ملکان
و غم و اندوه و رسد بیماری اطفال و کندن عورات و عزت علوم و حرمت بات و قوت عوام و غریب شد
دیگر در وقت و فساد و حال صحرا نشینان و معاودت میان ایالات و دو بهای اهل سپید ایشان
وانزال اهل سل و سیل بسیار که و حدوث بود و در میان گاوم اگر مشتری آنجا بود و یا ناظر باشد بود
بادهای خوش ورزد و میوه و طعمه بسیار بود و یکی از نشه است ان من چیز کرده و دیگر گشته را فزون گمر
رسد و بادهای قوی جهد اگر مریخ آنجا بود و یا ناظر باشد بود در زمین مغرب و در قسم سیم و نزلیش و قحط
در اقسم و زد که گاوم بود در ولایت خراسان و در تیرما سلاطین دعوا باشد و در دان خبر کند و شهها ات
کرده و بعضی از اسبها بهتان ایر شوند و بدیان ظاهر کردند اگر زهره آنجا بود و زنان و مطربان
باشد و حدوث شرما در وقت و فت انجمن ما شو ربود دیگر قران بیند که شب زنید و اگر رسد و قحط
باشد و لقد و بست زخم اطفو اگر عطارد در آنجا بود گاوم در علوم و مصالح دقیقه کوشند و اهل ادیان
معتبر شوند و تیز هوا و کثرت ارجحیت باشد و بادهای خوش وزد و بسیار دی نکرد و زنده بود و درخت
کتاب و وزرا و اهل کتب فره و هلاک شخص معروف از این طایفه اگر قمر در آنجا بود و یا ناظر بود بود بکری
عوام و عورات و حرکت رسولان و مسافران و قوت حال نبات بود و کثرت باران که در وقت
در بکری گاوم دانو ده غره باشد **احتراق شمس در هشتم** دلالت کند بر بیماری و رنج ملوک و سلاطین و در اول
و اقلیم چهارم و فساد حال مسافران و بیماران در وقت واشپران و درویشان قومی [illegible] و رنج

وشه در شمال عراق و دیوار که آن و فوق تفخیمها و تقصیر آن اسبها در بعضی مواضع متعدد و طغیان آبها باشد
و فرا پا علو رتبها از سبب بست شدن عصبها و بیماریهای مغز و مرگ مستوران و مرگ ملوک و دیالمان
و اکابر و فرات و چهارپایان و دهای [illegible] و مشغول سلاطین بنظم ملک اگر مشتری در آنجا باشد یا ناظر
بود بد و غیره اهل صلاح بود و فراخی و کثرت منفعت آن وقت که از احکام خوانان منفعت از سفر دریا و بسیار
برد و بادها وزند یا نفع در وقت اگر مریخ آنجا بود و یا ناظر باشد بود چشم ارقه و از ارزیش و خروج معتمد
و انقلاب و فتنه و شدن نخفیف و تیزه و بیند بر ترکان و بکشش آب و هوا اگر زهره آنجا بود دلالت زنان
و مطربان باشد و ابرهای تیره و نزه ووزند که در وقت و حیوانات اند و گاوم اگر عطارد آنجا بود در رسیدن کار روشنها
باشد و تیزی بازارها خاصه بازار مروارید و مرجان و تشویش در بابل و فارس و قحط حال باشد اگر قمر آنجا
بود و یا ناظر بد بسیمها اید [illegible] کشتها و رنج مسافران و عزت علوم و تفرقه عوام باشد **احتراق مشتری**
در شش سابع اثر احتراق مشتری نیز مخصوص است به جنبه [illegible] سلطان محققین در کتاب
تحفه می فرماید که احتراق مشتری مطلقا دلالت کند بر قتل ملوک بر ستیز و عدل و سپید آن
بعضی [illegible] دارات واشراف و هلاک بزرگ و مرگ فقها و توانگران و اعتدال هوا و نایافت
شدن شیرینیها و عزت جواهر معدنیات و کدورت اهل ورع و دیانت و تعویق در کارهای خیر
و بیرون شدن مدارس **احتراق مشتری در ثانیه** دلالت کند بر قوت حال ملوک و سلاطین [illegible]
و خروج آن و کثرت وزرا و قضات و قحط سی بی نهایه و عزت نقود و مصادره توانگران و چهارپایان
آبیان و اشراف و حدوث ارشاد و فرمانها آن وقت یکی از بزرگان و داد و عدل [illegible] ظلم
و تیز هوا و تباهی حال [illegible] و دفتر [illegible] در وقت [illegible] و حدوث [illegible]

دواب اگر خسوف اینجا باشد یا ناظر بود بدو در زمین جنوب قحط باشد و قحط برده و حیوانات اگر مریخ اینجا
بود یا ناظر باشد بدو قحطی و خرابیها علامت شود خاصه در جانب مشرق و دیار خراسان و خصب و تندی
در مزاج اکابر و حرکت آلات حرب و نکبت بزرگان و خصومات و پیری و ثبات اگر زهره اینجا بود
اعتدال هوا باشد و خصب و طعام و میوه و کسب ... زنان و اهل طرب و انواع آن باشد اگر عطارد در اینجا بود و تیزی
بازار قرا آن و شعرا ... و علما باشد و علامات دیران و اهل دیوان ... لشکری و باران
و بسیاری ... باشد و هوا تیز شود و ... و زمین تیز ... منسوب گردد
اگر قمر اینجا بود یا ناظر بود بدو ... باشد و هوا معتدل گردد ... ذوات ... رسد
و خوف و بیماری عوام بود احتراق مریخ در شش یکی دلالت کند بر ... جنوب ... ضعف
و عدل ... و علما و اهل ... کرده رسد و قضاة عزل شوند و فراخ طعام و شیر ...
باشد ... احکام ... بسیاری ... در ... بود
اگر خسوف اینجا بود یا ناظر باشد بدو ... تیز و اکر اینجا ... باشد ... اولاد ... قحط
و اگر مریخ در اینجا بود یا ناظر بود بدو ... و خیانت و ظلم ... پدید آید و خشکی هوا و ... طعام
در حرکت لشکرها و ... حرب ... گردد و حرکت ... بود و ... نباتات و قلت طعام و اگر
زهره در اینجا بود فراخی نعمت باشد و اندوه زنان و ... دواب بلای و خوف میوه ... اگر
عطارد اینجا بود ... و تیز هوا باشد ... نباتات و کثرت ... بسیاری
... باشد ... اگر قمر اینجا بود و یا ناظر
باشد بدو عوام را ملامت رسد و بدی حال ... پروا ... گردد ...

دون

ون و حیوانات بود احتراق مریخ در شش هوایی دلالت کند بر توسط حال ... و میوه ... مغرب
و حفظ ... میان خلایق و فراخی اطعمه ... و مصلحت خلایق ... و علامات
و نفاق در اکابر ... معیشت و کثرت انصاف ... هوا ... و ... در ولایت شام و هلاک
یکی ... و علما ... و اهل ...
و ... و حرب ... و بزرگان ... و علما و فقها اگر خسوف اینجا بود
یا ناظر بدو ... کرم ... شرف بود و نفاق ... اکابر ...
میوه ... علامات ... که مریخ ... بود و عطارد ...
ابداوت اگر زهره اینجا بود ... اموال خلایق ...
... و ... اگر قمر اینجا بود یا ناظر بدو ... باشد ... و میوه ...
باشد ... و عوام را ملامت رسد و بدی حال ... احتراق
مریخ در شش ابیه دلالت کند ... نباتات
اگر خسوف اینجا بود یا ناظر بود بدو ... در جانب شمال ... اگر مریخ اینجا بود و یا ناظر
بدو حرب ... و حرکت ... اگر در جانب مشرق و ...
خراسان و خصب و تندی در مزاج بزرگان و حرکت آلت حرب ... اگر
زهره اینجا بود ... باشد و کثرت ... و فراخی طعام ...
... و بسیاری زنان ... اگر عطارد اینجا بود و تیزی بازارها باشد ...
و کثرت ... و بسیاری ... بود ...

در وقت و تیز هوا اگر قمر آنجا بود یا ناظر بدو بسیلهای مخرب رود و در وقت رسیدن نبات آفت و تعجیل وزن
و آمدن ایشان از سفر خبرت احتراق مریخ در شهر شعبان سلطان المحققین نصیر الملة والدین در کتاب سی فصل
آورده که احتراق مریخ در سلطنت دلیل است بر ناایمنی راهها و حدوث شبها و بر خروج دزدان و پدید
آمدن آشوبها و مناقشه و مخالفت پادشاهان با یکدیگر و کشته شدن سپاهیان و گرمی هوا
و خستن و هجوم وبا و تبها و افراط خشکی در عراق عجم و تشویش در بلاد عرب و خوزستان و اکثر اقلیم چهارم
و شدن غارت و تاراج و امراض اده هر که اگر احتراق مریخ در شهر ربیع دلالت کند بر جنگ و تندی
در مزاج ملوک و سلاطین و شدن آنجا بود در جانب شرق و اقلیم سیوم و چهارم و کثرت افکار و قسمتهای بیماری
مخالفت لشکریان و ملوک و ... که نقد آن در ... و ... جواهر و حدوث شیون و فساد
دار الغرب و وزیدن سموم در وقت ... بسته و بیماری اطفال و خشم ملوک بر رعایا اگر زحل آنجا بود یا ناظر
باشد بدو ملوک ... رفت بود و کثرت ... اگر مشتری آنجا بود یا ناظر بود ... اکابر
و معارف باشد اگر زهره آنجا بود و حدوث باران و فراخی طعام بود و ... و بیماری زنان و ...
و اعتدال هوا اگر عطارد آنجا بود رعد و برق باشد و حدوث علامات ... احتراق در ... بود اگر قمر
آنجا بود یا ناظر بود ... تاکید امر مذکور کند و ... جواهر و زدن ... و ... تیزی بازار
سلاح و ... و ... عاصفه و رعد و برق در وقت و قوت ... احتراق ... اگر قمر آنجا بود
یا ناظر باشد بدو علامت ... باشد و تشویش ... و قطع طریق و غرق ... و ... جنگ
و حدوث ... و ... [احتراق مریخ در شهر جمادی] دلالت کند بر نکبت ملوک اکابر
در جانب جنوب و ... در ... و ... و ... مخالفت لشکریان بر برادران

و ظهور دزدی و کذب و خرابی امراض ... بیماری ... اعراض ... و مرگ بزرگان
و امیران و ... اصل ... و ... کار
عامه اگر زحل آنجا بود یا ناظر بود بدو ... اگر زهره آنجا بود و بیماری زنان ... باشد
... و ... در وقت ... اگر عطارد آنجا بود ... هوا باشد
... خشک و بیماری ... و ... نبات ... بر ...
... اعراض پیدا شود ... و کثرت ... اگر قمر آنجا بود یا ناظر
باشد بدو ... و ... و ... بود ... در وقت
و قوت نبات احتراق مریخ در شهر رجب دلالت کند بر قتل و مرگ ملوک مغرب و ... آن ... حیف
و ... بیماری ... و ... اتفاق ...
... لشکریان ... و ... آن ... دان
و قوت ... عاصفه ... اگر زحل آنجا بود یا ناظر باشد بدو ...
چهارپایان ... احتراق ... باشد اگر مشتری آنجا باشد یا ناظر بود بدو ... و فساد
بود اگر زهره آنجا بود ... و ... بود
... اگر عطارد آنجا بود و کثرت ... و تیز هوا باشد و ... علامات ... احتراق
... و ... اگر قمر آنجا بود یا ناظر بود
شیون رود و ... ذوات ... زنان ... عوام ...
احتراق مریخ در شهر شعبان دلالت کند بر ... در جانب شمال و قوت ... شیون

و تف و ابر و وبا و مردن ارباب حشمت و خرابها و روی بصحرا نهادن و ترس و ارزانی صیفی و غلو شتوی
و نقصان آبها و زلزلها و بیماری گرم و بسیار بودن تابستان و باران و زمستان و برف عظیم رسیدن بولایت ترکان
و حدوث امراض حاره و مرگ و مرض طاعون و خروج عامه و بدی کار زنان و احوال جوانان و بدی حال
مسافران دریا و کثرت مجادلات باشد اگر زحل آنجا بود یا ناظر بدو زیادتی آبها و دلبندی مردم [illegible] باشد
اگر زهره آنجا باشد بارندگیها بسیار بود و ابرهای تیره و بسیار باشد در وقت رسیدن نباتات اگر عطارد
در آنجا بود بادهای تند جهد و جنگ و بازیان و کثرت ارجیف و بدی حال مسافران و کم [illegible]
هوا اگر قمر آنجا بود یا ناظر بدو مرور بسیار و بعضی را بضرر باشد در زیادتی آبها و تفرقه عامه [illegible]
احتراق زهره در شمس در جوزا کامل [illegible] در تیر ماه [illegible] احکام مفرد که احتراق زهره
مطلق دلالت کند بر [illegible] و [illegible] کردن [illegible] و حشرات [illegible] و عداوت [illegible]
[illegible] خوانندگان و زنان و [illegible] ارباب طرب و ارباب [illegible]
[illegible] و رسیدن [illegible] و [illegible] مردن از [illegible] منقص شدن [illegible]
شدن [illegible] و حدوث بیماری و [illegible] اعتدال [illegible] در کتاب مجمع الاسرار آورده
که اجتماع زهره و شمس در برج هوایی دلالت کند بر کثرت [illegible] و فراق [illegible] برحمت [illegible]
[illegible] اگر [illegible] باشد حکم کثرت [illegible] باران [illegible]
[illegible] باران باشد احتراق زهره در شمس در جوزا دلالت کند بر علاج بیماری زنان [illegible]
و [illegible] و تشویش در طرف شرق و اقلیم پنجم و بلادی که منسوب بزهره باشد ظاهر [illegible]
[illegible] بعضی از [illegible] آنچه [illegible] باشد و اعتدال هوا و حرارت و [illegible]

میان سلاطین و حکام و خطاب نمودن [illegible] و بیماری و مشرکان از [illegible] حرارت هوا اگر زحل
در آنجا بود یا ناظر بدو موت زنها و [illegible] و [illegible] از [illegible] و [illegible] پیران اگر مشتری آنجا بود
یا ناظر بود کثرت نعمت باشد و [illegible] حیوانات بود و بادهای معتدل جهد اگر مریخ آنجا بود یا ناظر بود
[illegible] و [illegible] و [illegible] اگر عطارد آنجا بود [illegible]
کرده و [illegible] و وقوع [illegible] و [illegible] نقصان [illegible] و در وقت [illegible] و نقصان
بارندگی بود و [illegible] اگر قمر آنجا بود یا ناظر بود [illegible] هوا [illegible] در وقت
و نقصان [illegible] احتراق زهره در شمس در جوزا دلالت کند بر رنج زنان و [illegible]
و [illegible] ارباب طرب و زینت و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] در [illegible] و [illegible] در وقت [illegible] و [illegible]
اطفال [illegible] کثرت [illegible] در وقت [illegible] در بعضی
مواضع [illegible] زنان [illegible] شدن [illegible] اگر زحل آنجا بود
یا ناظر باشد [illegible] باشد اگر مشتری آنجا باشد
یا ناظر بدو [illegible] باشد و اعتدال هوا اگر مریخ آنجا بود یا ناظر بدو [illegible]
بود و [illegible] زنان و [illegible] اگر عطارد آنجا بود [illegible] و تشویش بود و حدوث [illegible]
و بیماری در [illegible] و [illegible] و تغیر [illegible] اگر قمر آنجا بود [illegible]
بود [illegible] در وقت و کثرت [illegible] بود [illegible]
[illegible] و [illegible] زنان [illegible] احتراق زهره در شمس در جوزا دلالت کند بر رنج [illegible]

و خدم و بیماریها در جانب مغرب و قیمت هیچ فی دیده و کثرت منکبت یا رغبت و کاهش شدن
آلات غله در بر و یا منع آن و بسیار مرگ و هرج و نقصان در جهت دل و جگر و زنا ایمنی را بها دارد و باران اندک در وقت اگر
زحل انجا بود و یا ناظر با بد بیماری سخت بود و وقت شجر روانیده و بزرگان شد اگر مشتری انجا بود و یا ناظر با
نفع یار باشد و جهت بر ائمه و قضات بود اگر مریخ انجا بود و یا ناظر با و خرابیها موضع بود و بهم تقاطر و اولاد دارد هم
واف میوه ها اگر عطارد انجا بود بیماران علاج پذیر باشند و بادهای موسمی تند و دزد و دروغ بسیار باشد و بیع مشتری
و میوه ها ت قیمت در دو سال و شعراء و اهل علم و دبیران و منجمان اگر قمر انجا بود و یا ناظر با و بارندگی
و بادهای مخالف بود و غلبه عوام و حرکت ابرها و برفها در وقت و رسیدن آن و خوفهای عوام گاه
زهره و مشتری یا دلالت کند بر کثرت توالد و تناسل و هرج زنان ... و حدوث بارانها و ...
و باد و رعد و ... زنان بر ... و بیماری کودکان ... از جهت و غرق گشتن ... عاصفه ...
لشکر ... و معارف ملوک و خصومت ازدواج و ... شدن ... و تری هوا اگر زحل انجا بود
یا ناظر با و غرق سفاین باشد و کثرت ابرها و خرابیها از آن و تلف حیوانات ... اگر مشتری انجا
بود و یا ناظر با بارانهای کم منفعت بارد در وقت و نعمت بسیار گردد و وقوع ... در میان بزرگان
و ... گشتن اگر مریخ انجا بود و یا ناظر با بارانهای مضر اید و سبب سیل در یا بود اگر عطارد انجا بود
اید و حرکت ... بود و خصومت اهل ... و ... حوض ... مانند آن اگر قمر انجا بود و یا ناظر
با ... و خرابیها کند و کاریزها بند شود و هرج ... آن دریا بود احتراق عطارد در شرف ...
محقق اعظم نصیر الملة والدین در کتاب ... می فرماید که احتراق عطارد مطلق دلالت کند بر ... کتاب
و دبیران و ... شدن از ملوک و ... کار دیوان و منافقه نمودن با ایشان و ... در ... تحصیل

محصولان و ... مدارس ... زاید ... و ... تجارات ... و ... و ... از جهت بیماری
کودکان و تیزی هوا و حدوث ... احتراق عطارد در شرف دلالت کند بر ضعف ... فضلا و ارباب
... و ... اهل ... بیماری ... در ... دبیران و ... و طب ...
... و گرمی هوا در تابستان و ... و ... بها و حرکت ... در طرف
... و اهل تجارت و ... و ... بر ... و ...
و بیماری کودکان اگر زحل انجا بود و یا ناظر ... و ... منفعت ... اگر مشتری
انجا بود و یا ناظر با و خوف و خطر ... و ... و وقوع ... اگر زهره انجا بود و بیماری
زنان ... باشد ... اگر قمر انجا بود و یا ناظر با کدورت هوا باشد ... اهل
... و عوام ... و ... قیمت ... و ... گوید ...
هوا ... باشد احتراق عطارد در ... دلالت کند بر تغیر هوا و بادهای ... در وقت ... و طعم ...
و ... و علت ... و بیماری ... اهل ... در جنوب ... هوا ... ریح
... و ... و کثرت ابرها ... و ... اهل ... و ... و ...
... اگر زحل انجا بود و یا ناظر با ... و ... حیوانات ... زلزله
... باشد ... اگر مشتری انجا بود و یا ناظر ... و ... رسد ...
علماء و فضلا باشد ... اگر مریخ انجا بود و یا ناظر ... و بیماری ... آن
... اگر زهره انجا بود ... زنان ... باشد ... شدن ...
اگر قمر انجا بود و یا ناظر با ... در وقت ... دل عوام و کدورت زنان و ...

جراحات پدید آید و میوه‌ها فراوان و کمی نفع ایشان احتراق عطارد در هشتم برج دلالت کند
بر اکثر بستن ابر و خوشی حال هوا و تیزی بادها و رونق کار تجار و زمین‌ها و بادهای تند برود در وقت
و قحط در آن [illegible] و حوادث در خراج ارباب قلم و حال اهل [illegible] فرود و خوش [illegible]
برده و دواب و ظلم اهل دیوان و جستن بادها و رعد و برق و صاعقه در وقت و خلاف [illegible]
و ظهور [illegible] در وقوع در چشم اگر زحل ایجا بود و یا ناظر باشد بیماری [illegible] بود و بادهای [illegible] کدورت هوا
و قحط اشجار اگر مشتری ایجا بود و یا ناظر بود بادهای سلیم [illegible] گندم [illegible] خوش
و رونق تجار اگر مریخ ایجا یا ناظر بود بیماری‌ها و موت و قتل و فتنه باشد اگر زهره ایجا بود [illegible]
و حال [illegible] اگر قمر ایجا یا ناظر بود [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] بود احتراق عطارد در [illegible] دلالت کند بر [illegible]
[illegible] ابرها و تغیر هوا [illegible] میوه‌ها در وقت [illegible] گندم [illegible] و بدی حال [illegible]
وقت [illegible] اگر زحل ایجا یا ناظر بود [illegible] مواضع [illegible] دلالت بود اگر مشتری ایجا
یا ناظر باشد [illegible] حال [illegible] باشد [illegible] اگر مریخ ایجا بود و یا ناظر بود
[illegible] و غارت [illegible] بود [illegible] اگر زهره ایجا بود [illegible]
و کثرت [illegible] اگر قمر ایجا بود و یا ناظر باشد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] بود [illegible] احتراقات کواکب متحیره در هر یک از بروج
اثنی عشر احتراق زحل در حمل دلالت کند بر [illegible] میوه‌ها و عفونت هوا و آمدن باران [illegible]
[illegible] بزرگ و وقوع حرب و [illegible] و موت در عراق عجم رسد [illegible] که طاعون باشد

[illegible]

و تباهی هوا و هر در معادن و خروج خوارج شدید الباس از طرف شرق به طرف [illegible] و جهیدن
سیما که مشتری با مریخ ایجا بود و باشد یا ناظر بود [illegible] قرانی بود اگر زهره ایجا باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] که عطارد در این [illegible] بود و اگر عطارد [illegible] ایجا بود در این
و اهل قلم را رنج و نکبت رسد [illegible] راه خوف بود و اگر قمر ایجا باشد یا ناظر بود
در کم شدن میوه‌ها تباه باشد و مرگ چهارپایان و حال [illegible] بد گردد و [illegible] باشد در جهت
گران بود و میوه باشد احتراق عطارد در برج ثور دلالت کند بر موت و فقدان مردم و مایه و تلف شدن
دواب [illegible] و قحط [illegible] و کثرت دزدان و تغیر هوا و خرابی عمارات و [illegible]
حال اهل قلاع و جبال [illegible] و موت یکی از سلاطین عظیم‌الشان و حضرت مشایخ و ارباب فلاحت
و اگر مشتری و مریخ ایجا و ناظر بود قوت دزدان بود و [illegible] میوه [illegible] باشد [illegible] در جبال [illegible]
و اگر زهره یا عطارد ایجا بود [illegible] باشد و تباهی میوه‌ها [illegible] سیما که احتراق [illegible] بود
و بیماری [illegible] و اگر قمر ایجا بود یا ناظر بود [illegible] باران [illegible] باشد رعد و برق
و تباهی میوه‌ها بود احتراق عطارد در برج جوزا دلالت کند بر قتل یکی از سلاطین [illegible] و بدی حال [illegible]
[illegible] و شدت گرما و [illegible] در مواضع متعدد و خلاف [illegible] مشایخ و تباهی و ضعف دین و ظهور حرکت
[illegible]
[illegible]
[illegible] و اگر
مشتری ایجا بود یا ناظر بود [illegible]

در همه دل بود بیکدیگر و از عجایب این احوال کمتر رسد اگر مریخ با وی بود و یا نظر بوی شده باشد
شیوع یابد خاصه در زمین روم و پادشاه روم را چون هلاک بود اگر زهره با عطارد با وی باشد نکبت ارباب
دفاتر و اهل قلم و هلاک بزرگان از طبقات عطارد و اگر زهره منفرد و مجرد از عطارد بود هلاک زنان
و خادمان باشد و مرگ کودکان و اگر عطارد منفرد و مجرد از زهره باشد دبیران و وزرا و ارباب کار و تجارت
و فساد بازارها باشد و نیز در زمین و حیوانات احوال اگر قمر با وی باشد و نظر بوی حال زنان حامله بد باشد و ایشان
تند خوی شوند و حمل ایشان بضرر رسد و نقصان غلات بود و مرگ انعام و فساد ثمار باشد احتراق زحل در برج
سرطان دلالت کند بر مرگ یکی از سلاطین معظم یا خادمی محترم باشد و حدوث موت و اگر علامات
غلات و نقصان میوه و جنگ و فتنه و خوف بعضی از ملوک جانب مشرق و هلاک پادشاه روم یا یکی از ارکان
دولت او و اگر ایذا رسد و فتنه بین ایشان و لشکر در تباهی بود و ملک را هیچ کام و مرام حاصل نشود در کار و تدبیر دولت
که ایشان بعد اگر مشتری و مریخ با وی بود و یا نظر بوی بود حکم و فرمانهای بزرگان در امور
رسد و هلاک پادشاه روم بود و اگر مشتری منفرد و مجرد از مریخ بود و حاکم ظاهر پیدا آید که
و حمل عجب از وی رسد و در آن اثنا کمتر شود و اگر مریخ منفرد و مجرد از مشتری بود و سببی در روم پادشاه
کند و جنگ بسیار و قهر را اندوه و ملال رسد تنبیه در سنه یک هزار و سی و یک هجری زحل در برج
سرطان محترق شد و در حین مقارنه مریخ بغرض ناظر بود و ظن آنست که پادشاه روم را در این سال
امور عظیم و بلایا رسد و ظن غالب آنست که بقتل رسد و در تقویم نیز این مضمون مسطور شد
اتفاقا در رجب آن سال لشکریان بسلطان عثمان شورش نموده او را با جمعی از ارکان دولت او بقتل رسانیدند
اگر زهره با وی بود غم و اندوه و مصیبت زنان باشد و اگر عطارد با وی باشد بدی حال

زنان و خادمان باشد و هلاک بسیار بهم رسد اگر قمر با وی باشد یا نظر بوی که بر ایذا رسد و کثرت
گریه کند احتراق مشتری در برج اسد دلالت کند بر مرگ پادشاهی در جانب مشرق و وقوع شدائد و ظهور
در عراق و جانب شمال و شدت قحط و غلبه جور باعث وقوع و رسوم ظلم و ظهور تغیرات و کثرت
دقیق کوشت و سلامتی استر و شتر و چهارپایان و سایر دواب و کثرت اموال و ارزانی طلا و مس و رصاص
و هلاک دواب و اگر مشتری با او بود و یا ناظر بود سلامتی اهل علم و قوت سلاطین و حکام بود و صحت
دواب و سلامت و جواهر و معادن و کثرت چهارپایان بود اگر مریخ با او بود و یا متصل بود و عطارد با او
باشد یا قمر متصل با او بود و خوف لپسری حرارت بود در مزاجها و در وقت و مرگ بسیار و ضرر
و ظهور خوارج باشد و حاکم بابل و عراق و عرب با اعدا و مدعیان خود ظفر یابد و خبر و عساکر ایشان را
هلاک و نابود کند و در وزرای پادشاه این سبب تفرق جویند و اگر مریخ منفرد و مجرد از کواکب
مذکوره با او بود و یا ناظر بود و غرامت و قیمت چهارپایان بود و تباهی جواهر باشد در معادن و تجارت
معدنیات و ضعف سلاطین و چهارپایان خشک سالی بود و هلاک چارپایان شیما استر و شتر و حمار و احتراق مریخ
و اگر زهره با او بود و بلاها جمع شود و مردم را علاج و ایشان مفید آید و قیمت ارزانی شده زیاد کرده و جواهر
بسیار بود خاصه زر و یاقوت و مس و ابریشم نیز فراوان باشد اگر عطارد منفرد با او بود و کثرت
خبر نیز فراوان باشد و نادر آید و سیم و سیماب ارزان کرده و اهل طرق و شوارع باشد و قصد و غم
اهل قلم و کتاب کنند و زر خیر ارزان کرده اگر قمر منفرد با او بود و یا ناظر بود و خوف و شهر رسیده و فتنه و
تحمل باشد و اگر ایذا و تب و بیماری افتد سرد و رطبی و اختلاف هوا احتراق مریخ در برج سنبله دلالت کند
بر حبس هوا و موت یکی از سلاطین و هلاک گرسنگی از لوازم و در سید ان شرح خاصه در رمل و جبال آنکه در

وطرف شمال و موت اطفال و سقوط جنین و کثرت امراض مزمنه و دیگر دلائل وقف و صاحب کتاب
و ملوک یکی از وزرای وی الا افتخار حسن حال که تا رسید و داد و بسیار و عکس و داد و کثرت ثمرات
و رخص اسعار و زیادت میاه بود و اگر مشتری با او بود یا ناظر و کثرت بیماری باشد و ... که وزنان کودکان
یکی ... نباید اگر مریخ با او باشد یا ناظر بود مرگ امیری یا وزیری بزرگ باشد و تباهی حال
خلایق و گرماهای سخت و وقوع فوت و موت اگر زهره با او بود فراخی معاش باشد و اندر ... رحمها ...
آنچه کمیل ... فروشند بسیاری ... باشد اگر عطارد با او بود و بسیاری ... و ... باشد
باشد و نیکو حال فضلا و ... و آن بود و حسن ... کتاب و ... داد و ... اهل ...
... احوال ایشان ... کند و ... که آن ... بود و اگر احتراق در ... باشد اگر قمر با او بود
یا ناظر بود احوال ... ایشان ... کند و ... باران آید و ... باشد در ... بود احتراق
زحل در برج میزان دلالت کند بر وقوع حرب میان ملوک و ... ماندن و امراض شدید و در میان
زنان و ... این طایفه و مرگ ... در جانب مغرب و کثرت اعدا و تفرق خلایق ... و ...
و مرگ مشایخ و اهل ... حدوث غیوم و ... کثرت ... و ... شدن را ... و ...
و ... و ... و صلاح حال سلاطین ... و ... شدت حرب ... و مرگ ... اضطراب ایشان
و حدوث امراض ... اگر مشتری با او بود یا ناظر باشد ... صاحب ملوک ... و ... نیکو بود ...
بر ایشان مبارک و میمون کند و ... بود ... حرکت ... و برکت باشد اگر مریخ با او بود
یا ناظر بود ... و ... شدت ... و صاحب ... و ... که ... ان ...
و ... اضطراب کند و ... اگر زهره و عطارد با او بود و ... را ... پیش آید

... آید و میان ... ضرر ... و ... و ... و اگر عطارد ... و ... و ... عجب ... مرگ ...
باشد و ... وقت ... و ... که ... ایشان ... و ... اگر قمر با او بود یا ناظر
بود ... حال ... بود و ... سلاطین ... و ... و ... ایشان ... و ... جو ...
احتراق زحل در برج عقرب دلالت کند بر کثرت حروب میان ملوک و سلاطین خاصه در جانب مغرب ...
... بسیاری ... و ... هوام ... هوا ... و باران ... در جنوب ... احوال
... و حدوث ... و خروج اعدا ... باشد ... و ... میان عرب ... و تباهی احوال ...
... ایشان ... و اگر ... عراق ... و ... اگر ... بسیاری
... ولایت و اگر مشتری با او بود یا ناظر بود قومی مخالف مذهب خروج کنند و ... را
... بود ... و ... و ... شوند و ... آن ... و ... بود
... اگر مریخ با او بود یا ناظر بود ... و ... و ... گردد و ...
... و خروج اعدا باشد اگر زهره و عطارد با او بود و ... اهل ... و ... کند و ...
... باشد و ... ابو الحسن ... گوید اگر عطارد با او بود ... کثرت ...
... و ... کند و بسیاری ... و ... بود و ... و ... ترقی ...
... حال اهل ... و ... باشد و کثرت ... ایشان اگر قمر با او بود یا ناظر ... باران بسیار
... و زیادت بود و کثرت صلاح باشد احتراق زحل در برج قوس دلالت کند بر وقوع و حدوث ...
... ملوک ... و ... مرگ ... عظیم ایشان ... و ... و اهل
... و ... مرگ ... و ... کردن ایشان و ... حال ... اهل ادب ... بسیاری

نهب کنند و اهل بصره را اموال چهارپایان تباه شود و اگر ایشان [illegible] باشد و [illegible] دزدان بود و اگر مشتری با
او بود یا ناظر بود به جنس عمال علما و قوت رفیع و نصرت پادشاه و رغبت اهل ولایت و مطیع شدن رعایا
و نکبت اعادی دین و گویند بسیار عمال آبادان بود و اگر مریخ با او بود یا ناظر با او بود و پادشاهی بشهری مبارک کند و اگر
مریخ [illegible] و قمر با او بود یا ناظر بود و به افراط باشد و دزدان بسیار گردند و راه داران قوت گیرند و اگر زهره
و عطارد با او بود و صاحب حرب [illegible] ادب کنند و دزدان را نکبت رسد و اگر زهره [illegible] با او بود
زنان و مطربان را نکبت رسد و بیماری در این طایفه بود و اگر عطارد [illegible] با او بود و بسیار عمال دبیران
و اهل قلم باشد و کار ایشان نزد عقلا و وزرا [illegible] باشد و اگر قمر با او بود
یا ناظر بود او پادشاهی بشهری مبارک کند [illegible] چون [illegible] جنس [illegible] در حد این برج
و وقت اگر اتفاق افتد که جنس [illegible] محترق شود و تغیرات کلی بدولت قدیم راه یابد و صفات
و نعوت خلایق دگرگون شود احتراق زحل در برج ثور دلالت کند بر نقصان میاه و مرگ [illegible]
از [illegible] پادشاه هند در ولایت هند و [illegible] اهل [illegible] دولت و [illegible]
و حدوث برف و [illegible] که احتراق در عاشر بود و [illegible] اگر در رابع بود [illegible]
باد و باشد و [illegible] و اشجار [illegible] و غلبه [illegible] سلاح و [illegible] اموال [illegible]
[illegible] و اطفال [illegible] و اگر مشتری با او بود یا ناظر [illegible] صاحب
[illegible] باشد و اگر [illegible] مشتری [illegible] این تاثیرات بود و اگر مریخ با وی باشد یا ناظر
بوی [illegible] رسد و کار اهل سلاح [illegible] روی [illegible]
[illegible] با افراط رسد و اگر زهره و عطارد با او بود اهل ادب [illegible] امراض [illegible]

اطفال

اطفال شود و اگر زهره و عطارد با او بود [illegible] باشد و باران [illegible] آید و [illegible] و اگر عطارد
[illegible] با او باشد مرگ دبیران و اهل ادب باشد و کودکان تلف گردند و [illegible] دین
[illegible] باشد و [illegible] اگر احتراق در رابع بود و اگر قمر با او بود یا ناظر
[illegible] به افراط و کثرت ریاح [illegible] باشد احتراق زحل در برج [illegible] دلالت کند بر شدت سرما و بسیاری
برف و شبنم [illegible] و فرش [illegible] اگر [illegible] در روی دریا
[illegible] و بسیاری [illegible] خلایق [illegible] در جانب مشرق [illegible] و وقوع
حوادث در ولایت [illegible] مغرب و شدت [illegible] نواحی [illegible] اهل جبال [illegible]
اکراد [illegible] و جای [illegible] اگر مشتری با او بود یا ناظر [illegible] صعب باشد [illegible]
ایشان [illegible] سال [illegible] باشد [illegible] و اگر مریخ با او بود یا ناظر [illegible]
[illegible] خروج کند [illegible] ماوراء النهر نیز [illegible] و جای [illegible] باشد و اگر زهره با او
[illegible] روی [illegible] باران [illegible] بیماری [illegible]
[illegible] و اگر عطارد با او بود [illegible] اهل [illegible]
[illegible] رسد [illegible] باشد و اگر قمر با او بود یا ناظر [illegible] حدوث ریاح [illegible] و برق باشد احتراق
زحل در برج سرطان دلالت کند بر خوف و هرج [illegible] و مرگ اشراف و [illegible]
[illegible] در جانب مشرق [illegible] ملوک [illegible] و کثرت [illegible] و خوف [illegible]
[illegible] کثرت [illegible] رطوبت [illegible]
اموال [illegible] اهل [illegible] خوف [illegible]

بود و هجوم را از خروج و دشمنی از ناحیت اصفهان و فارس و خراسان هم بود و هبوب ریاح عاصف بود
و حصه [illegible] حاصل کرده اگر مشتری با او بود یا ناظر بود با او دشمنی کنند بین فارس و اصفهان
خروج کنند و فراخی نعمت و خوشی معیشت عجم بود و در ولایت مملکت جبال از خروج خوارج و قتل و نهب ایشان
عجم و هجوم رسد و نقصان احوال بود اگر مریخ با او باشد یا ناظر بود طایفه [illegible] رسد و [illegible] بدان در دوران
دیگر [illegible] قتل و غارت کنند و بدی احوال [illegible] بود اگر زهره [illegible]
با او باشد [illegible] عرب [illegible] رسد و [illegible] اگر [illegible]
با او بود [illegible] رسد [illegible] مرگ باشد و موت زنان بیشتر بود و در دریا [illegible]
[illegible] صلاح [illegible] باشد و اگر عطارد [illegible] با او بود [illegible]
[illegible] بود اگر قمر با او بود یا ناظر با او کثرت نعمت بود و [illegible]
زیاده شود در وقت [illegible] باشد **احتراق مشتری در برج حمل** دلالت کند بر [illegible]
اکابر و قضاة و اشراف و تغیر هوا [illegible] و قواعد و قوانین و ظهور اعدا در ولایت [illegible]
[illegible] از تشنیع علوم [illegible] اهل مشرق [illegible]
و سواد عراق و فارس [illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر بود خروج اعدا [illegible] باشد و هجوم را
[illegible] خوف بود و [illegible] بزرگ [illegible] از اهل [illegible] صاحب [illegible] اگر
مریخ با او بود یا ناظر بود کثرت [illegible] باشد و بیماری [illegible] عراق عرب [illegible]
[illegible] گویند [illegible] تعلیه [illegible] اگر زهره با او بود
[illegible] زنان [illegible] باشد [illegible] باشد

و عوام از این تشنیع و غوغا کنند و اهل تقوی [illegible] اگر عطارد با او
بود مرگ [illegible] و کودکان [illegible] اهل علم بود و [illegible] در میان [illegible]
و قضاة و اهل شهر [illegible] گردد اگر قمر با او باشد یا ناظر بود [illegible] باران [illegible]
مرگ [illegible] بزرگ [illegible] ناظر [illegible] باشد [illegible]
و سلاطین [illegible] باشد [illegible] **احتراق مشتری در برج ثور** دلالت کند بر [illegible] هوا
و کثرت [illegible] اشراف و کثرت ریاح عاصفه
و بسیاری [illegible] و صلاح [illegible] و کثرت [illegible] احوال اهل [illegible]
جبال [illegible] اگر زحل با او باشد یا ناظر با او [illegible]
در [illegible] و خروج اعدا [illegible] کردند
اگر مریخ با او بود یا ناظر با او در عراق عرب [illegible] خروج کنند [illegible] باشد
اگر زهره با او بود [illegible] فراخی نعمت باشد اگر عطارد با او بود [illegible]
[illegible] اگر قمر با او بود یا ناظر بود [illegible] نعمت باشد [illegible]
و دواب [illegible] و کثرت [illegible] بود **احتراق مشتری در برج جوزا** دلالت کند بر رطوبت هوا
و [illegible] بزرگ و معروف [illegible] مشرق و کثرت
[illegible] و بسیاری [illegible] حال [illegible] ایشان
[illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر بود [illegible] بیماری [illegible] باشد [illegible]
[illegible] رسد [illegible] اگر مریخ با او بود یا ناظر بود [illegible]

بود و در فرخندت باشد بسیاری در فرزندان بود و اینها از قبیل محموم ایشان را دارد و بسیار تحکم کرد
از قطع رحمت و با قتال کردند اگر زهره با عطارد با او بود و از باب ... آب ... و خون رسد و اگر زهره و مشتری
از عطارد بود فراخی و دو فرخنت باشد و مرگ بزرگ اتفاق افتد بها و گران شود بسیار کنند و اگر عطارد و مشتری
از زهره با او بود در نیکا حال کارها باشد و شیخی از وزیران بزرگ از سلاطین و حکام پر دل آید و هلاک کرد تین
و ابطال شد اگر قمر با او باشد و ناظر بود مرگ یکی از فرماندهان باشد و دیگری بجای او نصب شود
و فراخی بود **احتراق مشتری در برج سرطان** دلالت کند بر فوت و موت دانا کابر و اشراف و علما و کثرت
از جنگ و مرگ ... و سادات و ... و ضعف در میان خلایق و صلاح حال اهل فرات
و دو جلو و حلاوت تغیر در طلبات و خروج ... از جانب مغرب و هبوب ریاح شدید ...
و ... از نواحی مشرق و کثرت میوه بسیاری حرارت و ظهور آتش و برادر عدد ... خارج ...
طغیان ... و ولایت اصفهان اگر زحل با او بود و ناظر باشد در ولایت خراسان بیماری ...
مغرب خروج کند و کار داران ... پادشاه غالب آید و جلس کرد و اگر مریخ با او بود و ناظر بود ...
... ظهور آید ... از جهت مغرب ... خروج کنند ... اگر قمر ... عطارد ...
عطارد با او بود ... باشد و ... کتب ... اسباب را اندیشه دیگر است ... اگر قمر با او بود و ناظر
... اهل خراسان ... باشد ... صلاح ... **احتراق**
مشتری در برج اسد دلالت کند بر کثرت حرارت الارض ... مرگ ...
و ... عطارد ... عراق ... کرده ...
پدید آید ... و ... ایشان ... و وزیران ...

بیمارت باشد و بزرگان ... و اگر زحل با او بود و ناظر بود و پادشاه ... بر ...
رسد و در ولایت برج عقرب اگر مریخ با او بود و ناظر بود و مرگ ... پیش آید و ... دیگران
باطل شود اگر زهره با او بود و خوشی بود باشد و ... ایشان ... و ... باشد ...
ولایت را ... رسد ... زنان باشد اگر عطارد با او بود و ... بسیار باشد و ...
خوش ... در ولایت برج عقرب اگر قمر با او باشد و ناظر بود ... رسد ...
باطل شود **احتراق مشتری در برج سنبله** دلالت کند بر کثرت ریاح و ضعف میان ملوک و مرگ ...
و علما و اشراف ... و ... اگر ... اهل ... دین ...
و ... حال اهل ... و ... خوارزم ... اگر زحل با او بود
و ناظر بود ... عظیم شود و کار ... شود اگر مریخ با او بود و ناظر باشد ... و مرگ ...
باشد و کدورت ... اگر زهره با او بود ... معتدل
کند ... اگر عطارد با او بود ... اگر قمر با او بود و ناظر باشد
فراخی ... باشد ... **احتراق مشتری در برج میزان** دلالت کند
بر ... ملوک ... اعدا از طرف مغرب ...
بسیار کند ... اهل ... و ... مرگ ...
و خوشی ... اگر زحل با او بود و ناظر ... از طرف مغرب
پس ... خروج ... شدید ... اگر مریخ با او بود و ناظر
مرض و هلاک زنان ... باشد ... اگر

علف رود باشد و نقصان زرعها باشد و موت امردان و زنان [illegible] اگر قمر با او بود یا ناظر بود
کثرت مرض و بیماری بود و رقت [illegible] دلالت [illegible] علامات [illegible]
[illegible] **احتراق مشتری در برج عقرب** دلالت کند بر کثرت اوجاع و بیماری و مرگ [illegible]
و رقت [illegible] و در جای [illegible] بر [illegible] و فساد زرع و غلات و خروج [illegible]
و شدت سرما و در مواضع سردسیر و کثرت باران و بیماری و آب اگر زحل با او بود یا ناظر بود
سرمای سخت و بیم [illegible] بود اگر مریخ با او بود یا ناظر بود [illegible] باشد [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] و مال [illegible] و [illegible] و جلس کردن اگر زهره
با او بود [illegible] اطراف [illegible] اگر عطارد با او بود [illegible]
دموت و وقوع [illegible] غلات بود اگر قمر با او بود یا ناظر بود کثرت [illegible]
و حدوث باران **احتراق مشتری در برج قوس** دلالت کند بر بیماری و باران و کثرت [illegible]
[illegible] در میان اهل [illegible] در ولایت عراق اگر زحل با او بود یا ناظر
بود وقوع حرب باشد در زمین [illegible] آن ولایت و کثرت باران بود اگر مریخ با او بود یا ناظر
بود در ولایت فارس [illegible] بیماری باران باشد اگر زهره با او بود کثرت [illegible]
باشد و فراخی [illegible] اگر عطارد با او بود [illegible] اهل [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] باشد اگر قمر با او بود یا ناظر بود [illegible] بیماری [illegible] باشد
و [illegible] **احتراق مشتری در برج جدی** دلالت کند بر [illegible] و وقوع [illegible]
[illegible] و شدت [illegible] و کثرت

غلا

غلات و ترشی [illegible] در زمین فارس و کوهستان [illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر
بود [illegible] اگر مریخ با او بود یا ناظر بود [illegible] باشد
[illegible] و باران [illegible] باشد [illegible] بود اگر زهره با او بود باشد [illegible]
فراخی بود و باران [illegible] اندک [illegible] باشد اگر عطارد با او
بود [illegible] و مرگ [illegible] باشد و کثرت باران [illegible] شود اگر قمر با او
بود یا ناظر بود [illegible] گردد **احتراق مشتری در برج دلو** دلالت کند [illegible]
[illegible] کثرت [illegible] و مرگ [illegible]
[illegible] و شدت [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر بود [illegible] و قوت [illegible]
[illegible] اگر مریخ با او بود یا ناظر بود [illegible] ضعیف [illegible] در ولایت
[illegible] باشد [illegible] خروج کند اگر زهره با او بود [illegible] و باران
بود اگر عطارد با او بود [illegible] باشد و [illegible]
اگر قمر با او بود یا ناظر بود [illegible]
احتراق مشتری در برج حوت دلالت کند بر [illegible] ملوک [illegible] ایشان و کثرت [illegible]
غلات [illegible] و کثرت باران [illegible] و مرگ [illegible]
[illegible] جانب مغرب و خروج اهل [illegible] در عراق [illegible]
[illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر بود خروج [illegible] در زمین [illegible] ایشان بود [illegible]

هر زمین ضرر کند اگر مریخ با او بود یا نظر بود بدین نجوم چهارپای و کوک سپید بود و نجوم مسرف کم شوند اگر زهره
با او بود و سال بس نیک بود و نجوم راستای حاصل شود و ولدانیا از جهان و کثرت باران باشد و علل و امراض بدن
پدید آید اگر عطارد با او بود اهل قلم احوال ایشان وسط بود و باران آید اگر قمر با او بود و یا نظر
بود و پیوسته باران آید و حال تجار نیکو گردد و نیک معاملات و خوشی معیشت ایشان بود احتراق
مریخ در برج حمل دلالت کند بر زیان دواب و بدی حال پیران و اهل جبال و ظهور بیماریهای
گرم و خشک خاصه یرقان و کثرت فتنه و کذب و قلت صدق و غیره و شدت ریاح و برق و [illegible]
و سپاهیان باشد و کمی [illegible] امراض و ظهور حرارت در هوا اگر زحل با او بود و یا نظر بود و پیوسته باران آید و [illegible]
فقدان یکی از اهل قلم باشد و پیران [illegible] و فراخی اگر مشتری با او بود و یا نظر بود و پیوسته باران آید
و فراخی ولدانیا بود و خیرات بسیار و کثرت نعمت و خوشی عیش مردم باشد اگر زهره با او بود ولدانیا از جهان
و کثرت میاه باشد و بسیاری نعمت و نیکی معیشت خلایق و موت یکی از خواتین معظم بود اگر عطارد با او بود
سرخی در هوا پدید آید و کثرت رعد و برق باشد و ممکن که یکی از علامات آتش ظاهر گردد خاصه که مریخ از درجه [illegible]
بود و مرگ کودکان و حیوانات باشد و کثرت زلزله در [illegible] بود و ممکن که از اهل سیاق فوت شود اگر قمر با او
بود یا نظر بود و باران بسیار آید و مزروعات فاسد گردد و کدورت هوا و تولد امراض و [illegible] بود
احتراق مریخ در برج ثور دلالت کند بر بسیاری بیماری و شدت گرما و خشکی هوا و کثرت وبا و امراض
صفراوی خاصه یرقان و موت [illegible] در لشکریان و فوت شخص بزرگ از اتراک و حرق در جبال و حدوث
بروق و صواعق و هلاک دواب و مواشی و بسیاری باد و [illegible] اگر زحل با او بود و یا نظر
بود مرگ حیوانات [illegible] باشد اگر مشتری با او بود و یا نظر بود بیماری چهارپایان [illegible]

[illegible]

[illegible] تلف شوند اگر زهره با او بود و بیماری زنان بسیار باشد و معاملات برخیزد اگر عطارد با او بود مرگ
[illegible] بود خاصه [illegible] اگر قمر با او بود و یا نظر بود و امراض [illegible] شود
احتراق مریخ در برج جوزا دلالت کند بر کدورت هوا و حدوث [illegible] و امراض
[illegible] و مرگ [illegible] سینه [illegible] جسم [illegible] و حدوث
مرگ [illegible] اگر زحل با او بود و یا نظر بود [illegible] و امراض صفراوی [illegible]
[illegible] اگر مشتری با او بود و یا نظر بود امراض [illegible]
[illegible] اگر زهره با او بود [illegible]
[illegible]
گردد اگر قمر با او بود و یا نظر بود [illegible]
[illegible] احتراق مریخ در برج سرطان دلالت
کند بر شدت گرما [illegible]
[illegible] اگر زحل با او بود و یا نظر
[illegible] اگر مشتری با او بود و یا نظر بود و مرگ [illegible]
[illegible] اگر زهره با او بود [illegible]
کند و حدوث گرما باشد [illegible]
[illegible] اگر قمر با او بود و یا نظر بود [illegible]
[illegible]

حال بگرداند احتراق مریخ در برج اسد بدانکه چون مریخ در اسد باشد که محترق شود دلیل کند بر گرانی
چنانکه کلام بطلمیوس در کتاب ثمره در حکم ثمره الملک مشهور است بدان و خواجه قدس سره بن کوشیار
که چون کوکب گرم مزاج در برج گرم تنها باشد بسیار رسد که چون شرف این برج اسد هوا گرم شود از تابستان
گرم از معهود باشد مانند مریخ در اسد انتهی کلام قدس سره و اگر کواکب دیگر در برج مریخ متصل باشند
تفاوت کند در شدت و ضعف چنانکه اگر زحل متصل بود باشد و با منافی قوی باید که انکوس در حوالی
چه اسد قوی ترین بروج حاره است و اگر قمر در این حال با او بود بحکم و شعاع بگیرد امر مذکور کند و کمال
دیدیم که مریخ در برج اسد محترق شد و زهره و عطارد مقارن بود چون وقت مذکور در اسد مقرر است
اتفاق افتاد و در اول ایام چند روز که باشد گرم شد و مردم بسیار هلاکت کشیدند و هر که این قسم کرده باشد
شده است و در شهر ایام احوال در برکات باران عظیم شد چنانکه سیلاب آورد و آب رودخانهای بسیار
طغیان نمود و مدتی باقی بود و کل الدوحی امد و چون عقب بستند دار و گل آب خواه محلات منهدم بود
بیاد فوت و سبب تعین آنجا نفع تمام رسانید و با بحکم احتراق مریخ در برج اسد دلالت کند بر تباهی
و احوال رعیت و خروج اعدا و قتل عظیم و مرض بسیار رسد که از آن جوع رسد و سلاطین و قهر و خوف
و شدت کرما در عالم برق و باران قوی باید عا انکوس در مواضع متعدده و خطرات بسیار کرد و کثرت رسل
میانه ملوک و صلح و سبب و قطع طرق و نزاع و ظلم ملوک و حکام بر رعایا و برج دیگر آن اگر در کان و چهارپایان
بسلامت باشد دیگر ایشان را آن جهت نماید و اگر در وجه اول بود پادشاه بر یکی خشم نماید و غضب کند
و اگر در وجه اخر پادشاه ... شود اگر زحل با او بود یا ناظر بود و جمیع اعدا خروج کنند و بعضی را
بقتل رسانند اگر مشتری با او بود یا ناظر بود و بزرگی بموت یا بقتل هلاک نماید و قضات را بدی رسد اگر
زهره

زهره با او بود در سال فراخی بود و ارزانی از نعمت باشد و حال مردم با صلاح آید و پادشاه حرب
و قوت یابد و احوال مردم خوب ان بسیار کند و دیگر از فرزندان آن اشخار را امر بشکست و رنج و دو کثرت
باران در عالم و برق باشد و مرد بسیار و در مواضع متعدده و اگر حمل اگر عطارد با او بود و ارزانی منسوب
خروج کند و دیگر آنکه مرض بسیار رسد در حال مردم و ... و در کرد و مرگ ... و در آن ... باشد و جوانان
و اطفال در آن مرض رسد و مرگ ... پادشاه و بر در سلامت بر خیزد و ارزانی از نعمت و بکلی ان ظاهر گردد
ارزانی شده که احتراق در این اثر بود و اگر قمر با او بود یا ناظر بود فرخ میوه گران بود و در مرد و علت
رسد احتراق مریخ در برج سنبله دلالت کند بر کثرت امراض و موت در خلایق و در ... و تنگی در بلاد
و خرابی ... ان وقت و فواید امرا و کرده رسیدن او بطلمیوس کتاب ... و کلیات
پرون آمدن و ارزانی بود اگر زحل با او بود یا ناظر بود و در زمین ... رسد و سلامت
غلامی پدید اگر مشتری با او بود یا ناظر بود بسیاری قوت و موت بود و خواری بزرگان و تباهی حال
قضات و اشراف ... و ارزانی بود و گرمی گرم ... اگر زهره با او بود و مرگ زنان
و جوانان باشد و ارزانی از نعمت و ... ان وقت و شدن عقوبت اگر عطارد با او
فراخی و ارزانی باشد و بدی حال علما و فضلا و مرگ ... و کرمهای بحث بود اگر قمر با او بود یا ناظر
وقت بسیار بود و ... ارزان باشد و محو او بشود احتراق مریخ در برج میزان دلالت کند بر فتنه
میان ... خرابی و بیماری بود و شدت و حدوث مرض و ... در حال ... رنج بود ایشان
گرده ... ظاهر باید و کارهای ایشان بدی با صلاح آورد اگر زهره با او بود فراخی سال باشد
و حال مردم نیکو بود و بیش ... شعرا خوانند اگر عطارد با او بود یا ناظر بود و شیخ ارغاب منسوب

خروج کند و از جنوب جمعی گریختن بعد از اگر قمر با او بود و یا ناظر باشد نرخ طعام و میوه ارزان بود و بعضی
از ملوک و حکام را رنج رسد احتراق مریخ در برج جوزا دلالت کند بر شیوع مرض رسیدن [illegible] و دوست
دوست ایشان بر قتال و کثرت حرب و جدال و حرارت هوا و قحط و خلل اسباب [illegible]
رشادت و حاجت ملوک بسپاه و [illegible] فواید و جنود و حرکت و اشکال این گروه و خروج جمعی
از اعادی از جانب مشرق و کثرت باران اگر زحل با او بود یا ناظر باشد و تیغ شدید [illegible]
خروج کند اگر مشتری با او بود یا ناظر باشد و این [illegible] خروج اعدا کند از طرف [illegible] باران باشد اگر
زهره با او بود رعد و برق و باران بسیار [illegible] چنانکه بعضی مواضع روی [illegible] باشد اگر
عطارد با او بود باران و [illegible] و غرق مواضع و رعد و برق باشد اگر قمر با او بود یا ناظر باشد [illegible] باشد
و [illegible] نظر [illegible] رعد و برق و قلت باران [illegible] احتراق مریخ در برج سرطان
دلالت کند بر حرب و قتال و مرگ [illegible] از سلاطین [illegible] و خلف در میان مردم [illegible] سپاه میان
[illegible] از جانب سلطان و حاکم و کثرت [illegible]
در [illegible] و [illegible] بر کشتن و [illegible] شدن [illegible]
در [illegible] رسد و [illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر باشد [illegible]
[illegible] و کدورت [illegible] اگر مشتری
با او بود و یا ناظر باشد [illegible] صلاح [illegible] باشد [illegible] آب
[illegible] رسد و [illegible] اگر زهره با او بود [illegible]
باشد [illegible] اگر

مریخ با او باشد [illegible] و [illegible] اگر قمر با او بود
یا ناظر باشد و کثرت [illegible] احتراق مریخ
در برج جدی دلالت کند بر [illegible] هوا [illegible] و [illegible] و حکام [illegible]
و حدوث [illegible] در میان مردم و شدت برد و وقوع قتل در میان [illegible] کثرت
[illegible] وقت [illegible] قتل [illegible] حال [illegible]
[illegible] شدن [illegible] سپاه [illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر باشد
[illegible] اگر مشتری با او بود و یا ناظر باشد [illegible]
[illegible] اگر زهره با او بود [illegible] و [illegible]
و بعضی گویند رعد و برق باشد و باران کم آید اگر عطارد با او بود [illegible]
[illegible] اگر قمر با او بود یا ناظر باشد [illegible] باران بسیار
باران در [illegible] احتراق مریخ در برج دلو دلالت کند بر [illegible]
هوا و [illegible] و کدورت [illegible] و کثرت باران و حدوث [illegible]
[illegible] سپاه میان [illegible] سلاح اگر زحل با او بود و یا ناظر باشد [illegible]
و در [illegible] شد اگر مشتری با او بود و یا ناظر باشد [illegible]
رسد اگر زهره با او بود [illegible] تباه شود [illegible] باران [illegible] اگر عطارد
با او بود و باران [illegible] رسد [illegible]
اگر قمر با او بود و یا ناظر باشد [illegible] عطارد بود احتراق مریخ در برج حوت دلالت کند بر حرب

میان سلاطین و وزرا ... خلاف و فتنه ... تربیت ... امرا و لشکریان
و اکرام و انعام ... رعد و برق و کثرت ... و ریح ... و وقوع ... در
در طرف مشرق ... حدوث ... اگر زحل با او بود و ناظر باشد در ولایت ...
... اگر مشتری با او بود و ناظر بود باران ... و آب انهار ... بسیار باشد
اگر زهره با او بود ... باران ... و باران قوی آید ...
بود و اگر عطارد با او بود ... باران ... باران کم باشد اگر قمر با او بود ناظر بود
باشد ... عطارد بود احتراق زهره در برج حمل دلالت کند بر حدوث ... حرارت
... و نزول باران و کثرت رعد و برق و هبوب ریاح عاصفه ... عفونت هوا و امراض
حاده ... حادث شود ... و ضعف بهایم بود اگر زحل با او بود و ناظر بود
... جهت ... صعب ... آید ... امراض ... باشد اگر مشتری با او بود و ناظر
بود ... معتدل ... و فراخی ... بود ... کنند ... صلاح ... پدید
... کرده ... حکیم گوید که حکم مشتری در این باب مثل حکم زحل باشد اگر مریخ با او باشد و ناظر
با کثرت ... عظیم ... و انهار ... و هبوب ریاح و حدوث امراض ... اگر عطارد با او بود ...
... و باران در رعد و برق باشد ... گوید اگر قمر ... بود ... بیماری ... باشد
اگر قمر مجرد از عطارد با او باشد ... بیماریهای گرم ... شود ... احتراق زهره
در برج ثور دلالت کند بر موت ... بعضی از اهل ... و احوال ... حال
... و ... از ... اهل ... و ... صلاح ...

...

... و اندر ... حدوث ... در ولایت ... و ... جا ... ریاح ... بسیار
... عظیم ... اگر زحل با او بود و ناظر باشد ... غلات و ثمرات ... باشد
... اگر مشتری با او بود و ناظر بود ... چنین ... احکام
مثل احکام زحل ... و دیگران گویند ... کند ... معتدل ... بود ... نعمت
... اگر مریخ با او بود و ناظر بود ... امراض ... باران بسیار آید اگر
عطارد با او بود ... صلاح ... اگر قمر با او بود و ناظر بود باران باشد
... مثل عطارد بود احتراق زهره در برج جوزا دلالت کند بر ... حال ...
... و ... باران ...
... اگر زحل با او بود و ناظر بود ... اهل ... موت ...
... امراض ... بود و ... غلات و ثمرات باشد
اگر مشتری با او بود و ناظر بود ...
... اگر مریخ با او بود و ناظر بود و امراض ... و ...
... بود اگر عطارد با او بود ... ریاح ...
... اگر قمر با او بود و ناظر بود ...
... باران ... احتراق زهره در برج سرطان دلالت کند ... هوا ...
... و ... مواضع ... باران ...
... و کثرت ... باشد ... اگر ... بود

زحل با او بود یا ناظر بود بر مستعمل خویش کند و دفع را بیع بود اگر مشتری با او بود یا ناظر باو حکمش
مثل حکم زحل باشد اگر مریخ با او بود یا ناظر باو بسیار رنجها دست دهد و مرگ شیخی بزرگ بود و در کرهای بحث
و ستم و ملامت کرده و کلام بیگانگی و ابطالات و غیره شوند و شدت دفع و ستم بود و کربت در ظلمات باشد
بحث شود اگر عطارد با او بود و کرهای بحث بود دلسپاری کرده و غبار و تشویش و پیران و غیرهای خویش
و دیگر هوا باشد اگر قمر با او بود یا ناظر باو حکمش مثل حکم عطارد باشد **احتراق زهره در برج سرطان** دلالت
کند بر تباهی حال زنان خاصه زنان پیر و زنان بیشتر ... و کثرت ... و حدوث
شرم ... و حکیم فاضل فخر الدین ... که ... هوای ... و اعتدال آن باشد
و بسیاری ... زنان ... اگر ... لباس ...
و عطر ... زنان ... اگر زحل با او بود و ناظر
با شیخی بزرگ ... زحل بود ... سلطان ... از رنج ...
زنان ... بسیار ... حال ... باشد ... ملامت کرده و گویند
سیاح ... بود اگر مشتری با او بود یا ناظر باو ... زن ... بود ... اول
مثل زحل باشد اگر مریخ با او بود یا ناظر باو ... گویند که اگر ... مریخ بود ... باشد
و ... که ... دست دهد و ... امرا و سلاطین ... و کثرت ... رسد
و اگر عطارد با او بود ... کتاب ... رسد و بعضی گویند صلاح حال ایشان باشد
و کرایه ... و ... اگر قمر با او بود یا ناظر باو و تباهی کار زنان باشد
بعضی گویند صلاح کار ایشان باشد ... عطارد باشد **احتراق زهره در برج سنبله** دلالت کند بر حدوث

باران ... و حال زنان ... و نظر ...
و اعتدال هوا ... و قحط ... اگر زحل
با او بود یا ناظر باو ... باران ... و ... رسد
و ... اگر مشتری با او بود یا ناظر باو ... باشد
و ... احوال ... بود و اگر مریخ با او بود یا ناظر باو ... که ...
و ... خاصه ... باشد ... و اگر عطارد با او بود یا ...
و ... حال ... و تباهی کار زنان ... باشد و اگر قمر با او بود و ...
... احوال ... و حال زنان بود **احتراق زهره در برج میزان** دلالت کند بر کثرت ...
و ... هوا ... و ... و مرگ ... از نواحی جنوب ...
حرب و کثرت ... اگر زحل با او بود یا ناظر باو ... مغرب ... کند و ...
... دولت باشد ... رعیت ... و بعضی ... مریخ ...
اگر مشتری با او بود یا ناظر باو حکمش مثل حکم زحل باشد اگر مریخ با او بود یا ناظر باو ... جنوب ...
... مغرب ... رسد و ...
بود اگر عطارد با او بود ... باشد خاصه ...
... و ... اگر قمر با او بود یا ناظر باو ... باشد
خاصه ... **احتراق زهره در برج عقرب** دلالت کند بر مرگ زنان ... حال ...
... بسیار ... زنان و ... و کثرت ...

بیخ کنند مردان اندک باشد و تب غلبه کند و خروج جمعی از نواحی مشرق و طرف خراسان و قوت ارباب
دین و صلاح حال ایشان اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود بسیاری وقتها افتد در بیخ مردم باشد و بسیاری کارها بود اگر
مشتری ناظر بود یا ناظر بود بسیاری [illegible] و فراخی بود و سفرها و [illegible] حرکت بسیار افتد و قوت ارباب صلاح و تقوی
[illegible] تزاید پذیرد و کثرت خیرات و طاعات بود اگر مریخ ناظر بود یا ناظر بود اول زمستان باران
بسیار آید و انواع [illegible] آید و جمعی از جانب خراسان خروج کنند که بسیار را آوازه بشنوند اگر عطارد ناظر بود اهل
دین را دولت و حشمت بیفزاید و مردم لباسهای فاخر پوشند اگر قمر ناظر بود یا ناظر بود بسیاری خلایق بود در آن [illegible] بسیار اندر
مزاج زهره در برج قوس دلالت کند بر حدوث ابرهای پیوسته و نزول باران و هبوب ریاح و شدت
برودت و بیماری و مرگ زنان [illegible] وقت زاید و مطر باران و بدی حال [illegible] و صلاح ارباب دین [illegible] و خروج جمعی
از نواحی روم و انهزام و شکست [illegible] ایشان و کثرت فتنه و استیلای [illegible] بر [illegible] اگر زحل ناظر بود
یا ناظر بود [illegible] حال اهل ادب [illegible] کند [illegible] در ولایت خراسان و بعضی دیگر
گویند شدت مرگ مردم بود و تب [illegible] دین اگر مشتری ناظر بود یا ناظر بود [illegible] و مردم را ضعف و سستی
رسد و [illegible] خروج کرده ظفر یابند اگر مریخ ناظر بود یا ناظر بود کثرت فتنه بود و مردم سفر [illegible] و اطراف
خروج و تعدی [illegible] اگر عطارد ناظر بود [illegible] بحث [illegible] بسیاری بود اگر قمر ناظر بود یا ناظر بود
و برف باشد مزاج زهره در برج جدی دلالت کند بر حدوث طاعون میان مردم و هبوب ریاح و [illegible]
[illegible] و تزاید آبها و حرکت [illegible] و [illegible] احوال [illegible] و [illegible] و حال [illegible]
اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود حاکم [illegible] کند و از آن [illegible] و [illegible] بود اگر
مشتری ناظر بود یا ناظر بود [illegible] زیاده شود و بدی [illegible] بود و [illegible] باشد [illegible]

[illegible] اگر مریخ ناظر بود یا ناظر بود [illegible] باشد و مخالفت زنان بر مردان اگر عطارد
ناظر باشد مردان [illegible] باشد [illegible] بود اگر قمر ناظر بود یا ناظر بود [illegible] حکم عطارد بود
مزاج زهره در برج دلو دلالت کند بر کثرت [illegible] و [illegible] و حدوث [illegible] و بسیاری
[illegible] و وقوع [illegible] و [illegible] اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود [illegible] و [illegible] کنند و در آن
[illegible] بر [illegible] بحث شود [illegible] حدوث برف بود و ثمرات تلف شود [illegible] که زهره در این
حال راجع باشد اگر مشتری ناظر بود یا ناظر بود [illegible] کند و [illegible] اموال [illegible] شود و [illegible]
[illegible] اگر مریخ ناظر بود یا ناظر بود [illegible] کنند و [illegible] باشد
[illegible] بود و برف آید و [illegible] عظیم کند اگر عطارد ناظر بود یا ناظر بود باران بسیار آید و [illegible]
[illegible] گردد و [illegible] و برف و ثمرات بود اگر قمر ناظر بود یا ناظر بود باران [illegible]
و [illegible] کردد مزاج زهره در برج حوت دلالت کند بر بسیاری مرغ و ماهی و کثرت ابها و [illegible]
و [illegible] و [illegible] که حدوث موت [illegible] اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود [illegible]
[illegible] بود و [illegible] شود اگر مشتری ناظر بود یا ناظر بود [illegible] و [illegible] بود و [illegible]
[illegible] اگر مریخ ناظر بود یا ناظر بود [illegible] و [illegible] و [illegible]
خلایق بود و [illegible] اگر عطارد ناظر بود [illegible] بود [illegible]
[illegible] بسیار باشد [illegible] اگر قمر ناظر
بود یا ناظر بود [illegible] بود و [illegible] باشد مزاج عطارد در برج حمل دلالت کند
[illegible] و [illegible] در زمین [illegible] و کثرت [illegible] و حدوث باران و [illegible] و رعد و برق

و دولت یکی از خلفا و قتل بسیار است یکی از بزرگان دار القضا و دار الکتاب [illegible] ادب و جدل
شرع و علوم و اخبار یکی از دولت اگر زحل با او بود یا ناظر باو از انقطاع کاروانات و ظلمت و برودت هوا بود و دریای
ناخوش پدید آید اگر مشتری با او بود یا ناظر باو بسیار اهل صلاح بشد [illegible] احوال [illegible] بشد
اگر مریخ با او بود یا ناظر باو رعد و برق بسیار بود و کثرت باران [illegible] و فراخی طعام اگر زهره
با او بود باران [illegible] نفع آید [illegible] و فراخی نعمت بود و بیماری زنان و وقوع [illegible] اگر قمر
با او بود یا ناظر باو [illegible] از جهة اعتدال هوا باشد احتراق شمس در برج ثور دلالت کند بر خرابی
اهل عراق [illegible] اهل جبال [illegible] و احوال کتاب و وزرا [illegible] بود [illegible] وقوع
امراض [illegible] خاصه [illegible] اعتدال هوا [illegible] بود اگر مشتری با او
بود یا ناظر باو باران بسیار آید [illegible] هلاک شود [illegible] اگر مریخ با او بود
یا ناظر باو باران آید و امراض [illegible] هلاک شود و حرارت [illegible] عارض گردد اگر زهره با او بود بیماری
زنان بود اگر قمر با او بود یا ناظر باو امراض [illegible] باشد احتراق شمس در برج جوزا دلالت کند بر [illegible]
و کثرت [illegible] دروغ [illegible] باران [illegible] خاصه [illegible] از جهة
اگر زحل با او بود یا ناظر باو [illegible] باران آید [illegible] آب [illegible] گرمی رسد [illegible] اصحاب [illegible]
و از خزاین [illegible] و احوال [illegible] اگر مشتری با او بود یا ناظر باو [illegible] کثرت [illegible] قیمت [illegible]
باشد [illegible] دولت [illegible] اگر مریخ با او بود یا ناظر باو [illegible]
دولت [illegible] اگر زهره با او بود کثرت [illegible] از جهة باشد [illegible] ظاهر گردد
اگر قمر با او بود یا ناظر باو [illegible] اعتدال هوا [illegible] باشد احتراق شمس در برج سرطان دلالت کند بر کثرت

و [illegible] باران و شدت [illegible] هوا [illegible] شدن [illegible] آب در چاهها و [illegible]
[illegible] امراض [illegible] تقرب باشد [illegible] شدن [illegible]
شدن قیمت [illegible] و [illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر
باو [illegible] باشد [illegible] کند [illegible] باشد
[illegible] بسیار بود [illegible] نفع باشد اگر مشتری با او بود یا ناظر باو [illegible] باشد [illegible]
[illegible] اگر مریخ با او بود یا ناظر باو
[illegible] کند [illegible] صلاح بود اگر زهره با او بود بیماری بسیار بود [illegible]
[illegible] واقع شود اگر قمر با او بود یا ناظر باو بیماری [illegible] باشد [illegible] از جهة
[illegible] اعتدال کند احتراق شمس در برج اسد دلالت کند [illegible] بر بعضی از خلفا [illegible]
[illegible] احوال [illegible] دولت [illegible] کرم [illegible] ارباب
[illegible] باشد [illegible] اگر زحل با او
بود یا ناظر باو باشد [illegible] کند [illegible]
[illegible] اگر مشتری با او بود یا ناظر باو باشد [illegible] پدید آید
[illegible] باشد که [illegible] شد [illegible] احوال [illegible] گردد اگر
مریخ با او [illegible] یا ناظر باو [illegible] باشد [illegible] کند [illegible]
[illegible] کند [illegible] باشد [illegible] اگر زهره با او بود بیماری [illegible]
[illegible] باشد [illegible] باشد [illegible] اگر قمر با او بود یا ناظر باو

پادشاه بحکام و خواص مردم را با نعم محفوظ و بهره مند گرداند و هرکس که درین شب و درین روز زاید کاتب
و اهل سیاق تحصیل کند اگر برق جهد در برج سنبله دلالت کند بر حرب و فتنه در بلاد روم و خشکی هوا و گرمی
و منازع کتاب و تشنج حال تصرفان زیادت گردد و کاهش و خروج جمعی از اطراف مشرق و مغرب پنج روز دیده سیوم
و دیده برف در ایام و بیشتر مردمان مزاجها و تباهی اهل باشد اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود دولت بزرگی
دست دهد و خروج شخصی از مشرق و اطراف خراسان که غلبه یافته بود اگر مشتری ناظر بود یا ناظر بود بکتابت
و معاملات بکر برد و فواید و منافع باشد و پادشاه و حاکم ترحم کند و تحقیق مطالبات کند اگر مریخ ناظر بود
یا ناظر بود از جهت مشرق و جانب خراسان شخصی خروج کند اگر زهره ناظر بود و خراج پادشاه و حکام
آید و کار بستگان بالا گیرد و تباهی حال که در بود و بادهای سخت وزد و تزویج اکرم گوید بر تخم زنان را
بدی افتد اگر قمر ناظر بود یا ناظر بود بادهای زیان کار رهجد در بهار بیشتر مردم اندر اگر برق جهد در برج میزان
دلالت کند بر ظهور سخنان دروغ و کثرت کتاب بی صورت و بیماران و تنزل حال تجار و بیماری فرزندان
در بلاد مغرب و بزرگ شدن دو زنان و حدوث زلزله و جنون و اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود در خط
روی در وقت عدم منفعتی انچه بودن وکیل خرید و فروخت شود و زنان را امراض شدید عارض گردد
خاصه در جهت مغرب اگر مشتری ناظر بود یا ناظر بود بیماری زنان باشد خاصه در دیار مغرب اگر مریخ ناظر
بود یا ناظر بود ولیکن ارزانی نرخ بود خاصه انچه ترازو کیل فروشند و هرکس که این کند اگر زهره ناظر بود کثرت
دروغ در جهت باشد و کار مردم سفله بالا گیرد و صاحب ولایت که در شب عزت یابد و هرکس که پیر گرداند
بکوشد باشد اگر قمر ناظر بود یا ناظر بود بر مردم بسیار گناه کند انکه از کسب مردم میان خلایق ...
که در آنها خوف و بیم بود اگر برق جهد در برج عقرب دلالت کند بر بسیاری باران و وزیدن بادهای

۱۲۷۱

و در دو و حال کتاب و زهاد ... اهل قلم و کدورت علما و فضلا و لاحق شدن شدت بر اهل قلم و ...
و ظلم ملوک بر اعدا و کثرت دروغ و کذب و شیوع موت در کودکان اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود اهل قلم را
رنج رسد و کثرت اگر مشتری ناظر بود یا ناظر بود پادشاه بر دشمن ظفر یابد و هرکس که در آن دشمن هم
از قوانین و خدم پادشاه باشد اگر مریخ ناظر بود یا ناظر بود خروج شخصی بود از نواحی ... و طایف و ... شهر
که منسوب بعقرب باشد اگر زهره ناظر بود بسیاری از جهت باشد و خبرهای دروغ بلا پادشاه و ... رسد
و حال اهل قلم و فضلا تباه شود اگر قمر ناظر بود یا ناظر بود بادها و ... و تباهی حال ... اگر برق
جهد در برج قوس دلالت کند بر وقوع وبا و حدوث باد و باران ... مواضع و اجتماع مردم ...
و ... ولایت ... حال زنان ... بزرگ ... امیری ... شد
اگر زحل ناظر بود یا ناظر بود برف و ... بسیار و ... در ولایت خراسان اگر مشتری
ناظر بود یا ناظر بود و حال دواب ... کند و ... در ولایت ... اگر مریخ ناظر بود یا ناظر
بود و خلاف ... و ... شدن ... و ... بیماری اگر
زهره ناظر بود باشد و حال زنان ... باشد و کثرت ... اگر
قمر ناظر بود یا ناظر بود ... باران ... بود و بیماری ... اگر کتاب ...
... اگر برق جهد در برج جدی دلالت کند بر حدوث باران و شدت برد و برف و ...
و بادهای ... و وقوع ... اهل ... اهل قلم ... حکام ...
... صاحب ... و صاحب ... بود ...
اکرم ... که ... این حکم ... کرده اگر زحل ناظر

بر وی یا ناظر بود سرمای سخت بود و اگر [illegible] باید و برف [illegible] باشد اگر مشتری با او بود یا ناظر
بود هوا با میل اعتدال کند و [illegible] و هر کسی که [illegible] باشد [illegible] از این
حکم باد و تاج الدین اکرم و صاحب [illegible] گویند [illegible] باشد اگر مریخ با او بود یا ناظر بود [illegible]
[illegible] بود و [illegible] هر کسی که [illegible] باران بود [illegible]
[illegible] که زهره یا مریخ بود یا ناظر بود اگر زهره با زحل بود [illegible]
بود [illegible] کرده [illegible] باشد اگر قمر با او بود یا ناظر بود [illegible] باران
باشد **[illegible]** دلالت کند [illegible]
[illegible] و [illegible] باران [illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر [illegible]
و برف و باران [illegible] اگر مشتری با او بود یا ناظر [illegible] باشد اگر مریخ با او بود یا ناظر [illegible]
[illegible] باران [illegible] اگر زهره با او بود [illegible]
[illegible] **[illegible]** دلالت کند [illegible]
[illegible]
[illegible] باران [illegible] اگر زحل با او بود یا ناظر [illegible]
[illegible] اگر مشتری با او بود یا ناظر [illegible]
[illegible] اگر مریخ با او بود یا ناظر [illegible]
[illegible] اگر زهره با او بود [illegible]
[illegible] اگر قمر با او بود یا ناظر [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **[illegible]** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **[illegible]** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و نقصان نور قمر کنند و در باب حجت بحران نیز از اوضاع قمر نظر و حفظ ایشان باشد و اهل صناعت [illegible]
سوء حال و ارباب صناعت و اصحاب معادن و زراعت و تجارت نیز از این اوضاع اثر بسیار مشاهده کرده‌اند و در این
اینها هم در کتب مسطور است و در السنه و افواه مذکور است تفصیل آن را فایده‌ای نیست به تقدیر اهل احکام
اوضاع و احوال طوالع اجتماع و استقبال و مواضع قمر را با ثبات در مقدمه معرفت تجدد ادوار بسیار معتبر
و مؤثر دانسته‌اند و در باب [illegible] اجتماع و استقبال که بر سال و فصل مقدم باشد بیشتر
که متوجه اهل این صناعت است ذکر کرده‌اند [illegible] مقالات آن معتبر دانسته و یعقوب بن [illegible] بصری [illegible]
علم نجوم [illegible] در شرح آن کتاب [illegible] که اثر اجتماع و استقبال مقدم بر هر سال از
فصل [illegible] طالع [illegible] سال و فصل و دوران [illegible] ثابت رسیده
و بنای احکام سال و فصل چنانکه از کلام [illegible] ظاهر می‌شود بنابر آن نهاده‌اند و بنای احکام مشهور نزد جمهور
اوضاع طوالع سال [illegible] اجتماعات و استقبالات چنانکه بطلمیوس هم در کتاب اربع مقالات [illegible]
کرده [illegible] الشمس والقمر [illegible]
و [illegible] الکواکب و ذلک [illegible] الشمس [illegible] این کلام که از شرح [illegible]
[illegible] می‌شود [illegible] که [illegible] دلایل [illegible] طالع سال و فصول [illegible] اوضاع کواکب در بروج
و غیر آن معلوم باشد دلایل جزویه که از اوضاع کواکب [illegible] در طالع اجتماع و استقبال [illegible]
کرده [illegible] شود از تغیرات هوا و احوال تغیرات و کیفیات صحت و مرض [illegible]
و غیرها که [illegible] دانست [illegible] مخالف [illegible] دلایل کلیه [illegible] نظر [illegible]
صاحب [illegible] باید کرد و [illegible] آنچه [illegible] غالب [illegible] شود در احکام مشهور ثابت باید نمود

و [illegible]

چنانکه در مقدمه مذکور است اثر این نوع مذکور شد و طالع اجتماع را اعتبار کرده‌اند [illegible] قوی‌تر
از استقبال باید دانست اگرچه [illegible] باشد چنانکه از کلام [illegible] معلوم می‌گردد و طالع استقبال قوی‌تر
از طالع [illegible] باشد [illegible] که قمر در اجتماع و [illegible] چنین
در استقبال [illegible] اول می‌کرده [illegible] این کلام [illegible] آن
المحققین نصیر الملة والدین [illegible] است که [illegible] الشمس والقمر [illegible]
و ذلک [illegible] القمر [illegible]
و ذلک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الشمس والقمر [illegible] العذاب [illegible]
که اجتماع متعلق دلالت کند بر [illegible] پادشاه و سلاطین [illegible]
و [illegible] اجتماع [illegible] دلالت
کند بر [illegible] عدل [illegible] سلاطین و حکام و انصاف [illegible]
[illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible] ملوک و سلاطین [illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible] احوال ملوک و [illegible]
[illegible] در مجالس ملوک و حکام [illegible]

حرارت در هوا و قحط بهار را اگر در ثور [illegible] شود دلالت کند بر باد و [illegible] و [illegible] و اهل [illegible] و [illegible]
[illegible] بهم [illegible] و [illegible] اعتدال هوا و [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] در میان [illegible] و خشم [illegible] و [illegible] اگر در جوزا [illegible] شود
[illegible] دلالت کند بر [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] و شدت [illegible]
[illegible] اگر در سرطان شود دلالت کند بر [illegible] اهل [illegible] و [illegible] اعتدال در رطوبت هوا و [illegible]
[illegible] میان [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] اطلاق و حرکت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] اهل [illegible] و اگر در اسد شود
دلالت کند بر [illegible] اهل [illegible] در [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] بود اگر در سنبله
بود دلالت کند بر شدت [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] اجتماع قرانین در میزان شود دلالت کند بر [illegible] عوام [illegible] و [illegible] در میان اهل
[illegible] و [illegible] و [illegible] اگر در عقرب بود دلالت کند بر طغیان حرارت در مزاج
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] اعتدال [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] اهل [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] [illegible] و رطوبت هوا [illegible] اگر در قوس باشد دلالت کند
بر [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] زبان

[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] اهل [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible]
در میان [illegible] اطراف اگر در دلو [illegible] شود دلالت کند بر [illegible] و [illegible] و [illegible] احوال
[illegible] و کدورت [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] کثرت [illegible] و [illegible]
و [illegible] و [illegible] و [illegible] اهل [illegible] و [illegible] و [illegible] اگر اجتماع قرانین در حوت شود
دلالت کند بر خشم [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] و اگر در [illegible] شود
دلالت کند بر [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] در مواضع [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] اگر در [illegible] شود دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] دلالت [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] و اگر در [illegible] شود دلالت کند بر [illegible] و [illegible] در رطوبت و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible]
دلالت [illegible] حکم تحویلات قرانین در تحویل اتصال کواکب [illegible] [illegible] و [illegible] این فن
[illegible] و [illegible] [illegible] اجتماع و استقبال [illegible] [illegible] کواکب [illegible] کواکب
و حکم [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] احوال [illegible] [illegible] و [illegible]
و [illegible] احوال [illegible] و [illegible] و این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
اجتماع و اتصال [illegible] کواکب [illegible] [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] اگر [illegible]
انحراف [illegible] و [illegible] دلالت کند بر [illegible] و [illegible] کواکب [illegible] و [illegible]

در ضمانت مردم و خوشنودی اشراف و اعیان باشد و بعد از آن بواسطهٔ مزاج و فراغی و لذت یابد و اگر نحوس متصل
شود از جهت باشد و مکروه خیانت مردم باشد و خصومت و خوف ... دوران و اگر ایشان از خدا بود در احکام این
مطالب را بتفصیل ایراد کنیم تا طالبان این فن را مفید گردد و دوستی باشد اتصال قمر بمریخ از برج آبی
اگر مقارنه باشد دلالت کند بر ... درد ... و بیماری از زرد ... و ... بیماری
ها که زحل ... از افلاک اگر از تثلیث و تسدیس باشد دلالت کند بر خبر که ... و ... دو ...
و ... در میان مردم و بیماری سوداوی و ... و ... و ... وقت و ... نفس
و ... بیکدیگر و اگر از تربیع ... بود دلالت کند بر ... های غمناک و بیماریهای ... و ...
و ... حال ... و ... ملوک و ... مردم ... اگر از تربیع ... دلالت
کند بر خصومت و ... ملوک و ... و ... ستم و دشواری ... عامه ... و ... و ...
... اگر مقابله بود دلالت کند بر ... و اختلاف ... و در میان رعیت و ... و ... و ...
... و ... از ... و ... و ستم ... و ... اتصال قمر
بمریخ از ... اگر از مقارنه باشد دلالت کند بر صلاح عامه و رغبت کردن بکارهای خیر و قوت
حال ... و ... و ... حال شریعت و طلب ... اهل علم و ... حال ... و ...
و اگر تثلیث و تسدیس بود دلالت کند بر قوت حال ... و ... و ...
و ... و ... و ... مردم و ... و ... در میان خلایق و ... و ...
و ... مردم ... و اگر از تربیع ... بود دلالت کند بر ... مردم ... و ... و ...
و ... و ... مردم ... اگر تربیع ... بود دلالت کند بر قوت حال قضاة و اهل شرف

و خوشی حال عامه و ... خواص ... و خوشنودی ... و ... آمدن ... اهل علم و اگر از مقابله
باشد دلالت کند بر ... اشراف و ... و ... بخلاف ... شدن ... سوم اول ... ایشان
در فصل ... و ... که احوال ... از طالع ... سال سوم ... و بعد از آن ...
... پس چون قمر از ... منصرف شده ... کرده ... در ...
... بود ... باشد که در آن موضع قوی شود و ... قبول ... و ... خوب بود ...
باشد در افلاک دلالت کند بر ... و اگر ایشان ... باشد ... و ...
... باشد اتصال قمر بمریخ از ... اگر مقارنه باشد دلالت کند بر ... و حال ...
... از ... در ... و ... و ... بیماریهای گرم و ... اگر
مردم و خیانت و اگر تثلیث و تسدیس بود دلالت کند بر ... و ... و ... تیز گردد ...
... کارهای دینی ... و اگر تربیع ... بود دلالت کند بر ... کارها ... مردم
و ... و ستم ... و ... و ... بزرگ و قوت کردن دشمنان ... و ...
... و ... اهل شرف ... بخیر صلاح و اگر از تربیع ... بود دلالت
کند بر ... بزرگی ... و خوف ... و ... و ... و در میان مردم
و اگر از مقابله بود دلالت کند بر خصومت و مفارقت ... و ... نزاع در میان خلایق ...
... اتصال قمر بمریخ از ... اگر مقارنه باشد دلالت کند بر صلاح حال ... زنان
... و قوت حال ... و ... فرح و ... و ... کردن بکارهای ...
و قوت ... و اگر از تثلیث و تسدیس باشد دلالت کند بر ... و ...

اهل فن و صحت نجوم و فراخی معاش و اعتدال فصول و هوا و اگر از تربیع مریخ باشد دلالت کند بر خوف و تشویش
بودن عامه مردم و کثرت تریشدن زنان بر مردان و پیدا آمدن حاجتها و بیماری و اختلاف هوا و بادهای سخت
و هولناک و اگر از تربیع زحل بود دلالت کند بر قوت اهل علم و سستی و ستم کردن بزنان و کثرت طلاق
و بیگانه راشدن خیانت مردم که اینجانب از ترس ظلم ان و تغیر هوا تنبیه مخفی نماند که صورت تربیع مطلقه
در تعیین تحرمیت تحقیق و تدقیق ان در کلام ابومعشر که بعد از این است رقم شد تحقیق التاثیر شد
و اگر از مقابله باشد دلالت کند بر عداوتها و خصومتها میان خلایق و اختلاف در کارها و رغبت کردن بر
ازدواج و شرکاء و ظلم کردن [illegible] در میان مردم و [illegible] و زیادتی و قوت
سفها ان و تغیر هوا [illegible] اتصال قمر بعطارد [illegible] اگر از مقارنه باشد دلالت کند بر رونق کارها
نیز و دولت کاری اهل صنعت و قوت حال [illegible] و عزت اهل کمال و [illegible] و مردم بزرگ [illegible]
معروف شدن حیل و [illegible] کثرت خبرها [illegible] در میان مردم و تغیر هوا و اگر از تسدیس یا تثلیث بود
دلالت کند بر حرص مردمان بتعلیم ادب و حکمت و فصاحت و کتب و خواندن تواریخ و اخبار و کلام [illegible]
و میل شریعت بفقها و اهل فنون و [illegible] و حکمت [illegible] و اگر از تربیع مریخ بود دلالت کند بر بیماری
سوداوی و مالیخولیا و صرع و جنون و [illegible] و خیالات محال و بیگانه راشدن خیانتها [illegible]
و بسیاری گفتگوی در میان مردم و قوت حال [illegible] و تغیر هوا [illegible] و اگر
از تربیع زحل بود دلالت کند بر [illegible] و کثرت نفع [illegible] در میان مردم و قوت حال
اهل ادب و صنعت ارباب [illegible] و شعرا [illegible] و تغیر هوا و بودن [illegible] و اگر از مقابله بود دلالت
کند بر [illegible] حال ملوک و [illegible] امور [illegible] [illegible]

هوا و [illegible] تنبیه تربیع [illegible] بعد از مقارنه [illegible]
احکام نظرات قمر با کواکب [illegible] اجتماع و استقبال [illegible] و چون [illegible] اجتماع و استقبال
[illegible] نظرات مذکوره در هر برج [illegible]
کرده ان [illegible] این کتاب [illegible] این صناعت [illegible] کلام [illegible]
[illegible] احکام اتصال قمر بعد از انصراف از اجتماع و استقبال بکواکب [illegible]
[illegible]
[illegible] اجتماع و استقبال [illegible] اگر [illegible] در وقت اجتماع و استقبال [illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و اگر از تثلیث و تسدیس باشد دلالت کند بر [illegible] حال [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باشد دلالت
کند بر [illegible] و تشویش [illegible]
[illegible]
[illegible] و اگر از مقارنه باشد دلالت کند بر [illegible] اتصال قمر بزهره
[illegible] و اگر از مقارنه بود دلالت کند بر [illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible]
[illegible] دلالت کند بر قوت حال [illegible]

سرما و خشکی هوا و اگر با زحل [illegible] باشد یا مریخ [illegible] باشد و از مقابله بود دلالت کند بر خروج اعدا و [illegible]
و هلاک بعضی از مشایخ و گوشه‌نشینان و بیماری پیران بسیار شود و تعطل حال کاسبان اتصال قمر بعد از
انصراف از زحل در برج جوزا از مقارنه دلالت کند بر [illegible] هوا به عفونت و تاریکی و اگر با زحل [illegible]
حال دهاقین و پیدا شدن [illegible] در ولایت [illegible] و کوهپایه‌ها و از تربیع دلالت کند
بر ظهور [illegible] طغیان [illegible] و تشویش در نواحی و کینه [illegible] و هلاک زنان و از تثلیث دلالت
کند بر قوت کار و حال مشایخ و دهاقین و خداوندان ضیاع و حرص مردم بر ساختن عمارات عالیه و [illegible]
و آسیاها [illegible] و از مقابله بود دلالت کند بر عداوت اشراف و وزرا و حدوث [illegible] در وقت [illegible]
سرد اتصال قمر بعد از انصراف از زحل در برج سرطان دلالت کند بر تباهی حال ملاحان [illegible] و اگر با زحل [illegible]
احوال سلاطین و [illegible] صلاح و از تسدیس دلالت کند بر [illegible] حال [illegible] مشایخ و دهاقین [illegible]
و [illegible] مردم [illegible] آب [illegible] و از مقابله بود دلالت کند بر ظهور عداوت میان
[illegible] میل هوا با اعتدال و حدوث [illegible] در مواضع [illegible] اتصال قمر بعد از انصراف
از زحل در برج اسد از مقارنه دلالت کند بر [illegible] و احوال [illegible] و اگر با زحل و از تسدیس
دلالت کند بر ظهور [illegible] میان [illegible] و از تثلیث دلالت
کند بر ظهور [illegible] و از مقابله بود دلالت
کند بر قوت [illegible] و اگر با زحل [illegible] اتصال قمر بعد از انصراف از زحل در برج سنبله
از مقارنه دلالت کند بر میل هوا به سردی [illegible] و اگر با زحل و از تسدیس دلالت کند بر [illegible] حال
مشایخ و دهاقین [illegible] و از تربیع دلالت کند بر [illegible]

[illegible] و تشویش میان [illegible] میان عامه و ارباب صلاح و از تثلیث
دلالت کند بر نیکی حال مشایخ و دهاقین [illegible] و از مقابله بود دلالت کند
بر [illegible] حال ارباب ضیاع [illegible] و اگر با زحل [illegible] و ظهور کینه و حقد [illegible] میان مردم اتصال قمر بعد از انصراف
از زحل در برج میزان از مقارنه دلالت کند بر میل هوا به سردی و خشکی و اگر با زحل [illegible]
[illegible] و از تسدیس دلالت کند بر [illegible] احوال مشایخ [illegible] هوا [illegible]
[illegible] در هوا و از تربیع دلالت کند بر خلاف میان [illegible]
هوا [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر [illegible] احوال مشایخ و دهاقین [illegible]
و از مقابله بود دلالت کند بر [illegible] حال [illegible] و پیدا شدن عداوت میان مردم و اگر با زحل [illegible]
[illegible] اتصال قمر بعد از انصراف از زحل در برج عقرب دلالت کند
بر [illegible] هوا [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر [illegible] احوال مشایخ و دهاقین [illegible]
[illegible] هوا به سردی و از تربیع دلالت کند بر خلاف دهاقین [illegible] و از مقابله بود دلالت
کند بر تباهی حال مشایخ و دهاقین [illegible] و اگر با زحل [illegible] سردی هوا اتصال قمر بعد از
انصراف از زحل در برج قوس از مقارنه دلالت کند بر تباهی حال [illegible]
[illegible] و از تربیع دلالت کند بر خلاف میان ملوک و سلاطین و ارباب
صلاح و پیدا شدن [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر [illegible] هوا و نیکی حال [illegible] و از مقابله بود دلالت
کند بر هلاک [illegible] و ظهور جدال در میان [illegible] اتصال قمر بعد از انصراف از زحل در برج جدی
از مقارنه دلالت کند بر [illegible] هوا [illegible] و اعتدال هوا [illegible] و از تسدیس دلالت

کند بر قوت اعمال شریف و چون در وتد قمین و اهل حرث و کرا یا از جهت و از تربیع دلالت کند بر شدت
سرما و برف و یخ بندد و در تجاوز و اتصال بهوا در استقبال از طرف در عالم و از تثلیث دلالت
کند بر تسخیر سرما و امدن باران دگر کرتی جنب و یخ بندد و تا دیگر در وقت و از مقابله دلالت کند بر قوت
ظلم و حدثان و کرا یا از جهت و پیدا شدن فتن در عالم **اتصال قمر بعد از انصراف از زحل در برج دلو** و از مقارنه
دلالت کند بر کرا یا از جهت و در حال مردم [illegible] و از ان صنایع و [illegible] قمین و از تسدیس دلالت کند
بر سلامت کشت مندان و [illegible] نباتات و در روز ان [illegible] و از تربیع دلالت کند بر [illegible] نباتات و [illegible]
و تری هوا و ظهور فتنه میان زمره کلان و از تثلیث دلالت کند بر تسخیر [illegible] در وقت و بسیاری ابر و باران و [illegible]
حال زمین ان و از مقابله دلالت کند بر [illegible] و کینه میان مردم و حسن [illegible] و ظهور بیماری و کرا یا از جهت و بدی
حال مردم **اتصال قمر بعد از انصراف از زحل در برج حوت** از مقارنه دلالت کند بر سیل و هوا البردی و از تسدیس
دلالت کند بر [illegible] و بدی اموال [illegible] و حدوث زلزله و از تربیع دلالت کند بر غرق کشتیها
و تباهی [illegible] احوال [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر قوت [illegible] قمین و سیل [illegible]
و برودت و از مقابله دلالت کند بر ظلمت هوا و قلت اب [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف**
از مشتری و استقبال مشتری در برج حمل از مقارنه دلالت کند بر قوت حال اشراف و وزرا و امرا و مردم اهل
و کرا یا از جهت خاصه [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر قوت حال صلاح و ارباب حشم و قوم و [illegible]
و کرا یا از جهت [illegible] و کارها و از تربیع دلالت کند بر خلاف میان سلاطین و خلاف و مباحثه میان فقها
و فقها و تباهی ضیاع و از تثلیث دلالت کند بر ظهور سعادت در عالم خاصه عراق و قوت حال اهل علم
و ارباب [illegible] احوال اشراف و از مقابله دلالت کند بر خیر و سعادت در کارهای اهل علم و ظهور [illegible]

در عراق و کدورت اهل صلاح و [illegible] ضعف در کارها **اتصال قمر بعد از انصراف از مشتری در برج ثور** به
از مقارنه دلالت کند بر پیدا شدن صلاح در کارهای مردم و [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر قوت اهل
صلاح و استقامت احوال علما و فقها و [illegible] و از تثلیث حال [illegible] و سعادت [illegible]
بر جان و [illegible] و از تربیع دلالت کند بر خلاف علما و فقها و جدال میان اهل علم و ارباب [illegible]
و میان اهل صلاح [illegible] و از تثلیث [illegible] اشراف [illegible] اهل [illegible] و ارباب قلم و از مقابله دلالت
کند بر [illegible] احوال [illegible] اهل حرث [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف از مشتری در برج جوزا**
از مقارنه دلالت کند بر نیکی حال [illegible] و حسن [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر ظهور
صلاح و خیر در عالم و اتفاق وزرا و اشراف [illegible] و سعادت [illegible]
[illegible] اهل علم و از تربیع دلالت کند بر تغیر و حرارت هوا [illegible] و کدورت علما و از تثلیث دلالت
کند بر نیکی حال اشراف و سلامت [illegible] اهل علم و استقامت احوال [illegible] و از مقابله
دلالت کند بر [illegible] احوال علما و قضاة و بسیاری جدال و منازعت در میان اهل [illegible] خلاف علم
اتصال قمر بعد از انصراف از مشتری در برج سرطان از مقارنه دلالت کند بر ظهور خیر و صلاح در عالم و نیکی حال
زنان [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر سلامت عامه خلایق و پیدا شدن نیکی در احوال وزرا و ارباب
صلاح و [illegible] و استقامت احوال [illegible] و از تربیع دلالت کند بر فتنه و منازعت [illegible]
و جدال میان علما در کارهای دین و از تثلیث دلالت کند بر قوت احوال اشراف و وزرا و پیدا شدن
سعادت میان عامه مردم و از مقابله دلالت کند بر ضعف حال وزرا و قضاة و اشراف [illegible]
[illegible] خلاف میان اهل علم و ارباب دین [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف از مشتری در برج اسد** از مقارنه

دلالت کند بر پیدا شدن عدل و انصاف و بحث ملوک بر رعایا و اوساط الناس و از تسدیس دلالت کند
بر مشقت احوال مکان اهل ... و اشراف و مشغول شدن مردم بکارهای بی‌فایده و صلاح و قوت حال
دهقانان و از تربیع دلالت کند بر ظهور تشویش و فتنه میان لشکریان و مخالفت اهل صلاح و خیانت و جدال
میان اهل علم و تباهی حال ... و از تثلیث دلالت کند بر قوت حال مشایخ و مشقت احوال ملوک و پیدا شدن
اعدا و زیاده شدن منزلت در رعیت و پیش ملوک و از مقابله دلالت کند بر ... و اشراف و تشویش
وقت و تربیع احوال هوا و در بعضی مواضع عفونت هوا بود **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج سنبله**
از مقارنه دلالت کند بر مشقت احوال مردم اهل عبادات و مشغول شدن عامه مردم بکارهای بی‌فایده و ...
علما و تجار و از تربیع دلالت کند بر ظهور تشویش و فتنه میان لشکریان و مخالفت اهل صلاح و ... و جدال
میان اهل علم و ... و تباهی احوال عوام و از تثلیث دلالت کند بر قوت مشایخ و مشقت احوال
... و ظهور عدل و داد و زیادتی منزلت اشراف و بخشش ملوک در باره علما و از مقابله دلالت کند بر اختلال
حال بزرگان و وزیران و تباهی اهل صلاح و منازعت میان مردم و اهل علم و مخالفت در مذهب **اتصال قمر
بعد از انصراف بمریخ در برج میزان** از مقارنه دلالت کند بر خیر و صلاح در مردم و میل ... و ...
و از تسدیس دلالت کند بر خیر و سعادت در بلاد عراق و ... و از تثلیث دلالت کند بر مشقت
احوال ... و از تربیع دلالت کند بر ... احوال خیر و صلاح و سعادت کارها ... و ظهور ...
... و از مقابله دلالت کند بر ظهور وبا در مردم و ...
... **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج عقرب** از مقارنه دلالت کند بر خیر
و صلاح مردم و ظهور عدل و انصاف در ... و از تسدیس دلالت کند بر مشقت احوال علما و اهل ...

بزرگان

و بسیاری مال بازاریان و زیاده شدن منزلت قضاة و حکام و از تربیع دلالت کند بر مخالفت اهل علم و دین
و جدال در مذهب و ناسزای اهل صلاح و از تثلیث دلالت کند بر خیر و سعادت عامه خلق و از مقابله بر پیدا شدن
ظهور عدل و انصاف میان ... و بحث کردن ملوک بر رعایا و از مقابله دلالت کند بر ... شدن کار
عمال و مشغول بودن ... و کارهای ... پیدا شدن فتنه و مخالفت میان علما و کتب بعضی از کتب
و خراب **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج قوس** از مقارنه دلالت کند بر خیر و صلاح مردم و پیدا
شدن عدل و انصاف در ... و از تسدیس دلالت کند بر نیکی احوال اهل علم و دین و فروشندگان بازاریان
و زیادتی منزلت قضاة و حکام و از تربیع دلالت کند بر مخالفت میان اهل علم و دین و پیدا شدن جدال
در مذهب و کدورت میان ملوک و اهل صلاح و از تثلیث دلالت کند بر نیکی کار عامه و ... نعمت
و ... و از مقابله دلالت کند بر تباهی حال لشکریان و اهل صلاح **اتصال قمر بعد از انصراف
بمریخ در برج جدی** از مقارنه دلالت کند بر نیکی احوال علما و عدل و داد و در میان ... و از تسدیس
دلالت کند بر ... شدن کارهای ... و بسیاری مال ارباب ضیاع و مشایخ و پیدا شدن ... و از تربیع
دلالت کند بر ... حال ... هوا بتری ... بعضی از علما و مشایخ ...
و از تثلیث دلالت کند بر خیر و سعادت کارهای عام و از مقابله دلالت کند بر تباهی احوال اشراف و حال
عوام و ... پیدا شدن تشویش در اهل صلاح **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ
در برج دلو** از مقارنه دلالت کند بر ... اهل علم و صلاح و مشقت کار اهل ادب و علم و از تسدیس
دلالت کند بر مشقت کار مشایخ و ... و پیدا شدن کارهای عجیب ... عامه و از تربیع دلالت
کند بر منازعت و مخالفت میان ... اهل صلاح و ... و از تثلیث

دلالت کند بر رد یا کارهایی در تفتیش جستن و بنا و نیکو موازنان و اهل دست و از منقلب بود دلالت
کند بر ظهور کینه میان عامه و بسیاری تعصب میان پیران و ظهور فساد در عالم اتصال قمر بعد از انصراف مشتری
در برج حوت از منقلب رسد دلالت کند بر ترتیب اسباب جنگها و مشغول بودن مردم به حرب جویی و کارزار و اگر ثابت
دلالت کند بر مخالفت علما و تعطیل عوام و اگر ثابت بود و ذوجسدین دلالت کند بر خیر و صلاح و سلامتی کار
خلایق و ظهور عدل و مصدر انصاف از ملوک و موجب مردم و از منقلب بود دلالت کند بر تباهی حال عامه
و دور گشتن لشکریان اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج [illegible] از منقلب رسد دلالت کند
بر ظهور مخالفت در میان سپاهیان و خروج دشمنان و قوت لشکریان و بسیاری جنگ و حسد
و اگر ثابت بود دلالت بر قوت اهل صلاح و [illegible] دلالان و حرکت عسکر و بسیاری از جهت فساد و مردم
و از ذوجسدین دلالت کند بر خونریزی و مخالفت میان اهل صلاح و تباهی رفت در اهواء و غلبه [illegible]
و کثرت لشکرها و اگر ثابت باشد دلالت کند بر ظهور [illegible] ملوک بر اعدا و نیکویی احوال اشراف و [illegible]
اهل صلاح و لشکریان و پیدا شدن حوادث در هوا و حرب و جدل در میان خاص و عام [illegible]
دلالت کند بر ریختن خونهای ناحق و پیدا شدن آفت در عالم و بسیاری رعد و برق و حوادث
در هوا و اندازه از جهت پیدا شدن فرح در میان جهان اتصال قمر بعد از انصراف مریخ در برج ثور
از منقلب رسد دلالت کند بر کثرت فتنه و ریختن خونهای ناحق و فساد و تشویش و حرب و منازعت [illegible]
در میان جهان و اگر ثابت بود دلالت کند بر قوت احوال [illegible] و بسیاری رعد و برق [illegible]
شدن باران و اگر ذوجسدین بود حال اهل صلاح و اگر [illegible] دلالت کند بر حرب و [illegible]
[illegible]

و غلبه بودن و تباهی در اهواء و اگر ثابت بود دلالت کند بر نیکویی احوال مهتران و سپاهیان و بسیاری فواید
کاروان و از منقلب بود دلالت کند بر خروج شیخی از ناحیه مغرب و تسلط او در کارها و ضعف [illegible] و اهل
شهادت و تباهی احوال عامه اتصال قمر بعد از انصراف مریخ در برج جوزا از منقلب رسد دلالت کند بر بسیاری فتنه
و تشویش و ریختن خون و ظهور سلاح و اگر ثابت بود دلالت کند بر توسط حال در کار اهل
سلاح و اهل حرب و حرکت لشکرها و از ذوجسدین دلالت کند بر خونریزی و بسیاری [illegible] و تباهی کار
عامه و اگر ثابت بود دلالت کند بر قوت اهل صلاح و جستن [illegible] و ظهور [illegible] ملوک بر دشمنان
و از منقلب بود دلالت کند بر توسط حال پیران و تجار و کثرت فتنه و ظهور فساد در طرق و شوارع اتصال قمر بعد از
انصراف مریخ در برج سرطان از منقلب رسد دلالت کند بر بسیاری ظلم و فتنه و حدوث حوادث و تباهی حال عامه
مهتران و علامات در هوا و تشویش [illegible] و قطع ایشان و قهر کردن بعضی بر بعضی و اگر ثابت
باشد دلالت کند بر [illegible] و نیکویی حال لشکریان در [illegible] اهل سلاح
[illegible] و از ذوجسدین دلالت کند بر بسیاری حرب و فتنه و کثرت ریختن خون و حدوث [illegible]
[illegible] در هوا و غلبه [illegible] در عالم و اگر ثابت بود دلالت کند بر حرب لشکرها و نیکویی حال اهل صلاح
و از منقلب بود دلالت کند بر گرمی هوا و حرکت لشکرها و در طرق و شوارع [illegible] هوا و تباهی حال عوام
اتصال قمر بعد از انصراف مریخ در برج اسد از منقلب رسد دلالت کند بر [illegible] و ظهور ظلم [illegible]
و اگر ذوجسدین بود دلالت کند بر [illegible] حال اهل سلاح و اهل حرب و گرمی و جنگ و جستن [illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible] و اگر ثابت بود دلالت کند بر [illegible]
حال اهل سلاح و [illegible] و اهل [illegible] و از منقلب بود دلالت کند بر [illegible] در اهواء و گرمی هوا

و حرکت لشکریان و کراهیت از جهت *اتصال قمر بعد از انصراف مریخ در برج سنبله* از مقارنه دلالت کند بر بسیاری
حرب و فتنه و خصومت میان عامه مردمان و تباهی راهها از دزدان و از تسدیس دلالت کند بر ایمنی راهها و
بعضی از اهل فتنه و دزدی و هنگام اموال عامه و از تربیع دلالت کند بر احراق شهرها و کشتن [illegible] و
تشویش در ولایت که بسبب [illegible] باشد و از تثلیث دلالت کند بر ظهور فتنه میان اهل [illegible] و [illegible]
اموال اهل سلاح و تنگی عامه مردمان و از مقابله دلالت کند بر فتنه و جدال لشکریان و [illegible] و جدال میان
اهل علم و [illegible] *اتصال قمر بعد از انصراف مریخ در برج میزان* از مقارنه دلالت کند
بر منازعت میان عامه و تغیر هوا و از تسدیس دلالت کند بر ظهور [illegible] احوال [illegible]
و [illegible] و از تربیع دلالت کند بر بسیاری فتنه [illegible] میان [illegible] جستن [illegible]
گرم و از تثلیث دلالت کند بر قوت حال اهل سلاح و حرکت لشکریان و ظهور جدال [illegible]
دلالت کند بر فتنه [illegible] و حرکت لشکر و بسیاری فتنه [illegible] *اتصال قمر بعد از انصراف*
مریخ در برج عقرب از مقارنه دلالت کند بر قوت حال لشکریان و اهل سلاح و از تسدیس دلالت کند
بر ظهور تشویش عامه [illegible] راهها [illegible] و پدید آمدن حرب و فتنه میان عامه و از تربیع
دلالت کند بر قوت [illegible] راهها و فتنه و تشویش [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر میل هوا
بگرمی و خشکی و حرکت اهل سلاح و جستن [illegible] و از مقابله دلالت کند بر ظهور فتنه در بلاد [illegible] مخالفت
و حرب میان ارباب سلاح و لشکریان [illegible] *اتصال قمر بعد از انصراف مریخ*
در برج قوس از مقارنه دلالت کند بر [illegible] احوال لشکریان و اهل سلاح و از تسدیس
دلالت کند بر [illegible] مزاج [illegible] و قوت لشکریان و از تربیع دلالت کند بر وقوع [illegible] میان [illegible]

و آتش [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر قوت اهل [illegible] و [illegible] حال لشکریان [illegible]
و ظهور [illegible] هوا و از مقابله دلالت کند بر ظهور حرب و فتنه و [illegible] قوت اهل شرف [illegible]
راهها *اتصال قمر بعد از انصراف مریخ در برج جدی* از مقارنه دلالت کند بر قوت اموال لشکریان [illegible]
راهها [illegible] حال [illegible] و [illegible] میان [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر [illegible]
و پدید شدن حرب و فتنه و از تربیع دلالت کند بر [illegible] هوا و منازعت میان عامه و اهل سلاح [illegible]
و از تثلیث دلالت کند بر مخالفت اهل سلاح [illegible] و از مقابله دلالت کند بر [illegible]
[illegible] میان [illegible]
اتصال قمر بعد از انصراف مریخ در برج دلو از مقارنه دلالت کند بر [illegible] و منازعت [illegible]
[illegible] و از تسدیس دلالت کند بر ظهور [illegible] و پدید آمدن [illegible] و از تربیع
دلالت کند بر مخالفت لشکریان و [illegible] و پدید شدن [illegible] و از تثلیث دلالت
کند بر قوت اهل سلاح و لشکریان [illegible] احوال عامه [illegible]
و از مقابله دلالت کند بر تباهی حال هوا و پدید شدن [illegible] *اتصال قمر بعد از انصراف مریخ*
در برج حوت از مقارنه دلالت کند بر پدید آمدن [illegible] در شهرها و از تسدیس
دلالت کند بر [illegible] و [illegible] شدن [illegible] و از تربیع دلالت کند بر وقوع [illegible]
[illegible] و تشویش و حرب میان اهل سلاح و از تثلیث دلالت کند بر صلح میان [illegible]
اهل حرب و [illegible] و از مقابله دلالت کند بر [illegible] راهها [illegible]
[illegible] *اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج حمل* از مقارنه دلالت کند بر [illegible]

رسیدن بمقصود شهوات و لذات و پیدا شدن عیش و عشرت و میان ایشان و از تسدیس دلالت کند بر خوشی هوا
مایل برطوبت و جستن بادها و از اذیه زحمتها و بیگاه و از تربیع دلالت کند بر برف و هوا و بد حالی
اسهل طرب و مخالفت میان ایشان و از تثلیث دلالت کند بر اعتدال هوا و امدن خبرهای سرور و از مقابله
دلالت کند بر برف و احوال زنان و بطلان رغبت ایشان و مخالفت میان ایشان اسهل و ... **تنبیه**
بدانکه تیقن نموده اند که ابو معشر و تبع او قمر را بعد از انصراف از اجتماع و استقبال تربیع طلعتین نسبت داده اند
و این خالی از غموض نیست چه در وقت اجتماع و موضع طلعتین از شکل خالی نخواهد بود و بمقارنت شتاب باشد و در طرف
مقابله و طرف مساوات از شکل اول چون قمر از موضع اجتماع منصرف شود تا از حد تسدیس بیرون کند و در تربیع
رسد پس قمر بعد از انصراف بر تسدیس رسیده باشد نه بتربیع و در شکل دوم نیز همین طریقت الا آنکه موضع تسدیس
در این شکل از نسبت موضع اجتماع از شکل اول و در شکل سوم مقارنه ایشان میرسد و [illegible] در استقبال
بعد از انصراف بعد بود و تثلیث طلعتین خواهد رسید اما تربیع بحوب حرکات بر سد [illegible] آنچه در اجتماع
و این بآنکه [illegible] چون [illegible] بر هر چند [illegible] در باشد و جهت [illegible]
مراد ابو معشر از انصراف قمر از شتاب موضع او تحت الشعاع بود پس بنجم که منعقد شده باشد و چون
چنین بود خواهد بود که زهره در طرف مقابله [illegible] رسیده باشد و بعد سوا در حال که [illegible]
درجه باشد و ... به تربیع بود اما در ... این ... صورت باشد چنانکه [illegible]
نخواهد نیست لیکن در ... ممکن است چه بعد ... هلال ...
... کند و چون چنین باشد در حال ... از حال تسدیس ... گذشته مرتبه تربیع می شود لیکن
تسع این ... برد ... نیست ... در ... تحقیق ...

در حاشیه: بر اتصال قمر بزهره ... تربیع ... [illegible]

ازین نوع و کیفیت هر چند در اتصال نخواهد باشد **اتصال قمر بعد از انصراف بزهره بربیع شمس** از مقارنه
دلالت کند بر خورش و ... در میان مردم و بیگاه حال ... و ... و از اذیه زحمتها و از تسدیس
دلالت کند بر نیک حال زنان و خداوندان لهو و طرب و رغبت مردم بکارهای لطیف و پاکیزه
و از تربیع دلالت کند بر برف و حال زنان و اعتدال هوا و از اذیه زحمت و پیدا شدن خبر و حلاوت در کارها
و از تثلیث دلالت کند بر بسیاری لهو و لعب و شادی در میان عامه و بیگاه احوال ایشان
جستن بادها و امدن بارانها و مایل بودن برطوبت و رسیدن خبرهای فرحناک و از مقابله دلالت
کند بر برف و حال زنان و ارباب ... **اتصال قمر بعد از انصراف بزهره ببرج ...** از مقارنه
دلالت کند بر قوت احوال زنان و ... ارباب ... و از تسدیس دلالت کند بر
لهو و لعب و شادی در عامه مردم و مشغول بودن ... بارانها ... برق و تگرگ
و ... و از تربیع دلالت کند بر برف و حال زنان ... و ازدواج و از تثلیث دلالت کند
بر ... و ... باد ... و از مقابله دلالت
کند بر شغل ... لهو و طرب **اتصال قمر بعد از انصراف بزهره ... سرطان** از مقارنه دلالت
کند بر نیک حال ... زنان و ارباب ملاهی و از تسدیس دلالت کند بر نیک حال
... اعتدال هوا ... در مواضع مستعده و از اذیه زحمتها و از تربیع دلالت کند بر ... باران و
برف و حال زنان و از تثلیث دلالت کند بر بسیاری لهو و طرب و مشغول بودن عامه ...
و میل هوا برطوبت و امدن تگرگ در مواضع مستعده و از مقابله دلالت کند بر برف و احوال ...
شدن هوا بعفونت و ... **اتصال قمر بعد از انصراف بزهره ببرج اسد** از مقارنه دلالت کند

از ازواج و شرکاء و از تسدیس دلالت کند بر حصول مراد ملوک و اکابر و [illegible] دولت و اشراف و دیگر عمال
[illegible] و حصول اموال عامه از جهت [illegible] و اشراف و از تربیع دلالت کند بر هلاک زنان و اکابر و ظهور خوف و
در اموال زنان و ارباب موسیقی و از تثلیث دلالت کند بر نشاط اشراف و طرب در بعضی از فرقه [illegible]
و از مقابله دلالت کند بر خروج اعدا بر ملوک و عزلت ایشان [illegible] و اهل فسق اتصال القمر بعد از انصراف
از زهره در برج سنبله از مقارنه دلالت کند بر میانه بودن احوال زنان و از تسدیس دلالت کند بر توسط
احوال هوا و میل شدن بر رطوبت و برودت و ارکان [illegible] و نیکو حال اهل طرب و از تربیع دلالت کند
بر جستن بادهای خنک و مخالفت میان شرکا و از ازواج [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر ثروت
احوال زنان [illegible] و میل شدن هوا بسردی و از مقابله دلالت کند بر تاریکی هوا و جستن بادهای
خنک و ظهور [illegible] در میان عوام اتصال القمر بعد از انصراف از زهره در برج میزان از مقارنه دلالت کند بر
[illegible] و جستن بادهای خنک و تاریکی هوا و از تسدیس دلالت کند بر ظهور نشاط و طرب در میان عموم و ثروت
احوال زنان [illegible] ازواج و شرکاء و از تربیع دلالت کند بر پیدا شدن عداوت و [illegible] میان ازواج
و دشواری کارها [illegible] و میانه بودن احوال اهل طرب و از تثلیث دلالت کند بر ثروت احوال زنان
و اهل طرب [illegible] و از مقابله دلالت کند بر [illegible] اهل طرب و
احوال زنان اتصال القمر بعد از انصراف از زهره در برج عقرب از مقارنه دلالت کند بر توسط حال عورات
و از تسدیس دلالت کند بر ظهور نشاط [illegible] و از تربیع دلالت کند بر کثرت کذب و تهمت
بر زنان و تباهی احوال ایشان و از تثلیث دلالت کند بر ثروت اهل [illegible] کارهای [illegible]
بودن هوا و از مقابله دلالت کند بر [illegible] کارها [illegible] زنان [illegible] اتصال

قمر بعد از انصراف از زهره در برج قوس از مقارنه دلالت کند بر ثروت حال اهل طرب و نشاط زنان
و تاریکی هوا [illegible] بسعادت در کارهای [illegible] و از تربیع دلالت کند بر [illegible]
[illegible] طرب [illegible] زنان [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر ثروت [illegible]
[illegible] و از مقابله دلالت کند بر [illegible] تاریکی هوا [illegible]
[illegible] اتصال القمر بعد از انصراف از زهره در برج جدی از مقارنه دلالت کند بر سردی هوا [illegible]
جستن بادها و از تسدیس دلالت کند بر سردی هوا [illegible] و از تربیع دلالت
کند بر [illegible] تاریکی هوا [illegible] تباهی احوال زنان و از تثلیث دلالت کند [illegible]
[illegible] هوا و از مقابله دلالت کند بر [illegible] و تباهی احوال ایشان اتصال القمر بعد از انصراف از زهره
در برج دلو از مقارنه دلالت کند بر اشتغال [illegible] بشهوات و لذات [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر کثرت
باران [illegible] تیرگی هوا [illegible] و از تربیع دلالت کند بر [illegible] احوال زنان [illegible]
و از تثلیث دلالت کند بر نشاط [illegible] اهل صنعت [illegible] و از مقابله دلالت
کند بر تباهی حال زنان و دشواری کارها [illegible] اتصال القمر بعد از انصراف از زهره در برج حوت از مقارنه دلالت کند
بر ثروت احوال زنان [illegible] و از تسدیس دلالت کند
بر ثروت حال اهل طرب [illegible] شهوات [illegible] هوا [illegible]
و جستن بادهای خنک و از تربیع دلالت کند بر [illegible]
و از تثلیث دلالت کند بر [illegible] اهل طرب [illegible] و از مقابله دلالت کند بر [illegible]
احوال زنان و جستن بادها [illegible] اهل طرب اتصال القمر بعد از انصراف

اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج حمل از مقارنه دلالت کند بر قوت حال وزیران و معتبران و امدن باد های غبار ناک و از تثلیث
دلالت کند بر قوت حال کتاب و منجمان و پیدا شدن مکر و دروغ و عیوب میان مردمان و از تربیع دلالت کند
بر مخالفت [illegible] و اهل سلاح و پیران و اهل بازار و معتبران **تنبیه** بباید دانست که نظر تربیع میانه قمر و عطارد
درین محل [illegible] در اختلافات [illegible] گفته شد [illegible] و از مقابله دلالت
کند بر قوت احوال پیران و معتبران و امدن اخبار بسیاری [illegible] جستن باد های سخت و از مقابله دلالت
کند بر [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج ثور** از مقارنه
دلالت کند بر [illegible] جستن باد های سخت و از تسدیس دلالت کند بر جستن باد ها و امدن باران
و سیل و تاریکی هوا و از تربیع دلالت کند بر [illegible] میان عامه و کساد بازارها و بسیاری [illegible] پیران
و معتبران و از تثلیث دلالت کند بر [illegible] حال [illegible] و معتبران و اهل بازار و بسیاری از جهت [illegible]
احوال اهل حرب و ادب و از مقابله دلالت کند بر جستن باد های [illegible] شدن [illegible] و باد های
مختلف و [illegible] شدن [illegible] احوال [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج جوزا**
از مقارنه دلالت کند بر [illegible] احوال پیران و معتبران و از تسدیس دلالت کند بر [illegible] احوال و جستن باد های
جنوبی و میل هوا بگرمی [illegible] احوال [illegible] و معتبران و از تربیع دلالت کند بر مخالفت میان مردمان و بسیاری
[illegible] و تغیر هوا و پیدا شدن غبار [illegible] احوال پیران و از تثلیث دلالت کند بر [illegible] احوال اهل [illegible]
و [illegible] میل هوا بتری [illegible] کار اهل ادب و از مقابله دلالت کند بر [illegible] احوال [illegible] کتاب
و پیران [illegible] حال اهل کتابت [illegible] پیدا شدن تاریکی هوا **اتصال قمر بعد از انصراف**
عطارد در برج سرطان از مقارنه دلالت کند بر جستن باد های سخت [illegible] از جهت [illegible] و از تسدیس دلالت کند

بر ظلم [illegible] میان مردم [illegible] بازارها و [illegible] جستن باد ها و تاریکی هوا
و از تثلیث دلالت کند بر قوت احوال پیران و معتبران و [illegible] سیل [illegible] تیرگی و جستن
باد ها و امدن باران و از مقابله دلالت کند بر [illegible] احوال [illegible] و پیران و جستن باد های
[illegible] از جهت **اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج اسد** از مقارنه دلالت کند بر حدوث
[illegible] حرارت و میل هوا [illegible] حرارت [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر سعادت [illegible] و پیران
[illegible] و از تربیع دلالت کند بر [illegible]
[illegible] از جهت و از تثلیث دلالت کند بر [illegible] و قوت حال [illegible]
اشراف و [illegible] و از مقابله دلالت کند بر خروج [illegible] از [illegible] پیران [illegible] باد های [illegible] جستن
باد های سرد **اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج سنبله** از مقارنه دلالت کند بر جستن باد های
[illegible] احوال [illegible] و معتبران و بسیاری فواید [illegible] و از تسدیس
دلالت کند بر جستن باد های [illegible] و از تربیع دلالت کند بر [illegible] بسیاری
خصومت میان عامه و تغیر هوا و امدن باران [illegible] بازارها و [illegible] و از تثلیث دلالت کند
بر منفعت بسیار در صناعت و تجارت و خوشی هوا و از مقابله دلالت کند بر جستن باد های [illegible]
[illegible] پیدا شدن عدل و داد و در میان ارباب صنایع و قوت تجار و معتبران و خوشی عامه و [illegible]
بازارها [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف [illegible] در برج میزان** از مقارنه دلالت کند بر قوت حال
تجار [illegible] از جهت [illegible] احوال اشراف و باد های مختلف و از تربیع دلالت کند بر مخالفت اشراف
و [illegible] و کساد بازارها و بسیاری [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر [illegible] بازارها [illegible]

احوال اهل ادب و از مقابله دلالت کند بر بسیاری خصومت میان مردمان و تباهی حال کودکان و بیماری اهل
اطبا و اهل نجوم و ارباب حساب **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج عقرب** از مقارنه دلالت کند بر تهیج
بیماری مختلفه و رنج کودکان و از تسدیس دلالت کند بر اعتدال هوا و بادهای مختلف و بسیاری برف و از تربیع
دلالت کند بر برف و احوال [illegible] و رنج مردم و اهل [illegible] و حال اهل صلاح و از تثلیث دلالت کند
بر برف و نباتات و بادهای مختلف و باران و از مقابله دلالت کند بر تباهی اهل حساب و پیران و کودکی
کودکان **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج قوس** از مقارنه دلالت کند بر خلاف میان مردم و بیماری [illegible]
و از تسدیس دلالت کند بر قوت حال تجار و [illegible] وقوع خبر و سلامت هوا و از تربیع دلالت کند
بر جستن بادهای سرد و شدت سرما و خلاف [illegible] و دیگر خصومت میان [illegible] و از تثلیث
دلالت کند بر قوت احوال اهل علم و صلاح و استقامت حال پیران و نیز هوا و از مقابله دلالت کند بر [illegible]
و سقوط و مرگ در [illegible] استقامت احوال اهل [illegible] و وقت [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ**
در برج جدی از مقارنه دلالت کند بر [illegible] و تباهی احوال کودکان و از تسدیس دلالت کند بر [illegible]
بسیاری [illegible] احوال مشایخ و [illegible] و از تربیع دلالت کند بر ظهور کذب
و خلاف در میان اهل علم و جستن بادهای سرد و از تثلیث دلالت کند بر صلاح حال مردم و قوت [illegible]
[illegible] اهل صلاح و از مقابله دلالت کند بر برف و احوال [illegible]
باریدن **اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج دلو** از مقارنه دلالت کند بر جستن بادهای [illegible]
[illegible] و از تسدیس دلالت کند بر صلاح حال پیران و اهل علم و استقامت
احوال مشایخ و [illegible] جستن بادهای [illegible] و از تربیع دلالت کند بر [illegible]

دفعه

وقت هوا و خلاف [illegible] اهل [illegible] و از تثلیث دلالت کند بر قوت حال اهل علم و [illegible]
و استقامت [illegible] و اهل [illegible] بسیاری [illegible] و از مقابله دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و قوت حال [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف بعطارد**
در برج حوت از مقارنه دلالت کند بر قوت حال [illegible] و اهل [illegible] و ظهور عدل و انصاف میان
مردمان [illegible] و از تسدیس دلالت کند بر قوت حال اهل علم و [illegible]
و از تربیع دلالت کند بر [illegible] و از تثلیث دلالت
کند بر [illegible] اهل علم [illegible] و سلامت احوال [illegible] و از مقابله دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و در معاملات اهل [illegible] **اتصال قمر بعد از انصراف از زحل**
و اتصال او بمریخ در برج حمل دلالت کند بر [illegible] حال ملوک و اشراف و ظهور [illegible] اهل
صلاح **در برج ثور** دلالت کند بر ضعف حال زنان و [illegible] اهل [illegible] و وقوع
[illegible] میان [illegible] احوال [illegible] و اعتدال هوا [illegible] **در برج جوزا** دلالت کند
بر [illegible] حال زنان و اهل [illegible] و جستن بادها [illegible] هوا **در برج سرطان** دلالت کند بر بسیاری
[illegible] و سلامت [illegible] اهل [illegible] حال [illegible] **در برج اسد** دلالت کند بر [illegible]
حال [illegible] **در برج سنبله** دلالت کند بر تباهی حال زنان و ارباب
[illegible] **در برج میزان** دلالت کند بر تباهی حال هوا و بسیاری [illegible]
زنان **در عقرب** دلالت کند بر تباهی حال هوا [illegible] **در قوس** دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و حال [illegible] **در جدی** دلالت کند بر [illegible] و حال [illegible] و [illegible] مردمان

در دلو دلالت کند بر تباهی حال زنان و غربا و احوال عامه ان و سقوط احوال اهل [illegible]

در حوت دلالت کند بر زیادتی زر خمار و میوه‌جات اپاد و ظهور عدل و انصاف در عالم کما بینه و شتم نعت

المقدم در اجتماع و استقبال المقدم براس و ذنب در برج حمل دلالت کند بر زیادتی و رشد ان ثروت [illegible]

و اهل علم و دیانت داده باب قلم و صلاح و خدمت میان این طایفه و ملوک و حکام و زیادتی قوه شایخ

و اشراف و زهاد و در برج ثور دلالت کند بر صلاح احوال اهل علم و مذهب بقیه و صلاح در برج جوزا دلالت

کند بر ظهور شیخ بزرگ و عظیم الشان از علما و اهل صلاح بدنیه در برج سرطان دلالت کند بر قوت حال کاهان

و زیادتی قوه و جاه علما و بزرگان این در برج اسد دلالت کند بر صلاح کار ملوک و عموم بزرگ در برج سنبله

دلالت کند بر بزرگی و ظهور دولت و دیانت در برج میزان دلالت کند بر قوت حال زنان و پرستیدن

در برج عقرب دلالت کند بر قوت حال سپاهیان و لشکریان و امرا و اهل سلاح در برج قوس دلالت

کند بر قوت حال سروران و زیادتی و فضل ایشان در برج جدی دلالت کند بر ظهور فتنه بزرگ و پیدا شدن [illegible]

مستور و ظهور خیر بسیار و خصب در برج دلو دلالت کند بر بسیاری رعد و برق و طغیان آب چشمه‌ها در برج حوت

دلالت کند بر قوت احوال علما و زهاد و رشد ان ایشان کما بینه و شتم نعت در ذنب در اجتماع و استقبال

المقدم در ذنب در برج حمل دلالت کند بر بسیاری تشنگی و خشکی زمان و قحط در برج ثور دلالت کند بر تباهی

احوال اشراف و بزرگان در برج جوزا دلالت کند بر تباهی حال اشراف و ظهور عیب در برج سرطان

دلالت کند بر تباهی حال غربا و مسافران در برج اسد دلالت کند بر هلاک و نقصان دواب و چهارپایان در برج سنبله

دلالت کند بر حرارت هوا در برج میزان دلالت کند بر فساد و وبال در ابدان و ایام در برج عقرب

دلالت کند بر فساد و جهل و بیماری هوام زمین و بحار از زلزله در برج قوس دلالت کند بر نقصان [illegible]

و آب خانه و خشک شدن ان در برج جدی دلالت کند بر نقصان بزم [illegible] خانه و رودها در برج دلو

دلالت کند بر نقصان آب چشمه‌ها و کاریزها در برج حوت دلالت کند بر [illegible] کار روانها و هلاک

ملاحان و نقصان آبها و چشمه‌ها والله اعلم و تا این فصل باید که بعضی تنبیهات ضروریه که درین

فن مقرر است ختم کنیم بعون الله و توفیقه پس گوییم که چون مواضع کواکب از قرانات و انتقالات و غیرها

از انچه پیش ذکر کرده شد و از انچه بعد ذکر خواهد یافت در صورت طوالع بوادی و اجتماعات و استقبالات

مقدم بر آن نزد قوم بسیاری معتبر است خاصه که عیون درست باطالع [illegible] شده باشد

که احکام ایشان کم خطا افتد و در سبب این اجتماعات و استقبالات نیز چند رقم اعتبار در ان مرتبه

و اقدام در ان کرده‌اند چنانکه اصل این باب این موضع است که در ان با بعضی ارشادات

بسیار تصحیح و تحقیق نموده شود تا طالبان این صناعت را ارشاد حاصل افتد تنبیه هر طالع از طوالع

اجتماعات و استقبالات که مطابق طوالع بوادی از فصل و بحث کلی باشد دلالت بود و بعضی از ان

طالع در مدت این طالع بیشتر فصل ایام و ما ذکر تاثیر دلایل هر طالع نیز بجهت مصلحت کند تنبیه

از عیون دستور طالع و اجتماع و استقبال فصل باید بود و هر حکم که بر عیون دستور طالع کرده‌اند در ان

نیز جاری باید ساخت اما ان قوت نباشد و نیز محتاج شواهد دیگر باشد تنبیه تثبیت طالعین را

جهت ان و اسباب شرع ملوک گرفته‌اند پس اگر اعداد کواکب در او تا در طوالع مذکوره بود و هم

مر بود ملوک را تحکم باشد و انکار که بقوت و زیادت و سعادت کواکب سعود کدخدا نیز آراسته باشد

اگر جمله بعد از وجود سعد طالع ایشان بقوت تر باشد و اگر مشتری بر ذات ایشان سعید و این حکم را دو

طالع اجتماعات و استقبالات هم حیث ان شود که موت ایشان در ان ایام سمت اتمام

ورز ایده داشته باشد و حکم قران سعدین در دوت نیز از این نوع است که گویی از و حکم زود از آنچه حکم
او منع قران ونزیع و مقابله چنین را ادلال ... قیاس قران موزد الفصل که اکنون تنبیه عدم
مناظره سعدین بر بدن باشد علامت بزرگیست در حق ملوک و حکام خاصه که در شرف ... باشد
باشند و روز که بود که محترق بود در وبال و ... الارض باشد و هم چنین ... و ذنب بعد از چنین
در دو مثلثه ... حلول ... و ... چنانکه این بود در این بنا ... و ... ایام قران ...
حکم بود الا ... تنبیه حلول مریخ در ... الاوتاد و دلیل ... بود و در منع
دزدان و بدکاران ... که را جح باشد و اگر ... مریخ در حمل باشد ... بود و ادوی ... مرض
کرده و در اوقات ... دلالت ... باشد بسبب ... سلاطین مشهورین در دیه
باشند و اگر ... مریخ منحوس شوند قتل و حبس بود و در ادوات ... سلاطین تنبیه قران
نحسین در طالع ... دلالت کند که حکم ... این بلد ... این برج ...
رسد و دیگری ... و اگر ... در طالع ... استقبال ... باشد
پادشاه آن ولایت رحلت نماید ... دیگری ... و این امور در این شهر مجرب است چه دلیل
قران نحسین در برج ... در ... این طالع باشد در خاطره تر این ... چنان خلل کرد که ...
رحلت می نماید این معنی را ... عرض ... این ...
در ایران شایع شد و اگر قران مریخ و مشتری وقوع پذیرد ... مشتری در آن ولایت
آفت رسد ... و اگر قران زهره و مریخ باشد در طالع ... باشد ...
آفت رسد و در طالع ... دلالات ... آفت رسد و اگر قران

... در حمل باشد ... و اگر قران عطارد و مریخ بود ... عطارد باشد و اگر قران
عطارد در حمل بود ... و اگر قران سعدین بود در جهت ...
روی نماید و این ... بود تنبیه ... طالع ... عطارد ... عداوت مریخ را
با ایشان دلیل ... عداوت ... در حمل او دلیل ... تنبیه ...
اول گوید ... صاحب طالع منحوس ... مریخ و سعدی ... بطالع ... ایام ...
و حکام ... باشد و اگر ... تجربت شده باشد تنبیه اتصال صاحب طالع ...
دلالت کند بر حدوث بیماری ... ایام و اگر ... صاحب ... بود ...
مرگ باشد تنبیه احتراق ... مریخ در طالع ... دلیل بیماری ...
بود ... که برج ... باشد تنبیه ... خانه ششم ... منحوس شده باشد بیماری
از ... این نحس دلالت کرده و اگر مشتری ... عطارد ... باشد خاصه عطارد
... و خاصه در ... مرض ... باشد ... عطارد و دلیل صحت ... بود ...
... تنبیه ... صاحب طالع ... و استقبال ... باشد ... زهره
عطارد ... در ... جهات ... بود ... اگر کوکب ... آن
دلیل ... باشد ... آن کوکب ... باشد ... بود
... و اگر زهره بود ... بود ... و اگر ...
بود ... باشد ... کوکب ... رعایت نمودن ... آن
... نباید بود تنبیه و اگر ... زهره و مریخ ... شود و بدین ... دلیل آن

دوم باشد و اگر یکی از شش ربعی دلیل عطارد منصرف شود و به دیگری متصل گردد دلیل کثرت باد و باران
نزدیک باشد و اگر یکی از شش قمر و زحل منصرف شود و به دیگری پیوندد دلیل کدورت و سردی هوا باشد
و شکلی حدوث برف باشد یعنی که زحل در عاشر بود و اگر زحل [illegible] پیوندد در روز تاکید او بود که گفته شد
و ظاهر است که اینها بیشتر در وقت [illegible] است و این در موضع در وقت اجتماع و استقبال [illegible] بسیار معتبر
و موثر باشد [illegible] را الیه [illegible] قیاس کرده تنبیه اتصال ماه به زهره از غایت عطارد دلیل باران
یکی از دلیلها که ایشان نیز به هم متصل شوند تنبیه حصول یکی از این دو در وتدی دلیل [illegible] و تغیر هوا
و باران یکی [illegible] و از سعدین بر این صفت باشد دلیل اعتدال و [illegible] هوا باشد و طلوع [illegible]
حصول مریخ در یکی از [illegible] در برج [illegible] و متصل عطارد و سعود و از روی [illegible] دلیل کثرت
رعد و برق و در ابتدای حرکت مریخ [illegible] الشعاع [illegible] هوا بود و [illegible] اگر در [illegible] بود و نظر
عطارد بود [illegible] باشد [illegible] در هوا [illegible] از [illegible] اختلاف
[illegible] تنبیه حصول عطارد در وتدی از بروج
هوائی [illegible] تنبیه بودن زحل
در وتد عاشر در برج [illegible] دلیل [illegible] و کثرت برف است [illegible] این امر باشد [illegible]
رابع دلیل زلزله [illegible] الارض بود [illegible]
[illegible] و اگر در برج [illegible] باشد [illegible] زلزله بود [illegible]
[illegible] تاکید است و بودن مریخ فوق الارض [illegible] زحل [illegible]
[illegible] بود و اینها [illegible] تنبیه [illegible] صاحب طالع مریخ [illegible]

[illegible] برج آبی [illegible] تنبیه صاحب طالع [illegible] اتصال [illegible] دلیل باران
بود در وقت تنبیه اوضاع طالع اجتماع و استقبال [illegible] معتبر باشد و این باب [illegible]
[illegible] کواکب [illegible] بر طالع [illegible] قمر و صاحب طالع و صاحب شرف
در مواضع این کواکب [illegible] و صاحب [illegible] دلایل قوت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و دلیل [illegible] طالع باشد [illegible]
و اگر [illegible] طالع [illegible] باشد [illegible] تنبیه [illegible]
[illegible] اوج [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] تنبیه زحل [illegible] طالع دلیل [illegible]
[illegible] باشد و اگر [illegible] باشد [illegible] تنبیه بودن قمر فوق الارض [illegible]
الارض [illegible] و اگر تحت الارض باشد [illegible] فوق الارض [illegible] این موضع [illegible]
[illegible] و این [illegible] است [illegible] فصل [illegible] این [illegible]
[illegible] است [illegible] که [illegible] ایران [illegible] هوا [illegible] تغیر هوا [illegible]
[illegible] حقیقت این [illegible] بر [illegible] تفصیل [illegible] کرده ایم [illegible] اجتماع [illegible]
اصطلاح [illegible] اوج [illegible] را [illegible]
و آن وقت [illegible] مواضع [illegible] و [illegible] موضع که [illegible] پیش [illegible]
اجتماع و نظر [illegible] باشد [illegible] مواضع [illegible] مجموع [illegible]
باشد [illegible] که [illegible] پس [illegible] موضع اول از مواضع [illegible] اجتماع [illegible] از آن [illegible]

دوازدهم آن پس درجه چهل و پنجم پس نوزدهم پس صد و سی و پنجم پس صد و شصت و ششم پس صد و هشتادم
پس صد و نود و دوم پس دویست و پنجم پس دویست و هشتادم پس سیصد و پانزدهم پس سیصد و چهل و ششم
پس سیصد و شصتم پس جزو مجموع بهره ثانیه و اصل احکام [illegible] آن گویند که چون جزو کسوف بعد چی
ذنب واقع شود و قمر در آن جزو متصل شود بکوکب [illegible] از آن [illegible] و باران [illegible] دیگر
[illegible] آن [illegible] و اگر در این حال [illegible] متصل بزهره باشد در آن موضع فتح ابواب [illegible] دهد
تأکید امر مذکور کند و هرمس حکیم [illegible] گویند هر یک را [illegible] تجربه کرده [illegible] مقدار قمر
بحکم [illegible] آن را [illegible] ترجمه کرده این کتاب [illegible] تا طالبان این فن را رغبت بر این
[illegible] الکلام کلام الملوک تذکره و دستوری باشد احکام بودن ذنب در مواضع کسوف قمر در برج حمل اگر در ثلث
اول برج بود دلالت کند بر حدوث رعد و برق و ریح و [illegible] وقت [illegible]
[illegible] بودن و اگر در ثلث دوم بود دلالت کند بر اختلاف و امتزاج هوا و در ثلث سیوم دلالت
کند بر رسیدن [illegible] حرارت هوا [illegible] و اگر در وسط حقیقی برج
باشد دلالت کند بر حدوث امراض [illegible] در برج ثور در ثلث اول دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و در ثلث ثانی دلالت
کند بر کثرت [illegible] و در ثلث ثالث دلالت کند
بر تبذیر اموال پادشاهان و سلاطین در برج جوزا در ثلث اول دلالت کند بر سکون و صلاح [illegible]
[illegible] و در ثلث ثانی دلالت کند بر [illegible] پادشاه و [illegible]
[illegible] و در ثلث سیوم بر ضعف مزاج و شدت [illegible]

شود در برج سرطان در ثلث اول دلالت کند بر سکون و صلاح [illegible] پادشاه و [illegible]
کردن رعیت [illegible] و در ثلث دوم دلالت کند بر [illegible]
و در ثلث سیوم دلالت کند بر [illegible] و در دریا [illegible]
[illegible] و اگر در وسط برج باشد دلالت کند بر [illegible] پادشاه در برج اسد در ثلث
اول دلالت کند بر حسن مزاج هوا و کثرت میوه و [illegible] و در ثلث ثانی دلالت کند بر ضعف [illegible]
[illegible] و در ثلث سیوم [illegible]
باشد [illegible] و اگر در میانه برج باشد دلالت کند بر قوت
پادشاه و نصرت [illegible] بر اعدا در برج سنبله در ثلث اول دلالت کند بر [illegible] و در ثلث سیوم [illegible]
کند بر موت [illegible] و در ثلث سیوم دلالت کند بر کثرت [illegible] در میان [illegible]
[illegible] در برج میزان در ثلث اول دلالت کند بر قوت [illegible]
[illegible] و در ثلث ثانی دلالت کند بر تبدیل امور [illegible] و در ثلث ثالث دلالت کند بر [illegible]
[illegible] در برج عقرب در ثلث اول دلالت کند بر کثرت خراج و [illegible]
اموال و در ثلث ثانی دلالت کند بر استخراج [illegible] و در ثلث سیوم
دلالت کند بر [illegible] و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر [illegible] ملوک [illegible]
پادشاه [illegible] در برج قوس در ثلث اول دلالت کند بر تفرق [illegible] و در ثلث ثانی دلالت کند
بر موت یکی از سلاطین [illegible] و در ثلث ثانی دلالت کند بر موت یکی از سلاطین
[illegible] و در ثلث سیوم دلالت کند بر [illegible] و شدت [illegible] و اگر در میانه برج باشد دلالت کند

بر قوت و پیوستن با پیشه‌وران و بزرگان آنجا در برج دلو در ثلث اول دلالت کند بر عفونت
هوا و در ثلث ثانی دلالت کند بر ظاهر شدن امور خفیه و همه امراض ... خلقت و در ثلث
ثالث دلالت کند بر ... و اگر در میانه بود دلالت کند بر اتفاق ...
... فلاحت در برج حوت در ثلث اول و ثانی دلالت کند بر حسن مزاج هوا و در ثلث ثالث دلالت کند
بر کثرت ... اعدا و اگر در میان برج باشد دلالت کند بر ... احکام بودن
مشتری در هر برجی و تأثیر او در برج حمل در ثلث اول دلالت کند بر ... صحت بدن مردم و در ثلث
ثانی دلالت کند بر کثرت ... و در ثلث ثالث بر ... و موافق ...
... و اگر در میان برج بود دلالت کند بر فرح مردم و بزرگان و غلبت اعدا و قهر کردن
بر ... در برج ثور در ثلث اول دلالت کند بر ... صحت ابدان و در ثلث دوم
دلالت کند بر کثرت ... و در ثلث سیوم دلالت کند بر ... موافق
... و اگر در میان برج باشد دلالت کند بر فرح مردم و غلبت اعدا و قهر کردن مر
ایشان را در برج جوزا در ثلث اول دلالت کند بر ظفر مردم بر اعدا و در ثلث دوم دلالت کند بر ...
... فواید و منافع باشد و در ثلث سیوم دلالت کند بر صحت بدن مردم و فرح
و خوشی ... و اگر در میان برج باشد دلالت کند بر سرور مردم و ... او در برج سرطان در ثلث
اول و ثانی دلالت کند بر حسن اطاعت رعایا نسبت با سلاطین و حکام و وقوع صلح در میان مردم
و در ثلث ثالث دلالت کند بر ... تابستان و اعتدال ... و خوشی هوا و اگر در میانه برج
باشد دلالت کند بر تغیر و تبدیل ... در برج اسد در ثلث اول دلالت کند بر ... مردم و حرکت او

و دیگر با یکدیگر و در ثلث دوم دلالت کند بر دوستی و زیادتی مودت ایشان و در ثلث سیوم دلالت کند بر ...
مردم ... و سفر ... و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر تغیر امور و شدت
و اضطراب و اختلاف میان مردم و حرارت در مزاج رجال ... اطفال و حدوث ... در برج سنبله
در ثلث اول دلالت کند بر ... هوای خریف ... و در ثلث ثانی دلالت کند بر منفعت
کتاب ... و کثرت فرح ... و در ثلث ثالث دلالت کند بر ...
... و اگر در میانه برج باشد دلالت کند بر ثبات
مردم ... و فرح خلایق در برج میزان در ثلث اول دلالت کند بر زیادتی خیر و کرامت و در ثلث دوم
دلالت کند بر کثرت ... و در ثلث سیوم دلالت کند بر حسن مزاج هوا و ... در آن وقت امراض
... شدن و اگر در میانه بود دلالت کند بر ... ایشان در برج عقرب در ثلث اول دلالت کند
بر حرکت ... و در ثلث ثانی دلالت کند بر ... صحت بدن ...
... و در ثلث سیوم دلالت کند بر اعتدال هوای زمستان و کثرت منفعت و اگر در میانه برج
باشد دلالت کند بر ... و فرح ... در برج قوس در ثلث
اول دلالت کند بر منفعت ... ایشان و در ثلث دوم دلالت کند بر منفعت ...
و خوشی ایشان ... و در ثلث سیم دلالت کند بر فرح ایشان ...
... و اگر در میانه برج باشد دلالت کند بر ...
... ملوک در برج جدی در ثلث اول دلالت کند بر تلف اموال ایشان ... و در ثلث ثانی دلالت
کند بر ... هوای زمستان ... و در ثلث سیوم دلالت کند بر صحت ایشان

و سیاست نفس او و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر وفور منافع ایشان و صلاح حال او در برج دلو در ثلث
اول دلالت کند بر تجدید چیزی نو تب شده و در ذکر سخن ان گذشته و در ثلث ثانی دلالت کند بر منفعت
کتاب باشد و علو مرتبت ایشان و در ثلث سیوم دلالت کند بر کرم ملوک بر مشایخ در عام و قضات و مرتبه
ایشان و خلاص سلاطین از اعوان و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر ظهور [illegible] و امرا [illegible] باشد در برج حوت
در ثلث اول دلالت کند بر منفعت باشد و در ثلث دوم دلالت کند بر کراهت ملوک بر اشراف و در ثلث
سیوم دلالت کند بر قوت لشکریان و [illegible] ایشان و در جنگ در میان ایشان و اگر در میانه برج بود دلالت
کند بر فرح و سرور باشد و بحکم بودن برج در مراتب [illegible] در برج حمل در ثلث اول و ثانی دلالت
کند بر کثرت رعد و برق و صواعق در وقت و در ثلث ثالث دلالت کند بر حرکت لشکریان و قوت
ایشان و شکوه اعدای ایشان و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر کثرت خونریزی عام در برج ثور در ثلث
اول دلالت کند بر هوای نافع و در ثلث ثانی دلالت کند بر وقت [illegible] و غلات [illegible]
و در ثلث سیوم دلالت کند بر ملوک زنان و اگر میانه برج بود دلالت کند بر علت و بیماری در قوم باشد
و توابع ان در برج جوزا در ثلث اول دلالت کند بر [illegible] و در ثلث ثانی دلالت کند بر [illegible]
امراض و درجه صحت [illegible] و در ثلث ثالث دلالت کند بر ضعف پادشاه و مرض او [illegible]
او و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر صحت جسم ملوک و قوت ان در برج سرطان دلالت کند بر حدوث
زلزله عظیم در جهات الارض و در ثلث دوم دلالت کند بر هلاک گاوی بزرگ از خوارج و مدعیان باشد
و ظهور [illegible] بر ان طایفه و در ثلث ثالث بر [illegible] در [illegible] این طایفه در برج اسد در ثلث اول
دلالت کند بر [illegible] باشد و در ثلث ثانی دلالت کند بر تفرق اموال ملوک و در ثلث سیوم دلالت

بند از اهمیت و قتل و درهم و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر وقوع خوف ان بلاد باشد در برج سنبله در ثلث
اول دلالت کند بر حصول مطالب ملوک و سلاطین و حسن سیرت رعیت و در ثلث دوم و سیوم دلالت
کند بر نفاق و بسیار حوادث و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر [illegible] ظاهر باشد در برج
میزان در ثلث اول دلالت کند بر کثرت [illegible] پوشیده و [illegible] و منفعت [illegible] و در ثلث
دوم دلالت کند بر کراهت [illegible] ایشان و در ثلث سیوم
دلالت کند بر [illegible] و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر [illegible]
[illegible] در برج عقرب در ثلث اول دلالت کند بر رعد و برق و کثرت [illegible]
[illegible] و در ثلث دوم دلالت کند بر [illegible] باشد و [illegible]
[illegible] و در ثلث سیوم دلالت کند بر [illegible] و اگر در میانه برج باشد دلالت
کند بر [illegible] مرض [illegible] در برج قوس در ثلث اول دلالت
کند بر [illegible] لشکریان و در ثلث ثانی دلالت کند بر قوت اعوان [illegible] و در ثلث سیوم دلالت کند
بر [illegible] و اگر در میانه برج بود دلالت کند بر [illegible] باشد
[illegible] در برج جدی در ثلث اول دلالت کند بر [illegible] و حدوث مرض [illegible] باشد
[illegible] و در ثلث دوم دلالت کند بر [illegible] و در ثلث سیوم دلالت کند بر
جسم [illegible] باشد و [illegible] و اگر در میانه برج باشد دلالت کند بر [illegible] وقت
[illegible] در برج دلو در ثلث اول دلالت کند بر [illegible] و در ثلث دوم دلالت
کند بر ملوک [illegible] و در ثلث سیوم دلالت کند بر [illegible] در برج حوت در ثلث اول دلالت

بر صحت و صفا و بقای هوا و در طرف ثانی دلالت کند بر بعد عطا و جنود و سختی هوا و در طرف سیم دلالت کند
بر ضعف لشکریان و شدت رنج و فزع ایشان حکم همان زمره باشد در مواضع تاسیس درجه حوت
در طرف مسایی دلالت کند بر حسن مزاج هوا و لطافت آن و در طرف صباحی دلالت کند بر وزیدن بادهای تیز
هوا تمه چون منجمین دانسته‌اند که ثوابت اندر تقیّد اند تا بشیند که در اوایل ثوابت قسمت زیاده و نقصان
رسید مخالف علویه که بهر تاسیس که بین اتحاد فی المواقع متعین است بسیار چون نموده اند شد و این
سیخ بزرگ تا نا ظاهر است بنا بر این هر سه حکم کواکب علویه را در احکام تاسیس ثابت و درجه هر یک از بروج
اثنا عشر نسبت داده منجمین را بطرف مسایی و صباحی فقط مع هر یک اکثری علویه حکم تر دانستم تا ترشان
او مرتبت درجه ثور در طرف مسایی صلاح جمیع اشیاست و در طرف صباحی دلالت کند بر تو بعالم دنیا
درجه جوزا در طرف مسایی صلاح جمیع اشیا باشد نسبت از جهت صاحب بخت و در باب سلاطین و در طرف صباحی
دلالت کند بر خبر مصالح که در دو جهت از سلاطین شود و فرح و سرور بسیار از ناس بر زند درجه سرطان
در طرف مسایی دلالت کند بر صحت آدمیان و قوت امراض و تخفیف علت و در طرف صباحی دلالت کند
بر ابتلای هوا و تشویش و وحشت مردم درجه اسد در طرف مسایی دلالت کند بر حرکت بزرگ از جنس مردم و خیش
و بیکی از بزرگ شیئی که دخل در مزاج او داشته باشد و در طرف صباحی دلالت کند بر غضب سلاطین و حکام
درجه میزان در طرف مسایی دلالت کند بر نیکی مردان رعیت و عوام الناس و تعاون حکام و سلاطین
در طرف صباحی دلالت کند بر صحت عموم و دوستی و نصیحت در میان ایشان درجه سنبله در طرف مسایی دلالت
کند بر حسن مزاج هوا و خوشی خریف در طرف صباحی دلالت کند بر ورود خبر از راه دور که بعید
درجه عقرب در طرف مسایی دلالت کند بر لطافت هوا در خشک و ان و در طرف صباحی دلالت

کند

کند بر مرگ مردی شریف و بزرگ و مدبر و حکم باشد درجه قوس در طرف مسایی دلالت کند بر عزت و زیادتی
مردم پیشکار و در طرف صباحی دلالت کند بر قتل اهل زنان بسبب طمع و مانند تو ابع و خدم درجه جدی
در طرف مسایی دلالت کند بر کثرت حوادث و ناسازی مردم و در طرف صباحی دلالت کند بر دولت
و بجنس تدبیر ان درجه دلو در طرف مسایی دلالت کند بر ضعف بعض انواع و مرض و در طرف صباحی
دلالت کند بر صحت و رفاهیت مردم درجه حوت در طرف مسایی دلالت کند بر شغل و حرکت پادشاه در نواحی
بر نصیحه و در طرف صباحی دلالت کند بر مضرت و روش از جهت سلاطین او بیان شد و در مواضع تاسیس
درجه حمل در طرف مسایی دلیل باشد بر رفت جهره و دور سلاطین و در طرف صباحی دلالت کند بر قوت
آدمیان و خوشی و قوت لشکر این جهت و تمه مخفی نماند که هر دو وضع تاسیس در طرف مسایی هر شر
کند که قرار اجتماع میدارد و درجه کسیس نعتین و شاهد تمام تو آند رسید و در طرف صباحی و حول
او موضع تاسیس تا در اول وقوع بود و نیز اگر نزدیک او اجتماع تا تمامی دور تمام تاسیسات با شهاب برسد
و بسیار این مسافت را در مدت پنج و شش روز تخمین تقریبا قطع می کند و ثوابت در این مدت
نیز پنج و شش روز قطع کند و باشد یا کم زیاده بسبب اختلاف حرکت او در اجزای بروج و فایت
بعد عطارد و نیز از ثوابت پنج و شش روز نیست پس بیشتر در موضع تاسیس که در به رسیده و ششم است
تو آنند رسید لیکن این بر سبیل نعت بوده و الله اعلم درجه ثور در طرف مسایی دلالت کند بر قوت و اهل امن
و در طرف صباحی تف حیا به پان بر درجه جوزا در طرف مسایی دلالت کند بر حدوث امراض صعب یا
دهر و در طرف صباحی دلالت کند بر سستی آدمیان و صحت مزاج ایشان درجه سرطان در طرف مسایی
دلالت کند بر صحت ابدان مردم و در طرف صباحی دلالت کند بر فرح و سرور عام درجه اسد در طرف

مسایی دلالت کند بر حزن و بسیاری اندیشه، و در طرف صباحی دلالت کند بر عداوت سپه سالاران

و دزدی پادشاه و بیگانه از مملکت. برج سنبله در طرف مسایی دلالت کند بر سهولت و سستی همت آن خانه [illegible]

و در طرف صباحی دلالت کند بر فتح و ویرانی [illegible] برج میزان در طرف مسایی دلالت

کند بر [illegible] و در طرف صباحی دلالت کند بر [illegible] برج عقرب در طرف

مسایی دلالت کند بر حصول امیدها و در طرف صباحی دلالت کند بر فتح و شکست پادشاه و [illegible]

برج قوس در طرف مسایی دلالت کند بر محبت و رنج آدمیان و در طرف صباحی دلالت کند

بر ضعف ملوک و اشراف. برج جدی در طرف مسایی دلالت کند بر بدبختی مرد و در طرف صباحی

دلالت کند بر خونریزی کشندگان. برج دلو در طرف مسایی دلالت کند بر شیوع [illegible]

[illegible] و در طرف صباحی دلالت کند بر محبت خلایق و [illegible] نفوس ایشان. برج حوت در طرف

مسایی دلالت کند بر عداوت لشکریان [illegible] و در طرف صباحی دلالت کند بر فتح و [illegible]

[illegible] فصل ششم در احکام بودن کواکب [illegible] بر طالبان این فن پوشیده نماند که [illegible]

در سعادت و نحوست راس و ذنب خلاف بسیار است جمهور بر آنند که راس سعد است مطلقا و ذنب

نحس و بعضی هر دو را نحس دانند [illegible] ذنب نحس است و بعضی دیگر گویند که چون سعدی با راس

[illegible] ذنب بخلاف این بود یعنی چون سعدی با ذنب بود نحس بود و چون نحسی با ذنب بود سعد

و این [illegible] شعر [illegible]

[illegible]

[illegible]

والله تعالی اعلم بحقیقة الحال [illegible] فصل [illegible]

[illegible] احکام بودن زحل در برج حمل دلالت کند بر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] احکام بودن

مشتری در برج حمل دلالت کند بر بسیاری [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] احکام بودن مریخ در حمل دلالت کند بر [illegible]

[illegible]

فرق و شهدان و بدگویان و اهل شر داد و بخیانت و ظلم و بیداد بایان پادشاهان و علم نجوم بر اتفاق اگر در تمام
تحویل نشینان دولتی کار لشکریان و خوبانی علامات ایشان بنجوم و صحت بیماران و امور رفت حاکم
در اطراف و جوانب و تجمع اهل سپاه خاصه در قسمت سیوم در غیب نجوم که رهائی خوب و بهره گرفتن
فرومایگان و تنگدستان و ظهور نجوم خود شناسی ... و قوت حال قضات و ... و سلطان و اسبان
و دور نشستن ... و اهل احکام گویند که چون مریخ در بیت ... و ضعف ... افلاک و دلایل ... تمام شده
باشد بودن مع راس دلیل شهرت خوب بود و اگر دلیل ... ضعیف تمام نشده باشد دلالت کند
بر قوت حال ملوک ... احکام بودن مشتری با ذنب دلالت کند بر زوال اهل ... ایشان و ... ملوک
دیگر ... معامله از جانب ... داماد ... خبر ... از جانب ... و امرا ... و ... فرمان ...
در عدل و انصاف ملوک و حکام و قبول ... خدمت کار ... سپاهی ... و پیروان
آمدن جواهر ... و افزونی ... و خوانین ملوک و سلاطین ... بر کار ... بحر ...
و صدقات ... و ... عزیزه و ... تدبیر ... خاصه در قسمت چهارم ... جمهور در احکام
... مع راس و ... کرده اند ... اول ... مخالف جمهور است لیکن ...
این قسم ... مع ... که قیاس ... است ... که ... نیز ... حفظ ...
زمان ... و ... نجوم ... موافق ... که ... احکام بودن زهره
مع راس دلالت کند بر حکومت ... و ... زنان ... و ... زنان ... بدگمان
و سعادت ... اهل ... سپاهی ... و ... جواهر ... و تیزی ...
رنگ ... زنان ... سپاهی ... و ...

... خلایق و ... و ... و قوت دین اسلام و اجابت دعا ... و برآمدن حاجات
و افزونی ... و ظهور ... کرامات ... و ... احکام بودن عطارد مع راس دلالت
کند بر افزونی ... و ... و قبول ... و فضلا و اهل قلم و ... شعرا و ... منجمان و ... حروف
... و ... و ... این طایفه و کثرت ... و ... و ... و ظهور نجوم صحیح
و ... و ... تواریخ و اخبار ... و ... و ... موافق ... آمدن معاملات
... احکام و اهل نجوم و ... علامات نجوم و تصحیح تقویم و ... و ... و ... اسباب
... و ... و ... و دیوان و قیمت کتاب و آلات کتابت ... و ...
نجوم و ... و ... و ... و ... احکام بودن قمر مع راس
دلالت کند بر ... خیر ... و ... حال عوام ... و ... رعایا و ... و ...
... و قوت حال نجوم و ... ایشان ... و ... و ... کردن ... و ... آن
انصاف ... حکام و ... و ... و صلاح اهل ... و ... و ... وضع حمل و ...
و ... نجوم ... و ... در وقت احکام بودن زحل مع ذنب دلالت کند بر ... و ...
و ... در ... که ... و ... و ... که نجوم ... و ... و ...
حال پیران و ... و رحمت ... و ... و ... ایشان و امراض ...
و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و کثرت ... و ...
و ظهور ... و ... و ... و ... و ... و ...
... و ... که ... و ... و ... و ... و ...

از دیدن دیو و پری و بیم و بلایا و مهمات و نباتات و قحط حبوبات و ثمرات و موت علما و بزرگان

زلزله و برآمدن ابرهای سیاه و خانه که در حمل و اوایل برج بود و در برج خاکی یا بادی و نظر عطارد بود و او بعد از آن

نیکو [illegible] کند تنبیه کم حشمتی بعضی از ملوک یا امرا بسبب [illegible] گویند چون در حمل ذنب [illegible]

و کدورت ملوک و رئیسان باشد و موت یکی از عظیم ایشان و ظهور [illegible] و اگر در ثور [illegible] دلالت کند بر کثرت

موت و قتل در خلق و [illegible] و گوسفندان و گاو و شتران و اسبان و اگر در جوزا [illegible] بود دلالت

کند بر [illegible] و هلاک اطفال و آفت ثمرات و شجر و غضب و مرگ [illegible] و قحط و غلا و [illegible]

در سرطان یا اسد بود دلالت کند بر [illegible] بلایا و [illegible] که [illegible] قتل و هلاک

و [illegible] و اگر در سنبله یا میزان بود دلالت کند بر [illegible] و [illegible] که در حمل

و بدی حال زنان و [illegible] و نقصان [illegible] مریخ و [illegible] و نقصان ابرها و هلاک [illegible]

و [illegible] و قحط [illegible] الارض **احکام بودن مشتری با ذنب** دلالت کند

بر بدی حال حکام و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]

بزرگان و [illegible] و [illegible] احکام و [illegible] و [illegible]

بزرگان و [illegible] و [illegible] بعضی [illegible] حقوق شرعیه و [illegible]

فواید [illegible] و [illegible] و [illegible] تقصیرات [illegible] شرع و [illegible] و نقصان توانگران

و کمی خیرات و طاعات **احکام بودن مریخ با ذنب** دلالت کند بر فتنه و بدی و حرب و بدی حال لشکریان

و [illegible] و [illegible] میان ایشان و احکام [illegible] و [illegible] و بیماری [illegible]

و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] قتلها و [illegible] و [illegible]

بگریزند و [illegible] کردن ایشان و غربت و وحشت [illegible] از [illegible] و اصلاح **تنبیه** هم اول

[illegible] که هرگاه مریخ با ذنب باشد [illegible] آب [illegible] که [illegible] تنبیه [illegible]

هر چند که [illegible] بود [illegible] که این [illegible] **تنبیه** احکام

گویند چون مریخ با ذنب [illegible] باشد [illegible] خوب بود **احکام بودن**

شمس با ذنب دلالت کند بر تباهی و بدی حال سلاطین و [illegible] شدن [illegible] و بیماری [illegible]

و [illegible] ملوک جانب مشرق و خوف [illegible] و [illegible] و بیماری و [illegible] و قتل

و [illegible] بزرگان و حکام و هلاک [illegible] و معیوب و کثرت درد چشم و دل [illegible]

[illegible] و نقصان [illegible] و کمی آب چشمه‌ها و بیماری [illegible] دل [illegible]

[illegible] و نقصان [illegible] هم [illegible] و کم شدن

[illegible] ملوک [illegible] شدن [illegible] و خوف [illegible] **احکام بودن زهره با ذنب**

دلالت کند بر [illegible] و تنزل احوال [illegible] و [illegible] زنان و [illegible] میان ایشان [illegible]

[illegible] زنان [illegible] احوال [illegible]

[illegible] فواید این طایفه و طلاق و فراق میان ازواج و کثرت [illegible] امردان [illegible]

[illegible] آلات تناسل و [illegible] و [illegible] شدن آب چشمه‌ها [illegible] بدی

[illegible] **احکام بودن عطارد**

با ذنب دلالت کند بر [illegible] و [illegible]

[illegible] کردن ایشان [illegible]

و هیچ ذنب در این وقت نتواند که تأثیر آن حاصل شود تر و خشک آن معین شود یا حاصل بازار ضعیف و غلا و قحط
و رئیس مراتب واقف طبیعی و فلاحت نفوق رخص و کثرت نعمت و فراخی و ارزانی و چون در زمان
نحوستان بپروده بود و روا نکته سیم که دیگر دیده گوید و بی مشتی خطرها مرفق باطن اموال و توقیعات و ضعیف کمالیت بری
کذب و خیانت و حیف و کنکری حاصل شود تر و شر فتنه حکمرانها و خلاف علوم و رساله حکام حقیقت و چاره‌ای از زیگی
و در وقوع جنون و حدوث مرض ام الصبیان و کرب و بیماریها و زیان صنایع و پیشه وران احکام بودن
قمر در ذنب دلالت کند بر آنکه در اتفاقات زمانه در تهیه ایشان از اختلاف مملکت و حکم ادنا و دنی
حال مع بوس ان و کاری ایشان و در قید شدن ایشان و تلف ایشان و حدوث امراض
در اطفال و صبیان و وقوع ام الصبیان و کشکری عوام الناس و افشای ان از حیف و فساد دیده ها در وقت
و خشم و نهبت و بد حیامی و زوال و شر علمای و فساد رخصا و افشای و بد کرداران و کثرت
درد چشم و دیو زدگی و عفونت ابدان و ترس و بیم و کاهیدن و افشای او از بنده بها تنبیه ابو معشر بلخی در کتاب
مقرانات آورده که اگر کوکبی در راس و ذنب باشد و در عقدتین باشد دلالت بر فساد کند و تعبیر آن
قسم کرده است بر راس و ذنب در هر ماه و هر مرتبه که آفتاب در عقده بود بنا شد خوف نباشد و این سخن
محقق است از آنست که اگر آفتاب آن وقت در عقده باشد مقتضیات رأس نیکو نمی‌گذاشت
خواهد شد و مقتضیات ذنب نحس و فاسد خواهد بود تنبیه هر کوکب که در خانه و شرف خود باشد
ناظر و قوی باشد رجع مسدس باشد آنچه در تأثیر چند او ان مذکور شده باشد محمول بر صلاح نیکی
بود و اگر در هبوط و وبال و نحس آن باشد آن تأثیرات بضعف و زبونی منسوب بود و در هبوط ذنب
حکم بر خلاف این بود یعنی اگر کوکب در خانه و شرف و نحس آن بود آنچه در تأثیرات رویه ان منسوب

شود و باشد ضعیف و زبونی او و باشد که ذکر در وبال و هبوط و زوال آن و باشد که آن را تنکید صنف علم احکام
بودن کواکب در عقدتین چه گونه جمهور گویند که گفته کوکبی است متوهم که او را در رأس نکوسی که در عقده
جهل و پیچ و اسل تیره موره نوم کنند و بری در دو نقطه راس و ذنب در عقده جهل شش و بعضی گویند که کوکب
او مرئی نیست و لهذا قطب الفضلا علامه شیرازی در تحفه شاهیه فلک او در تحت فلک شمس اثبات کرده است
که برای فلک زهره و فلک زهره را فوق فلک شمس نهاده و جمهور علی کل التقدیر جمهور حکام اهل احکام و الله اعلم
چه که شنیدن و تکشر خوانند بودن زحل در تنین دلالت کند بر حدوث صرعان و مرگ مستوران و جنون
و هول و ترس مردم و خرابی بناهای عظیم که سلاطین و حکام جابره و در زنجیر کشان و اربابان ذنبها
قوم و مرگ پیران و مرض سوداء و حدوث ورنج و غم و در بند کردن مردم و شکستن بچه‌ها و در بیابانی حب
و در وقت و دیگران صاحبان در بیابان واقعه و خرابی کند و بودن مشتری در تنین دلالت کند بر کشتاری
مفسدان و قتل علما و ذوات شرف و ذوی عقل و علما و تیغ داران و در ظلم شدن فرق دزدان و فتنه‌ها
و قحط و اربابان مناصب شرعیه و شرعیاتی قدوان بودن مریخ در تنین دلالت کند بر جمع شدن لشکرها
و ابتدای فتنه و حرب و قتل و دیکشن و خونها و بسیار کیش لشکرها و دهقانان و حفظ بندگان و خلاف
میانه سلاطین و رعیت و دیوان کرشن و فتنه‌ها و قطع بندگان و عوزیزان و مضاعفت و شرف بودن
شمس در تنین دلالت کند بر شکوه سلاطین که دارای عیش و پرورش و مرگ و غیره و غوغای عوام
مشهور و به حاصل بندگان و رشوه بودن زهره در تنین دلالت کند بر نقصان آب چشمه و آفت نباتات
در وقت و در بیابان خرابی بندگان و بیاری ندیم و فساد و مرگ زنان و در دریا و در بیابان و مصاحبه انگیزد و کوکب
و در میان عوارت بیماران بودن عطارد در تنین دلالت کند بر مرگ جوانان و کریشن غلامان و کارکنان

و شتر و پا بردن حبش و مرثیه و بدی حال وبرادران و تصرف نان و درکها و تعطیل مهمات این جمله بودن
قمر مع کیه دلالت کند بر حدوث وقوع خبرهای نا ... و دروغ و تشویش مردم ... و خوف بحکام
در زمان و کرش رای ایشان بودن زحل مع کیه دلالت کند بر اصلاح میانه مهتران و دولت خیر ... رنج
بزرگ و صلح ... و بودن ذنب مع کیه دلالت کند شیوع ... برهنه بود و ... طریقها خراب و ... نیز
و خرابی ... و ... بود و حال ... ضعیف گردد و گرانی طعام بود. باب سیم در احکام تحویلات کواکب
بر بروج اثنی عشر و این مشتمل است بر ده فصل اولا بدانکه ان ستیزه ... تحویلات و انتقالات
کواکب از برجی ببرجی از جمله احکام است زیرا که تحویل کواکب از برجی ببرجی ... شخص است
از شهری بشهری ... نیز ... اول ... شهر و منزل ضیع ... و علتی ... نوید
مزاج ... ان برج ... بنسبت این کوکب ازخانه و شرف و وبال و هبوط و طبایع و کیفیات و ... نیز
سعادت و نحوست ... خانه ... بدون ... بود از مواضع ... که مذکور خواهد شد اول
در تحویل زحل از برجی ببرجی این موضع از فصل عظیم الاثر باشد چنانکه ... و ... ظاهر
... است ... حکیم ... که ... ببرجی ... خسیم ... فصل ...
برج الی برج احدث الایات ... و الاوجاع ... والزلازل ... الامراض والدول ...
... والامراض و این حکم در هر برج متفاوت باشد ... صحیح و ذهن سلیم داند ...
... حکم ... فصل ... اما زحل در
برج حمل دلالت کند بر حرکت ... و ... و کوچ ... و ...
و ... و ... در نواحی شرق و جنوب و کثرت ... و ...

بسیاری حرارت ... امراض ... و ... و ... رسیدن بعضی از ...
... در ولایت روم و عموم ... و اگر باد و ... ملوک و حکام ... قحط و ...
... و ... هوا ... سرما و حدوث ... باران ... حیوانات کوچک ... مرگ
... و ... تب ... قدیمه و ضعف حال ... و ... و کثرت ... اگر در طرف
شمال بود ... گوید شدت گرما و ... بود و ... و اگر در طرف جنوب بود شدت برد
و کثرت ... حدوث ... امراض ... زحل در برج ثور دلالت کند بر ...
... واقع ... و ... در ... و ...
و کثرت امراض ... بسیاری ...
... و ... و ... تشویش ...
... و ... و ...
... و بسیاری ... باران ... در وقت ...
واقع ... و ... اگر در ...
... و ... و اگر در طرف شمال بود حسن مزاج هوا باشد
... معتدل و اگر در طرف جنوب بود تشویش مردم باشد و حدوث ... و جراحت ...
... و اختلاف هوا و ... مردم ... کثرت ... زحل در برج جوزا دلالت کند بر ...
... و ... قدیم ... و ...
... امراض ... جوانان و کودکان و ... و ...

روز بید آن و بادهای مختلف وزد و در قلاع و حصون طعام و تنگی غلات و بهبودی [illegible] و حدوث برف
و باران بسیار افتد و تباهی [illegible] و بادهای مختلف وزد در قلاع و جبال [illegible] گروهی مردم کشته شوند
و کدورت [illegible] و [illegible] قحط [illegible] مردم [illegible] کثرت [illegible] شکستگی [illegible] کارها و وقوع
صلح و صلاح در میان بزرگان [illegible] و [illegible] شهر [illegible] بزرگ [illegible]
و [illegible] شود و کثرت امراض [illegible] در ولایت هندوستان و [illegible] گوید وقوع زلزله [illegible]
[illegible] و اگر در جانب شمال بود و بادهای سخت آید و زلزله [illegible] گوید [illegible]
حادث گردد [illegible] هوا [illegible] بود و اگر در طرف جنوب بود هوا گرم شود و باران کم آید و [illegible]
حادث گردد [illegible] گوید [illegible] بود طلوع ذنب در برج سرطان دلالت کند بر نقصان آب
چشمها و عیون و کثرت [illegible] و [illegible] هندوستان و اعتدال هوا در تابستان و آفت
غلات [illegible] و [illegible] و غارت [illegible]
[illegible] و [illegible] و نقصان [illegible] و حدوث [illegible]
و امراض [illegible] و کثرت [illegible] و [illegible] در میان عرب و [illegible]
و اختلال [illegible] و [illegible] ملوک و [illegible] و [illegible] عمارات و منازل
[illegible] و خراب [illegible] و [illegible] اهل شمال و [illegible]
[illegible] و [illegible] و اگر در جانب شمال باشد [illegible]
گویند [illegible] و اگر جنوبی بود باران بسیار [illegible]
[illegible] آب انهار و عیون [illegible] و تاج الدین اکرم [illegible] حکم

[illegible] هوا و [illegible] و کثرت [illegible] طلوع ذنب در برج اسد دلالت کند بر [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
و [illegible] و [illegible] اگر در [illegible] شهر [illegible] و [illegible]
[illegible] مردم و [illegible] و کثرت [illegible] و وقوع [illegible]
[illegible] شود و حدوث امراض [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] مردم [illegible] کردن [illegible] و اگر [illegible] اعتدال هوا در تابستان [illegible]
[illegible] و [illegible] و حدوث [illegible] و اگر [illegible] بود [illegible]
[illegible] بود و تاج الدین اکرم گوید حدوث [illegible] بسیار باشد و اگر جنوبی بود باران بسیار
[illegible] و [illegible] تاج الدین اکرم گوید باران کم آید [illegible]
[illegible] بود طلوع ذنب در برج سنبله دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و [illegible] و وقوع [illegible]
[illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] اگر [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
در ولایت عراق و کثرت عمارت و [illegible] و [illegible] و [illegible] حدوث [illegible]
و اگر [illegible] و اگر در جانب شمال بود [illegible] و [illegible]
و اگر جنوبی بود اگر [illegible] تاج الدین اکرم گوید باران کم آید و آب چشمها و [illegible]

شود و **حلول زحل در برج میزان** دلالت کند بر گرانی اطعمه و کمی محصولات و گرسنه شدن مزاج بسیار [illegible]
[illegible] ولایتها و نواحی در اقلیم اول بسیاری شهرها و حدوث بیماری از غلبه رطوبت و اوجاع بسیاری در
چشم و دندان و بادهای [illegible] و [illegible] و چیزها [illegible] و گمشدگی [illegible] در میان ازدواج و [illegible]
توانگران [illegible] توقع و نقصان و خسران تجار و خراب شدن عمارات عالیه [illegible]
و حدوث حرب و فتنه در زمین مغرب و جنوب و نقصان [illegible] در ولایت روم و [illegible]
شرف و موت ارباب [illegible] و [illegible] و اهل [illegible] ارباب مروت [illegible]
و رسیدن ایشان [illegible] و اگر در طرف شمال بود و بادهای [illegible]
و اگر در طرف جنوب بود [illegible] **حلول زحل در برج عقرب** دلالت کند بر نقصان [illegible]
[illegible] شدن چشمها و [illegible] حیوانات [illegible] بسیاری بیماری و امراض [illegible]
در جوانان و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و اگر [illegible] **حلول**
زحل در برج قوس دلالت کند بر کثرت احتیاج [illegible]
[illegible]
[illegible]

و حدوث

و حدوث امراض و طاعون [illegible] و کثرت قتل در ناحیه مشرق و جنگ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **حلول زحل در برج جدی**
دلالت کند بر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مزاج هوا [illegible]
[illegible]
[illegible] **حلول زحل در برج دلو** دلالت کند بر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ز زلزله آمدن نیز و این همه بوجود شاید معتقد علیه بود رفت و حول صاحب برج در حوت و برگ و بث

بر کشی و نقصان و غلات و گویند در بعضی جاهای بسیار غلات و گرانی بود و اگر در جنب شمال افتد اگر

بر زمان گویند میرها تلف شود و تاج الدین اکرم گوید باران بسیار آید و سرما بسیار شود و اگر در جنب جنوب

بود گرما بود و باران بیش و تاج الدین اکرم گوید که زود و خا نیها و چشمها نقصان پذیرد **حول زحل در برج**

حوت دلالت کند بر شیوع شده و آشوب در طبرستان و حاصل نقصان آید و گویند حدوث سیل

بسیار بود و خطر علامات در چشم و بیماری و مرگ بندگان و زنان و ایمنی در لشکر و وقوع وبا و کمی در میان

مرغ و کثرت نقصان و خران و بسبب بسیاری گرما و شدت سرما هر کدام در وقت خود و در عهد

بیرون و حدوث امراض و بیماری و اسهال بیمن و قحط و ترس و موج و ورک و خوف الف و درد پای

و پیدا شدن جذام در میان مردم و کثرت آفات و خوف و هراس حصول خصومت اکابر و اشراف و قطع

لذت اثر خنده از جهت و خوفها و اگر در طرف شمال بود گرما بسیار بیرون بود و اگر در طرف جنوب

بود دور مطر در وقت انتهاء روا باشد و هر کس گوید گرما و سرما و ابر و کدورت هوا و بسیاری گرد و غبار و تاج

الدین اکرم حکم لشکر کشتن واقف متردد بیم و بسیار کرده است **فصل سیم در احکام تحویل مشتری**

در بروج سیری حول مشتری در برج حمل دلالت کند بر نیکی حال ملوک و اکابر و موجب بر اهل قسمت از ضعفا

و قوت حال معدنیان و بشر دین لشکریان و روایی کار صنایع سیم و قوت علما و بعضی و سلامتی

انعام و حصول برکات و صلاح حال اهل شرق و طلب توبه ایشان و فایده تجارت و کمی خشم اندک

و ظهور سلاطین عظیم لشکریان و دل و سلامتی غلات و کثرت نتیجه و جوس و سینه آشوب و کم شدن ظلم

و ستم و برآمدن حوانان از نصب بسیاری امر معروف و نهی منکر و صحت خلایق و لیکن بسوال و صداع

و نقصان غلات و بیماری که رفته و آبها خواهد و کثرت گرده و در مزاج او خوشنود ضرر و برخی و نهایت

فصل بود و بیماری که در طرف شمال ایشان بود و خود و دست و بعد و دوشنبه بعد خمیر که بیه

که چون مریخ در وقت مشتری با بودی نیز حاصل آید در بهار و بارانهای بسیار و دوم بسیار و آب

روده خانها بسیار شود و شش چشمها و چاهها باشد و در تابستان بادی جدید و پیاری بسیار خانه خود

و هوا نیکو و کثرت انگور و میوه فراوان بادنگ کند و در میان مردم پیدا گردد آشوب افتد و بیم حکم

تا بستان تنگی بیم از برای صغیر و نیکو گوید ندا یا از خانه و دره میان مردم و کثرت تیز بشد و شاید که ندیدن

دو بسیار و خوف نیست و اگر در جنب شمال بود شدت گرما بود و کثرت مرغ و هر کس که

مزاج او مانند سرد و اگر در جنب جنوب بود و سرما بحث باشد و هر کس گوید مرغ احوال گرد و

حول مشتری در برج ثور دلالت کند بر فراخی نعمت و سلامتی ستوران و مزرعها و خانها و بناهای جدید

و سرد بسیار بود در مزارع بسیاری کشت و زرع و دانه از پیدا و قوت حال زنان و مطربان و اهل نغمه

و بیکاری خلق و شرافت و هلاک بعضی ایشان و حدوث سرما و شدت برد و کثرت شاید رود و گر

فراخی العمر و نعمت و نشستها و صلح میان مردم و لشکر کردن عوام و در اصل تحف و هدایا پیکه گر و بطلان

اخبار از جهت و خلاصی عوام و کثرت زر الله و تا نیست و صحت و داناییها و بسیار مردم بی نیت و کلات

و استحکام عهد و دوستی و فتح پادشاه و وقت و ظهور پیشین با اعداء و ابدا مجمع بر یک کلمه گوید چون مریخ

و بعض مشتری با بودی که در نیت و ثور آید و ستوران بسیار رود باشد و درد چشم در میان مردم پدید آید و بیماری

هم رسد و کثرت کار زمین زرع بیشتر در زمین گرم است و ابدا کشت و گندم در فصل رسد اما میوه اندوه

و پاییزان باشد و درخان کم شود و پادشاه بزرگ را استحکام وفا رسد و تو بطلیموس گوید و نیز درخ و شیدا

بود و باشد [illegible] مشغول [illegible] و اگر در جانب شمال بود و حسن مزاج هوا باشد

و تاج الدین اکرم گوید [illegible] گرمی هوا بود و اگر در جانب جنوب [illegible] هوا بود و تاج الدین اکرم

گوید باران [illegible] گردد **طلوع [illegible] در برج جوزا** دلالت کند بر خوشی هوا [illegible]

[illegible] و اشراف [illegible] و امراض بسیاری [illegible]

[illegible] در میان مردم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] گوید که چون [illegible] شرقی

[illegible] جنوب [illegible]

[illegible]

[illegible] در میان مردم [illegible] گردد [illegible]

[illegible] و اگر در طرف شمال بود

بادهای معتدل [illegible] و اگر در طرف جنوب بود [illegible] **طلوع [illegible]**

در برج سرطان دلالت کند بر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

لیکن

[illegible] و اگر [illegible] مشرق [illegible]

[illegible] گوید چون [illegible] شرقی [illegible]

در طرف [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

بود و [illegible] حرارت [illegible] مردم [illegible]

[illegible] و اگر در جانب شمال بود [illegible] بسیاری مردم بود و در جانب جنوب [illegible] باشد و تاج الدین

اکرم گوید در جانب شمال هوا [illegible] بسیار [illegible] و در جانب جنوب [illegible] مزاج هوا بود [illegible]

معتدل [illegible] **طلوع [illegible] در برج اسد** دلالت کند بر [illegible]

[illegible] هوا [illegible]

[illegible] مشرق [illegible] مردم [illegible]

[illegible] و اشراف [illegible]

[illegible] و [illegible] مردم [illegible]

[illegible] گوید که چون [illegible]

[illegible]

[illegible] گوید [illegible]

[illegible] مردم [illegible]

[illegible] مردم بود [illegible] و اگر در جانب شمال [illegible]

هرسی که در برج بود و تاج الدین اکرم گوید رعد و برق و حدوث شود و اگر در جانب جنوب بود و هرسی گوید

رطوبت هوا بود و احمد عبد الجلیل و تاج الدین اکرم گویند خشکی و گرمی باران بود **حلول مریخ در برج سنبله**

دلالت کند بر اعتدال و صفای هوا و محبت خلایق و نیک کشیدن ... در برج ... و حدوث رعد و برق

دانند ... بر ... و حیوان و محبت و کثرت ... و ... و کثرت ... و ... در ملوک ... و ...

و ... واقف ... ان ... و ... و ... و ... بسیار ... و ...

... در وقت ... جمع ... علوم دینیه و وقت ... و ... تخم ... زنان ... و حدوث

... در جانب جنوب ... و حدوث زلزله ... و ... دیگر ... جشیم ... گوید که چون ... در مرزو ...

... گوید ... باید ... و ... و ... و ... آید ... در ...

... و در ... و ... اسپ ... و ... گوید هوای ... ان ... و ... باشد ...

... هوا ... و باران ... و بسیار ... خوان ... آید ... و ...

... بود و ... گرم ... شد و در جانب شمال بود ... گوید ... مزاج هوا و احمد عبد الجلیل گوید باران

کم آید و تاج الدین اکرم ... باران و گرمی ... گرده ... و اگر در جانب جنوب بود ...

... و احمد عبد الجلیل گوید ... هوا ... شد **حلول مریخ در برج میزان** دلالت کند بر ... طرق و ...

... و کثرت ... و ... باران در وقت ... و ...

... و ملوک ... و ... و کثرت ... دیگر ... در میان ...

که باران ... ان ... و ... و ... و ... زمستان ...

... آید و ... ان ... ملاک ... و ... و ... فواید ...

در برج ... و کثرت ... و ... بسیار ... معروف ... و ... در ...

بسیار ... و ... بسیار ... و ... گوید که چون ... و ... مشتری ... میزان آید هوای ...

... گرده ... و باران ... آید ... و اعتدال هوا ... باشد ... و ... آید ... ان ...

... و اگر در جانب شمال باشد ... عبد الجلیل ... گوید ... و ... آید ...

... و تاج الدین اکرم گوید ... و اگر در جانب جنوب ... احمد عبد الجلیل ...

... گرده ... و ... و تاج الدین اکرم گوید باران **حلول مریخ در برج عقرب**

دلالت کند بر ... و ... و ... و قطع طرق و کثرت ...

... و ... نفع ... و ... و ... و ... عداوت ... و ... عرب

... و ... و ... خلایق بود ... و ...

... و ... و ... و کثرت ... زنان ...

... در ولایت ... و ... در ولایت مغرب ... و ...

... و ... ولایت فارس ... الارض ... و ...

و ... بر ملوک ... و ... دیگر ... گوید که چون ... مرزو

... مشتری ... عقرب ... و ... و ... باشد ... هوا باشد

و ... بسیار ... و باران ... و ... زمستان

... بود و ... گندم ... آید و ... بسیار ... باشد ... که ...

... ملوک ... را ... و ... کوید ... و ...

علیه آن کند و منحوس خوانند چهارپای [illegible] و اگر [illegible] غذاها [illegible]
و اگر در جانب شمال بود وبای [illegible] آید و احمد بن عبد الجلیل گوید که قحط بود و اگر در جانب جنوب
بود رعد و برق و کثرت رطوبت بود [illegible] کرده **حلول مریخ در برج قوس** دلالت کند بر [illegible]
ارزانی و کثرت خیرات و بسیاری میوه‌ها و بسیاری نعمت و اعتدال هوا [illegible] صلاح [illegible]
و کارها [illegible] قوت حال [illegible] اشراف [illegible] حدوث [illegible] چشم [illegible]
و مرگ [illegible] حدوث [illegible] و کثرت [illegible] اعتدال [illegible]
[illegible]
[illegible] کثرت حرارت [illegible] بسیاری میوه‌ها [illegible]
[illegible] دلالت [illegible] گوید چون [illegible]
[illegible] هوای [illegible]
[illegible]
باران [illegible] گوید [illegible]
[illegible] مضطرب گردد [illegible]
[illegible] و اگر در جانب شمال [illegible]
و بادها [illegible] و اگر در جانب جنوب بود [illegible] گوید انقلاب
احوال [illegible] **حلول مریخ در برج جدی** دلالت کند بر بسیاری میوه‌ها
و اعتدال هوا [illegible] حال [illegible]

[illegible] ناگاه [illegible] بعضی [illegible]
[illegible] باران [illegible] و کثرت [illegible] خراب [illegible] زلزله [illegible] و کثرت
[illegible] گوید که چون [illegible] شرقی [illegible]
[illegible] گرم [illegible] آید [illegible]
[illegible]
[illegible] و اگر در جانب شمال بود دلالت کند بر کثرت رطوبت [illegible] گوید [illegible]
[illegible] جنوب [illegible] **حلول مریخ در برج دلو** دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و دیگر [illegible] اشیا [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] حاصل [illegible]
و کثرت برف و باران [illegible] و مرگ [illegible] حال
[illegible] گوید که چون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

باشد و نقصان یکی از خلفا باشد و اگر در طرف شمال باشد خشکی هوا باشد و اگر در طرف جنوب باشد لشکر بسیار
هلاک شود در رعد و برق **حلول مریخ در برج حوت** دلالت کند بر قوت شمال و حدوث زلازل و صواعق و کشته شدن بسیاری
کشتی‌ها و کثرت نقصان و عورت [illegible] بسیاری از مردم و بیماری‌ها و غیر آن
پیش و نقص حرکت ایشان و اطراف و اکرام کردن در حق علما و سادات و علما و تقرب پادشاهان
و عزت ملوک و صلاح و خوف از زنان و حسن مزاج هوا و اعتدال برودت و حرارت و شدت
گرما در تابستان و خوبی هوا در خزان و کثرت باران و در اول زمستان و بسیاری ابر و باران
برف و امراض و عوارض در عراق و در اطراف مغرب و خرابی ولایت شام و شیوع امراض و جرب
و کثرت اوجاع و بیماری‌ها و مرگ [illegible] و در زمستان خشکی و در دریاها تلف شدن مردم در کشتی‌ها
و ابو معشر گفته است که چون مریخ در برج حوت باشد بیماری‌ها و گرانی بسیار آید و آب دریاها و رودخانه‌ها
کم شود و در میانه زمستان باران و برف آید و زنان بسیار آبستن شوند و حکما
گویند که آنکه در سال بسیار باشد و فتنه و آشوب بود و اگر در طرف شمال بود و جنوب سیاه
بود و تاج الدین اکرم گوید اگر چشمه و رودخانه زیاد شود و اگر در جانب جنوب بود رعد و برق و باران
بسیار آید **فصل سیم در کیفیت مریخ در بیست و سی حلول مریخ در برج حمل** دلالت کند بر حرکت لشکر از اهل
خراسان و مغرب بسیار و نزاع اهل روم با یکدیگر و حدوث جنگ و نزاع و شمشیر کشیدن و ظهور فتنه و خلاف
در ولایت عراق و بسیاری آب‌ها و کثرت ورم چشم در ولایت مشرق و میان سرحد [illegible]
و کثرت آفات حرب و طاعون و ویرانی [illegible] و خرابی ایوان‌ها و میان امرا و کار
آتش در زمان [illegible] و رنج و غم مال و حرکت سپاه و نقصان

و مذاهب و در رعد و برق بسیار و باران باشد و در ربیع خراب شود و تغیر هوا و حدوث امراض در زمستان و کثرت
و حدوث جنگ و غارت و بسیاری ملخ و غلا شود و در زمستان و نوبت باشد و کثرت طاعون و طرقی در ربیع
و وقوع حریق و طاعون و قتل در نواحی مشرق و مغرب بسیار شود و ابو معشر گوید اگر در طرف شمال
حرارت و یبوست هوا بود و قحط و غلا در اکثر جاها باشد و شیوع و بود و تاج الدین اکرم گوید رعد و برق
باشد **و در برج** جوزا و اگر در جانب شمال قوی تر باشد و در جانب جنوب و مغرب اول ساله و در
کویه الا مریخ در برج حمل را بر سبب آن گوید که حرکت مریخ در فصل بهار و طلب طرف جنوب
و چون ابتدای سال کند حرارت او قوی شود و چون حرارت قوی شود قوت زیاده گردد و **حلول**
مریخ در برج ثور دلالت کند بر امراض و صلاح و قتل در جانب مغرب و شمال و خلاف [illegible]
و فقدان شیخی عظیم الشان در ولایت شام و میوه‌ها و کثرت نباتات باشد و خوشی هوا و هلاک حیوانات
علما در رعد و برق و جانب غرب و قحط و شیوع علت ها کند در میان مردم و در زمستان
در میان ایشان وقوع رنجش و دشمنی و فتنه و اختلاف و طاعون و نزاع و سپاه میان ایشان و در زمستان
زلزله باشد و ولایت کرمان و از خراسان [illegible] و در کارها بی پروایی کنند و در عدالت تقصیر
نمایند و در قحط و گرانی و خرابی و هلاک بسیار باشد و بیماری‌ها و در هوای آن
ولایت وقوع باید و کثرت گرد و غبار بود و اگر در جانب شمال باشد حبه و حبوب طاری شود
و تاج الدین اکرم گوید باران بسیار آید و در عقوبت کند و اگر جنوب بود هوا متعفن و وبا شود
و تاج الدین اکرم گوید باران بسیار بارد و دشمنان [illegible] **حلول مریخ در برج جوزا** دلالت کند
بر نزاع و دشمنی و اهل تمیز [illegible] و خشم و ستیزه و در میان مردم خصومت و فتنه و آشوب و جدال

سبب [illegible] ملوک [illegible] جستن بادهای گرم [illegible] در جانب شمال
[illegible] اما [illegible] گرفتار شوند و بقتل رسند و بیماری بسبب [illegible] و کثرت
حرارت و وقوع [illegible] اطفال [illegible] صاحب [illegible] و لشکر
و اندیشه [illegible] ملوک [illegible] و کثرت حرکت
الارض و حدوث [illegible] که [illegible] شد و اگر
شمالی العرض باشد [illegible] و تاج الدین اکرم گوید [illegible] باران بسیار آید و اگر
جنوبی العرض بود گرمی و تیرگی هوا بود [illegible] حلول مریخ در برج سرطان دلالت
کند بر [illegible] مشرق و جنوب و بسیاری [illegible] بسیار
[illegible] اطاعت [illegible] ملوک و سلاطین [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible] طریق [illegible] مرض
و [illegible] و کثرت [illegible] اکثر [illegible] و بیماری [illegible]
[illegible] و نقصان [illegible] باران [illegible] گرمی هوا
و تاج الدین اکرم گوید [illegible] در جانب جنوب [illegible] شمال
بود [illegible] حلول مریخ در برج اسد دلالت کند بر کثرت [illegible]
[illegible] مشرق [illegible] ملوک [illegible]
[illegible] ملوک و سلاطین [illegible] حرارت هوا [illegible] بادهای گرم [illegible]
[illegible] ملوک [illegible] مشرق و کثرت [illegible]

[illegible] حال [illegible] و اگر در طرف شمال [illegible] بادهای [illegible] و تاج الدین اکرم گوید [illegible]
[illegible] بود و اگر در طرف جنوب [illegible] گوید رطوبت [illegible]
هوا [illegible] مریخ [illegible] فصل تابستان [illegible] برج [illegible]
[illegible] حلول مریخ در برج سنبله
دلالت کند بر [illegible] و کثرت [illegible] و نقصان [illegible] بسیاری [illegible]
[illegible] چشم [illegible]
[illegible] فلاحت [illegible]
[illegible]
[illegible] و حدوث [illegible]
[illegible] شمال بود [illegible]
و تاج الدین اکرم گوید [illegible] در جانب جنوب [illegible]
[illegible] و تاج الدین اکرم گوید [illegible] حلول مریخ در برج
میزان دلالت کند [illegible] بادهای گرم
[illegible] و کثرت [illegible] جنوب [illegible]
[illegible] ملوک [illegible]
[illegible]
[illegible] حرارت هوا [illegible] بادهای گرم [illegible]

از لشکریان در بعضی اعمال روز شهرها و بسیاری حرب و فتنه میان ایشان باشد و خروج خوارج در کوهها
و سرکشی کنند و بندان صلاح و تغیر هوا از عفونت واقف هوا باشد از خون شکم اگر در جانب شمال بود با
جهد و اگر در جانب جنوب بود عفونت هوا باشد **حلول مریخ در برج عقرب** دلالت کند بر قوت عمال
لشکریان و بسی حرب و فتنه و دزدی با ایشان و حرکت سپاه و قتل بی‌گناه و خصومت از کار سپاهیان
و کثرت دزدی و قطع طریق و غارت و بیماری در بلاد و دیار اطراف بلاد مشرق و ظهور شر و نکره در عالم
و جنگ و جدال و عداوت و ستیزه در میان مردم و بسیار تب‌ها و بسیاری تب و قی و رواج بازار اسلحه و تازه
شدن غمخوردها قیرم و بیماری دموی و بسیاری درد چشم سیما در جوانان و حدوث طاعون و موت
و موت خاصه در ناحیت شمال و تباه شدن درخت و اشجار و شدت و عسرت در خلایق و انواع طعام
و شراب و موت زنان حامله و سقط جنین و شدت برد در بهار و خوف ان در راه‌ها و قوت دزدی و قطع
در بلاد و خاصه از طرف دریا و درخت متعفن شوند و حدوث هوا جهت هوا باشد و ان شدن خوابی و موت
ایشان و انعام و اکرام در حق لشکریان و اگر در جانب شمال باشد خشکی هوا و قحط بود و اگر در جانب جنوب
بود اعتدال هوا و کثرت رطوبت بود **حلول مریخ در برج قوس** دلالت کند بر قحط بهار و خشکی هوا و سرما
در زمستان و رفع و اشجار و بسیاری [illegible] و خونها ریختن و نزاع لشکریان و قتل [illegible]
و قتل و مرگ در ولایت مغرب و دار [illegible] و بیماری از سرفه و زکام و درد چشم و کثرت اوجاع [illegible]
و صفرا بیشتر در حیوانات و وقوع وبا در دواب و ظهور مکر و خدیعه در مردم و بدخویی حکام نسبت بر رعیت
و پیدا آمدن کینه و مرگ کوسفندان و کثرت باد در جهت [illegible] و فتنه و تفرقه لشکریان و آفت چهارپایان
و بدی هوا در بهار اگر در وسط [illegible] بود و اگر در جانب شمال بود [illegible] و تاج الدین اکرم گوید

فوندان

خوش کنند و اگر در جانب جنوب بود بسیاری تغیر هوا باشد و تباه شدن فواید و منافع بسیار رسد
حلول مریخ در برج جدی دلالت کند بر اعتدال هوا و غلبه خشکی و خفت و قلت میوه‌ها و عفونت [illegible]
ملوم و درد [illegible] و مرگ کوسفندان [illegible] و نقصان کشت و زرع و درخت [illegible] در رعایا و لشکریان و قوت
عمال امرا و ارباب شر و فتنه و در بلاد روم مرگ جوانان و فتنه در زمین هند و جنوب و قتال میان اهل شرق
و جنوب و فتنه و فساد میان ترک و هندی [illegible] اسباب [illegible] و حکام [illegible]
خوارج بر ایشان و اگر در جانب شمال بود فتنه و خرابی و بدی هوا و برف و امراض [illegible] باشد [illegible]
و اگر در جانب جنوب بود تاریکی هوا باشد و بیماری [illegible] اهل جانب شمال بود **حلول مریخ در برج دلو**
دلالت کند بر [illegible] حکام [illegible] و کثرت تب و قی [illegible]
هوا و ظهور [illegible] بیماری [illegible]
از لشکریان [illegible] در جانب مشرق و کثرت [illegible]
امراض [illegible]
و سختی [illegible]
در [illegible] و اگر در جانب شمال بود و بسی هوا باشد و تاج الدین اکرم
گوید برف [illegible] و اگر در جانب جنوب باشد تاریکی هوا و کثرت ابرها **حلول مریخ در برج حوت**
دلالت کند بر [illegible]
و زوال [illegible]
در جانب شمال و نقصان [illegible]

در معارف و فضولات میان [illegible] و امراض و نقصان [illegible] و [illegible] و ابتدا و تفرقه [illegible]
شرح و بیماری [illegible] در جهت جنوب [illegible] بود که [illegible] ربع مسکون [illegible] باید و اگر در جنوب [illegible]
کثرت [illegible] بود و اگر در جنوب [illegible] باشد [illegible] و اگر در مغرب ضعف [illegible]
در حکم حلول ذنب در بروج [illegible] چنین گفته اند که چون ذنب [illegible] هر برجی حلول کند و [illegible]
[illegible] باشد دلالت کند بر [illegible] و اصلاح حال رعیت و [illegible]
[illegible] در صنایع و [illegible] حکام [illegible] **حلول ذنب در برج حمل** دلالت کند
بر عدل و راستی ملوک و قوت حال [illegible] و اعتدال هوا [illegible]
در خلایق [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] از جانب مشرق **حلول**
ذنب در برج ثور دلالت کند بر [illegible] و تغیر هوا و بسیاری [illegible]
[illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible] و [illegible]
[illegible] **حلول ذنب در برج جوزا** دلالت کند بر [illegible]
و بیماری [illegible] قوت حال ملوک و حرارت هوا [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible]
[illegible]
و بسیاری [illegible] و تغیر هوا [illegible] **حلول ذنب در برج سرطان** دلالت کند بر کثرت [illegible]

و قوت [illegible] و [illegible] از ان [illegible] حال [illegible]
[illegible] ملوک جانب مشرق و شمال [illegible] و گرمی هوا و کثرت [illegible] غلات [illegible]
[illegible] **حلول ذنب در برج اسد** دلالت کند بر قوت حال ملوک [illegible]
و عدل [illegible] و [illegible] غلات و [illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible] و [illegible]
[illegible] حرارت هوا [illegible] و اصلاح احوال [illegible]
[illegible] **حلول ذنب در برج سنبله** دلالت کند بر [illegible] غلات [illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible] خلایق [illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible]
حلول ذنب در برج میزان دلالت کند بر اعتدال هوا [illegible]
[illegible] و عدل ملوک و بیماری [illegible] در نواحی مشرق [illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible]
[illegible] **حلول ذنب در برج عقرب** دلالت کند
بر کثرت [illegible] حال [illegible] میان خلایق [illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible]
و بسیاری [illegible] حکام [illegible]

و چارپایان نا خوش و ظهور غیوم و نزول امطار و کثرت میوه خصوصا که زمین نیز از این برج بود و فرود شرور
بزرگان در بلاد منسوب **حلول ذوذنب در برج قوس** دلالت کند بر جستن رعد و برق در زمستان و قوت حال ملوک
و سلاطین و میل ایشان به جنگ و آمدن برف و خوف ملوک و کم شدن بارانها و در ایشان کمتر بحسب برج
و تقوی و ثبات همی گشت علما و اصلاح خلایق و کمی بارانها **حلول ذوذنب در برج جدی** دلالت کند بر قوت
علما و صلحا و شدت سرما و برف و چهارپایان و بارانها و فوت علوم و دیوم و چهارپایان و سلاطین
و حکام و قوت حال روم و بدی هوا اجسام و بیماری یکی از ایشان و وزرا این **حلول ذوذنب در برج دلو**
دلالت کند بر سرما و برف و فوت علوم و دیوم و در وقت ظلمت و صورت رنگ در میان مردم و ثبات
غلات و نباتات و کمی آبها و بیع برده و رواج بازار دواب و پرده پوشی و همچنین **حلول ذوذنب در برج حوت**
دلالت کند بر تغیر هوا و کشتن بزرگان و بسیار شدن ماهی در بحر و مردم به زراعت و در جهت دریا بیشتر میل
و بستان و کثرت بارانهای نافع و رعد و برق و رنگ و مرد بسیار و در ایشان مردم شعبده و حیلت و علاج
نکه رود دیگر ملوک و فوت ایشان و مرارت مزاج خدا **تنبیه** اقتاب و ذوذنب به هر برج که تحویل کند
قرب و بعد او از مرکز زمین واحد است اما بر یک نسق نیست و در صورت نیز چنین و قوت و تقویم
از آنست که احوال کیفیت هوا و چگونگی نباتات و نتیجه و دوا که و اتفاق حال آن در وقت سال قطع نظر از آن
از آنچه یافته وقت و تغیر بر یک نسق بودی اما چون نه بود این معنی باطلست چنانکه دیگر محققان نیز
اختلاف نیز پدید آمده و اختلاف متفاوت است از این جهت متقدمین شده اند که این تقویم به حسب برکت
تاثیرات کواکب مختلف است با ذوذنب در این دلالات چنانکه معلوم اول از نظر کثیر در پنج درجات تحقیق این
معنی نشده است فرضا و لو شود در حد حصه منفصل ایراد کرده و این احکام که در باب حلول ذوذنب در برج

ایشان

در هر برج ایراد شده به حفظ تاثیر ذوذنب است در مجموع این تاثیرات کواکب دیگر در امتزاج آن موقوف
بر طبیعت آن برج و قوت آن در نظر است **صنف چهارم در احکام کواکب ذوات الاذناب که در بروج حلول**
نیزه در برج حمل دلالت کند بر آمدن بارانهای نافع و سلامتی نباتات و میوه و اعتدال هوا
و کم آمدن رعد و برق در بعضی مواضع و تواتر هوا بسیار و جستن مزاج هوا و عدالت پادشاهان و اصلاح حال
دولت ها و در امور لشکریان و بسیاری ابر و کثرت بارانها و اگر در جانب شمال ظاهر گردد
حرارت هوا بشد و اگر در جانب جنوب باشد سردی هوا شد **حلول نیزه در برج ثور** دلالت کند بر کثرت باران
و رعد و برق و صحت زنان و فساد بعضی از میوه ها و ملک و صحت و سلامتی حیوانات و نباتات
دیگر باشد خروج خوارج و فساد و تشویش در ملک و حکمت زنان و همچنین در تحقیق آن و اگر در جانب شمال
اعتدال هوا باشد و اگر در جانب جنوب باشد تیرگی و گرمی هوا باشد **حلول نیزه در برج جوزا** دلالت کند
بر صحت بیماران و زنان و اعتدال هوا و بادهای معتدل و دیگر آنچه در وقت خلایق رواج کار و دیوانیان
و پیشه کاران و قوت حال اهل دانش و نجوم و خوبی و فروخت و اهل و اهلیه و عطایا و دیگر باید اندازه
در میان اصحاب و ارباب علم و دیگر مقامات و اگر در جانب شمال باشد و ابرها شود و اگر در جانب
جنوب باشد خشکی هوا و برف و سرما باشد **حلول نیزه در برج سرطان** دلالت کند بر ارتفاع ابرهای تیره و خشکی
هوا و دیگر کشتیها و آمدن سیل از آن دریا و هلاک بزرگان در بعضی از مواضع و خوف اشجار و زمینها و دیگر
اسبها و بسیاری میوه ها و آبها و جستن بادها و اگر در جانب شمال باشد شدت گرما بود و اگر در جانب
جنوب باشد شدت سرما باشد **حلول نیزه در برج اسد** دلالت کند بر اعتدال هوا و کثرت نشاط در خلایق و قحط
و هیبت پادشاهان و صورت جدری و گرمی و ارایه که هوا و قوت حال اهل دانش و دیوان به بزرگان و اگر در جانب

شمال بود گرمی سخت و بهر بیلاخ بود و اگر در جانب مغرب باشد مرض گوید و وبا شود و ابر چندان باشد
سبزی و سحاب یا حسن مزاج هوا گشاید حلول زهره در برج سنبله دلالت کند بر نیکو حال بنات
و بسیاری مذهبات و تندرستی خلایق و تفوق زنان و صناع دان و کم شدن باران و حرکت و نشاط
کاتبان و دهقان و برف و کشتها و دیوهای مخلف نبات و نیاد و زراعت و آبادانی بنیاد و آسمان رنگی
و اگر در جانب شمال باشد اعتدال هوا باشد و اگر در جانب جنوب بود چون باشد حلول زهره در برج میزان دلالت
کند بر نیکو حال عجم و تندرستی خلایق و رغبت مردم نشاط و جمعیت زنان و جنبیدن میل هوا بر قوت
و حدوث باران و قوت حال اهل طرب و خواستن و بسیاری بود و در جستن و شمال نشیان زنان
و دولت که در سلم و حرث و خوشی در میان طایفه خوب و اگر در جانب شمال باشد اعتدال هوا باشد
و سبزی گوید و بادهای خنک چند و مرض گوید خنک هوا باشد و اگر در جانب جنوب باشد کم باران باشد و سبزی
دیگا گویند نوع بسیار باشد و مرض گوید عارض شود حلول زهره در برج عقرب دلالت کند بر اندوه زنان
و امردان و خصومت ازدواج و در فسق شدن ایشان و کثرت فسق و فجور و میل هوا بر سردی و در زنان
باران با منفعت وزیدن بادها و اگر در جانب شمال باشد بی تعسر شود و اگر در جانب جنوب بود
کثرت رطوبت و خشکی و صحت هوا باشد و باران بسیار آید حلول زهره در برج قوس دلالت کند بر بادهای
با نفع و خنکی هوا و سیاست سنتوران و تغیر حال حکام و گویند بادهای خوش وزد و هوا میل رطوبت
باشد و اگر در جانب شمال باشد بی تعسر شود و اگر در جانب جنوب بود کثرت رطوبت و خشکی و صحت
هوا باشد حلول زهره در برج جدی دلالت کند بر برف و کشتها و شدت سرما و خوشی طبع و انواع بیماری
شدن و جستن بادها و باران که حدوث وبا در بعضی مواضع و اگر در جانب شمال بود جستن بادها

و ابرها

و اگر در جانب جنوب بود بسیاری باران باشد حلول زهره در برج دلو دلالت کند بر قوت حال عجم
و سلاطین و حکام و فسق زنان و زنان رنگاری ازدواج و کثرت نشاط و در باران و ابر باشد و بادهای قوی
و بادهای قوت زخم و ابر چند و کلیک گه و خوشی هوا باشد و بادهای معتدل آید و بادهای نافع
و اگر در جانب شمال باشد قحط و قلت باران باشد و اگر جنوبی بود مرض گوید کثرت غم و سبب باشد
و دلتنگی و کم و سبزی گوید بسیاری آبها باشد و بادها و در چشمها روان شود و گاه گوید گرمی
هوا بود حلول زهره در برج حوت دلالت کند بر قوت حال خواتین و دریا و سیلاب و میل علما و فرزندان
زنان و میل نشاط و بادهای نافع و کم کشتن و افراط رطوبت و حسن مزاج هوا و اگر در جانب
شمال باشد ترشح ابر بیلاخ باشد و اگر در جانب جنوب باشد باران بسیار آید و سحاب باشد گوید گرفت قوا
و صد کرده باشد فصل ششم در احکام کیفیت اتصالات کواکب سیاره بهر حال عطارد و زهره سیره چ ب
تغیر و تبدیل کیفیت هوا چنانکه اکثری از اکابر تصریح فرموده اند قال الامام ابو الحسن
ابو الحسن علی کوشیار بن لبان الجیلی عطارد و الزهرة اذا اتصل فی برج الابرج احدث فی الهواء حرکة
بحسب ذالک الزمان و هو اذا اتصل حیث کان فی بیج فیها و ظهرت الحوادث کان عند ذالک القمر والزهرة
فی بروج الامطار کان التغیرات اشد الامطار و ان الامطار ادوم والیق قال الحکیم الفاضل والراصد
الکامل محیی الدین یحیی بن محمد بن ابی الشکر المغربی اذا اتصل عطارد و من برج الابرج احدث فی الهواء حر
حرکة بحسب ذالک الزمان و اذا اتصل و فی الاسیر تهیج الغیم والغیوم فی الجو فان اتفق ان یکون
القمر والزهرة فی بروج الامطار وکان التغیر فی الجو اشد و الامطار فی آذان اذا ادوم بروج الامطار اسد و دلو
و سرطان و عقرب و حوت و اقوی انها اسد شود و باید ترتیب چنانکه در تنبیهات مبحث خواج

در استقبال بترتیب مذکور شده حلول ذوذؤابه در برج حمل دلالت کند بر جستن بادها و رعد و برق و جنب[illegible]
و ابرهای تیره و اراجیف وقت و بیماری و کثرت موت در زنان و کودکان و بسیاری آبها
سیما در ناحیه مغرب وقت طلوع و شراب و تیزی بازار برده و [illegible] آب در رواج کارها و قحط واقع
شود لشکریان و خوف اهل [illegible] و اگر در جانب شمال باشد خوف و وبا و کثرت اراجیف باشد و اگر در جانب جنوب
باشد حسن مزاج هوا باشد حلول ذوذؤابه در برج ثور دلالت کند بر اعتدال هوا و کثرت بادها و جستن برق
و طلب دولت از جهت حدوث درد چشم در ولایت مشرق و مرگ اکابر و [illegible] بادها و موت
در میان اشراف و حسن مزاج هوا میل بگرمی و خوف واقع شود و [illegible] و اگر در جانب شمال باشد
خونها هم باشد و اگر در جانب جنوب باشد هرچه گویند [illegible] مردم باشد و بجری دیگر گویند خلل در مزاج هوا باشد
حلول ذوذؤابه در برج جوزا دلالت کند بر [illegible] دیوانها و قوت حال عمال و تجار و ترقیه علما و حکما و اهل تنجیم
و اعمال کار روانها و خبرهای نیک و گویند قحط و خوف در میان اهل [illegible] جانب شمال
بود جستن بادها و هلاک بعضی از اشراف و حدوث طاعون و [illegible] و علت [illegible] اگر [illegible]
و اگر در جانب شمال باشد جستن بادهای گرم بود و [illegible] و اگر در جانب جنوب باشد خشکی هوا باشد
حلول ذوذؤابه در برج سرطان دلالت کند بر ابرها و بادهای با نفع در بعضی مواضع و حدوث رعد و اعتدال
هوا و [illegible] در جهت شمال و حدوث [illegible] و [illegible] اکثر در اطراف وقت طلوع اثر به
[illegible] در ناحیه مغرب و [illegible] در آن جانب و اگر طرف شمال بود
حرارت هوا و کثرت سموم باشد و اگر در جانب جنوب باشد [illegible] حلول ذوذؤابه در برج اسد
دلالت کند بر خشکی هوا و حرارت [illegible] و [illegible] ایشان [illegible]

و عمال و تجار و اهل بلاد [illegible] و [illegible] رواج کارها [illegible] و حدوث [illegible] و کثرت
هجوم [illegible] از کثرت [illegible] بیماری در جانب مشرق و مرگ [illegible]
اشراف و [illegible] و اگر در جانب شمال باشد حدوث حرارت باشد و اگر در جانب جنوب باشد حسن طبع
مزاج هوا باشد حلول ذوذؤابه در برج سنبله دلالت کند بر قوت حال علما و فضلا و اهل دیوان و دین
و تجار و هجوم [illegible] و صفای هوا [illegible] و کثرت طعام [illegible] احوال و اهل [illegible]
[illegible] و حدوث [illegible] وقوع بلایا بر اهل جنوب و شدت
[illegible] و اگر در جهت شمال باشد [illegible] و اگر در جهت جنوب باشد اعتدال هوا بود
حلول ذوذؤابه در برج میزان دلالت کند بر [illegible] و عدل [illegible] صاحب [illegible] و نقصان [illegible]
[illegible] و کثرت و شدت [illegible]
و حدوث [illegible] در میان [illegible] رواج بازار [illegible] و اگر در جانب شمال باشد [illegible]
[illegible] مزاج هوا [illegible] باشد [illegible] اعتدال هوا گفته اند حلول ذوذؤابه در برج
عقرب دلالت کند بر [illegible] بادهای [illegible] در میان مردم و [illegible]
خلایق و [illegible] در جانب مغرب و شمال [illegible] و حدوث [illegible] و اگر در جانب شمال باشد [illegible]
[illegible] باشد و اگر در طرف جنوب باشد طیب هوا باشد حلول ذوذؤابه در برج قوس دلالت کند
بر صلاح حال پادشاه و وقوع [illegible] میان اهل مغرب و جنوب و [illegible] و شدت [illegible] و جستن
بادهای [illegible] و حدوث امراض مختلفه و [illegible] خلایق و خیانت کردن
با یکدیگر و [illegible] طلوع [illegible] و نزول [illegible] و [illegible] و وقوع [illegible] باشد

و کمان برف و گرانی غلات اگر در جانب شمال افتد باد و تحت جهد و اگر در جانب جنوب افتد تغیر هوا
باشد و گرانی و نجوی گوید هوا تیره گردد حلول عطارد در برج جدی دلالت کند بر حدوث برف
و باران و بادهای سرد خاصه که راجع و محترق باشد و بیماری و موت کودکان و کثرت طوفان غلات
و قلت عمل و بسیار حوادث و دفنت طعام و [illegible] اگر در جانب شرق [illegible] و آب [illegible] مزارعان
[illegible] و اگر در جانب شمال افتد یا جنوب حسن مزاج هوا باشد و هرمس گوید که [illegible]
حلول عطارد در برج دلو دلالت کند بر خشکی هوا و نقصان طعام [illegible] و انقلاب [illegible]
[illegible] از هر طرف [illegible] بادهای سرد [illegible] باشد و اگر [illegible]
بود [illegible] هوا باشد و اگر جنوبی بود کثرت سحاب افتد حلول عطارد در برج حوت دلالت کند بر بسیاری باران
[illegible] و فرح و سرور و ضعف حال [illegible] خشکی هوا و وزیدن باد [illegible] و کثرت
[illegible] و بسیاری [illegible] میوه‌ها [illegible] اگر در جانب جنوب [illegible]
حشرات الارض و اگر در جانب شمال افتد هبوب ریاح جنوبیه و اگر در جانب جنوب افتد مزاج هوا [illegible]
باشد تنبیه عطارد بهر برج که حلول کند در آن برج اثر کیفیت [illegible] آن برج را در مزاج [illegible]
[illegible] تنبیه [illegible] صاحب لطایف الکلام آورده که [illegible]
کوکب دلیل ضعف [illegible] مدلولات آن کوکب خاصه که [illegible] عطارد
[illegible] و کدورت و تغیر هوا [illegible]
باشد فصل هشتم در احکام [illegible] حلول قمر در برج حمل دلالت کند بر فرح [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible]

[illegible] حلول قمر در برج ثور دلالت کند بر [illegible]
و کثرت طعام و میوه و بسیاری [illegible] و فرح [illegible] و صحت ابدان [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] و بسیاری طعام و میوه [illegible] حلول مشتری در برج جوزا دلالت
کند بر کثرت [illegible] و حدوث [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] حلول مشتری در برج سرطان دلالت کند بر حرکت [illegible]
[illegible] حلول قمر در برج
اسد دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و کثرت منافع و فواید [illegible] و بسیاری [illegible]
حلول قمر در برج سنبله دلالت کند بر [illegible]
و بسیاری [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] حلول مشتری در برج میزان دلالت کند بر عدل [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] و حدوث امراض [illegible]
حشرات الارض [illegible] حلول مشتری در برج عقرب دلالت کند بر کثرت
[illegible] و بسیاری [illegible] و کثرت [illegible]
و حدوث [illegible] حلول مشتری در برج قوس دلالت کند بر [illegible]
حال [illegible] و تغیر هوا [illegible] و ضعف
[illegible] حلول مشتری در برج جدی

دلالت کند بر اندوه و غم و بجز به مردم و حیرت رسولان و سفیران و بسیاری دروغ و کشت
و فراق و طلاق میان ازواج و کثرت تنازع و خصام و بسیاری تلف و کیسه و در وقت حلول قمر در برج دلو
دلالت کند بر توقف مهمات و بادهای با نفع و ظلمت هوا و پدید آمدن غم در وقت و تباهی نمو
و وقوع باران در وقت و قلت فواید مردم حلول قمر در برج حوت دلالت کند بر بسیاری برکات و [illegible]
و باریدن [illegible] در وقت و تباهی مال طیور خصوصا آنچه در آب سکن دارد فصل ششم در کیفیت راس از برجی
ببرجی حلول راس در برج حمل دلالت کند بر قوت اشراف و ضعف عمال و مردم و [illegible] ظلم و پیدا
آمدن آزردگی مردمان و تجدید دیگری و وقوع کارهای نهانی و بسیاری [illegible] و [illegible] مردم اصیل بزرگ
زاده حلول راس در برج ثور دلالت کند بر فتنه بزرگ در جانب شمال و کثرت خلاف میان ملوک مغرب
و [illegible] دانایان و بسیاری حوادث [illegible] حلول راس در برج جوزا دلالت کند بر [illegible] سلاطین و حکام
و پدید آمدن یکی از ایشان و اتفاق ایشان [illegible] و دیگر [illegible] در میان علما و رعایا
و حکام [illegible] و بیماری و [illegible] هوا و بسیاری باد [illegible] و وزیدن بادهای معتدل
حلول راس در برج سرطان دلالت کند بر حسن احوال سلاطین و حکام و رعیت و جمع شدن اموال و ذخیره
کردن و کثرت [illegible] و بسیاری حرارت و [illegible] و رطوبت هوا و بادهای معتدل
در وقت و حدوث جرب و کثرت [illegible] در میان مردم حلول راس در برج اسد
دلالت کند بر آمدن باران بسیار در وقت [illegible] حدوث [illegible] و پیدا آمدن [illegible]
[illegible] حال رعیت و تندرستی ایشان و کثرت [illegible] حلول راس در برج سنبله
دلالت کند بر [illegible] و شیوع [illegible] و احتراق [illegible]

بارها

[illegible] و شرب [illegible] و هجوم [illegible] جنوب
و غلات و حدوث برسام در مردم حلول راس در برج میزان دلالت کند بر جور سلاطین و حکام و پیدا
شدن ایشان بر رعیت و مصادرات [illegible] مردم و غارت خانها و گویند قطع [illegible] چشمها [illegible]
و بلندی مراتب زنان و رغبت ایشان [illegible] و کثرت مردم [illegible] و فرح زنان
[illegible] و صحت خلایق و بلندی [illegible] حلول راس در برج عقرب دلالت کند بر حدوث فتنه
و غارت در ولایت مغرب و طلب [illegible] و کثرت ظلم و جور [illegible] در وقت
و بسیاری [illegible] در وقت و کثرت [illegible] زنان [illegible]
فضایح ایشان [illegible] حلول راس در برج قوس دلالت کند بر ظلم حکام [illegible]
و نزول آفات [illegible] چهارپایان [illegible] و حرارت هوا
در وقت [illegible] حال [illegible]
[illegible] در ولایت [illegible] حلول
راس در برج جدی دلالت کند بر اعتدال هوا و نیکی [illegible] در وقت [illegible]
[illegible]
[illegible] حلول راس در برج دلو دلالت کند بر نیکی حال [illegible]
[illegible]
[illegible] حلول راس در برج حوت دلالت کند بر کثرت [illegible]
[illegible]

و بر حکام و شیوخ [illegible] کشتنها و قوت و موت [illegible] بسیاری [illegible] ماهی و مرغان

فصل پنجم در حکم ذنب در بروج حلول ذنب در برج حمل دلالت کند بر اضطراب سلاطین و کثرت [illegible]

در زمان [illegible] و [illegible] مرگ [illegible] و نقصان [illegible]

[illegible] و خلاف کردن خلایق [illegible] شدت [illegible] حلول ذنب در برج ثور

دلالت کند بر [illegible] و [illegible] در وقت [illegible] بسیاری [illegible]

[illegible] و مرگ [illegible] و نقصان [illegible]

[illegible] حلول ذنب در برج جوزا دلالت کند بر [illegible] و هلاک [illegible] و خروج [illegible] بر سلاطین [illegible]

[illegible] و [illegible] حکام [illegible]

[illegible] حلول ذنب در برج سرطان دلالت کند بر [illegible] و [illegible] ماهی [illegible] کشتیها [illegible]

[illegible] و مرگ [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] و کثرت [illegible]

[illegible] حلول ذنب در برج اسد دلالت کند بر اضطراب احوال [illegible]

[illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] و نقصان [illegible]

و [illegible] و [illegible] و نقصان [illegible] حلول ذنب در برج سنبله

دلالت کند بر مرگ [illegible] و [illegible] سال [illegible]

[illegible] خلاف [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible]

و نصب [illegible] و مرگ [illegible] حلول ذنب در برج میزان دلالت کند بر [illegible]

[illegible]

و [illegible] صاحب [illegible] و مرگ [illegible] و نقصان [illegible] در وقت [illegible]

[illegible] و [illegible] حلول ذنب در برج عقرب دلالت

کند بر [illegible] و مرگ [illegible] و [illegible] بسیاری [illegible]

[illegible] در وقت [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و قطع

[illegible] و [illegible] تمه [illegible] اکرم [illegible]

[illegible] برج [illegible] در وقت [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] حلول ذنب در برج قوس دلالت کند بر مرگ [illegible]

[illegible] و [illegible] احوال [illegible] در ولایت [illegible] و مرگ

[illegible] و [illegible] و [illegible]

و [illegible] و مرگ [illegible] حلول ذنب در برج جدی دلالت کند بر [illegible] و مرگ

[illegible] و [illegible] در وقت [illegible] حلول ذنب

در برج دلو دلالت کند بر کثرت [illegible] و اضطراب [illegible] سلاطین

و خروج [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] حلول ذنب

در برج حوت دلالت کند بر [illegible] کشتیها [illegible] بسیاری [illegible] در وقت [illegible] و مرگ [illegible]

و خروج [illegible] و [illegible] در [illegible] شدن [illegible]

و باشد قحط در دین و مذهب ظاهر شود مخالف آن و تفرقه در مردم و خلاف و جدال پدید آید و از اینجاست تنبیه حکیم غیاث
الدین منصور آورده که حصول جوزهر ذنب در هر یک از بروج دلالت بر آفت در بلاد و اقالیم
آن برج خاصه که جوزهر مجنس ذنب نیز بعد باشد و حصول احدهما در مثلثه ناریه دلیل است بر حدوث
آفت بر حیوانات کبار و در مثلثه ارضیه دلالت کند بر کمی نبات و غلات و قلاع و حصون و در مثلثه هوائیه دلالت
کند بر کثرت موت در آدمیان و در وحوش و در مثلثه مائیه حدوث آفت باشد از قبیل آب و جزر
آنکه حدوث از ذنب تنبیه صاحب ... گوید اگر زحل در منزل ثریا نزول کند بلا بر اهل قریه ... روی
کنند و اگر زحل بدبران کند در زمین عراق طاعون و موت افتد و اگر زحل بهقعه کند قتل و شغب
در زمین عراق روی نماید و اگر زحل بهنعه کند ملوک را در حرکات و رخصت باشد و اگر در ذراع کند
و عقب و شدت نزول کند در شرق و مغرب عام طاعون و موت لاحق مردم شود و قتل نیز واقع شود
و بلا در جهای عالم باشد و ملوک و خلفا متعاقب رسند و مردم منفعت گیرند و بعضی تلف شوند و اگر بنثره کند
نزول کند که منفعت و شتر را ضرر رسد و زنان را حوادث پیش آید و اگر زحل بطرف کند جبهه
و اهل اماکن محنت کند و قطع باران شود و شتر شدید بود و اگر زحل بزبره کند ملوک و خلفا را
ضرر رسد و اگر صرفه نزول کند اهل مغرب را شدت و غم لاحق گردد و باران کم آید و سباع و وحوش را
موت و آفت رسد و مردم هم ضرر رسد و اگر زحل بعوا کند نسل ... ن و حیوان ... گردد و اگر
بسماک نزول کند اهل مشرق را ضرر رسد و اگر زحل بغفر کند بادیه نشینان را ضرر رسد و اگر زحل بزبانی
کند زراعت را ضرر رسد و اگر زحل باکلیل کند ملوک را ضرر رسد و اگر زحل بقلب کند حدوث بلا در ... عموم
باشد و اگر زحل بشوله کند کثرت ریح و موج باشد در وقت و اگر زحل بنعائم کند مکان مواضع ...

و اگر زحل ببلده کند گرسنگی از علوم مضرت رسد بر حیوانات و اگر زحل بسعد ذابح کند تهییج ... باشد و اگر
زحل بسعد بلع کند ضرر مردم باشد و اگر زحل بسعد السعود کند میانه ملوک و امرا فتنه و شر و حرب پدید آید و اگر
زحل بسعد الاخبیه کند ... کند صرع در میان مردم عارض گردد و اگر زحل بفرغ مقدم کند بسیار ضرر رسد
و نیز گوید که اگر سعدین نزول کند تهییج ریاح و در شرق ملوک و طاعون ... و زلزله واقع شود و در بلدان
... ضرر رسد و سباع و چهارپایان را ضرر رسد و در ایام ملوک را ضرر رسد و قحط اکثر وحوش ... و در جبهه
و دیگر زراعت ضرر رسد و سباع و چهارپایان تلف شوند و در ... مردم شر و ضرر واقع شود و در صرفه اهل مکان
و قلاع را مرض رسد و اموال ایشان تلف شود و هلاک و قحط و غلا و خلق باشد و در عوا یکی از خلفا ... بمیرد
و در سماک جماعتی ... و اهل ... را خطر رسد و کثرت ... مرده ... باشد و در ... ح
... و در اکلیل گرسنگی از ... را ضرر رسد و ... و در عقرب نیز غلا و قحط باشد و در شوله میان
خلق قتال افتد و بلا و شدت و گرانی واقع شود و مرض بجانوران رسد و در ... تلف شوند و در ذابح اهل حجر
و جماعت مرض عارض گردد و در سعود ... موت ... و جنگ گرانی و هلاک شوند و علامت
در میان مردم ... گردد و در ... گرسنگی ... ضرر و آفت بیند و در ... مکان ... رحم

باب چهارم در احکام رجعت و استقامت و ظهور و خفا و تشریق و تغریب کواکب متحیره • و آن
مشتمل است بر ده فصل فصل اول در احکام رجعت کواکب بدترین حالات کواکب بعد از احتراق
رجعت است چنانکه هرمس حکیم در کتاب ... آورده ... کوکب ... اذا کان راجعا
کانت دلالته خلاف الامر الذی یراد و ان کان مستقیما فدلالته صحیح و ... ابو معشر در کتاب
مختصر المسائل ... کرده ... الدلیل اذا کان مستقیما دل علی ثبات الامر ... اول ... کان

یا بجهت دل علی نقصه دان کان مستقیما دل علی استقامته در موضع دیگر از آن کتاب میفرماید که الکواکب
و اذا کان فی هبوطه رجعت نقص قوته و اذا کان راجعا رجعت قوته کمثل دابة ابواکمه مدخرة فی
درکتاب کفایة التعلیم گوید که کوکب را در حال رجعت مرتبه بیماری گرفته است مضطرب بکواکب در [illegible]
بیماری بکواکب راجع وقت همچنین رجعت را پنج وقت است و اول آن اوقات وقت اقامت
بجهت رجعت پس وقت ابتدای بیماری نفس وقت رجعت اول است چون وقت تزاید بیماری وقت
میانه رجعت است چون وقت انتهای بیماری وقت رجعت دوم است چون وقت انحطاط بیماری وقت
اقامت ابتدای استقامت چون وقت انقضای بیماری وقت [illegible] ، [illegible] و احتراق نیز
و در این رجعت مرتبه دوم بجای آن قوت است تنبیه مراد از رجعت اول آنست که کوکب در سیر مقام اول
در نقطه حقیقی [illegible] مراد از رجعت دوم اگر سیر حقیقی در مقام ثانی [illegible] بطلمیوس گوید که الکواکب
العلویه الاول من حین رجعة الکواکب الی ان یستقیم ضعف در رجعت [illegible] رجعت الکواکب السفلیه
الاول من حین یرجع الی ان [illegible] الشمس شرق [illegible] المشرق [illegible] وقت [illegible] المشرق
الی ان یستقیم انتهی و گفتار در احکام رجعت زحل در بروج [illegible] رجعت زحل مطلق دلالت کند بر ضعف
حال پیران و مزارعان و ارباب [illegible] انتهای قوم [illegible] و [illegible]
[illegible]
بحمل رجعت زحل در برج حمل دلالت کند بر حدوث خسف و زلازل و لشکری [illegible] رعد و برق و صاعقه
رجعت زحل در برج ثور دلالت کند بر کثرت غم [illegible] دولت [illegible]
تفرقه [illegible]

دایر

[illegible] رجعت [illegible] دهقانان [illegible] رجعت زحل در برج جوزا دلالت کند بر [illegible]
و [illegible] رجعت [illegible]
[illegible] رجعت زحل در برج سرطان دلالت کند بر [illegible]
[illegible]
[illegible] رجعت زحل در برج اسد دلالت کند [illegible]
[illegible] رجعت زحل در برج سنبله
دلالت کند بر [illegible] و [illegible] دلالت [illegible]
[illegible] رجعت زحل در برج میزان دلالت کند [illegible]
[illegible]
[illegible] رجعت زحل در برج عقرب دلالت کند بر کثرت [illegible]
[illegible]
رجعت زحل در برج قوس دلالت کند بر [illegible]
رجعت زحل در برج جدی دلالت کند بر حدوث [illegible]
[illegible] رجعت زحل در برج دلو
دلالت کند بر [illegible]
رجعت زحل در برج حوت دلالت کند بر [illegible] احکام رجعت مشتری در بروج
[illegible] رجعت مشتری مطلق دلالت کند بر [illegible]

و خوف اطراف و لشکرها از ترکان و اهل روم و تغیر در قواعد و قوانین و از اهل سال [illegible]

رجعت مشتری در برج حمل دلالت کند بر هیجان امور دینی بر پادشاه و خروج خوارج دارد و [illegible]

پیچ ... [illegible] مشتری [illegible] ولایت و عهد و ضعفا و اشراف قضاة و از نباتات برنج و نخود

و جو و گندم و بعضی میوه‌ها [illegible] گوید بود که رجعت مشتری در برج ثور دلالت

کند بر ظهور خوارج و [illegible] پادشاه و خشم ملوک و بسیاری [illegible] و ترس قوم رجعت مشتری در برج جوزا

دلالت کند بر کثرت [illegible] غرق کشتیها [illegible] و [illegible] اصل [illegible] قوم

از طغیان آب رجعت مشتری در برج سرطان دلالت کند بر موت شیخی از ایشان و خون پادشاه [illegible]

و کدورت قوم [illegible] عامه رجعت مشتری در برج اسد دلالت کند بر سفر پادشاه و [illegible]

و [illegible] رجعت مشتری در برج سنبله دلالت کند بر [illegible] مرد [illegible] هلاک [illegible]

[illegible] و [illegible] اعتدال هوا [illegible] هوا رجعت مشتری در برج میزان دلالت

کند بر نکاح کردن پادشاه و [illegible] طلاق داده [illegible] گویند آن زن [illegible] ملوک بود [illegible]

[illegible] رجعت مشتری در برج عقرب دلالت کند بر [illegible] باران و [illegible]

[illegible] در جانب شمال رجعت مشتری در برج قوس دلالت کند بر [illegible] طعام و [illegible]

[illegible] و [illegible] در [illegible] پادشاه و بسیاری میوه‌ها و کثرت باران رجعت مشتری

در برج جدی دلالت کند بر تشویش پادشاه و جلای [illegible] و [illegible]

[illegible] رعایا و عوام الناس رجعت مشتری در برج دلو دلالت کند بر [illegible] مرض در ابدان [illegible]

از ملوک و سلاطین [illegible] و [illegible] از پادشاهان و مرگ [illegible] رجعت مشتری در برج

حوت دلالت کند بر کثرت [illegible] در میان مردم و قحط در دریا [illegible] ابدان و [illegible] و درد [illegible]

[illegible] و [illegible] رجعت مریخ [illegible] رجعت مریخ مطلقا دلالت کند

بر [illegible] امرا و سران سپاه و [illegible] سلاح و [illegible] در میان [illegible]

[illegible] لشکر [illegible] و [illegible] کند [illegible] جلای وطن [illegible] در میان اتراک

رجعت مریخ در برج حمل دلالت کند بر طغیان حرارت در طبایع و مضرت [illegible]

[illegible] قوم [illegible] و [illegible] در طرف [illegible] در چشم [illegible]

[illegible] رجعت مریخ در برج ثور دلالت کند بر [illegible] شدن [illegible]

[illegible] رجعت مریخ در برج جوزا دلالت کند

بر [illegible] مرض [illegible] در اطفال [illegible] و تاج الدین اکرم گوید [illegible]

[illegible] کند رجعت مریخ در برج سرطان [illegible] گوید موت [illegible]

پادشاه و [illegible] گوید [illegible] و تاج

الدین اکرم گوید [illegible] و ظلم و تعدی کنند [illegible] رجعت

مریخ در برج اسد دلالت کند بر [illegible] در میان

[illegible] و تاج الدین اکرم گوید [illegible] حادث گردد [illegible] باشد

[illegible] رجعت مریخ در برج سنبله دلالت کند بر [illegible] پادشاه [illegible] و تاج

الدین اکرم گوید [illegible] برج اسد باشد رجعت مریخ در برج میزان دلالت کند بر موت شیخی [illegible]

[illegible] باشد و در میان خلایق [illegible] گردد رجعت مریخ در برج عقرب دلالت کند

بر عروض مرض بر هیئت می مرض نشده م و همگنان چنانکه معروف است باشد و بدی حال [illegible] زمان

بوده و عموم صدقات اشتغال نمایند *تنبیه* در بعضی کتب از جمله کتاب حکیم حسین یحیی گفته اند در تحویلی از این

نوع آورده بعد حب عوارض القوم من الکواکب و القران الذی وقع فی برج العقرب و این حکم مقرون

بصواب آمد چه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در هوایا قران علوین در برج عقرب مبعوث شد بنا

بر این اکابر سلف عقرب را در برج ملت اسلام کرده اند و ابو الحسن بن ابی احمد [illegible] ایضا

و صاحب [illegible] در حیز النجوم نقش کنند [illegible] اهل احکام که هیا باشد تا اثر این کواکب در این

حکم کنند و گفته باید داشت و آن رجوع مریخ است در برج عقرب که آن برج و میل ملت [illegible]

که زوال محمد صلوات الله علیه بدان وقت پدید آید که قران بعقرب باشد و پس از آن سال که مریخ

در برج عقرب باشد امام مسلمانان را احوال متغیر کرده [illegible] عقرب اثر بد و خلاف و اضطراب

پدید آید و علما و فقهای ایشان را بیماری و مرگ افتد [illegible] و بعد ها در ان شهر و در دین اسلام

خلل افتد و خطبه و محراب تغیر پذیرد و در بعضی نسخ [illegible] نیز از این مضمون [illegible] رسیده و محمد بن نجیب الدین

و محی الدین فارسی نیز در مصنفات خود در این باب اشاره نموده اند و [illegible] تجربه متواتر [illegible] اند و حکم

بر این جمله [illegible] است که در هر سال که مریخ در برج عقرب راجع شود یکی از مذاهب اسلامیه خلل پذیرد

خواه که [illegible] یکی از این مذاهب و خواه که از فرق [illegible] اسلامیه بفرقه ناجیه [illegible] کند [illegible]

مصری و دیگر علما روایت کرده اند که در زمان خلافت اسد الله الغالب علی بن ابی طالب صلوات الله

علیه در برج عقرب راجع شد و در همان سال [illegible] شهادت [illegible] قریش

[illegible] و بنی امیه قوت یافته بر بلاد اسلام مسلط شدند و در زمان هشام ابن عبد الملک [illegible]

در عهد مروان بن محمد که خلیفه بنی امیه بود [illegible] از زمان [illegible] اسلام بدانستند مریخ در برج عقرب

راجع شده و بود که در همان سال [illegible] کردند [illegible] کرده بعضی از [illegible] اسلام را

بجهت [illegible] عمر ابن عبد العزیز پس [illegible] ایام [illegible]

[illegible] باصلاح آورده بودند باز مروان [illegible] عباسی

نیز مریخ در عقرب راجع شده بود [illegible]

[illegible] روانه شد [illegible] اسلام کردند [illegible]

[illegible] مریخ در برج عقرب [illegible] و این

[illegible]

[illegible]

[illegible] مذاهب [illegible] مذاهب ابو حنیفه

[illegible]

[illegible] مریخ

در برج عقرب راجع شد [illegible] مشتری در ان وقت [illegible]

[illegible] از زمان شیخ

[illegible] شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] ولایت [illegible]

این [illegible] در این باب [illegible]

دولت و تربیت و ترقی دیگر میتوانند شد از قضا بعد از چهار پنج ماه حضرت مولوی الیه مریض شده
در همین گوشه برحمت ایزدی واصل شده و در همان سال شیخ محمد نیز شیخ زین الدین که
در کمال زهد و علم [illegible] اجتهاد داده و در مذهب امامیه قبول داده [illegible] در ولایت [illegible]
از سرای مجاز بعالم حقیقت انتقال نمودند و نیز در همان سال قیصر روم سلطان عثمان لشکر بر سر
دکنیان کشیده و در آن وقت که خبر این هزیمت در ایران منتشر شد بعرض اشرف رسانیدم
که [illegible] غالب خواهند شد الحمد لله در آن عرصه شکست یافته مغلوب و منکوب [illegible] تتمه
[illegible] شب جمعه [illegible] واصل شد و قمر در میزان
زهره و مریخ [illegible] در آن سال اگر [illegible] اهل اسلام [illegible] ترک جنگ واقع شد
[illegible] انقلاب پدید آید [illegible] رجعت مریخ در برج قوس دلالت کند بر کثرت امراض
[illegible] رجعت مریخ در برج جدی دلالت
کند بر [illegible]
[illegible] رجعت مریخ در برج دلو دلالت کند بر وجود
[illegible] رجعت مریخ در برج حوت
دلالت کند بر حزن پادشاه و کدورت و اضطراب خلایق [illegible]
[illegible] تتمه
حکم [illegible] در وقت واحد دلالت بر تغیر دولت و موت
ملوک [illegible] در ولایت [illegible]

از

وقت [illegible] شده [illegible] و ولایت تبریز [illegible] اتفاقا در آن
[illegible] خان ولد جلال خان [illegible] عبدالله
خان [illegible] این دولت ابد پیوند [illegible]
[illegible] اردو [illegible]
و [illegible] ولایت فارس [illegible]
و حاکم [illegible] ابراهیم محمد خان [illegible] سلطان [illegible]
ولایت [illegible] حکم رجعت زهره در برج [illegible]
رجعت زهره [illegible] دلالت کند [illegible]
[illegible] در میان [illegible] وقت [illegible]
و [illegible] وقت رجعت زهره در برج [illegible] دلالت کند بر حدوث [illegible]
و کثرت [illegible] رجعت زهره در برج ثور دلالت کند بر تشویش و اضطراب در میان [illegible]
خلایق [illegible] وقت [illegible]
[illegible] رجعت زهره در برج جوزا دلالت کند بر حرارت [illegible]
هوا و اضطراب [illegible] رجعت زهره در برج سرطان دلالت کند [illegible]
[illegible] رجعت زهره در برج عقرب دلالت کند [illegible] بر وقوع
[illegible] رجعت زهره در برج [illegible]
دلالت کند بر بیماری [illegible] رجعت زهره در برج میزان دلالت کند بر [illegible]

یکی از دو خواستن منفعت که از غلبه ایشان بهم رسد و رجعت زهره در برج عقرب دلالت کند بر اضطراب و پریشانی مردم
مردم و بلاها تا پادشاه در کارها و کثرت ارجیف رجعت زهره در برج قوس دلالت کند بر ظهور علامات
امراض سینه در جبال و هلاک بعضی از اشراف رجعت زهره در برج جدی دلالت کند بر تشویش مردم و بسیاری
غم و هم و اخوان و کثرت امراض و علل پیران و وقوع موت و مرگ ایشان رجعت زهره در برج دلو
دلالت کند بر حدوث غم و هم زنان و ارباب غنا و ملاهی و عروض امراض در مردم از غلبه رطوبت
و بسیاری درد شکم و تیرگی هوا و کثرت باد و باران و گویند ارمیدی که هوا بسیاری ... رجعت زهره
در برج حوت دلالت کند بر کثرت ارجیف و اضطراب و تشویش در میان مردم و حدوث بیماری
و وجع و فزع احکام رجعت عطارد در بروج اثنی عشر رجعت عطارد مطلق دلالت کند بر ضعف حال اهل
علم و منجمان و کتاب و عمال و کساد بازارها و اختلاف هوا و هراس در مردم و سهو در معاملات و عزل
حکام و کم خیر و رسیدن زیان و اهل قلم و تغییر اهل ادیان و از وقوع غبار و دخان و کثرت باد
و کدورت فضا و ارباب اوراق و نظم رعایا رجعت عطارد در برج حمل دلالت کند بر ایذاء کتاب
و اتلاف اسباب ایشان و ضایع و حدوث مرض حصبه و جدری اگر در اطفال و بسیاری ارجیف
رجعت عطارد در برج ثور دلالت کند بر صحت و استقرار هوا و صلاح حال کتاب و پادشاه و دیوانیان
و خدم ایشان و دخول و دلتنگی مردم و بیماری چهارپایان رجعت عطارد در برج جوزا دلالت کند
بر خوف و اضطراب کتاب و اهل سیاق و بسیاری غم و هم در میان ایشان و ایذا و ایشان و حدوث
کره و تغیر در رسوم و امور دیوان ... رجعت عطارد در برج سرطان دلالت کند بر هلاک و تلف رجال
از اشراف و ... ان و طلب خراج و تشنه و گرمی هوا و سموم رجعت عطارد در برج اسد دلالت

کند بر کثرت اخوان و تشویش در ملوک و ظهور حسد و ستم در ولایت روم و تلف ... در امور و معاملات مردم
و اف ... زنان خاصه زنان ملوک رجعت عطارد در برج سنبله دلالت کند بر کثرت ارجیف در ... و ...
و اضطراب در کار ملوک و سلاطین و امور ... و بیماری در خواستن منفعت و خشکی هوا رجعت عطارد در برج میزان
دلالت کند بر ضعف ... و فوت ایشان و ... و بیماری زنان و تباهی حال ... و انقلاب
در اهل ... رجعت عطارد در برج عقرب دلالت کند بر تشویش لشکریان و سپاهیان و اندوه اکابر
و انقلاب احوال ایشان رجعت عطارد در برج قوس دلالت کند بر حدوث امراض در جبال
و ... و هلاک بعضی از اشراف و نزول بلایا و ... رجعت عطارد در برج جدی دلالت
کند بر تشویش مردم و اخوان و هم و غم در عامه و موت بعضی از اشراف و ... اهل ...
و ... اهل ... و قطاع و بیماری و مرگ پیران رجعت عطارد در برج دلو دلالت کند بر حدوث
امراض حاره و بسیاری خون و غم و قحط ... اما آنچه ... رجعت عطارد در برج حوت
دلالت کند بر ... و سود ... و شهور ... و ایذا ... اهل ... و بسیاری خون
و اندوه و کثرت سحاب و غیم و ضعف ... و نزول باران و رعد و برق و اندوه ... و بسیاری
ارجیف و سخن دروغ و تشویش و بیماری تنبیه احکام استقامت کواکب چند تاثیرات
رویه رجعت چنانکه استقامت زحل مطلق دلالت کند بر استقامت احوال دهاقین و فقرا
و اهل زر و ارباب ... و کثرت ... اهل فلاحت و فرح ... و ... کردن
و پیران استقامت مشتری دلالت کند بر فرح و قضاة و ... در بعضی ... و ...
ملوک و علما و ... رجعت ... و قوت ... و ... ابواب البر و کثرت خیرات

و طاعات بسعادت مریخ دلالت کند بر صلاح لشکریان و کثرت توانایی ایشان و شدت حرکت
پادشاه بلشکر و حشم و حوادث منع آسیب دلالات حرب و مبارزت حال امرا و وزرا و سپاه و دولت
رتوند و اوباش بسعادت زهره دلالت کند بر رونق زنان و خواجه سرایان و اصحاب طرب
و ارباب مزامیر و اوقات روسا و زنان و فرح در عموم و دوام سرور و رشد و ترقی خویشان مخنث
بسعادت عطارد دلالت کند بر قوت حال کتاب و عمال و محرره و اطبا و اهل نجوم و رونق بازارها
و کثرت غبار و رنگ و تیز هوا و آمدن باران در وقت و طلب قوت جوام فصل دوم در احکام خفا
و ظهور کواکب خمسه متحیره مراد از خفای کوکب اول در آمدن اوست در تحت الشعاع آفتاب
بر وجهی که اصلا مرئی نشود و دیگر از هر طرف باشد بعد از آنکه او را ظهور بوده باشد و مراد از ظهور هم اول
ظهوریست که او را باشد دیگر از هر طرف شب بعد از آنکه در تحت الشعاع آفتاب مخفی بوده باشد لیکن پوشیده
نماند که ظهور و خفای کواکب مختلف می باشد بسبب اختلاف عرض بلاد و از موضع واحد نیز مختلف میشود
بسبب کثرت وقت و از زمین و بسبب اختلاف عرض شمالی و جنوبی و بسبب رطوبت هوا و بسبب کثرت
مطالع و مغارب اجزا بروج بنا بر این اهل احکام مقداری معین در هر کوکب منظور داشته اند که از درجات
بود که چون میانه آفتاب و آن کوکب آن مقدار رسد کوکب در حد تحت الشعاع بود قبل از احتراق
یا بعد از آن و مدار احکام بر آن نهاده اند خواه کوکب مرئی باشد و خواه مخفی هرچند منظور و ملحوظ اهل
حساب در حاشیه تقویم اول خفا و رویت باشد و ظهور و مخصوص این ساعت اند که هرگاه عرض او زیاده
بر هفت درجه باشد چنانکه احتراق و تهیم بر او اطلاق نمی کنند تحت الشعاع نیز اطلاق نمی کنند دوم
این ظاهر است و حد تحت الشعاع در نیرین دوازده درجه مقرر کرده اند و در علویین پانزده درجه و در مریخ

هجده درجه و در این تقدیر در تحت الشعاع آفتاب باشند و اهل احکام تحت الشعاع را دلیل ضعف و حبس
عرض دانند چنانکه گویند که چون کوکب بشعاع آفتاب در آید بمنزله شخصی بود که در حبس زندان کرده
یا مریض شود و چون باحتراق رسد بمنزله شخصی بود که بهلاکت رسد و چون از احتراق خلاص شود تا
ابتدای آن گویند بمنزله شخصی زنده یا متوارث باشد که بیرون آمدن را بسنجد یعنی اراده خروج نماید
احکام خفای کواکب متحیره در بروج اثنی عشر از اول حمل خفای زحل در بروج اثنی عشر مطلقا دلالت
کند بر خرابی بناها و شاخ درخت و اهل قلاع و سکان جبال و کثرت سحاب و کدورت و ظلمت هوا
و آمدن باران در وقت و حدوث غم و هم در خلایق و بطالت رعایا و اهل حرث خفای مشتری در حمل
دلالت کند در ثلث اول بر ضعف و بطوء باشد و در ثلث ثانی قلت مطر و استوای هوا
و در ثلث سیوم هیجان ریاح خفای مریخ در ثور در ثلث اول زیادتی ابها باشد و تشویش عموم
در ثلث ... در ثلث ثانی تنزل امور باشد و در ثلث سیوم نهب
و غارت و دزدی و امراض و جدری بهم رسد خفای مریخ در جوزا در ثلث اول بیم از ملوک را
مرض طاری شود و حال زنان به کرد و سیم دراماکن مقدسه و در ثلث ثانی صلاح حال عموم بود و در ثلث
اسواق و کثرت هرج و شر بود و در ثلث ثالث موت یکی از فرزندان یا کر کیش او از وطن
خفای زهره در ثلث اول منفعت اهل حرث و ارباب زراعت بود و در ثلث ثانی درد چشم
در گاو و نزلات شایع گردد و در ثلث سیوم موت زنان بود خفای زهره در اسد در ثلث اول مرض
عارض شود و در ثلث ثانی زنان ملوک بار شوند و در ثلث ثالث تب ربع عارض شود خفای مریخ در سنبله
در ثلث اول بالا حق یکی از پادشاهان و در ثلث ثانی موت جوی بود و در ثلث ثالث دلالت کند

برکت سخن آن و رونق در میانه افتد و کساد **خدای زحل در میزان** در ثلث اول ثروت بود و رفعت حاصل
و در ثلث ثانی از روی خرمی باشد و در ثلث ثالث نیز همچنان **خدای زحل در عقرب** در ثلث اول دلالت
کند بر جهد کردن لشکر بر این و قت ... ایشان و در ثلث دوم باشد و ... پاری ... دهد و در ثلث
سیم همچنان **خدای زحل در قوس** در ثلث اول بلا و امراض ... بود و در ثلث ثانی ضعف و اطوار
امور بود و در ثلث ثالث گرانی طعام باشد **خدای زحل در جدی** در ثلث اول قوت ... دور و سیری ...
عموم باشد و در ثلث ثانی صعوبت بحار و کثرت امواج باشد **خدای زحل در دلو** در ثلث اول کثرت
ظهور بلا بود و در ثلث ثانی موت پیران و در ثلث ثالث مضرت عام بود از کثرت طوبت **خدای
زحل در حوت** در ثلث اول این برج حدوث مرض در کام ... بود و در ثلث ثانی کثرت ... و کس
داشتن باشد و در ثلث ثالث خون و هم خلایق باشد ... **احکام خدای مشتری در
بروج اثنی عشر** خدای مشتری مطلق دلالت کند بر ... کار خداوندان دین و ناموس ... و بون
ترتیب این و صبر ... و ظهور ... یا در وقت ... حدوث مرض بود **خدای مشتری در حمل**
در ثلث اول برج امراض ... عارض شود و در ثلث ثانی موت ... بزرگ ... افتد
افتد و در ثلث ثالث موت اصیل ... دهد **خدای مشتری در ثور** در ثلث اول حدوث
امراض ... اتفاق افتد و در ثلث ثانی موت ... باشد و در ثلث ثالث موت
مردی بزرگ حادث شود **خدای مشتری در جوزا** در ثلث اول ضعف حال ... باشد و در ثلث ثانی
باد بسیار جهد و کدورت هوا بسیار گردد ... و در ثلث ثالث ... باشد ... واقع شود
خدای مشتری در سرطان در ثلث اول باشد ... تشویش کند و در ثلث ثانی ... باشد

رتق

واقع شود و در ثلث ثالث ... بود و اضطراب و کثرت ... **خدای مشتری در اسد**
در ثلث اول ... لاحق باشد ... و در ثلث ثانی ثروت ... و در ثلث
... **خدای مشتری در سنبله** در ثلث اول باشد ... ضعف ... و در ثلث
ثانی ... و ... در ثلث سیوم
... **خدای مشتری در میزان** در ثلث اول برج ... ثروت ... باشد
و در ثلث ثانی ... در ثلث ... **خدای مشتری در عقرب**
در ثلث اول ... صلاح ... و در ثلث ثانی ... و در ثلث ثالث ...
باشد ... باشد و ... اتفاق افتد **خدای مشتری در قوس** در ثلث اول ...
... باشد ... کدورت ... و در ثلث ثانی ... ثروت ...
... **خدای مشتری در جدی** در ثلث اول اضطراب ... حادث شود ...
... و در ثلث دوم ... افتد ... و در ثلث سیوم
... باشد ... **خدای مشتری در دلو** در ثلث اول ... سیوم باشد
... و در ثلث دوم ... باران باشد **خدای مشتری در حوت** در ثلث اول برج ...
... حادث گردد و در ثلث دوم ... و در ثلث سیوم ... اطراف
... **احکام خدای مریخ در بروج اثنی عشر** خدای مریخ مطلق دلالت کند بر ...
لشکریان ... ایشان و کدورت ... و در ...
دزدان ... طریق **خدای مریخ در حمل** در ثلث اول این برج ... باشد ... کند

و احوال آشفته و پراکنده شود و در ثلث ثانی فرح و نشاط لشکریان باشد و در صحبت عقرب [illegible] شوند
و در ثلث ثالث [illegible] جدا شود و کثرت [illegible] کدخدای مریخ در ثور در ثلث اول [illegible]
[illegible] و در ثلث دوم [illegible] زنان و در ثلث سیوم [illegible] باشد کدخدای مریخ در جوزا
در ثلث اول موت و مرگ [illegible] و در ثلث دوم آتش در منازل [illegible] ثلث ثالث
که احوال [illegible] و در ثلث سیوم [illegible]
[illegible] کدخدای مریخ در سرطان در ثلث اول امراض لاحق عموم شود [illegible] و در ثلث دوم [illegible]
[illegible] و در ثلث سیوم حکم همان باشد کدخدای مریخ در اسد در ثلث اول [illegible]
باشد و در ثلث دوم و سیوم قطع امید [illegible]
شدید و حدوث حرب باشد کدخدای مریخ در سنبله در ثلث اول حزن و دوم لاحق [illegible]
[illegible] و در ثلث ثانی [illegible] باشد و در ثلث سیوم [illegible]
کدخدای مریخ در میزان در ثلث اول [illegible] و در ثلث دوم مرض [illegible]
عارض [illegible] و در ثلث سیوم [illegible] باشد کدخدای مریخ در عقرب در ثلث
اول [illegible] و در ثلث ثانی درد چشم و حرارت عارض [illegible]
[illegible] و در ثلث سیوم کثرت امراض باشد کدخدای مریخ در قوس در ثلث اول [illegible]
[illegible] و در ثلث دوم [illegible] باشد
[illegible] و در ثلث سیوم [illegible] کدخدای مریخ در جدی
در ثلث اول [illegible] و در ثلث دوم [illegible]

[illegible]

و در ثلث سیوم کثرت امطار و انداء باشد کدخدای مریخ در دلو در ثلث اول عفونت و خوف لاحق
آدمیان شود [illegible] زنان حامله و در ثلث دوم شدت لاحق [illegible] شود و در ثلث
ثالث [illegible] کدخدای مریخ در حوت در ثلث اول [illegible]
[illegible] و در ثلث دوم امراض صعب عارض عموم گردد و در ثلث سیوم کثرت باران [illegible]
کوکب علوی [illegible]
[illegible]
[illegible] بحکم کدخدای زهره در بروج اثنی عشر [illegible]
[illegible] و طلاق و فراق ازواج و مرگ [illegible] زنان [illegible]
[illegible] کدخدای زهره در حمل اگر در اول [illegible] باشد و اگر در آخر [illegible] باشد
[illegible] کدخدای زهره در ثور اگر اول [illegible] باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] کدخدای زهره در جوزا اگر اول [illegible] باشد فرح [illegible] لاحق عموم شود و اگر آخر [illegible]
[illegible] کدخدای زهره در سرطان اگر اول [illegible] باشد [illegible] عموم بود [illegible]
[illegible] و اگر در آخر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] کدخدای زهره در اسد اگر اول [illegible] باشد حرارت [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] باشد کدخدای زهره در سنبله اگر اول [illegible] باشد امراض [illegible] عارض عموم شود و اگر
[illegible] عارض عموم [illegible] کدخدای زهره در میزان اول [illegible] عموم شود و اگر [illegible]

زنان بود **خفای زهره در عقرب** اول شب کشف اشیای پوشیده و اضطراب مردم و کثرت اراجیف و در آخر شب
کدورت باشد **خفای زهره در قوس** اول شب موت یکی از ارکان دولت باشد و در آخر شب حکم همان
بود **خفای زهره در جدی** اول شب حدوث امراض و علل در گوسفندان و [illegible] مردان پیر و زنان [illegible] و در آخر
شب [illegible] **خفای زهره در دلو** اول شب سکون بحر و وقت ریح باشد آخر شب حکم همان بود **خفای
زهره در حوت** اول شب امراض صعب عارض گردد آخر شب حکم همان بود **احکام خفای عطارد در بروج
اثنی عشر** خفای عطارد مطلقا دلالت کند بر بادها و بارانها و نقصان کتب ارباب دیوان و [illegible]
و دیگر صاحبان قلم و [illegible] ارباب اوراق **خفای عطارد در حمل** اول شب امراض در میان مردم از حرارت
[illegible] و در آخر شب بیماری [illegible] از مردم [illegible] **خفای عطارد در ثور** اول شب
و آخر شب امراض [illegible] عارض شود **خفای عطارد در جوزا** اول شب [illegible] امراض [illegible] و آخر شب [illegible]
[illegible] **خفای عطارد در سرطان** اول شب اضطراب [illegible] و در آخر شب حرارت هوا باشد
خفای عطارد در اسد اول شب [illegible] هوا و کثرت [illegible] و در آخر شب [illegible]
دیگر [illegible] کدورت [illegible] **خفای عطارد در سنبله** اول شب بیماری
عارض [illegible] و آخر شب بیماری عارض [illegible] **خفای عطارد در میزان**
اول شب امراض عارض مردم گردد آخر شب کدورت هوا باشد **خفای عطارد در عقرب** اول شب [illegible]
[illegible] و در آخر شب [illegible] **خفای عطارد در قوس** اول شب سکون [illegible]
و آخر شب نفع [illegible] **خفای عطارد در جدی** اول شب فراخ [illegible]
و در آخر شب [illegible] **خفای عطارد در دلو** اول شب سکون [illegible] و آخر شب نفع [illegible]

بحالی

خفای عطارد در حوت اول شب کثرت باران [illegible] و آخر شب کثرت رعد و برق [illegible]
[illegible] **تنبیه** چون مرکز تدویر [illegible] مقابل [illegible] باشد [illegible] این کوکب
[illegible] از جانب مغرب [illegible] شود [illegible]
[illegible]
[illegible] در جانب مشرق [illegible]
[illegible] تحت الشعاع [illegible]
[illegible] جانب مشرق [illegible] احکام خفای [illegible]
[illegible] **احکام ظهور کواکب متحیره در بروج اثنی عشر** ظهور [illegible] مطلقا دلالت کند بر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] **ظهور زحل در حمل** دلالت کند بر کثرت [illegible] مشرق [illegible]
[illegible] حرارت هوا [illegible]
[illegible] اگر اول شب از جانب مشرق ظهور کند [illegible]
[illegible] **تنبیه** [illegible] ظهورات [illegible]
[illegible] کواکب [illegible] اول شب [illegible]
[illegible] کواکب سیاره مخصوص [illegible] **ظهور زحل در ثور** دلالت کند بر کثرت [illegible]

در نواحی مغرب و دریاهای عظیم در نواحی مشرق و مغرب و چهارپایان و افزود مرگ گاو و شتر و دیگر
[illegible] در جانب مغرب و نقصان میوه‌ها و هرمس گوید که اگر در اول شب از جانب مشرق ظهور کند
دلالت کند بر بیماریهای [illegible] و حروق [illegible] ظهور ذنب در جوزا دلالت کند بر کثرت بادها و باران [illegible]
[illegible] و [illegible] و ظلم و وقوع موت در [illegible] و هرمس گوید که اگر اول شب از جانب
مشرق ظهور کند دلالت کند که مرضی [illegible] گردد و باران کم باشد و تفاوت [illegible] ظهور ذنب
در سرطان دلالت کند بر کثرت [illegible] و شدت برد [illegible] و تفاوت [illegible] و [illegible]
[illegible] و حدوث [illegible] کثرت [illegible] و غارت [illegible] در جهت مشرق و حدوث بیماری [illegible] اگر [illegible]
[illegible] و هرمس گوید که اگر در جانب مشرق در اول شب ظاهر گردد کثرت باران [illegible] در مواضع متعدده
ظهور ذنب در اسد دلالت کند بر حدوث [illegible] موت [illegible] و [illegible]
[illegible] کنند [illegible] و هرمس گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظاهر گردد [illegible]
آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها باشد ظهور ذنب در سنبله دلالت کند بر حدوث [illegible] و قتل
میانه مغرب و جنوب و بعضی بجای جنوب شمال گفته‌اند و حرکت هوا و ظهور علامات [illegible] و هرمس
گوید اگر در آن وقت زهره یار او باشد مرگ زنان [illegible] و اگر مریخ یار او بود حدوث
حرب بود و اگر عطارد یار او باشد [illegible] هوا [illegible] و حدوث ریاح عاصفه باشد و اگر مشتری یار او باشد قلت
مرگ و مرض [illegible] و هرمس گوید که اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند
آب رودخانه‌ها زیاده شود و باران [illegible] در مواضع متعدده ظهور ذنب در میزان دلالت
کند بر قحط [illegible] و شدت [illegible] و هرمس گوید اگر مریخ در آن وقت

باو

یار او بود شدت [illegible] بود و فزع خلایق و وقوع وحشت و اگر مشتری یار او بود [illegible] مستاصل گردد
و دریا عارض عموم شود و مرگ [illegible] باشد و کثرت امراض عین و ظلمت هوا و قلت حیوانات و هرمس گوید
اگر در جانب مشرق [illegible] در اول شب ظهور کند [illegible] بأس عالم رسد و موت باشد و امراض عارض
خلایق گردد و اگر [illegible] ظهور ذنب در عقرب دلالت کند بر [illegible]
[illegible] در جانب مغرب و شمال و مرگ اطفال [illegible] امراض حادث شود و درد چشم
و گوش باشد [illegible] و در بعضی از مواضع برف [illegible] و اگر مریخ [illegible]
[illegible] و درد چشم [illegible] و هرمس گوید اگر در اول شب از جانب
مشرق ظهور کند [illegible] ظهور
ذنب در قوس دلالت کند بر مرگ [illegible] مغرب [illegible] و هرمس گوید که اگر مریخ در آن
[illegible] قحط [illegible] امراض [illegible] و درد چشم [illegible] و حیوانات
[illegible] و مرگ [illegible] و هرمس گوید اگر در اول شب از جانب مشرق ظهور کند [illegible]
[illegible] ظهور ذنب در جدی دلالت کند بر حدوث [illegible]
خوف و فزع [illegible] و وقوع حرب در جانب مشرق و آفات در عالم [illegible] باشد
ظهور ذنب در دلو دلالت کند بر وقوع [illegible] در عالم و کثرت [illegible]
[illegible] و موت [illegible] و هرمس گوید که اگر [illegible]
باشد [illegible] و هرمس گوید اگر از جانب
مشرق در اول شب ظهور کند [illegible] ظهور ذنب در حوت دلالت کند بر حدوث [illegible]

وکرش ابها و وقوع بسیه و مرور بسیار و اگر در بروج آبی بود و مقارن یا مقابل او باشد بیشتر باد و نم
بیشتر بود و باشد خراب یا گوید در چشمه چشمه ... وقت طعام و ... آنجا گرسنگی عظیم
سیه زیتون **احکام ظهور مشتری در بروج دوازده‌گانه** ظهور مشتری مطلقا دلالت کند بر صلاح حال قضات و فقها
و ارباب ناموس و حسن حال رعیت و خوشی حال طایفه نصاری و ملک ... و اندر حسن المحسنین ... اند
و حسن ... که مشتری در این حال ... ایمن است که در جاه و لشکر بسیار ... گرسنگی
باشد و رحمت و راحت او ... و ... شده ... **ظهور مشتری در حمل** دلالت کند بر قوت
امراض ... واقع شود در ... و ... علامات ... و ... زمین ... و وقوع ... اگر در میان
چشم ... و بسیاری باران ... و حدوث برف ... در مواضع ...
و ... و بعضی ... و چهارپا ... و ... بسیاری ... باشد و هرمس
گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند گرسنگی ... و باران ... باشد **ظهور مشتری در ثور** دلالت
کند بر مرگ بعضی از علمای ... بسیاری ... باران ... و بعضی ... و هرمس گوید اگر در جانب
مشرق باشد در ... گرسنگی ... **ظهور مشتری در جوزا** دلالت کند بر مرگ زنان
در ... و ... هرمس گوید اگر در جانب مشرق ... ظهور کند
گرسنگی و باران ... در ولایت مشرق و بسیاری رطوبت و کدورت هوا **ظهور مشتری در سرطان** دلالت کند بر
امراض ... و ... باشد ... علامات و حدوث باران و رعد و برق ...
... هرمس گوید که اگر در اول شب در جانب مشرق ظهور کند گرسنگی ... **ظهور مشتری**
در اسد دلالت کند بر حدوث ... و بسیر ... و ... علامات ... و بعضی ...

... و ... و اشراف و چهارپای ... و ... و بعضی ... و هرمس گوید اگر در جانب مشرق
در اول ظهور کند ... نوع ... و ... حسن ... و ... و اعتدال هوا باشد
ظهور مشتری در سنبله دلالت کند بر ... و ... بسیاری ... و امراض ... در چشم و ...
... و ... باشد ... و ... و هرمس گوید اگر در جانب مشرق اول
شب ظهور کند ... باران و ... باشد **ظهور مشتری در میزان** دلالت کند بر بسیاری ... و چهارپای
... و ... هوای ... و گرسنگی ... باران ... و ... بسیاری ...
... و هرمس گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند در چشم ... **ظهور مشتری**
در عقرب دلالت کند بر کثرت ... خاصه در ... کرم و ... نوع
دیگر ... و برق ... و بسیاری ... و بعضی ... شدن ابر و برف
... و ... و هرمس گوید اگر در جانب مشرق ... ظهور کند ... بعد
خاصه در چشم و ... **ظهور مشتری در قوس** دلالت کند بر مرگ ... عظیم القدر ...
و گویند ... و ... و کرت ... اعتدال هوای زمستان
و حدوث باران ... و امراض ... بسیاری ... و ... و کرت ...
... و هرمس حکیم گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند در چشم ...
ظهور مشتری در جدی دلالت کند بر کثرت ... در چشم ... حلال ... و برف
... و ... خوب ... هرمس گوید اگر در جانب مشرق بود اول شب ظهور ...
... و ... در چشم ... **ظهور مشتری در دلو** دلالت کند بر ...

سوار و پیاده جنگ کنند و مردم در آن کشته شوند و هلاک گردند [illegible] ظهور مریخ [illegible] و کثرت باران و [illegible]
در میان خلق مشهور و گویند [illegible] حرکت [illegible] و هلاک [illegible] و [illegible] بسیار
[illegible] و هرمس گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند کثرت [illegible] در [illegible] وقت
ربیع باشد **ظهور مشتری در ثور** دلالت کند بر [illegible] احوال ایشان [illegible]
و سلاطین [illegible] و [illegible] زنان و کودکان [illegible] بسیار شود [illegible]
ولادت [illegible] شمالیه [illegible] زلزله در [illegible]
و هرمس گوید که اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند کثرت باران و نم باشد **احکام ظهور مریخ**
در بروج اثنی عشر ظهور مریخ در حمل دلالت کند بر جنس لشکریان و امرا و سپه‌سالاران و سلاطین ایشان
و کثرت فواید و منافع این طبقه و فتح و نصرت ایشان [illegible] کاران و قضات [illegible] سلطان
الحقیقه [illegible] می‌شود که مریخ در [illegible] مشتری [illegible] در خلاف [illegible]
و کند [illegible] **ظهور مریخ در ثور** دلالت کند بر گرمی هوا و وزیدن سموم [illegible]
[illegible] و مرض بسبب حرارت و درد چشم [illegible] در نواحی مشرق و شدت [illegible]
حال [illegible] **ظهور مریخ در جوزا** دلالت کند بر حسن حال [illegible]
و مرض [illegible]
خلایق و [illegible] میان اهل مغرب و شمال [illegible] **ظهور مریخ در سرطان**
دلالت کند [illegible] حال [illegible] و کثرت باد و [illegible]
آب [illegible] در [illegible] شمال [illegible] باشد [illegible] حرارت [illegible]

باشد و درد چشم بسیار [illegible] **ظهور مریخ در سرطان** دلالت کند بر حرکت [illegible] و کثرت [illegible] ظهور [illegible]
[illegible] و حدوث [illegible] امراض حاره در مردم اکثر [illegible] و درد سینه [illegible]
[illegible] و ظهور حشرات الارض و هرمس گوید اگر در جانب مشرق [illegible] ظهور کند [illegible]
[illegible] **ظهور مریخ در اسد** دلالت کند بر قوت [illegible] و کثرت ظلم و تسلط
[illegible] و قوت [illegible] و حدوث امراض [illegible]
[illegible] و حدوث درد [illegible] و هرمس گوید اگر در جانب مشرق وقت شام ظهور
کند باران اندک آید [illegible] **ظهور مریخ در سنبله** دلالت کند بر [illegible]
و حدوث [illegible] درد چشم [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و هرمس گوید اگر در جانب مشرق وقت شام
ظهور کند [illegible] باشد [illegible] **ظهور مریخ در میزان** دلالت کند بر کثرت [illegible]
[illegible] و حرکت [illegible]
اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند باران [illegible] باشد و حدوث رعد و برق [illegible] **ظهور**
مریخ در عقرب دلالت کند بر [illegible] حال امرا و لشکریان [illegible] در نواحی مشرق [illegible] و مرض [illegible]
و کثرت باد [illegible] و ظهور حشرات الارض [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible]
اگر [illegible] باران اندک [illegible]
و کثرت باران و هرمس گوید اگر در جانب مشرق [illegible] ظهور کند [illegible] باران و کثرت [illegible] باشد

ظهور مریخ در قوس دلالت کند بر حدوث حرب در جانب مشرق و کثرت قحط در اطراف و دور و دراز
و خوف ها و نوع [illegible] عامه و امراض حاده و کثرت موت خاصه در [illegible] و حدوث [illegible] در چشم
و بسیاری یخ و تباهی میوه و هرمس گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند [illegible] بسیار
و خفت هوا [illegible] آن باشد [illegible] ظهور مریخ در جدی دلالت
کند بر صلاح حال لشکریان و خونریزی [illegible] و ظهور [illegible] در [illegible]
در میان مشرق و جنوب و هرمس گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند [illegible] باشد
[illegible] ظهور مریخ در دلو دلالت کند بر حرکت هوا و کثرت [illegible]
و نباتات [illegible] باران [illegible]
و بسیاری [illegible] و هرمس گوید که اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند [illegible]
ظهور مریخ در حوت دلالت کند بر [illegible] باران در جانب جنوب و کثرت درد چشم [illegible]
و [illegible] منازل [illegible] و [illegible] گوید اگر زهره در این حال [illegible]
[illegible] و هرمس گوید اگر در جانب مشرق [illegible] ظهور کند [illegible]
[illegible] ترجمه [illegible]
[illegible] در درجه شرق [illegible]
شرق [illegible] احکام ظهور زهره در بروج اثنی عشر ظهور زهره مطلقا دلالت کند بر [illegible] باران و
[illegible] و [illegible] ظهور [illegible] که زهره در این
حال [illegible] ضعیف [illegible] باشد [illegible] ضعف دل

بدن

و بدن [illegible] طبیعت [illegible] باشد ظهور زهره در حمل دلالت کند بر [illegible]
و [illegible] لشکریان و کثرت [illegible] و ظهور [illegible] و حسن حال [illegible]
و [illegible] و بسیاری فواید و منافع و کثرت باران [illegible] و صلاح حال
دنیا ظهور زهره در ثور دلالت کند بر حسن حال [illegible] و کثرت [illegible]
و [illegible] و بسیاری باران ظهور زهره در جوزا دلالت کند بر [illegible]
و [illegible] و بسیاری [illegible] و کثرت [illegible] ظهور
زهره در سرطان دلالت کند بر کثرت مرض [illegible] غلات و میوه ها [illegible] باران [illegible] شدن
[illegible] و صلاح حال زنان ظهور زهره در اسد دلالت کند بر [illegible] و غلات و [illegible]
[illegible] در جانب مشرق [illegible] و ظهور [illegible]
[illegible] و کثرت ظهور زهره در سنبله دلالت کند بر [illegible] امراض در میان زنان و کثرت
[illegible] و فواید و منافع [illegible] و نباتات و [illegible] ظهور زهره
در میزان دلالت کند بر [illegible] امراض [illegible] و ظهور فرح و [illegible]
[illegible] باران [illegible] و کثرت [illegible] ظهور زهره در عقرب دلالت کند بر [illegible]
امراض [illegible] و صلاح نباتات و [illegible] باران و کثرت آب ظهور زهره در قوس
دلالت کند بر کثرت فرح و [illegible] و صلاح حال [illegible]
[illegible] و بسیاری [illegible] ظهور زهره در جدی دلالت کند بر حسن
احوال [illegible] و کثرت [illegible] زنان [illegible] وقت [illegible]

ولد ایه از خفا و ناب رکاری ژرکاه و کثرت تزویج شایع ظهور زهره در دلو دلالت کند بر کثرت غموم
و ذوات [illegible] نزول [illegible] و فوت [illegible] و لذا ایه [illegible] و وبا حدوث امراض بلغمی ظهور زهره
در حوت دلالت کند بر صلاح حال زنان عابده و طبع ایشان و بسیاری مباحات [illegible] و کثرت
[illegible] بیان حکم ظهور عطارد مطلقا دلالت کند بر فصیح [illegible] و کتاب و طب قریب
اهل قلم و دقت در خواص احوال رعایا و کثرت ابر [illegible] و کلام [illegible] تحقیق [illegible]
میفرماید که عطارد در این حال مثل خنثی افروخته شده و قوت یکی و صلاح اعمال کرده و پس اگر در این
وقت مقارن سعود شود عطارد سعادت دهد قوی چون همراه سعد و اگر مقارن نحس شود مضرت او
اشتداد کند و در نحوست قوی گردد ظهور عطارد در حمل دلالت کند بر شدت میاه و کثرت [illegible]
و قحط نتایج غنم و بسیاری موت در زمین عراق و گرانی طعام اگر در این وقت مقارن زهره باشد
سیلها [illegible] و اگر مقارن مریخ [illegible] زحل [illegible] و کثرت آب [illegible]
کثرت عمارت بود ظهور عطارد در ثور دلالت کند بر قتال در نواحی مشرق و مغرب و موت [illegible] و کثرت
[illegible] و بسیاری [illegible] در اطراف مشرق و اگر مقارن مشتری باشد
[illegible] وقت مرگ [illegible] و کثرت [illegible] و اگر [illegible]
رسد و اگر مریخ با او باشد حرب واقع شود ظهور عطارد در جوزا دلالت کند بر حرب و فتنه در نواحی مشرق
و کثرت [illegible] در نواحی شمال و شدت حرب و کثرت طعام و بسیاری [illegible] و کثرت رنج اولاد
و [illegible] ظهور عطارد در سرطان دلالت کند بر فتنه و حرب در اکثر جوانب و اطراف و کثرت
خون ریختن [illegible] و اگر زهره و مریخ با او باشد [illegible] مغرب [illegible] خوف و مرگ رسد و اگر

قر

قرین او باشد موت و مرگ در آن نواحی باشد خاصه در جانب مغرب و قحط طعام بود ظهور عطارد در اسد
دلالت کند بر شدت و کثرت گرما و قحط طعام و بلندی نرخها و حسن حال [illegible] در نواحی شرق
و اگر زهره با او باشد [illegible] و اگر مشتری [illegible] با او باشد دلالت کند بر قحط و
[illegible] ظهور عطارد در سنبله دلالت کند بر خوف و فتنه در زمین [illegible] حدوث امراض [illegible] و درد چشم
و وجع [illegible] و اگر مریخ با او بود در جانب مغرب حرب افتد ظهور عطارد در میزان
دلالت کند بر شدت [illegible] و کثرت [illegible] حال [illegible] و اگر مقارن مریخ باشد [illegible] در چشم و هلاک
[illegible] باشد و موت در جانب مغرب و اگر ظهور او در جانب مشرق باشد [illegible]
[illegible] در چشم [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] ظهور عطارد در عقرب دلالت کند بر کثرت [illegible]
و قتل در نواحی جنوب [illegible] شمال [illegible] حدوث امراض [illegible]
درد [illegible] چشم و امراض [illegible] وقت [illegible] مغرب و اگر [illegible]
افتد [illegible] در جانب مغرب [illegible] زهره [illegible]
بود وقت موت و مرگ بود ظهور عطارد در قوس دلالت کند بر شدت [illegible] و کثرت
[illegible] طرق [illegible] و حرام [illegible] در چشم [illegible]
[illegible] ظهور عطارد در جدی دلالت کند بر حدوث امراض [illegible]
[illegible] و حدوث زلزله [illegible]
[illegible] برج جدی [illegible] در جانب مشرق و مرگ اطفال [illegible]

بدی رسیده بود و از مقارنهٔ مشتری با عکس و اگر مریخ با او بود وقت مغلوب شد سیاه شده چنین مرقوم خورده رود زدو
دلالت کند بر قتل و بدراق و حرکت عدوی که بنواحی مغرب و لشکرکشی ... و وقوع خوف و حدوث
بره‌ها و ترس و وقوع رعب طیرها و اگر زحل با او بود زمان لشکرکشی به نهایت رسد و اگر زهره با او بود
علامات استسقا ظاهر گردد و حیات عورض حسن شود خورده رود زدو دلالت کند بر اسپری ابها
و ورزیدن بادها و ابرهای مرکب در طرف مغرب روده در حکم زنگ و ترانه رفع و در غوال حسن نفع
و اگر مشتری بیش ... در غیب ... محکم نجات تنبیه چون بعضی در دو ده در هرج و مرج
بحرکت نوایا از آفتاب بکنند و اند جانب مغرب و در غیب احوال شوند و هر چند برایند از آفتاب
دور شوند تا بر نهایت شکل رسند و در آنجا باز به آفتاب تقرب جویند تا در حوالی افق مغرب ناپدید شوند و چون از آفتاب
برآیند و احتراق بکنند در غیب آن وقت از جانب مشرق ظاهر گردند پس معلوم شد که بعضی ... نخست ظهور هم
از جانب مغرب باشد هنگام شام و هم از جانب مشرق هنگام صباح تنبیه چون عطارد دائم در حوالی آفتاب
ورزیده است ... که ... نصف قطر تدویر اوست از آفتاب ... نمی‌شود ... اندر شعاع
او غایب است و ... حضرت گفته‌اند که هرکس او را ببیند ... از ... سال بپاید
همچنین ... عبارت ... ست ... اول ... ترکیب ... دیدن او
دعاست ... که در ... اند و ان ... سه بیت است بر این ... روایم الدال
ترقیه ... اراک فاخن ثم اناه فتخیخ قوی ابغ الخ و رد کل العوم الف ... مخرنه
المغموره ... ما حیث ... الارض ... و این ابیات در نسخ مختلف است و در بعضی ...
... و در بعضی ... مذکور است ... ابغ اودک ...

العوم بلا والکریم و بعضی چنین گفته‌اند که این ترکیب از زبان ... حبشه ... سلامت و چون
تصحیح اعراب و حروف و الفاظ ... ثقه ... وجب شد چون این ابیات
حضار مجرد ... ایم بفتح همزه و سکون یای
تحتانی و ضم میم و کسره ... حال بفتح حاء مهمله و سکون الف و فتح لام ترقیة بفتح تا و را و قاف و یا ... مهمله و ضم قاف
مشدده و کسر ... و سکون یای تحتانی حاب بفتح حاء مهمله ... و سکون الف و فتح
... سنه بفتح میم و سین مهمله و الف ساکنه ... کی بفتح کاف و سکون
یای تحتانی اراک بفتح همزه و را مهمله و سکون الف ساکنه و کاف ... فاخن بفتح فا و همزه و سکون
خای معجمه و فتح نون و میم و سکون الف ... فهو بفتح فا و ها و سکون الف اناه بفتح همزه و نون
فتخیخ بفتح فا ... الف ... و سکون ... نون و سکون یای تحتانی قوی
بضم قاف و فتح واو ... ابغ بفتح همزه و سکون با ... و ضم لام و ... غین معجمه الغی مصدر الف
و لام و ضم میم و فتح نون و سکون یای تحتانی ودک بفتح واو ... و دال مهمله و سکون را مهمله و فتح
کاف العوم مصدر بالف و لام و ضم عین مهمله و لام و سکون واو و کسر میم المغمورات مصدر بالف و لام
و فتح غین معجمه و سکون الف و کسر میم و فتح ضاد معجمه و سکون الف و کسر تا فوقانی تمرة بفتح تا و راء
و ضم را مهمله مشدده و با مصدر منصوب ... وانتخ بفتح واو عطف و همزه و سکون نون و فتح تا فوقانی
و سکون کاف و کسره و فتح یای تحتانی و این فعل از ... عطف ... المغموره مصدر
بالف و لام بفتح میم و سکون غین معجمه و ضم میم ... و سکون واو و فتح را مهمله والشر بفتح واو عطف
و همزه ... الف و لام و فتح شین معجمه و را مهمله مشدده تکنه بفتح کاف و فتح لام مشدده و ضم ...

بکسر با و سکون [illegible] و فتح همزه و سکون میم و کسر را چهارم **میک** بفتح میم و کسر لام و سکون یای تحتانی و کسر کاف
همزه پنجم **[illegible]** بفتح [illegible] و کسر لام [illegible] ششم **الارض** مقدم بالف و لام و فتح الف و سکون را و ضم ضاد
معجمه هفتم **[illegible]** بفتح [illegible] و بعد ازان الف و لام و فتح میم مشدده و فتح میم و سکون الف و کسر
همزه و بنا بر نسخه دیگر **[illegible]** بفتح [illegible] همزه و کسر دال اول و سکون دال دوم و کسر
نون و سکون یای تحتانی نهم **ادرک** بضم همزه و سکون دال و کسر را مهملتین و فتح کاف **[illegible]**
[illegible] بکسر [illegible] بیشتر معلوم [illegible] بنا بر نسخه اول چنین باشد که ای [illegible]
هر که [illegible] در صباح و شام [illegible] پس [illegible]
تو [illegible] که [illegible] پوشیده [illegible] اگر کفایت [illegible] شرف
شده [illegible] بتمام [illegible] است و بنا بر نسخه دیگر [illegible]
[illegible] و [illegible] کلام
[illegible] است که ای [illegible] که [illegible] ام
تو [illegible] علوم [illegible] شرف [illegible]
بتمام [illegible] است **[illegible] در احکام تشریق و تغریب کواکب متحیره**
چون کواکب علویه از شعاع آفتاب بیرون آیند ایشان را درین حال مشرقه خوانند و نوسیان
که [illegible] خوانند و لا یزال [illegible] این صفت باشند تا بعد ایشان از آفتاب بشصت درجه رسد
و این کمال تشریق بود و بعد ازان این صفت از ایشان زایل گردد و [illegible] مقابله آفتاب بتغریب موصوف
پس [illegible] نزدیک شوند تا که بعد ایشان از آفتاب بشصت درجه آید و درین حال ایشان را مغرب گویند

و نوسیان گفته اند [illegible] و لا یزال این صفت موصوف باشند تا در جوانب [illegible] مغرب تحت الشعاع ثابت
در آیند و این صفت نیز از ایشان زایل گردد و بعضی گویند که حد تشریق و تغریب در علویه نود درجه است
و این بقیاس اقرب است لیکن جمهور [illegible] اول را [illegible] و [illegible] گوید که بعد از خروج
الشعاع چون بعد ایشان از آفتاب [illegible] درجه [illegible] تا بغایت ایشان را ضعیف التشریق خوانند تا که به نود درجه
رسد و [illegible] بعد ازان تام التشریق از ایشان [illegible] چون از حد تحت الشعاع خارج شوند
در طرف [illegible] مغرب [illegible] باشند و درین حالت [illegible]
زایل [illegible] تحت الشعاع [illegible] تشریق و تغریب [illegible] کوکب [illegible]
اعظم باشد [illegible] درجه است [illegible] درجه باشد [illegible]
که کواکب علویه در تشریق قوی باشند و در تغریب ضعیف لهذا تشریق را [illegible]
و تغریب را [illegible] بعکس این باشند و در تغریب قوی اند و در تشریق ضعیف
و [illegible] اول [illegible] گوید که کواکب در تشریق صاحب قوت باشند و در تغریب صاحب ضعف الا
قمر زیرا که [illegible] است که [illegible] هم از کلام او مفهوم و معلوم است که [illegible]
که [illegible] که اصل برودت است موافق طبیعت قمر [illegible] تشریق
که اصل حرارت است پس قمر را [illegible] کمال [illegible] باشد [illegible] مغرب کمال [illegible]
[illegible] و از کلام یعقوب بن اسحق کندی چنین مفهوم میگردد
که قوت سفلیین در تشریق است چنانکه علویه الا آنکه تغریب [illegible] سفلیین [illegible] است **احکام تشریق و تغریب**
[illegible] یعقوب بن اسحق کندی گوید تشریق زحل [illegible] اول [illegible]

و سیم و ثلث دوم مرض و مضرات میاه و بعد عوز و کمبود اعمال دقیقه و تحصیل بدن و تحصیل اموال [illegible]
غیر محنه و تغریب زحل [illegible] دلالت کند بر [illegible] و خوشی و خیت و تنگی معاش و خسارت اموال [illegible]
و [illegible] قمر در [illegible] و سستی [illegible] و [illegible] و وبا بر **تشریق و تغریب بنفس الحمل** در تشریق دلالت کند
بر خون و تکسر [illegible] بسبب [illegible] و در تغریب دلالت کند بر قتال شدید و هجوم [illegible]
[illegible] و باران وقت استوا در مزاج هوا **تشریق و تغریب بنفس الثور** در تشریق دلالت کند بر [illegible]
[illegible] نواحی برق و کثرت باران [illegible] و در تغریب [illegible]
[illegible] باشد بر نواحی [illegible] و غارت [illegible] علامت کرده و هرمس [illegible] و اختلاف هوا
و حدوث امطار کثیره و هبوب ریاح باشد و بسیاری [illegible] و هرمس گوید اگر در ثلث اول مغرب
باشد [illegible] و در ثلث [illegible] شدید و اگر ثلث ثانی بود دلالت
کند بر [illegible] امور و در ثلث سیوم دلالت کند بر نهب و غارت و امراض [illegible] **تشریق و تغریب**
بنفس الجوزا در تشریق دلالت کند بر [illegible] و در تغریب [illegible]
هوا و [illegible] باران [illegible] و هرمس گوید اگر در ثلث اول باشد مغرب [illegible] امراض [illegible]
حال [illegible] باشد [illegible] و در ثلث دوم صلاح حال [illegible] و در ثلث سیوم
[illegible] باشد **تشریق و تغریب بنفس السرطان** در تشریق دلالت کند بر کثرت امطار و تغیر
هوا و حدوث زلزله و کثرت میاه و در تغریب ضعف حال [illegible] و بسیاری چشم درد
[illegible] و در [illegible] باشد و هرمس گوید اگر در ثلث اول مغرب [illegible]
و در ثلث دوم درد چشم [illegible] و در ثلث سیوم مرگ [illegible] **تشریق و تغریب بنفس الاسد** در تشریق دلالت کند

باشد

[illegible] و در [illegible] و در تغریب [illegible] ثلث [illegible] و [illegible]
[illegible] باشد و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب [illegible] باشد و در ثلث دوم [illegible]
و در ثلث سیوم [illegible] کرده **تشریق و تغریب بنفس السنبله** در تشریق دلالت کند بر کثرت [illegible]
[illegible] و در تغریب [illegible] و [illegible] و در ثلث [illegible]
باشد و هرمس گوید در ثلث اول برج مغرب [illegible] باشد و در ثلث دوم [illegible] و حدوث [illegible]
و درد چشم و در ثلث سیوم [illegible] باشد **تشریق و تغریب بنفس المیزان** در تشریق دلالت کند بر [illegible]
و [illegible] و [illegible] بعد از [illegible] و در تغریب [illegible] و [illegible] باشد و هرمس
گوید اگر در ثلث اول برج مغرب [illegible] و در ثلث دوم [illegible] و در ثلث
سیوم [illegible] باشد **تشریق و تغریب بنفس العقرب** در تشریق دلالت کند بر [illegible]
بسبب آن و در تغریب [illegible] و [illegible] لشکر [illegible]
در حرکت [illegible] و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب [illegible]
[illegible] و در ثلث دوم [illegible] و در ثلث سیوم [illegible] **تشریق و تغریب بنفس القوس**
در تشریق دلالت کند [illegible] و در تغریب [illegible]
بود و [illegible] کند و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب [illegible]
و در ثلث دوم [illegible] و در ثلث سیوم [illegible] **تشریق و تغریب بنفس الجدی** در تشریق دلالت
کند بر [illegible] و در تغریب [illegible] باشد [illegible]
[illegible] و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب [illegible] و در ثلث دوم و سیوم [illegible]

شروق و غروب زحل در دلو در شروق دلالت کند بر موت مردم و امراض در ملوک و در غروب [illegible] بود
در میان مردم و خوف و وبا و ملوک [illegible] و کثرت رطوبت و هرمس گوید اگر در دهه اول برج مغرب شود
[illegible] و در دهه دوم مرگ مشایخ و در دهه سیوم حدوث عفونت و کثرت امراض شروق و غروب زحل در حوت
در شروق دلالت کند بر قلت امطار و کثرت قحط و [illegible] و در غروب [illegible] سلاطین [illegible]
[illegible] و ذات [illegible] هرمس گوید اگر در دهه اول این برج [illegible]
و در دهه دوم [illegible] و در دهه سیوم [illegible] لشکر و اندیشه [illegible]
شروق و غروب مشتری در بروج آتشی یعقوب ابن اسحق کندی گوید که شروق مشتری مطلقا دلالت کند
بر احوال [illegible] و در غروب [illegible] کارهای دینی [illegible]
[illegible] و احوال [illegible] و کثرت اولاد و غروبش مطلقا دلالت کند بر [illegible] دین و [illegible]
[illegible] و [illegible] دین و احوال [illegible] کردن و [illegible] کارها و خدمت کردن [illegible] حق
و نوشتن [illegible] شروق و غروب مشتری در حمل در شروق دلالت کند بر کثرت رطوبات
[illegible] و [illegible] حال رعیت [illegible] باشد و [illegible] قوم [illegible]
باشد و [illegible] و در غروب کثرت [illegible] و ملوک و سلاطین [illegible]
[illegible] و هرمس گوید اگر در دهه اول این برج مغرب شود امراض [illegible] رطوبت
عارض گردد و در دهه دوم مرگ [illegible] باشد و در دهه سیوم مرگ [illegible]
اتفاق افتد شروق و غروب مشتری در ثور در شروق دلالت کند بر کثرت امطار و در غروب مرگ زنان و ملوک [illegible]
باشد و افراط رطوبت [illegible] هرمس گوید که اگر در دهه اول برج مغرب شود امراض [illegible] رطوبت عارض [illegible]

و در دهه دوم موت [illegible] باشد و [illegible] و در دهه سیوم [illegible]
باشد شروق و غروب مشتری در جوزا در شروق دلالت کند بر کثرت امطار و در غروب [illegible] ملوک
و [illegible] و هرمس گوید اگر در دهه اول جوزا مغرب شود ضعف [illegible] شده [illegible] باشد و در دهه
دوم [illegible] باشد و در دهه سیوم [illegible] باشد و کثرت [illegible] شروق و غروب مشتری
در سرطان در شروق دلالت کند بر کثرت امطار و [illegible] بود [illegible] گوید [illegible]
[illegible] باشد و [illegible] باشد و در غروب [illegible] باشد و احوال [illegible] لشکر و سپاه
کند و کثرت [illegible] و اضطراب و تشویش در مردم و هرمس گوید اگر در دهه اول این برج مغرب شود
[illegible] باشد و در دهه دوم [illegible] اموال کند و در دهه سیوم تشویش [illegible] و کثرت
اضطراب [illegible] شروق و غروب مشتری در اسد در شروق دلالت کند بر کثرت امطار [illegible]
[illegible] و در غروب ملوک را [illegible] و امراض [illegible] و در دهه [illegible] عارض [illegible]
[illegible] باشد و هرمس گوید اگر در دهه اول برج مغرب [illegible] امراض [illegible]
و در دهه دوم و سیوم مرگ [illegible] شروق و غروب مشتری در سنبله در شروق دلالت کند
[illegible] و در غروب کثرت [illegible] مردم و امراض [illegible]
[illegible] سلاطین و حکام [illegible] و هرمس گوید اگر در دهه اول برج مغرب شود عارض
[illegible] و ضعف [illegible] و در دهه دوم [illegible] شود و [illegible]
[illegible] و در دهه سیوم [illegible] شروق و غروب مشتری در میزان
در شروق دلالت کند بر [illegible] و [illegible] و کثرت [illegible] و در غروب [illegible]

امراض بود و در حرکت و فرمانده ان وقت امطار و موت و برودت هوا و هرمس گوید اگر در ثلث اول
این برج مغرب شود قلت امطار بود و موت هوا و در ثلث ثانی برودت هوا و در ثلث ثالث علو نرخ
بهایم و هرات روی نماید تشریق و تغریب مریخ در جوزا در تشریق دلالت کند بر ضعف و اضطراب در میان روم
و در تغریب امراض عارض ملوک گردد و دیگر از اقوام پادشاه بیمار گردد و قلت حرکت لشکرها باشد و هرمس
گوید اگر در ثلث اول برج مغرب شود فرقت لشکرها و راحت ایشان بود و صلاح امور ایشان و در ثلث
ثانی و ثالث موت یکی از قوم پادشاه بود یا یکی از فرزندان شریف از خواص پادشاه تشریق و تغریب مریخ
در سرطان در تشریق دلالت کند بر جور و ظلم و جنگ و حرب در میان و در تغریب سموم و امراض ملوک
و حدوث جنگ و موت بزرگی روی نماید و هرمس گوید در ثلث اول این برج مغرب شود رنج و قحط در
پادشاه شود که از ان حزن گردد و کدورت روی باشد و در ثلث دوم و سیوم ملوک و مردی شریف از
مملکت هلاک گردد تشریق و تغریب مریخ در اسد در تشریق دلالت کند بر کثرت امراض در میان قوم و بیماری
و حدوث وقوع رنج و در تغریب ملوک در وقت را بیماری افتد و در جنگ در میان قوم شیوع پذیرد و شورش
پادشاه و رعایا بود و هرمس گوید اگر در ثلث اول این برج شود کشتن یکی قوم بود و حدوث دهای
با علو و در ثلث ثانی اضطراب قوم بود و در ثلث ثالث بوزینی چهارپایان تشریق و تغریب مریخ در دلو
در تشریق دلالت کند بر قلت امطار و ریاح و در تغریب امراض قوم پادشاه شود و موت روی و قلت
امطار باشد و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب شود مرض عارض زنان پادشاه و اقارب
شود و در ثلث دوم کمی باران بود تشریق و تغریب مریخ در حوت دلالت کند بر تنگی معاش قوم و گرانی نرخ
و کمی باران و در تغریب هلاک ملوک و سلاطین و حرکت لشکرها و کمی باران و گشتن او برها و برف و بیخ

و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب شود بر سر و برف بسیار باشد و در ثلث ثانی حرکت پادشاه
بود از موضعی بموضعی و در ثلث ثالث لشکرها با طراف حرکت روند تشریق و تغریب مریخ در برج ذو جسد
یعقوب بن اسحق کندی گوید که تشریق مریخ مطلق دلالت کند بر خونریزی و دلیری و نامداری و سرکشی
در کارهای عظیم و شتاب و رحمت و رنج و تغریبش مطلق دلالت کند بر عیاری و دزدی و دروغ
و کارهای مذموم فرماید چون سلاح و جراحت و کار آتش و آهن و قصاب و طبیب تشریق و تغریب مریخ در حمل
در تشریق دلالت کند بر حدوث اعراض در قوم و جنگ و رنج دیگر و در تغریب کثرت بخشش اموال
ملوک و قلت حرکت جیوش باشد و انقطاع جنگ و هرمس گوید اگر در ثلث اول این برج تغریب شود
خواتین پادشاه مکرم شوند و در ثلث ثانی فرح لشکریان و نشاط ایشان باشد و در ثلث سیوم کثرت
اتفاق حاصل بود و مرضهای رنگی عارض شود زنان را تشریق و تغریب مریخ در ثور در تشریق دلالت کند
بر قلت باران و کثرت قحط و در تغریب حدوث امراض فرزندان صامد و وقوع اتفاق حاصل و فساد
نرخ در اشجار سیما انگور و زیتون و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب گردد چهارپایان را رنج
و در ثلث دوم اتفاق حاصل نباشد و در ثلث سیوم آفت و تاک و درخت زیتون بود تشریق و تغریب مریخ در جوزا
در تشریق دلالت کند بر اضطراب قوم از بدبختی یا کشتن و در تغریب موت عظیم و مرض در قوم
پادشاه و وقوع پذیرد و حریق در بعضی مواضع و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب بود مرگ
مردی شریف اتفاق افتد و در ثلث دوم آتش در شهرها افتد یا در بعضی منازل کتب و امتعه
به درجه اعلی و در ثلث سیوم امراض در قوم حادث شود تشریق و تغریب مریخ در سرطان در تشریق دلالت
کند بر موت و کثرت سموم و امراض در طبایع و وفور بخارات و باران و در تغریب امراض

حاره در جهه حادث گردد و بدین حال چند باد و سقطها اجنه باشد و ثبت یده کر اکثرت حرکت بود و گر
گوید که اگر در ثلث اول برج مغرب شود امراض لاحق گردد و بعد از آن در ثلث دوم و سیوم عرض و دین
سموم شیوع گردد از حرارت **تشریق و تغریب مریخ در اسد** در تشریق دلالت کند بر کمی باران و در تغریب
دال است بر وقت نشاط و قطع امید از بعضی امور و کثرت ظهور اعدا و بد و زیدن باد سموم
در پایان و هرمس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب شود کدورت هوا باشد و مجلس بود و در ثلث دوم
و سیوم از امور مکتوم آشکار شود و امید در حق دهد و خروج اعدا و حدوث حرب بود و حرکت شدید
بود **تشریق و تغریب مریخ در سنبله** در تشریق دلالت کند بر مرگ یکی از فرزندان و در تغریب خون کند
و اسهال و سقطها اجنه و تعب مزارعان باشد و هرمس گوید اگر در ثلث اول این برج مغرب شود
فم و خون کند تب دار باشد و آفتی بود و در ثلث دوم سقطها اجنه یا و در ثلث ثالث عرض و دین
تشریق و تغریب مریخ در میزان در تشریق دلالت کند بر حدوث مطر و رعد و برق و صواعق و در تغریب
خشکی هوا بود و اسهال در آن وقت باران و مرض و دیران از کثرت باد و خروج لشکریان در حق
سپاهیان و هرمس گوید اگر در ثلث اول این برج مغرب شود حرارت خوف بود و در ثلث دوم مرض
دیران حادث شود و در ثلث سیوم لشکریان از فرح در حق ایشان **تشریق و تغریب مریخ در عقرب** در تشریق دلالت
کند بر قحط باران و در تغریب هلاک بهایم و درد چشم و استطلاق اسهال و سکون لشکریان بود و هرمس
گوید در ثلث اول مغرب شود راحت و سکون لشکریان و در ثلث دوم و سیوم اوجاع حیوان و طاعون
خون بود و درا بدان هیجان حرارت **تشریق و تغریب مریخ در قوس** در تشریق دلالت کند بر کثرت
و شدت حرارت و در تغریب ضرر لاحق شود مردم را و چارپایان را یا بعضی روی نعقب دیره کند و کثرت

بود و اسهال و هرمس گوید اگر در ثلث اول این برج مغرب بود خوف آتش و حرب دارد و تب محرقه
باشد و در ثلث دوم اسقاط اجنه و اسهال و باران دهم و کثرت ابر و وقت صفای هوا بود و در ثلث سیوم
غضب ملوک بر رعیت و کثرت التفاق افتد **تشریق و تغریب مریخ در جدی** در تشریق دلالت کند بر فساد
گرم و اسقاط حوامل و در تغریب موت رؤسا و کثرت در حیف و هم و افزون طوسی در لشکریان دولت
باران و هرمس گوید در ثلث اول برج مغرب شود ملوک کوهی نزدیک بود و اگر در ثلث دوم بود هم و خون
و اسهال لشکریان پدید شود و در حیف و دین ایشان آسیب واقع شود و در ثلث ثالث کثرت باران
و رطوبت **تشریق و تغریب مریخ در دلو** در تشریق و تغریب قتال افتد و در زمین عرض و ارض جای خوف
نمایند و ملوک زنان ملوک دیگر را عوارض و شدت کرما باشد و در وقت موت شرفا بود و هرمس گوید که
در ثلث اول این برج مغرب شود عفونت و خوف لاحق مردم گردد و بسیاری زنان حامله باشد و در ثلث
دوم شدت لاحق اهل مغرب شود و در ثلث سیوم موت زنان حامله **تشریق و تغریب مریخ در حوت**
در تشریق دلالت کند بر صحت جسد اگر در برج و در تغریب فساد حال لشکریان بود و فزع ایشان
و اسقاط و اسهال و کثرت باران و حیله و ضیق بند بود **تنبیه** کوشیار جیلی و محیی الدین مغربی و تبع ایشان گویند که اگر
در وقت تحویل شمس برطالع و سلطان مریخ باشد این تعبیرات را مسد گرم کند **تنبیه** اگر مریخ و مشتری متعارف
باشد دلالت کند بر تعدی سلاطین و فرمان دهندگان بر اهل ملوک و اربابی صبحت و علما و قضاة و اکابر
اتفاق افتد که رحل تربیع ایشان بود حکم ندیدیم مدتی بعد از آن **احکام تشریق و تغریب زهره در بروج اثنا عشر**
یعقوب بن اسحق کندی گوید زهره در تشریق و تغریب دلالت کند بر حسن حال عشق و فرح و طرب
و لذات و نکاح و هوا و وجد و اهتمام و حلی حیات و صنعت در تشریق و نتیجه بود در قسمت نقیضه **تشریق و تغریب**

زهره در حمل در تشریق دلالت کند بر حرکت لشکرها و در تغریب رعد و برق و باران بود و اگر در رباط
اعظم بود لشکرها بحرکت آیند **تشریق و تغریب زهره در ثور** در تشریق دلالت کند بر خوشی هوا و در تغریب
سرمای اندک بود و رعد و برق و اگر در رباط اعظم بود فرح بسیار در حکام و ولاة باشد و وسعت و کثرت
منافع ایشان و [illegible] غلات و [illegible] طرق و بسیاری باران و غم بود و مرگ گاو **تشریق و تغریب زهره در جوزا**
در تشریق دلالت کند بر کثرت باران و رنج ایشان و در تغریب گرمی و خشکی هوا بود و اگر در رباط اعظم
[illegible] عارض گردد و [illegible] گوید وقت [illegible] از اعمال [illegible] گردد و گروهی معروف
و معتبر [illegible] باشد و بعضی [illegible] مشهور شوند **تشریق و تغریب زهره در سرطان** در تشریق دلالت
کند بر کثرت مرگ [illegible] و در تغریب رنج [illegible] بود و [illegible]
[illegible] و اگر در رباط اعظم [illegible] شد [illegible] عارض [illegible]
هلاکت [illegible] و حرکت لشکرها بود **تشریق و تغریب زهره در اسد** در تشریق دلالت کند بر کثرت [illegible] و رنج
[illegible] و مرگ زنان [illegible] و در تغریب [illegible] مرگ [illegible] و اگر در رباط اعظم بود
مرگ و زنان [illegible] رنج رسد [illegible] گوید [illegible] بسبب [illegible] منفعت
[illegible] بود **تشریق و تغریب زهره در سنبله** در تشریق دلالت کند بر بیماری
عموم و موت بعضی [illegible] و در تغریب بیماری زنان بود [illegible] و اگر در رباط
اعظم باشد بیماری عموم [illegible] باشد و [illegible] **تشریق و تغریب زهره در میزان** در تشریق
دلالت کند بر بیماری [illegible] گوید بعضی [illegible] مرگ [illegible] در میان
[illegible] و در تغریب [illegible] زنان [illegible] و اگر در رباط اعظم بود زنان [illegible]

ولایم

مرگ رسد [illegible] گوید [illegible] بود و [illegible] **تشریق و تغریب زهره در عقرب** در تشریق دلالت کند
بر کثرت رنج و مرگ [illegible] و در تغریب [illegible] بود و [illegible]
[illegible] و اگر در رباط اعظم بود [illegible] اشراف [illegible]
[illegible] شد **تشریق و تغریب زهره در قوس** در تشریق دلالت
کند بر [illegible] و در تغریب [illegible] و اگر در رباط اعظم [illegible] باشد امراض [illegible] مرگ
[illegible] **تشریق و تغریب زهره در جدی** در تشریق دلالت کند بر رنج و کثرت
[illegible] و در تغریب [illegible] و اگر در رباط اعظم باشد [illegible]
[illegible] اشراف [illegible] شوند [illegible] گوید
[illegible] **تشریق و تغریب زهره در دلو** در تشریق دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و در تغریب بیماری [illegible]
[illegible] و اگر در رباط اعظم بود [illegible] باشد **تشریق و تغریب زهره در حوت**
در تشریق دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و در تغریب [illegible] بیماری [illegible] و اگر در رباط اعظم [illegible] اشراف [illegible] **تتمه**
تغریب زهره [illegible] و اگر [illegible] آن حکم [illegible]
کمال بود و اگر [illegible] باشد [illegible] **تتمه** تشریق زهره [illegible] دلالت کند
بر [illegible] **تتمه** تشریق زهره و مشتری [illegible] دلالت بر [illegible]
[illegible] کند [illegible] و اگر [illegible]

باشد تنبیه تثلیث زهره و مریخ ... دلالت کند بر خفض معاش ... و قبول ... و ...
... و اگر با تربیع ... باشد ... و حرکت ... باشد بطرف مشرق و ...
اتفاق احکام تثلیث و تربیع عطارد در بروج آتشیه یعقوب بن اسحق کندی گوید که در تثلیث و تربیع
عطارد دلالت کند بر ... و ... و ... و اگر ...
... تثلیث و تربیع عطارد در حمل در تثلیث دلالت کند بر حدوث ... و ...
... و در تربیع ... و اگر ... با خصم ... و ...
... مواضع ... تثلیث و تربیع عطارد در ثور در تثلیث دلالت کند بر ... و ...
و در تربیع ... و اگر ... با خصم ... باشد تثلیث و تربیع عطارد در جوزا
در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ... و اگر
... با خصم ... باشد ... و ...
تثلیث و تربیع عطارد در سرطان در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ...
... و اگر ... با خصم ...
... باشد ... تثلیث و تربیع عطارد در اسد در تثلیث دلالت کند بر ...
... و در تربیع ...
و اگر ... با خصم ... تثلیث و تربیع عطارد در سنبله
در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ... باشد
و اگر ... با خصم باشد ... تثلیث و تربیع عطارد در میزان

در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ...
... و اگر ... با خصم باشد ... و در تثلیث ...
تثلیث و تربیع عطارد در عقرب در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ...
... و اگر ... با خصم ... تثلیث و تربیع
عطارد در قوس در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ... باشد و اگر ... با خصم ...
... باشد تثلیث و تربیع عطارد در جدی در تثلیث دلالت
کند بر ... و در تربیع ... و اگر ... با خصم ...
... تثلیث و تربیع عطارد در دلو
در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ... و اگر ... با
خصم باشد ... تثلیث و تربیع
عطارد در حوت در تثلیث دلالت کند بر ... و در تربیع ...
... و اگر ... با خصم ... تنبیه تربیع
... دلالت کند بر ...
... تنبیه ...
دلالت کند بر ... تنبیه تثلیث عطارد و مشتری ... دلالت
کند بر ...
... تنبیه تثلیث ... عطارد ... دلالت کند بر ...

در طلب مزاج و جمع کردن اموال تنبیه اگر کواکب متحیره که هر کدام در تشریق و تغریب مرتبه حکم این پیدا
نه باشند مخصوص بحکم ... [illegible] ثبات ... هم کنند. باب پنجم در احکام شرف و هبوط کواکب
در وبال و جمع و جمعیت کواکب و آن مشتمل است بر چند فصل فصل اول در شرف و هبوط کواکب
موضع شرف و هبوط کواکب ... انقطاع ... است و کیفیت آن در شرح ... باب ... [illegible]
مفصل ... طالب تحقیق ... بدانست احکام شرف شمس دلالت کند بر قوت ... و ...
رفعت ... و ... ملوک ... حال ... خلایق ... و ... جمعیت ... تقسیم چهارم
... عیان ... شرف ... نسبت ... و ... تنبیه ... و ... علامه
... کواکب ... شرف ... قوت ... برج حمل که ...
شرف او ... که ... منسوب شده است ... طبع ... آفتاب ...
در این برج ... چون آفتاب ... برج شرف ... [illegible]
شرف ... قرب ... قمر ... [illegible] ... مرتبه
... چهار ... درجه ... کند ... گوید ... [illegible]
... ملوک احکام شرف قمر دلالت کند بر ... حال ... [illegible]
... دولت حال ... [illegible] ... از ... [illegible]
در ... تنبیه محقق ... که قمر در شرف ... کواکب دیگر
... که چون ... برج شرف ... است و قرب ... [illegible]
در شرف ... برج ... قوت ... [illegible]

یکنند

۲ ب	۷ ز	۶ و
۹ ط	۵ ه	۱ ا
۴ د	۳ ج	۸ ح

میکند تنبیه در کتاب ... الارواح مذکور است که چون قمر ... بروج ... بدون ... [illegible]
... [illegible] ... مرتبه ... کنند ... [illegible]
بند ... و اگر ... بند ... خواهی ... و اگر ... زندان دفع ... [illegible]
کند و اگر ... کند ... راجعت نماید و اگر ... [illegible]
رسند ... [illegible] ... کرده ...
در این باب ... ولایت ... الصلوات ... این نوع ... کرده
نظم ... [illegible] ... الا ... [illegible]
... ایات ... جعفر بن محمد صادق علیه السلام نسبت کنند احکام شرف زحل دلالت
کند بر قوت ... ملوک ... [illegible]
... [illegible] ... مشایخ ... [illegible]
و قوت ... تنبیه ... [illegible] ... کواکب
در شرف زحل است زیرا که کوکب است ... [illegible] ... شرف ... بحیث ...
در طلب ... طبیعت ... تنبیه محقق ... [illegible] ... چنین نقل کند
که چون ... شرف ... زحل ... [illegible]
... [illegible]
و اگر ... [illegible] ... اگر ... [illegible]
با شرف ... احکام شرف مشتری دلالت کند بر رفعت و ... احکام و قوت ... [illegible]

و	ز	ب
٦	٧	٢
ا	ه	ط
١	٥	٩
ح	ج	د
٨	٣	٤

و قضاة و عیان و ارباب مناصب و ترتیب یافتن این طایفه از سلاطین و وزرا و بازارها و منفعت کار
و کسب یا معیشت و کثرت نقود سیم و ترتیب صالحات و علما و رونق مساجد و مدارس و ایمنی و فراخی و بسیاری
خیرات و صدقات تنبیه حکیم عمر خیام گوید که چون مشتری بدرجه شرف رسد مربع وفق [illegible]
بر کاغذ کشند و با خویش بدارند نزد قضاة و وزرا صاحب قبول باشند و محبوب القلوب گردند و اگر شب
در خزان در گلاب بر خود کشند بوقت صبح به بر دیوانه ببندند آن حالت زایل گردد و حکیم
مذکور این شکل را تالیف القلوب گوید احکام شرف مریخ دلالت کند بر قوت حال امرا و لشکریان
و حکام و زورا و تمکین ایشان و ترتیب یافتن از سلاطین و میل مردم بعیش و فجور و غفلت ظلم و دزدی و بازار
اسلحه و دواب و رغبت خلایق بدلیری و ورزش سلاح و مایل شدن مردم به آن بجهان گیری
و فتح قلاع و رواج بازار آتش کاران سیماب گران تنبیه کامل محقق نصیر الملة والدین الطوسی
قدس سره میفرماید که دوم و اول کواکب حالا وعده در تمکین شرف مریخ است زیرا که چون
مریخ تحویل برج شرف کند اول او خود برج دهم به شرف و هفتم او در آن امر تراید پس دوم
گردان برج سایر باشد محفوظ بحفظ شرف واستیفاء آن جا تنبیه محقق برجندی گوید که چون
مریخ بدرجه شرف یا حوالی آن رسد منظور نظر تثلیث زهره نگشته وقت [illegible] بر قطعه کاغذ یا پاره
کرباس هر کدام اختیار کند شکل در خزان بنویسد و هم در آن وقت بچسپانده با خود نگاه دارد اگر چه دیگر
دشمن ایمن باشد و چون مصاف یا خصومت دست دهد در حال آن نوشته را از هم بگشاید مسکن
آن اثر غلبه و فتح و ظفر روی نماید احکام شرف زهره دلالت کند بر قوت حال خواتین و سلاطین
و نوادر سرایان و بسیاری لهو و لعب و فرح و طرب و [illegible] و صحت [illegible] و کثرت [illegible]

دلالت

و دو شیر کاران و کثرت نبات و میوه و بسیاری اشجار و اثمار و رواج بازار قند فروشان تنبیه
افضل المحققین و اکمل العلما مولانا حسن قدس سره میفرمایند که دوری کواکب در شرف [illegible]
زهره است لیکن چون زهره بدرجه شرف رسد در دقیقه مجموع دگرگون گردد از جهت مفارقت برج شرف
دو ده است برج حمل که وبال مقابله اوست تنبیه مولانا شرف الدین علی یزدی آورده
که چون زهره بدرجه شرف یا حوالی آن رسد و چند روز اولیه سرطان مربع وفق پنج در پنج را بر ورق
نقره بنویسند بوقت سعادت زهره و در چند روز با خود نگاه دارند در جماعت و دنیا ثروت اثر عظیم کند احکام
شرف عطارد دلالت کند بر رونق و رواج دین و قوت حال مستوفیان و منشیان و دبیران و دانایان
و [illegible] و اهل قلم و علما و شعرا و اطبا و میل مردم به تحصیل و تعلیم و تعلم معقولات و حکمیات و رواج
بازار کتب و کتابت و رونق پیشه کاران و رسیدن اخبار رسالت و دنو تنبیه در کتب [illegible]
مذکور و مسطور است که چون عطارد بدرجه شرف و اصل شود مربع وفق شش در شش را در خزان
در گلاب برکرباس یا پاره کتان رقم کند و چون قمر در شرف باشد کرباس نوشته نگاه دارد مسحور
و دیوانه آن جمله تلبس کرده و اگر در حل طعام کرده بخورانند زیرکی در ذکا میفزاید احکام هبوط شمس دلالت
کند بر تنزل و زوال حال ملوک و سلاطین [illegible] و کساد بازارها و پیدا شدن [illegible]
و [illegible] اسب و کساد بازار [illegible] طلا و لعل [illegible] در جهت آتش کاران و بیماری
معارف احکام هبوط قمر دلالت کند بر تشویش و اضطراب عامه و کساد بازارها و دلتنگی کارها
و بیماری عورات و اطفال و بد حالی [illegible] و خوف [illegible]
[illegible] احکام هبوط عطارد دلالت کند بر ضعف حال ملوک

قرینه و تفرقه اشراف و روسا و بی‌خویشتنان و نقصان کشت و ضیاع و چهارپایهای فربه و هلاک
ستوران و مرگ بندگان و بزرگان و حزن و غم بسیار و ضعف پیران و زحمت کاروانیان و تفرقه
در اقلیم اول احکام هبوط مشتری دلالت کند بر ضعف و تنزل وزرا و قضاة و ارباب مناصب و خیانت
و عدول و ضعف دار الشرع و نقصان کار اشراف و بزرگان … و توقف در مهمات
بزرگان و پیدا شدن … احکام هبوط مریخ دلالت کند بر ضعف حال لشکریان و مردم و عزل ایشان در هم
و عزل حکام و … زحمت … و گرفتاری مردان و … بزرگان
و کساد … احکام
هبوط زهره دلالت کند بر بیماری و کدورت زنان و … و ضعف … و سپاهی
… احکام هبوط عطارد
دلالت کند بر ضعف و نکبت … اهل قلم و … و دروغ
… و ارباب … و دروغ
… فصل دوم در احکام وبال کواکب
… احکام وبال زحل دلالت کند بر حسرت و … و …
… و …
و کدورت پیران و … احکام وبال مشتری دلالت کند بر ضعف حال وزرا و ارباب دانش و قضاة
و … و …

و … احکام وبال مریخ دلالت کند بر بیماری و تنزل حکام و امرا و لشکریان و … اهل صلاح
و گرفتاری مردان و … عداوت میان مردم و فتنه‌های پنهانی و ظلم … لشکریان …
بسیار … احکام وبال شمس دلالت کند بر … ملوک و تنزل … سلاطین و …
و … و تغیر هوا … و … شدن …
… احکام وبال زهره دلالت کند بر بیماری و ضعف … و …
… احکام وبال عطارد دلالت کند
بر نکبت و ضعف حال عمال و اهل قلم و دیوانیان و …
… احکام وبال قمر دلالت کند بر بیماری
… و …
فصل سیوم در احکام اوج و حضیض کواکب احکام اوج زحل دلالت کند بر صلاح احوال روسای حشم و …
… احکام اوج مریخ احکام اوج
مشتری دلالت کند بر … و …
احکام اوج شمس دلالت کند بر قوت ملوک و … احکام اوج زهره
دلالت کند بر صلاح احوال … زنان احکام اوج عطارد دلالت کند بر صلاح
احوال کتاب و … اهل قلم … احکام حضیض … احکام اوج …
تنبیه … کتاب …
… احکام … کواکب …

بر دشمنان است و سابع بهم منسوب دارد و ان و قسمی منسوب است و بر دو و با عدد و عقد ر منسوب

ارکان و بروج منسوب است به پدر و مادر و صاحب حیض و مشتری منسوب است و دو قسمی و اصل و فروع و در فصل ... بر

قوانین قمر منسوب حوادث و خدم و افلاک و بین کواکب و اشراق بر بروج منسوب دلالات و حدود

و دو بر منسوب جهات و درجات منسوب اوتاد و قوی منسوب حرکات و اتصالات و ثوابت منسوب منازل

و کواکب و درجات منسوب اوتاد و حدود و کواکب در خانه منسوب شخص است در شهر خود و در میان

قرابت خود و در بعضی خواص منسوب شخص است که هر دو ... باشد و در بعضی نحو منسوب شخص است که او را

خوف ... و در حرکت منسوب شخص است ... و اتصالات منسوب شخص است و بعضی اشرف

... منسوب شخص است ... و در جهت منسوب شخص است که از مطالب خود دور مانده و ...

... منسوب شخص است ... منسوب شخص است ضعیف و ... و ... منسوب شخص است ...

... منسوب شخص است که ... منسوب شخص است ...

... منسوب شخص است که ... و کواکب ... منسوب شخص است ...

که ... کواکب ... منسوب شخص است ... منسوب شخص

... منسوب شخص که ... منسوب ...

... که در حال ... و در بیت ... منسوب شخص که ... و در بیت ...

منسوب شخص ... و در بیت رابع منسوب شخص ... و ... و ...

خود و در بیت خامس منسوب شخص ... و در بیت سادس منسوب شخص ...

... و در بیت سابع منسوب شخص ... و در بیت ثامن منسوب شخص ...

و در بیت تاسع منسوب شخص که ... و ... منسوب شخص ... و در ... منسوب شخص ... و ...

... منسوب شخص ... و ... و در بیت ... و ... منسوب شخص ... و ... و ...

مستقیم باشد آنچه او را از مقام است

باب ششم در احکام اشیاء متفرقه

و این مشتمل است بر پنج فصل و در این کتاب ... چند فصل در احکام اشیاء متفرقه که ... احکام ... از ... چند ... و این باب ... کرده شد

فصل اول در احکام سهم الحوادث

... احکام ... این سهم ... حوادث ... ابو ... جامع الاحکام

... و ... در این ... در صفت ... و ...

... الحوادث ... و ... این نوع است که ...

... سهم الحوادث باشد ... دائم

... این سهم ... و ... در ...

... این ... و ... سهم ... و ...

... باشد ... و ...

... و اگر در ... خانه ... دلیل است ...

... و اگر در ... خانه ...

... و اگر در ... خانه ...

... و اگر در ... خانه ...

... و اگر در ... خانه ...

عموم بود و حروب میان ایشان باشد و خبرش ... و در خلایق در وقوع آید یا در وقت و اگر در کوچ ... منادی جهاد

با کثرت کشتگان های عجم باشد و تهمت و بهتان در خلفای روزگار بجهت کتابت و ظهور بیتهای دیوان

... شده و اگر در برج قوس باشد در وقتش باران آید و فتح کارهای عوام آن سال باشد و ...

صفت حکم شعری یمانی ... و در حرب شعری ... آن روز ... قوت ...

دیگر که ... در میان ثوابت بیفتد و در این زمان ... مقدم ... صلح

می کند و هر حکم در وقت طلوع او در وقوع ... در هر یک از بروج اثنا عشر حکم ... و تفصیل حکم ...

... قدیم ... که ... استخراج آن از کتاب ... کرده ...

... معروف داشته اند ... [illegible] ... کتاب ...

... طلوع شعری قمر در حمل باشد دلالت کند بر کثرت

باد و باران ... در جبل ... و خرق ... و کثرت میوه ...

و ظهور حشرات الارض ... و محصولات ...

گردد و غلات ... ولایت ... باشد و کثرت ...

شتر ... باشد ... و جوب در میان ...

... گردد ...

... در ولایت ...

واقع شود و انواع خوف ... در ولایت مغرب

... مضطرب گردد و اگر در وقت طلوع شعری یمانی قمر در ثور باشد دلالت کند بر وقوع

باران

... و اگر ... در ولایت ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... و اسلام

... [illegible] ...

... [illegible] ... و در این سال ...

... قمر در جوزا باشد ... دلالت ... و اگر در وقت طلوع شعری قمر در جوزا باشد

دلالت کند ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... در ولایت ...

... [illegible] ...

... و در این سال ...

طلوع شعری قمر در سرطان باشد دلالت کند ...

از سوی ضعیفی بر ضعیفی مستولی شدن و جای مخوف در کمین و حدوث مرض حاد و هلاک مردم از آن دنبال
دلیل قوی بر ظلمات و جدری و حصبه و آفات عجیب و مدتی دراز و بود و قال ... این مورخ هم و ...
دیگر کیش گری از خطه ... و مرض و هرم باشد و ... زمستان و شدت ... و تغیرات
در ولایت ... و اندیان ... در اول سال ... و ... ثمرات و در ولایت ...
قحط و ... و ... راتب و باران ... حادث گردد و ... ظاهر گردد
و ... ماه و ... نقصان کند و پادشاهی ... دلالت کند ...
... و ... اول نام او **...** باشد ...
... و اگر در وقت طلوع شعری قمر **در اسد** باشد دلالت کند بر کثرت باران ... گندم ...
در ولایت شام و ... و ...
... باشد و ... و ...
... و شمال ... بحث کرده ...
... و لشکر ... در ولایت مشرق ... و حدوث زلزله ...
... مردم ... و ...
و پادشاهی ... و ...
... و ...
... که اول نام او **...** باشد
در این سال ... و اگر در وقت طلوع شعری قمر **در سنبله** باشد ... وقت ...

... اول سال ... کند و ... مردم ... و کذب و دروغ ...
و کرم در ... دلالت ... صاحب ... و ...
... در ولایت ... اضطراب ... و گندم ... و ... نقصان کند
و قحط و باران ... مردم ... اشتغال نمایند و ... کم ...
و ... و ... غرق ... و پادشاه ... بزرگ ...
... و ... و ... سبب ... شوند ...
کردند ... اضطرابات حادث گردد ... و ... مردم ...
و ... اتفاق ... و ... و ...
... در وقت ... واقع شود و ... شوند ...
... دلالت ... که اول اسم او **...** باشد ... غرق شود
... شرف ... و اگر در وقت طلوع شعری قمر **در میزان** باشد دلالت
کند بر کثرت ... و ... گندم ... و ... مردم ...
... شوند و پادشاه ... باشد ...
... و ... باشد و ... گندم ... و ...
نقصان کند ... و مردم ... باشند ...
... گردد ... اضطراب ... باشد ... دلالت ... نقصان کند
و در ولایت ... و ... و ... و ...

مدد باشد بمصر رسد و دفع ایشان نماید و در فصل خزان رنج مردم بود از علت [illegible] و [illegible]

و دشمن [illegible] مغلوب گردانیده شود و موت [illegible] در [illegible] مصر [illegible] گران [illegible] سپاه

در شهرهای آن روی نماید و [illegible] سال [illegible] فصل [illegible] دیده و درد چشم و [illegible]

بزرگ شیوع یابد و مردم [illegible] قوت گیرند و [illegible] ضعیف شوند و شیخی بزرگ که اول اسم او ی یا ط باشد

بمیرد [illegible] شهر [illegible] نماید [illegible] چنین [illegible] که اول اسم او ق باشد [illegible]

بمیرد و اگر در وقت طلوع مشتري قسمتر در عقرب بود دلالت کند بر کثرت [illegible] باران و برق و شهاب [illegible]

[illegible] دشمن [illegible] سپاه [illegible] گران شوند و در میان مردم [illegible] ظاهر گردد [illegible]

از مردم [illegible] خوش [illegible] در اول سال [illegible] سپاه [illegible]

[illegible] زنان [illegible] جو و گندم [illegible]

بالفرة [illegible] شام [illegible] ولایت [illegible]

حادث شود [illegible] ضعیف بود [illegible] سپاه حادث شود [illegible] غرق شوند [illegible]

از [illegible] سپاه [illegible] و موت در میان زنان شایع گردد [illegible] باشد [illegible]

پیدا شود [illegible] و مشرق [illegible]

[illegible] که اول اسم او ح باشد [illegible]

و اگر در وقت طلوع مشتري قسمتر در قوس بود بیماری و موت سپاه [illegible]

در [illegible] سپاه [illegible] بیماری [illegible]

بیماری [illegible] گندم [illegible] سپاه [illegible] در میان

[illegible] و موت در [illegible] شایع گردد و [illegible] دلالت [illegible] و [illegible]

حادث شود و در ولایت مغرب [illegible] و در [illegible] سپاه [illegible] در [illegible]

[illegible] عارض شود [illegible] سپاه [illegible] و موت رسد و شیخی بزرگ که اول اسم

او ی یا خ باشد [illegible] و اگر در وقت طلوع مشتري قسمتر در جدی باشد دلالت کند بر [illegible]

[illegible] و حدوث امراض [illegible] و [illegible]

[illegible] مشتري [illegible] و اگر در وقت غروب [illegible]

[illegible] زنان [illegible] و میان [illegible]

[illegible] در ولایت [illegible] گندم [illegible]

[illegible] حدوث [illegible] و [illegible] شدن [illegible]

[illegible] در میان مردم [illegible] کند و اموال ایشان [illegible] کند [illegible]

[illegible] مردم [illegible] و بعضی مردم [illegible] غارت کنند و در اول [illegible]

[illegible] واقع شود [illegible] امراض [illegible] چشم [illegible] و موت

[illegible] واقع شود [illegible] که اول اسم او ی یا م یا ق باشد صاحب [illegible] و مریض گردد [illegible]

و اگر در وقت طلوع مشتري قسمتر در دلو باشد دلالت کند بر آنکه در ولایت [illegible] و در اول [illegible]

[illegible] باشد [illegible] شده [illegible] و [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] سپاه [illegible] و موت [illegible] و [illegible] ضعف

[illegible] در میان مردم عارض گردد و [illegible] سپاه [illegible] کنند و [illegible]

و پادشاه دیگر از فرزندان او بقتل رسد و در ممالک مغرب قحط و [illegible] و دردی نماید و در بابی
بحث و [illegible] را نهایتی قوی که بجانب [illegible] شده ملاحت کرده و اینه در ولایات را عزیز رسد و [illegible] کند
کند و کشتیها را آفت رسد و از جانب شام هیچ ولایات مصر روند و [illegible] و زنان و کنیزان تلف شوند
و جو و گندم ارزان کردد و میانه دو لشکر و از جانب مشرق و مغرب باشد قتال افتد و بهایم از کمی علف
زبون شوند و بعضی تلف کردند و شیخی که اول اسلام آورده باشد [illegible] شود و [illegible] و اکر در وقت
طلوع ذو ذؤابه یعنی قسم **در عقرب** ولایت کند بخوف [illegible] و هلاک [illegible] در [illegible] آفات لیکن
و دواب میل [illegible] شوند و کسی کبود و رنگ ظهور کند که ایذا [illegible] کند و مردم [illegible] احوال [illegible]
و [illegible] آن [illegible] و لشکر پادشاه را بسیار تلف شوند و شیوع کذب و تهمت و [illegible] در میان مردم پدید
و [illegible] که بسیار شوند [illegible] در ولایت شام و دستان [illegible] و [illegible] بسیار [illegible] و میانه جنوب
و روم جنگ و جدال افتد و کفار قلاع و ولایات بگیرند و [illegible] بدلشکری خراب شود و در [illegible]
بیماری افتد و اکثر [illegible] را آفت رسد و اضطراب [illegible] و کوسفند تلف [illegible] و طایفه [illegible]
[illegible] شوند بعضی در [illegible] و بعضی در [illegible] جمع شوند [illegible] و لشکر عظیم [illegible]
[illegible] در [illegible] حرب کنند و قطع طریق [illegible] باشد [illegible] اخذ کنند و [illegible] باید دار [illegible]
و [illegible] و دیوانه شوند و [illegible] لب [illegible] کرده و پادشاه و رئیس عظیم القدر بکشد **تنبیه** محقق
فاضل مولانا عبدالعلی البرجندی در رساله [illegible] که [illegible] طلوع ذو ذؤابه اول [illegible]
کرده [illegible] ملاحظه نمایند که [illegible] کدام برج [illegible] در [illegible] حوادث [illegible] استدلال نمایند
پس اکر [illegible] **در حمل** [illegible] قتال [illegible] و [illegible] کرده و جلای وطن

[illegible]

لب [illegible] شود و اکر **در ثور** [illegible] رسد و [illegible] محصولات [illegible] مانند [illegible] بسیار [illegible]
[illegible] افتد و پادشاه [illegible] اکثر [illegible] باشد و اکر **در جوزا** کندم را آفت رسد و [illegible]
[illegible] متفرق شوند و هلاک [illegible] و اکر **در سرطان** [illegible] آفت رسد و اکثر [illegible] باشد و [illegible] تلف
کردند و [illegible] احوال [illegible] و [illegible] و [illegible] پادشاه را اید و اکر **در اسد** [illegible] و اکثر [illegible]
[illegible] جنگ و [illegible] و اکر **در سنبله** [illegible] محصولات [illegible] آفت رسد و کشتیها غرق
شود و پادشاه عظیم القدر [illegible] و [illegible] زوال کند و اکر **در میزان** [illegible] جنگ و [illegible]
[illegible] و [illegible] ارزان کردد و اکر **در عقرب** قحط و [illegible] کردد و [illegible] ظهور [illegible]
و اکر **در قوس** [illegible] بسیار [illegible] و [illegible] کنند و از اطراف [illegible] پادشاه [illegible] کند
و خروج کند اکثر [illegible] و اکر **در جدی** [illegible] و [illegible] از [illegible] ملوک فوت شود و اکر **در دلو**
[illegible] و [illegible] قتال [illegible] و اکر **در حوت** [illegible] کندم [illegible]
و فوت [illegible] **تنبیه** محقق برجندی [illegible] رساله [illegible] نیز در شرح [illegible]
[illegible] که [illegible] بعضی [illegible] قبل از طلوع ذو ذؤابه [illegible] یا [illegible]
که [illegible] و [illegible] جدا جدا [illegible] کنند [illegible] و چون [illegible] طلوع کند
ملاحظه کنند [illegible] آثار [illegible] کویند [illegible] و [illegible]
باشد کویند [illegible] **تنبیه** [illegible] که از اعوام تقویم [illegible] خوانند [illegible] تقویم [illegible]
[illegible] باشد [illegible] از [illegible] محصولات نسبت کنند [illegible] کدام نسبت
[illegible] کویند [illegible] بیشتر [illegible] و اکر کمتر [illegible] کویند

نیکو باید. تمت و در وقت طلوع سهیل نیز از لون او و جوی که در آن شعشعه نیز از آن ظاهر میشود و بعضی حکم بر حوادث
آینده استدلالات نموده‌اند چه از لون او همچنین [illegible] و نیز از او خبری کنند چنانکه در کتب
[illegible] که از متقدمات ایشان است مذکور کرده‌اند که هرگاه سهیل طلوع کند اگر [illegible] باشد
دلیلست بر کثرت بیماری در میان خلایق و اگر برنگ زرد باشد دلیلست بر هلاک [illegible] و اگر [illegible] نماید
نماید دلیلست بر هلاک چهارپایان و اگر در وقت طلوع لرزان نماید دلیلست بر [illegible] و اگر برنگ لعل
یا زرد نماید دلیلست بر حروب و قحط و اگر در مقام و شهری تاریک نماید دلیلست بر [illegible] آن مقام و شهر
و اگر برنگ تیره یا [illegible] نماید و یا شعاع او روشن دلیلست بر بسیاری غلات و [illegible] از خوف [illegible]
نماید و اگر بوقت طلوع او کوکبی که او را [illegible] از ذوات الاذناب [illegible]
و پیدا شود دلیلست بر قحط و وبا. **فصل سیوم در احکام آثار علوی و در آن [illegible]** و آن مشتمل است بر [illegible]
بدانکه [illegible] و مجرب [illegible] ارسطاطالیس [illegible]
طبقات [illegible] که موسوم است [illegible] آثار علوی [illegible] نجوم [illegible] معروف
بسیار [illegible] دانسته‌اند و احکام [illegible] بسیار [illegible] و بطلمیوس [illegible]
و در کتاب اربع مقالات و ثمره [illegible] مفید [illegible]
و از آن کتاب [illegible]
اکثر [illegible] اصحاب [illegible] النجوم [illegible] در شرح این [illegible] که دلالت
آثار علوی بر تجددات [illegible] دلالت [illegible] معمول [illegible] دیگر از آن علت
چنانکه از شعاع بر حوادث و نفس طلوع است که [illegible]

[illegible]

اندک و لیکن در حکم تجربه دلالت کیفیت [illegible] و محتاج [illegible] این مطالب
اندک [illegible] که مقتضی [illegible] تجربه باشد [illegible]
که در غیر ایشان نیز این چنین استدلال بسیار باشد چنانکه [illegible] مشهور
و معروف [illegible] محقق [illegible] مسلم [illegible] نفوس [illegible] استدلال [illegible]
مقاصد [illegible] مطالب [illegible] طلوع [illegible] که بعضی [illegible]
[illegible] **مقصد اول در احکام [illegible] بسبب شعاع [illegible]** [illegible]
طلوع آفتاب اگر برنگ [illegible] یا سبزی [illegible] شعاع او [illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] طلوع [illegible] پیدا شود [illegible]
[illegible] دلالت کند [illegible] و اگر [illegible] طلوع [illegible] دلیلست بر [illegible]
[illegible] سرخ [illegible] دلیلست [illegible] و اگر [illegible]
آفتاب [illegible] دلالت کند [illegible]
[illegible] دلالت کند بر سردی هوا و باران [illegible] و اگر در وقت طلوع [illegible]
آفتاب [illegible] دلالت کند بر [illegible]
[illegible] دلیلست [illegible] و اگر برنگ [illegible] باشد و اگر [illegible]
[illegible]
و دلالت کند بر [illegible] که [illegible] آفتاب [illegible] طلوع

کاه به قوی زمانی چنین نماید و دو ماه بدین بار بر هوا اندران روزها بسیار سرد گذرد اگر ابر باشد هر چند
ماند تا چشم رود و باران بسیار بارد و صاحب نگاه گوید که اگر ثاقب در برج حمل باشد و مظلم و تیره نماید دلالت
کند بر هلاک اشراف شام و اگر ان علامت پیدا آید تا تمام روزها هلاک گردی بزرگ عظیم الشان باشد و اگر
در چند روز توقف بعید و مدت باشد اثر آن نیز کمتر شود و اصلح رئیس الربع و فتنه لاحق گردد و اگر
در ثور باشد و سرخ باشد هلاک ادنیان و نقصان ثمرات باشد و اگر در برج جوزا سرخ نماید حرب و قتل
عظیم باشد و قحط ظاهر شود و اگر در برج سرطان باشد مضرت بامیان و اهل خوان و نعمت واسعه دو نوا
انهار رود کم آید و اگر چشم اید و اگر ثاقب در برج اسد باشد دهد و هوا ثاقب دایره
باشد و اضافه کردی چند بود از بدها ی ملک و هاي مملکت نهند و لشکر ها اید و اگر ثاقب باشد
دو دایره و صاحب آن ملک باشد نفع آید و اگر در میزان باشد سرخ شود حال اهل مدینه تیره شود و
کرده و مضطرب شوند و اگر تاریک شود و ضرر او کم شود چنانکه شاید قرار گرد و علامت موت بیش و قتل
بحث داهی مغرب رشدت و حزن رسد و اگر در عقرب باشد و مظلم گردد اهل یمن را قحط و شدت
رسد و اگر در قوس باشد بود و آن وقت زلزله شود و اگر زیاد باشد خیر و صلاح و سکون عموم باشد و اگر باشد هلاک
خلایق بود و اگر در جدی باشد و سرخ گردد آن حوادث موت در مدین یمن باشد و هوا
ان وقت و دو شر بود و اگر مظلم باشد اضطراب حب و حدوث موت و اگر در میان دایره سخت
بر ما گشت و اگر در میان دایره سیاه باشد باران بسیار بود و در آن ایام طمع و اگر در برج دلو
باشد سرخ یا مظلم گردد لشکر با سلطان بیرون کنند و اگر دایره دو باشد در آن ماه باران بسیار آید
و اگر در برج حوت باشد و سیاهی گراید امراض و موی حادث شود و اگر دایره بسیار زود ظاهر شود

باز ده واقع شود **مقصد دوم در احکام هاله که از خرمن ماه گویند** چون اجزای یا بشنه صغیر بیرون ماه
مجتمع شوند و ان ابری باشد رقیق و لطیف که در هوا حادث در وقت چنان که در بیع گردد او زاید ان چم
ماه و نور کردن روشنایی او و چون این ابر متصل بود و اجزای یک بود لذا اجزای او بهتر ان دیده ماه ان
بود ان باشد که بر هیئت بسته بود که اگر بیرون او رسیده باشد ماه و دران اینه تا بود و به گاه اجزای بسیار
جمع اید باشند و هم بر یک است و وضع بشنه ای است که در هوا او متصل باشد بهتر ان دیده و چون
بهم پیوسته باشند و شعاع بر آن بیند فی الاتصال منعکس شود والله و این اجزا از هم جدا باشد از هم جدا
ماه شعاع بصر انعکاس کرده به ماه رسد و با واسطه بود و صغر اجزا منفک ماه دیده نشود و ضرر او حرکت شود ان
اجزا شود و این حال گفت دایره نماید و ان هاله باشد اهل حکمت هر وقت از آن دلیل باران و خوف
ماه و اهل احکام نجوم گویند در وقت هاله نظر کنند اگر غلیظ و کثیف بود دلیل باران باشد و باطل شود و ماه
از نظر غایب گردد و از ضعف ان بر قوی است بر ان قوی بارد و اگر یک جانب ان باطل گردد
و جرم ان نمودار شود از ضعف ان باشد و چون ظاهر شود که او تمام مضمحل باطل گردد دلیل چند
صحو بود **تنبیه** بیشتر از منجمان قسمت مراکز او دلیل حفظ کند اگر ماه صافی و درخشان باشد دلیل صحو است
و اگر سرخ بود یا چنان ظاهر شود که حرکت می کند دان سبب تموج هوا بود دلیل باد است
اگر سیاه نماید بیشتر تیره دلیل باران و محقق بر چند می مع الملاحت گوید اگر در شب سیوم ماه
یا چهارم ماه قسمت منبسط و وضع نماید و هوا صاف باشد علامت باران **تنبیه** صاحب کامل گوید
که اگر موج در نظر زیاده از سرخ نماید دلالت کند بر حرب و اگر مظلم و تیره نماید دلیل است برکت
بود و اگر خسوف در رنگ نماید دلالت کند بر قحط و اگر سرخ نماید علامت موت و مرگ عام باشد

و اگر مشتری در آن برج بود اگر در آن وقت باشد چاشت نماید دلیل بود بر وقایع و در ازمنه تنبیه بدانکه جمعی از حکما گویند که

که چون ضعف مریخ آن از رنگ نماید دلیل بر مالیه و اگر صافیه در روش باشد دلیل گرما و بر فور باران

و اعتدال هوا در مستان و صاحب کفایة التعلیم گوید که بسته رکان ثابته در آن گونه بسته بزرگ تر نیند

دلیل باران باشد **مقدمه دویم در احکام قوس و قزح** که از آنکه آن را سیتم گویند و سبب ظهور آن آن بود

که هرگاه هوا با بدن باران رطب گرده و ابری رقیق تاری گرد منعقد گردد و صفایه سبب باران

از آن چنانچه اگر اشراق افتد و از وقت شب باشد تحت بد و در شرق شب اصلا خوب دری

و گذری نباشد بلکه گشاده و صافیه بود و از طرف مقابل قبل شب چون صف که کم بر ریزد هر که و عکس قوس

باران افتد و هر که در آئینه منقوش باشد که و در و صف دیگر بود چنین عکس شب از این بر لطیف قرین

گرده و لیکن بر بعد کرت بود و صفا افتاد بر نقشی شب نه بینند و هم در این ابر مقدار شود و سبب کیفیت

بسیار لطایف شکل دایره نماید و در ترکیبهای مختلف و وقت باشد تیره رنگ نماید زرد و سرخ در گذاری در کاه باشد

که هر رنگ بیش نباشد و ظاهر است که این قوس از عکس شب تحقیق شده است و سبب اختلاف الوان

حکما در حقیقت معلوم نیست و شیخ رئیس ابو علی سینا در شفا چهار کرت جهد ها نموده اند تا بیان آن باب

سخن گفته اند و حکیم ابو نصر مغلوری که در دانش حکم حقیقه مرتبه سیم از فن طبیعی در بعضی از تصانیف خود این مبحث را

معین مولانا کمال الدین محمد حسن فارسی در تنقیح المناظر بجد مرقوم کرده در این باب سخنان و تحقیق بلیغ

لیکن بیان آن اینجا لایق نیست و در شب بعضی اوقات در هوا ابر نیز قوس و قزح میشود اما کم رنگ و پایها

باشد و بعضی اهل احکام گویند که اگر رنگ قوس و قزح غلبه سبزی را بود آن سال فراخی بود و اگر غلبه سرخی بود

آن سال غلبه خونریزی بود و اگر غلبه زردی بود آن سال کثرت بیماری بود و گفته اند که اگر بیشتر ابرها آن بیند

باران نگذارد و اگر پیدا از بعد آن ظاهر شود دلیل صحو باشد و از عجایب تواریخ بسیار آورده اند که نوح نبی

و کشتی چون نشان قوس قزح دید نوید بهشت گشاده داد که بعد از آن غرق نشد و بعضی دیگر از صاحب احکام

گویند که اگر در جانب مغرب در صفای هوا ظاهر گردد دلیل بر صحو باشد و در کدورت هوا دلیل مطر و صفا بود

و در جانب مشرق در هر حال دلیل بر صحو باشد صاحب ملاحم گوید که اگر در شب برنی در هوا پیدا آید

آن دلیل بر اسهال باشد و اگر زرد باشد دلیل خشکی **تنبیه** اهل طبیعه گویند در شب اگر ماه و پیدا شود

باران کم بود و حصول نشان کند دوام گویند نیز لشکر بکار رسید تا حد مغرب روی نماید

تنبیه در بعضی کتب طبیعی منظور رسیده که در شب اگر باران سپید ریزد دلیل قحط از نظم افتد و در کتب

و بعضی از کتب احکام نجومی مذکور است که هر سال که در مستان برف بسیار شود در بهار هوا گرم شود

و بیماری بسیار علامت شده و بعضی از ندما چنین گویند که چون در اول زمستان برف باریدن باشد باران

و باران بشتی کند سیما در هوا بهار و گویند هر وقت که گرم باشد که عواقب امراض به درد کمتر گرداند

گویند اینه بود باران شب و در شب هم نشان داده حاجتم در این باب به اطلاق زمان شرط را نماید **تنبیه**

بهترین رطب در زمین کتاب و در احکام آثار علوی کتاب محمد ابو الفضل حسین بن ابراهیم مثبت است

که اگر احکام آن بر بهار و بهاری مردی بنا داده و مطالب این فن را احوال بدان کتاب **فصل سیم در احکام**

آثار علوی که از دخان و بخار آن میشود و آن مشتمل است بر پنج مقصد **مقصد اول** در ذو الذوابه که اهل فن

از آن در منازع بسیار است در ظهور این علامات کرده اند اما در این مباحث قطعه درهم خواهد

شده اند و متکلمین و منجمین خوزی در کتاب کفایة التعلیم که حال آنکه در هوا پیدا آید از ما شده آن

طالع نگردد که بر کدام یک طالع سال وضعت اجتماع و استقبال مقدم بر آنها دارد کوکب مریخ ...

رشتر پس هرگاه مانند نحوست باشد در برج هوائی بود یا آتشی و مریخ در وی باشد یا نظر بعداوت داشته
باشد و برج مریخ بود یا قران یا نظر خاصه یا نظر عداوت و هم بعضی گفته اند بشنوند فلک اوج و تدویر
خاصه در وقت تحویل سال فصل باشد علامات آتشی بسیار پدید آید و اگر در صحرا این نشانها پدید آمدست
این و هر شده شود و دیگر گفته اند ظهور آن علامات هم در وقت باشد که بدانند و گویند وقوع گوهر در برج
آتشی هم دلیل ظهور یکی از این آثار است بعضی گفته اند اکثر آنچه در شارق و مغرب در شواهد است والله اعلم
یا در کل الشرق اما برج ... باشند یطهر بجواد این سخن ضعیف است و از ... والله اعلم
منجم گفته چون مریخ در وقت تحویل سال فصل در برج آتشی یا هوائی محترق شود و علامه ... قمر
با او باشند یا بعداوت ... نظر باشند نیز دلیل ظهور یکی از این آثار است هرچند مریخ در آن ماه نباشد در وقت
ماه ظهور شدن وی پس از تحویل وقت بقول صاحب اشارات بین کواکب ... این
کواکب ... طالع ... علامات ... طالع یا طالع ... **مقصد دوم**
در کیفیت حدوث این علامات چون مریخ ... آفتاب بر زمین تابد گرم گرداند و از زمین بخار کشد
و آنچه از زمین گرم شود بخاری ... دخان ... لطیف شود ... و آن دخان اگر ... چنین گوید
در کره ... و چون ... هوا ... رسد بآتش ... رسد بآتش بود ... کار
پس اگر آن دخان لطیف بود ... منفصل شود ... چون آتش ... فرو شود بسبب لطافت
... دخان ... تمام ... آن ... و این اگر اتفاق باشد ... شهاب گویند و کواکب منقضه
گویند و اگر ... کند ... چون ... دخان ... آتش ... منفصل شود ... زمین ...
و ... گویند پس اگر ماده دخان کثیف ... باشد و ... آتش ... افتد ... تا ... بسوزاند

و ... تیز کشیده شود و بعد از آن ... شود ... که ... کند از آن نیزک گویند ...
و اگر ماده آن بسیار کثیف بود چون در کره ... بر ... کند ایام و شهور ... عجب اختلاف
ضعف و کثافت ماده و باشکال مختلف ظاهر گردد چنانکه تفصیل آن پدید است آنها را ذوات
الاذناب گویند و گاه باشد که ماده در کمال کثافت باشد علامات سرخ در هوا پدید آید و اگر
اکثف از آن باشد علامات سیاه بسیار بود که ذوات الاذناب حرکت کند و گویند که حرکت
کره آتش بمتابعت فلک متحرک است حرکت کند و هرگاه چنین باشد لازم می آید که از حرکت
شبانه روزی حرکت خاصه او وقتی او جهت موافق مجموع حرکت ... هر ... باشد هم
بر همه ذوات ... مختلف ... این که چنین است بلکه در طول و عرض مختلف ... حرکت
باشد و باین سبب قطب الفضلا علامه شیرازی ... گویند که حرکت او ... نفیت که با
... شده ... طرف این کره ... رسد که کره آتش چنانکه گذشت ... است که بمتابعت فلک
متحرک باشد و چون دخان ... ذوات ... یا ... هر که ... او در ابتدای ظهور آن علامات
باشد و حرکت او ... مرکب ... حرکت ... حرکت فلک و دیگر حرکتی ... روشن ... دخان
و ... آتش ... آن ... ابر ... شده و در همان جهت اگر در جهت محققین باشند ...
بهر یکی در جهت ... اگر ... نداشته باشد که ... اختلاف حرکت او در طول
و عرض بسبب اختلاف ماده دخان ... کثافت ... کثافت ... قوی او در جهات
مختلفه ... بتدریج ... می نماید بسبب آنست که ماده دخان نیز بتدریج کم میشود ...
هندی گوید که کواکب ذوات الاذناب که بحرکت فلک متحرک ... او در اجرام فلکیست

که به سبب رقیق لطیف صافیه که از کره نار مرتفع شده و بسیار می افتد و موافق بعضی روایت بعد از نکبت
و کیفیت ظهور سیاره و متراکم شده و نور او بر عالم می اندازد مثل انعکاس نور شمس در مرآت صافیه را
مثل و در کیفیت و دلیل دوام این بجهت قدر ده که ذکر باشد مقصد سیوم در معرفت انواع ذوات الاذناب
ذوات الاذناب بعضی از نوعی مخروطی اند بعضی کوکبی ازین سیاره و بعضی از هر کوکب را ذنب محفوظ
که از سیاره گفته اند و بسیاری این بحث نوع ذوایب نیزک شهاب عمود بوق بچه ذوذوابه و ذوذنب
و صحف شهاب نیزک قبل ازین مذکور شد لیکن تفرقه نیست که انجا از کلام واحد مدقق تعیینی زاده
روی منقول است اما انچه از کلام محقق بر جای دیگر در صحف هندی و صاحب کفایة التعلیم علوم نجوم
نقل کرده است که نیزک شهاب نیز ذوات الاذناب دیگر است چنانکه گویند بعضی هم صحیح است
الا آنکه عمود عریض است و او دریچه بنابر این کلام تعیینی زاده بر قبل کرد از انواع نیزک محل است
و علی بن رضوان مصری در شرح اربع مقالات بطلمیوس بر جایی عدد ذو ذنب کوکب روشن ذوجه را
او طلوعی قبله شش ماه باقی مانده نیزک اطلاق کرده اما محقق ستره را مانند بوق نامی و روی در جانب
مقابل پر ابر او ذنب یکی گوید بطلمیوس صحف چیزی که مو اگر کرده جاری رسیده است و قد و دو ذنب ستاره
یک را و ذو ذنب ستاره را دم دراز دم دیگر هر دو شعاعیت فروخته بدرازی لیکن از طرف بالای
کیمه باشد و اگر از طرف پهن دم و بعد زیاده دیگر اگر جرم آن بیشتر از شعاع الطلوع غروب کند دو ذنب
باشد و بعکس در ذنبه و این هر دو مخروطند نزرگترت جانب چنین که آمده در ذو ذنبه از طرف مشرق طلوع کند
و ذو ذنب از طرف مغرب و خلاف این دیده شده که ما شد در المحقق ولیس قرینه و گوید هر یکی
بعض نوع و صنف که مجموع چهاده صنف باشند بر این نهج ذو انجه قضیه مصباح در دی بر حسب مذهب پارس

ا

و به طلیموس حسب پیمایه معلوم و الاحمر الذی باطن الی الصفرة و او ذو انجه کیوه ولد است
که زوی از دیگر حیده و موعود است مانند موی آویخته ام و محقق طوسی قرینه گوید مانند پیر شیخ
روشن و شعاعهای رنگ زرد و مانند موبها پیرون آمده و یعقوب این اسحق کندی گوید کمیت
از هر دو اطراف حسن المنظر و او در ذات حبیب مثل شاخ بر نما و در مزاج و طبع شمس است اما قضیه کاذبه
مانند رنگ اسب به مایل باشد و منسوب به زحل اما مصباح او دو دی هر دو پیکر کرد بیند در بعد
سکنی بدرخی لون و هر دو منسوب بمریخ و بطلیموس و یعقوب این اسحق کندی گوید در دو دی هر دو ذو انجه است
بر جانب او بین هر دو مثل کرد او سفید و بعضی منسوب بمشتری اما ذو رنگ سرخ است و با ماه مانند چند کرد طول
بود مانند طرفها و او سلطان که از بیرون دخل است در ذو ذنب سرخ و زرد و ذوب یک گوید مزدوج
از هر جا چند کرد و ذوب که بتعریف سرخ کند و بیضه حرکت او از مغرب بشرق باشد و منسوب زهره بنا
سخن صحیح نیز که کرد و حرکت تعیین کرده گذشته که رنگ و کرد و ذنب مانند کاده باشد و در جانب
قبل از وقت ذکر حکم و در کره مجدی که در تحت طبیعه و ذنب اعاظم ارض گرده باشد و سطح باو سخن آن روز که مو
اکثر در جانب اوقات کم و بیش ذو ربع و مرکز و قطب است و مایل لون از حرکت ستاره الی کنند و در بعضی
ابدا لونه احرف موانند نفخ عین صحاح و صاحب و یعقوب بن اسحق کندی گوید بعض ذو شعاع عمود او
در صنفی این مانند دوار سیده و مزاج و منسوب تعبیه او در کندی گوید او را رش در بدنه است در شعاع کوکبی سفید
و دو او ذو رش عبارت از ذوات و منسوب بقمر او طیفور دوری با ماه ذو ذنب و سیر او در کمال طول باشد او علامات
حمیده و علامات است که در ذو اجنحه شمال ظاهر شوند از منطقه البروج و جانب از ان انجه گویند و اطراف سر کج
سفید رنگ پیدا است و اطراف از ان جهت گویند که رنگ با ماه مانند رش و مقدار یاری در هر دو رنگ اما جانب

[illegible] و کثرت [illegible] و برودت هوا [illegible] تغیرات [illegible] که [illegible]
[illegible] در زمین فارس و عراق پس اگر ظهور او در مشرق باشد ذلت عموم خلق و کثرت
عداوت میان اهل فارس و نواحی آن و اگر در مغرب [illegible] و قتال در نواحی
مغرب [illegible] و کثرت [illegible] خروج [illegible] در میان لشکر [illegible]
دست دهد و اگر بر جنوب ظاهر گشته شود حدوث ذات الذوائب در برج ثور دلالت کند بر سقوط [illegible]
[illegible] و جنگ [illegible] و امراض [illegible] اسب [illegible]
و انقطاع [illegible] در زمین روم و نواحی [illegible] و قرب [illegible]
[illegible] وقوع [illegible] در ولایت روم و امراض در مملکت عراق [illegible]
[illegible] اگر ظهور او در مشرق [illegible] ملوک [illegible] و دوام آن [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible] و اگر در مغرب باشد [illegible] باران [illegible] حدوث [illegible]
[illegible] حدوث ذات الذوائب در برج جوزا دلالت کند بر جنگ [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] وقوع [illegible] اطفال و کثرت [illegible]
[illegible] حدوث [illegible] آسمان و کثرت رعد و برق [illegible]
[illegible] پادشاه روم و اگر در مشرق ظاهر شود [illegible]
[illegible] و اگر در طرف مغرب ظاهر گردد کثرت [illegible] باشد در ولایت فارس و نواحی آن [illegible]
[illegible] و اگر مقارن مریخ باشد حدوث قحط [illegible]
در میان [illegible] حدوث ذات الذوائب در برج سرطان دلالت کند بر [illegible] باران [illegible]

[illegible]

جنوب [illegible] و قطع طرق در جهت شمال و مملکت روم و ممکن که یکی از فرزندان حاکم [illegible]
[illegible] و خونریزی [illegible] حدوث [illegible]
[illegible] در جنوب [illegible] و اگر در طرف مشرق ظاهر شود [illegible] ملوک [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible] و اگر در طرف مغرب ظاهر شود [illegible] در میان [illegible]
[illegible] حدوث ذات الذوائب در برج اسد دلالت کند بر قتل [illegible] ملوک [illegible]
[illegible] در نواحی مشرق [illegible] ملوک [illegible] از آن طرف [illegible]
[illegible] و اگر در مشرق ظاهر گردد کثرت اضطراب [illegible] و اگر در مغرب ظاهر شود [illegible]
باران [illegible] وقوع [illegible] در نواحی شمال [illegible] اموال ملوک [illegible]
[illegible] حدوث ذات الذوائب در برج سنبله
دلالت کند بر حدوث آفات [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] اگر در مشرق ظاهر شود [illegible] جنوب باشد در نواحی فارس و کثرت [illegible] در آن مملکت و اگر
در مغرب ظاهر گردد حدوث قتال باشد در نواحی عراق و کثرت [illegible] ظهور ذات الذوائب در برج میزان
دلالت کند بر [illegible] و حدوث [illegible] در ولایت مغرب و [illegible]
[illegible]
[illegible] حدوث [illegible]
در میان [illegible]

و جنگ کند بسیار و اگر در شرق ظاهر شود قحط بعضی از ملوک عراق بود و بعضا طالب دختر و فتنه در بلاد روم و ولایات
مصر و هیجان سیل و اگر در مغرب ظاهر شود حرب باشد در نواحی ترکستان و اهواز و عراق و موت بعضی از ملوک
و تولد امیرها ظهور ذوات الاذناب در برج حوت دلالت کند بر کثرت برف و ظلمت هوا و نزول ملوک و قتل ایشان
میان ایشان و رسیدن رطوبت و باران بقدر بسیار و ... انبیا نقصان کنند و کمی آب در ... بسیار
و کثرت مرض و موت در اطفال و رحمت زنان بسبب ... و حصول ... و مرض و وجع شانه و رفت ... کردد
پشت و نزاع میان ملوک و شاهان مغرب و ... بعضی بعضی و کثرت فتنه در مغرب و خروج کردن ابن ... شه
در لشکر ایشان بر سلاطین و حکام و اگر در جانب مشرق ظاهر شود ... این عراق و اهل بلد و ... موت
ایشان و ... سلاطین و کبیر ... باشد و اگر در جانب مغرب ظاهر شود ... کم ... باشد ظهور ذوات
الاذناب در برج قوس دلالت کند بر شدت حر و سموم هوا و موت در دواب و وحوش و ...
را بیماری ... داشته ملوک بر عوام و حرص ایشان و جمع ... اموال و دولت ... و درکه ... سلاطین
و جور و دخول ... این ... و دخول ... ایشان در ...
و ... شیخ عظیم ایشان در ولایت شام و ملوک ... و ملوک ... و ...
و حدوث طاعون در ارض ... و موت ... ایشان و قحط در ولایت خراسان و ...
اشجار و اگر در جانب مشرق ظاهر شود موت ... از ملوک باشد و ظهور قتال و خوف و کثرت دزدان
... و صلاح غلات و ثمرات و اگر در جانب مغرب ظاهر شود ... و ... و کثرت
خوابهای پریشان ظهور ذوات الاذناب در برج جدی دلالت کند بر وقوع خوف و ترس در ... و وحوش
و جنون و صداع و ... که باعث ... و دیگر ... بسیار ... و کثرت قحط و غلا و تنگی و شدت

... و برف و ... و اکثر و قتل ملوک که ... خاصه ... و قطع سبیل و کثرت دزدان
و خراب کاروان و ... ایمن ... و ... ملوک ... و ...
و جنوب ... و پادشاه و کثرت ... در نواحی مغرب و جنوب و ولایت خراسان و ...
... و ... و ولایت ترکستان و اهواز و اگر در جانب مشرق ظاهر شود ...
... ایشان ... و ... و کثرت ... و ...
... و اگر در جانب مغرب ظاهر شود کثرت قتال ... بسیاری ... ظهور ذوات الاذناب
در برج دلو دلالت کند بر حدوث مرگ و طاعون و ... خاصه ... و حدوث
قتل ... در نواحی مغرب و جنوب ... و پادشاه ... ایشان ... از طرف مشرق خروج کند
دیگری ... و گویند ... ضعیف ... و ... و ... باشد و بعد از آن کثرت ... و قحط
و ... طاعون ... و حدوث ... و ظلمت هوا ... و اگر در جانب مشرق
ظاهر گردد کثرت ... که شمس ... از آن برج ... و اگر در جانب مغرب ظاهر شود ...
باشد در ... و عراق ... ظهور ذوات الاذناب در برج ثور
دلالت کند بر هلاک بعضی از ... و وقوع ... در ... و ... و قتل میان
... و وقوع خلاف ... و ... و انقطاع ... و خروج ... و قتل
عظیم ... ملک ... و ... ظهور ... و ... عراق ... ایشان
... و اطفال ... و ظهور ... و ... و ... و ...
و در جانب مشرق ظاهر شود ... بسبب لشکر ایشان و خروج ایشان از اطاعت ...

دلالت کند بر حرب و خصومت جانب شمال چنانکه بر بلاد و شهرهای آن اشرف در رسد و بلای ظاهر کند
و فتنه در آن بسیار شود و شدت و سال این اثر باقی باشد و اگر در منزل حوت ظاهر شود دلالت کند
که در دریا نه بارش جنوب و مکان آنجا حرب بسیار شود و حدوث مهمات و کثرت شب بود و ظهور ضعف و
وجود و نیز بسیار هم هندی گوید که اگر ذوات الذوائب در یکی از بروج ناری ظاهر گردد دلالت کند
بر قحط و تنگی در حصون و قلاع و اگر در یکی از بروج ترابی ظاهر گردد وبا و قحط در بسیار رسد و اگر در یکی
از بروج آبی ظاهر گردد [illegible] در بحر ظاهر شوند و فزع و خوف [illegible] رسد و اگر در یکی از بروج هوائی
در عالم قتل و خوف و بسیار هلاکت شود و [illegible] در حصون و جبال [illegible] و دانستن درجه تقویم این کواکب
متعذر است و اختلاف نظر این نیز بسیار است که [illegible] ذوات الاذناب [illegible]
[illegible] در طلوع و غروب و قرب آن [illegible] [illegible]
[illegible] که [illegible] کرده [illegible] که اگر خواهی که موضع [illegible]
[illegible] بر تقویم [illegible] درجه [illegible] پس [illegible] برج [illegible]
باشد [illegible] برج [illegible] موضع ستاره است [illegible]
[illegible] و کر این [illegible] که [illegible] جاری [illegible] موضع [illegible]
[illegible] [illegible] وقت [illegible] ده درجه [illegible]
این کواکب [illegible] این [illegible] ظاهر شده اند [illegible] و نیز گفته اند که اگر خواهی
که وقت ظهور [illegible] بر [illegible] وقت [illegible] باشند اگر میان [illegible]
[illegible] یازده درجه [illegible] باشد [illegible] وقت ظهور [illegible] و اگر [illegible]

بدواری و اگر در جانب مغرب ظاهر شود [illegible] در میان [illegible] کرده و حدوث طاعون و [illegible]
[illegible] در جانب مغرب و شدت و [illegible] اکثر [illegible] و [illegible] و دوام [illegible]
[illegible] در منازل قمر [illegible] و اگر در منازل [illegible] ظاهر شود [illegible] مغرب
دلالت کند بر ظهور [illegible] و وقوع [illegible] در مملکت [illegible] و [illegible] گویند [illegible]
[illegible] و اگر در منزل [illegible] ظاهر شود [illegible] مغرب
کند بر [illegible] بسیاری [illegible] در [illegible] نواحی عالم [illegible] و [illegible] در میان [illegible]
[illegible] و حدوث [illegible] در [illegible] وقوع حرب و خصومت در میان [illegible]
[illegible] و اگر در منزل [illegible] ظاهر شود [illegible]
مغرب دلالت کند بر حدوث [illegible] در میان [illegible] و اگر در منزل [illegible] ظاهر شود
دلالت کند بر کثرت باران و [illegible] و [illegible] شمال [illegible]
[illegible] باشد و وقوع خلاف در میان [illegible] و اگر در منزل [illegible] ظاهر شود [illegible] باشد
دلالت کند بر حدوث آفات [illegible] و اگر در منزل [illegible] ظاهر شود [illegible] مشرق دلالت
کند بر کثرت [illegible] بسیاری [illegible] و [illegible] و [illegible]
و حدوث [illegible] در جانب مغرب [illegible] و اگر در منزل [illegible] ظاهر شود
در جهت مغرب دلالت کند بر بسیاری [illegible] و اگر در منزل [illegible] دلالت کند بر صلاح حال
[illegible] و [illegible] در میان [illegible]
[illegible] و اگر در منزل [illegible]

که استخراج مواضع این کواکب فرموده است این وضع اتفاق نمی افتد الا در [illegible] و شب میان هفده درجه
و بیست و دو درجه حمل باشد و آن نادر است چند [illegible] شاید که از مواضع این ستاره کان مواضع سبعه [illegible]
نموده باشد و این نیز بعید است که کسوف مشهور [illegible] اما شهاب
چون از [illegible] جرم بعید بود ابتدا از آن جهت و اگر از جهات مختلفه باشد هوای مضطرب [illegible]
و اگر آتش ظاهر شود بزرگ [illegible] اطراف افتد البته [illegible] از آن طرف فتنه ها و نیز [illegible] رئیس المحققین علامه [illegible]
قدس سره در شرح [illegible] آورده است که آتش نیزک خیلی بزرگ باشد و اگر [illegible] بود دلالت کند بر حادثه
[illegible] عامه [illegible] باشد [illegible] در طبقه زمهریر رسد [illegible] و چون در همه جهات
باشد دلالت کند بر بعضی [illegible] و اضطراب هوا از همه جهت و ایضا دلیلست بر آنکه لشکرهای مخالف قصد
اقالیم کنند و ملوک را زحمت دهند و از آن سبب تغیر مزاجهای ایشان باشد و استیلای قوت [illegible] بر مزاجها
که موجب [illegible] و طلب حرب بود و آن لشکرها مخالف [illegible] و جمهور ان تسلیم باشد بسبب اختلاف مزاجهای
ایشان از اعتدال و [illegible] گوید هر وقت [illegible] باشد [illegible] ملوک [illegible] و اگر در برج [illegible] ظاهر شود صاحب
آن برج [illegible] یا قوی ناظر باشد دلالت کند که از آن جهت مملکت شخصی منازع او پیش شود هم از خاندان
آن پادشاه باشد و معروف و مشهور بود در السنه و افواه مذکور و اگر ناظر باشد از اولاد و [illegible]
استعداد ملک نداشته باشد و قوی ترین [illegible] باشد که دلالت کند بر [illegible]
از آن مشتری که دلالت بر اولاد و ملوک کند [illegible] باشد [illegible] احکام هر یک
بحکام نیزک است لیکن دون آن باشد [illegible] دلیلست بر هلاک جباره و خوف [illegible] ملوک و تغیر [illegible]
قوم [illegible] تاثیر [illegible] که ذنب او باشد [illegible] دلیلست بر قوت دشمنان [illegible]

[illegible]

اگر در طرف مشرق ظاهر شود دلالت کند بر فتنه ملوک از آن طرف و [illegible] حرب میان ایشان و اگر در طرف
مغرب ظاهر کند حکم همان باشد در آن طرف نیز در اوایل [illegible] در طرف
مشرق ظاهر گشت در برج میزان در دار السلطنه قزوین [illegible] که بعد از این علامات [illegible] در ولایات
ما وراء النهر خواهد رسید و در ولایات [illegible] و تغیر حالت ممکن است [illegible]
مبارک خان [illegible] بهم رسید و اولاد و اقربای اکثری فنا شدند و بزرگان لشکر [illegible]
و [illegible] قلعه و [illegible] از ولایات خراسان [illegible] و در ولایات ما وراء النهر [illegible]
[illegible] لشکری [illegible] قزاق بطرف ترکستان فرستاده و آن لشکر
شکست [illegible]
[illegible]
دلالت کند بر [illegible] و وقوع قتل و حدوث حریق در اطراف مشرق
[illegible] در ولایات [illegible] مغرب [illegible] دلیل کثرت
حروب [illegible] و وقوع مرگ شخصی بزرگ عظیم الشان [illegible] عظیم الاثر است دلالت کند بر قتل
[illegible] و تغیر و تقلب امور [illegible] المحققین قدس سره [illegible] که چون [illegible]
[illegible] در طرف مشرق اگر در وقت طلوع [illegible] باشد [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible] احوال [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
دلیل مرگ بزرگان است و [illegible] دلالت کند بر [illegible]

مغرب ؛ و [illegible] جنوبی گوید در ناحیت و ولایتی که ظاهر گردد دلالت کند بر جدب و قحط در آن ولایت
و نزدیک احوال ایشان بسیار کم شری در سلطان یا مغرب بود باشد ؛ و [illegible] دلالت
کند بر شر کثرت و ثمرات و هلاک حیوان و بسیار [illegible] ؛ و [illegible] بطلمیوس گوید دلالت کند بر وبا
و [illegible] و موت در آن اقلیم ؛ و [illegible] دلالت کند بر قحط در ناحیه که ظاهر شده ؛ [illegible] بطلمیوس گوید
اگر لون این کواکب سیاه و ظلمت گراید دلالت کند بر جنگ بسیار و کثرت باد و سموم و دریا با موجها
خاصه در آن جهت که کوکب ظاهر شده و ظلم و جور سلاطین و علامات و [illegible] و دوام آثار بر قوت [illegible] و قوت آن
باشد و اگر سفیدی گراید دلالت کند بر قحط و غلا و سعر و اگر سرخی گراید دلالت کند بر خونریزی و کشش
و هرج و مرج و خوابها [illegible] و اگر زردی گراید دلالت کند بر [illegible] ؛ [illegible] اکثری از [illegible]
فن بر این اند که هر که یکی از ذوات الذوائب در طالع [illegible] باشد یا بر برج [illegible]
خاصه [illegible] یا مقارن ارباب این [illegible] باشد دلالت کند بر [illegible] ایشان
و [illegible] ایشان [illegible] انواع شدائد [illegible] رسد که به هلاکت منجر شود و اگر این [illegible]
[illegible] طالع [illegible] باشد دلالت کند بر کثرت اعدای ایشان [illegible]
[illegible] اصول ذوات الذوائب و الاذناب [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] الانجم و ذوات الاذناب نامیده اند [illegible]
[illegible] از معجزات [illegible] ایشان بر این [illegible]
کلاب [illegible] ایشان را [illegible] قرار داده اند [illegible]
روزی [illegible] قطع می کند [illegible] این [illegible]

ایشان نیز این [illegible] است طایفه از منتسبان این علم [illegible] را اشتباه شده [illegible]
کرده اند که [illegible] این کواکب نیز [illegible] است و [illegible] و [illegible] اند در این
[illegible] از [illegible] که از این جهات [illegible] شمار [illegible] کرده اند
[illegible] در بعضی از کتب [illegible] به نظر رسیده
که بعد از [illegible] کوکبی [illegible] در هوا یا قطب شمال ظاهر شده [illegible]
چنانکه [illegible] هیچ [illegible] دیده [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] که بعد از آن [illegible] شده [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث
شد [illegible] نبوت [illegible] صلوات الله و سلامه علیه
روایت می کند که پیش از بعثت پیغمبر علیه السلام [illegible] چنان دیدند که [illegible] ستارگان [illegible]
[illegible] رسید [illegible] ستاره [illegible]
[illegible] ستارگان معروف [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] امری عظیم [illegible] خواهد شد چون دیدند
ستارگان معروف [illegible] پیغمبری را [illegible]
چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله [illegible] قائم شد و [illegible] و دیگر حوادث که [illegible]
[illegible] روایت [illegible] این [illegible]
[illegible] ظاهر شد [illegible] هیچ [illegible]
[illegible]

سه شنبه دوم شهر رجب سنه ثلث و ستین و تسعمایه هجریه قبل از ظهور جبرئیل بکشش هیچ بوده پنج ماه و چهارده روز
ماه ظاهر شد و هیچ کس مثل آن ندیده بود و قبل از آن و بعد از آن دیدند که شهاب طلوع کرد
و قوت تیغ برق شدید الحمرة من المشرق الی المغرب تقطعت قرص الشمس بود و در چند شهاب بر شرق می شدند
و به همین او شهر شوال تا نصف النهار و بعد از آن این حرکت از او منقطع بود تا وقت غروب
روایت کنند در شب یکشنبه بیست و سوم شهر رمضان سنه ثلث و ستین و تسعمایه در آسمان ستاره عظیم شد
نور او مشابه آتش متصل فرقی شد تا ناحیه فرقدان کشیده شد و بعد از آن منقسم بدو قسم شد و قطعه
شرقی قرینه طرف مغرب افتاد و قطعه دیگر [illegible] شبیه شده میشد چون
این امر مشاهده رفیع و جمیع روایت کنند در رمضان سنه ثلث و ستین هجری در وقت
در مغرب در وقت غروب شمس ظاهر شد و دم او قریب به وسط السماء رسیده دمش در برج حمل
طالع بود و در وقت شمس مقارن دم او در برج جوزا منزل کشیده شد
ظاهر شدید حادثات شد [illegible] یک دیگر [illegible] بستان بود و [illegible]
کواکب [illegible] صدای مهیب از آن مسموع میشد و خلایق خوف کرده [illegible]
آن ظلمت [illegible] بعد از آن زلزله عظیم شد [illegible] تمام [illegible]
[illegible] روایت نماید که در محرم سنه ثلث و ستین هجری [illegible] عظیم
کرده [illegible] حادثات [illegible] خلایق [illegible] و بعد از آن [illegible]
ظاهر شد [illegible] روز [illegible] در این سال
عظیم [illegible] بعد از آن

در آسمان پیدا شد کرده در سنه ثلث و ستین هجری نقصان [illegible]
[illegible] و از ایشان که از اول شب تا صبح از جهات مختلفه کشیده میشد و بعد از آن علامات
که در آب و هوا [illegible] شدند و در عهد سلاطین [illegible]
می کند و اکثر این علامات در عراق و خراسان شد و خلایق بعلت [illegible] مبتلا شدند و در جمیع
[illegible] شده [illegible] تا غرب رفت
[illegible] و جانب [illegible] که علاج این امراض است [illegible]
دیگر در ولایت خراسان [illegible] در سنه ثلث و ستین هجری [illegible]
[illegible]
[illegible] و خلایق [illegible] و هلاک [illegible]
[illegible] و در [illegible] زلزله عظیم [illegible]
[illegible] در ولایت [illegible] زلزله عظیم شد [illegible]
در آسمان نازل شد و ابتدا [illegible] تمام [illegible] گرفت
[illegible] هلاک شدند [illegible] در سنه ثلث و ستین
هجریه [illegible] زلزله عظیم شد [illegible]
[illegible] در آسمان [illegible] در شهر رمضان [illegible]
در مغرب ظاهر شد و در برج [illegible] منزل [illegible]
سنه ثلث و ستین و پنج هجری [illegible] عظیم [illegible]

و آنچه ذنب بنات النعش تا قطب کشیده شده بود به گرد چو قوم را گمان قیامت افتاد و شب چهارشنبه غره
کرده [illegible] نهم و جمعه غره جمادی الاول سال مذکور زلزله عظیم در ولایت عراق حادث شد و در شب
بعد از آن کوکبی ظاهر شد که این طرف و گردش صغیر و طول کثیف مشابه کی نیزه بود در ناحیه شمال تا [illegible]
برفت و چند بار و از وی جدا شد و او همان حال ثابت مقیم بود تا منطفی شد و فردای آن ظلمت شدید
حادث شد و بادی صعب وزیدن گرفت چنانکه مردم [illegible] از ظهر چهارشنبه تا عصر پنجشنبه اقامت نمودند
و بعد از آن شب آدینه کثیر الشعاع در آسمان ظاهر گشت تا طلوع فجر برداشت و بعد از آن ساعت روز دیگر تا
عظیم در ناحیه شمال ظاهر کرده و بامداد شنبه تمام [illegible] تا [illegible] برفت و در آن زمان پیران قدیمی گفتند که این
قسم علامت هرگز مشاهده نشده و از [illegible] **تنبیه** در سنه [illegible] و چهل و شش هجری در ولایت شام
و اطراف که در جزایر و بلاد و عراق زلزله عظیم شد چنانکه بعضی جهات [illegible] رسید و [illegible] تأثیرات این کوکب
آن بود که [illegible] در [illegible] شوال سنه [illegible] و چهل و شش هجری [illegible] کشته شد و پسرش
بعد از شش ماه [illegible] **تنبیه** [illegible] این قسم علامات [illegible] اوضاع
طوالع قران [illegible] مستنبط باید [illegible] اوضاع و تعلقات طوالع السنین و شهور آن قوت [illegible]
نیست صاحب فهم سلیم و ذهن قوی و مزاج صحیح اگر تتبع کند [illegible] دلایل این علامات [illegible]
آنست و الله اعلم **تنبیه** در کتاب [illegible] مذکور است که در زمان [illegible] عباسی [illegible]
[illegible] ذنب [illegible] از مغرب تا مشرق کشیده شد و [illegible] روز باقی ماند و از تأثیر این علامات
قحط [illegible] گندم [illegible] رسید و [illegible] یکدیگر را می‌خوردند و [illegible] آن قحط
[illegible] **تنبیه** [illegible] بن رضوان مصری گوید در ولایت [illegible] کوکبی عظیم [illegible]

[illegible] برج عقرب [illegible] در [illegible] آنچه [illegible] المعدن [illegible]
[illegible] و او [illegible] زمین [illegible] در اول [illegible] در مقابل او
برج [illegible] شمس [illegible] و چون عقرب برج [illegible]
[illegible] علامات [illegible] شد و [illegible] عظیم در میان ایشان [illegible] وقوع یافت و [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] عظیم [illegible] که [illegible]
شد و [illegible] که این علامات [illegible] **تنبیه** [illegible] ابو القاسم [illegible]
در [illegible] در سال [illegible] و چهار [illegible]
[illegible] در این سال کوکبی عظیم [illegible] شده و [illegible]
[illegible] چنانکه [illegible] علامت عظیم [illegible]
[illegible] ظاهر شد هر یک [illegible] و [illegible] جانب مشرق متوجه [illegible]
[illegible] در این [illegible]
[illegible] در میان [illegible] که [illegible] عظیم [illegible]
و این بنا بر [illegible] در سلطان [illegible] الدین [illegible]
[illegible] **تنبیه** [illegible] احمد بن یوسف مصری [illegible] که [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] **تنبیه** تاج الدین [illegible] در سنه [illegible] هجری [illegible]
[illegible] در ولایت [illegible] که [illegible] ظاهر شد

و ذو ذنب بود روز حادث شد چنگیز خان و حوادث [illegible] این شهور [illegible] و [illegible] در موضعی دیگر

[illegible] شده‌اند و حالا الموضع مشهور شده است — عبدالرزاق ابن اسحق سمرقندی در تاریخ مطلع السعدین

آورده که در وقتی که امیر تیمور گورکان به قصد حرب قیصر روم [illegible] می‌نمود [illegible] مملکت شد در اثنای آن

ذوذوابه ظاهر شد امرا و ارکان دولت تیموری اتفاق [illegible] بعرض پادشاه رسانیدند و صلاح در [illegible]

روم نیست که منجمان این علامت را بد حکم می‌کنند جناب صاحب‌قرانی مولانا عبدالله لسان را که در فن

احکام نجوم [illegible] و در سلک مقربان تیموری اختصاص تمام داشت طلب کرد و از او استفسار این [illegible]

مولانا در جواب گفت طلوع این علامت در کمال قوت است و [illegible] لشکر شما [illegible]

علامت چون در برج حمل حادث شده دلیلست بر آنکه قیصر روم لشکر شما گرفتار گردد و در حال [illegible]

حکم [illegible] قبل [illegible] آنچه در خاطر پادشاه و ارکان دولت [illegible] که هرگاه ذوذوابه

در برج حمل ظاهر شود پادشاه روم را بلای عظیم پیش آید و شکست [illegible] در مملکت او

پدید آید بنابراین جناب صاحب‌قرانی فاتحه خوانده به عزیمت حرب قیصر [illegible] شد و [illegible]

و [illegible] بسته [illegible] تیموری [illegible] در تواریخ [illegible] مذکور است — در تاریخ

[illegible] مذکور است که ذوذوابه در برج [illegible] ظاهر شد [illegible] این علامت در طالع

[illegible] ولایت [illegible] پادشاه

[illegible] ابوسعید [illegible] متوجه خراسان شده انواع [illegible]

[illegible] در سنه [illegible] هجری که این [illegible] در [illegible]

[illegible] برج حمل [illegible] ذوذوابه ظاهر خواهد شد ان شاء الله

و [illegible] احوال این [illegible] باشد و جهانگیر [illegible] ما [illegible]

[illegible] در سنه [illegible] هجری [illegible] دیدیم که ذوذوابه از مغرب ظاهر شد و حرکت کرد

[illegible] و [illegible] ولایت [illegible]

[illegible] گوید در وقت که [illegible] طلوع کرد [illegible] از جانب جنوب [illegible]

[illegible] ولایت [illegible]

[illegible] پراکنده شدند [illegible] احوال [illegible] تمام [illegible]

[illegible] از مشرق طلوع شد [illegible] ولایت [illegible]

و بعد از اندک زمانی لشکری از جانب مشرق خروج کرده [illegible] کشتن [illegible]

مغرب [illegible] در کتاب [illegible] آورده [illegible]

[illegible] ذوذوابه در مشرق پیدا شد [illegible]

[illegible] مشرق [illegible]

[illegible] از طرف جنوب [illegible] در مشرق [illegible] قایم شد [illegible]

[illegible] هلاک شدند [illegible]

از پادشاهان [illegible] شد [illegible]

[illegible] لشکر [illegible]

[illegible] شدند [illegible] برق [illegible]

[illegible] لشکر [illegible] باقی [illegible] شکست [illegible]

و در همین سال ذو ذنب در مغرب ظاهر شد و بعد از آن یک سال خشک سال شد و در سال دیگر گذشت
و انواع قحط و گرانی روی نمود در سنه هشتصد و هشتاد و پنج بجوزی مریخ در غایت [illegible] قران مقارن
حادث شد در برج سنبله و این کیفیت با آنکه در افق [illegible] از [illegible] بود [illegible]
از ذوات الاذناب ظاهر شد [illegible] و در شعبان سال مذکور ذو ذنب در مغرب ظاهر شد
بزرگی [illegible] در [illegible] و قریب [illegible] روز [illegible]
[illegible] اسمعیل میرزا [illegible] استقلال [illegible]
[illegible] انتقال نمود [illegible] سلطان محمد برادر [illegible] بسبب عجزی
[illegible] ممالک [illegible] چنانچه [illegible] القاعده لشکریان [illegible] اوزبکیه
[illegible] رسید [illegible] مستهلک شدند [illegible] و قحط و غلا روی نمود [illegible]
و [illegible] از هر طرف [illegible] ممالک [illegible] لشکر روم در ولایت [illegible]
[illegible] ارد بیل [illegible]
[illegible] و این [illegible]
[illegible] ابوالمظفر شاه عباس الصفوی [illegible] طلوع نموده [illegible]
[illegible] دین و دولت [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] جهان را بعدل [illegible] اوایل [illegible]
[illegible] ربع مسکون [illegible]
[illegible] تا قیام قیامت پاینده [illegible]

[illegible] در سنه [illegible] ذو ذنب [illegible]
استقبال مقدم بر سال واقع شده در برج [illegible] و [illegible] بسبب این دلایل
[illegible] الاحکام [illegible] در این سال یکی از ذوات الاذناب [illegible]
[illegible] روز [illegible] شنبه [illegible] ذی الحجه سال [illegible]
[illegible] برج عقرب ظاهر شد و قریب چهل [illegible] حسب الامر [illegible]
[illegible] علامت [illegible] دلالت کند [illegible]
[illegible] لشکرهای [illegible] بخصوص در ولایت [illegible]
[illegible] هندوستان [illegible] ولایت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لشکر روم [illegible]
[illegible] و در ولایت روم [illegible] و انقلاب [illegible] والله اعلم [illegible]

ظهور این نوع وبا ... حالت تجربه و قرب ... است اکثر این احکام بنظر رسیده ... ماوراء النهر
انقلاب ... چنانکه مشهور ... [illegible] ... مذکور شده ... [illegible]
[illegible] ... قوی ... شد که اکثر ... [illegible]
[illegible] ... در تاریخ ... [illegible] ... بسیار ... در چشم ... [illegible]
[illegible] ... وفات ... [illegible] ... شد ... بسیار ... [illegible]
دار الملک ... [illegible] ... چنانکه ... [illegible] ... تحقیق ... [illegible]
[illegible] ... شده ... لشکر روم ... مصاف ... فرنگیان غالب شده ... [illegible]
[illegible] ... واقع شد ... [illegible] ... ولایت ... [illegible]
و عراق اتفاق افتاد چنانکه ... [illegible] ... شده ... [illegible]
[illegible] ... این ... [illegible] ... دیگر ... [illegible] ... در احکام ... [illegible]
[illegible] ... این ... [illegible] ... است ... [illegible]
[illegible] ... است ... [illegible]
[illegible] ... حرکت ... [illegible]
اتفاق افتد ... [illegible] ... و در این ... [illegible]
دیگر معتقدند چنانکه ... [illegible]
[illegible] ... این ... [illegible] ... چنانکه ... [illegible]
[illegible] ... که ... [illegible]

[illegible] ... اول ... [illegible]
[illegible] ... و این ... [illegible] ... شمشیر ... [illegible]
[illegible] ... و در همین ... ولایت اول ... [illegible]
[illegible] ... بن عبد الله ... [illegible] ... این ... [illegible]
[illegible] ... حضرت ... شهیدان حسین بن علی علیه السلام ... مسلم ابن عقیل ... [illegible]
[illegible] ... در همین ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... که این ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]

و هم چنین چون کلاغ سیاه بانگ بلند می زند و پرها بحرکت می آورد [illegible] و کاه و گل در منقار می گیرد و [illegible]
و خروس [illegible] و در آب اندر شود پر و بال حرکت می نماید دلیل باران است و احمد عبد الحکیم گوید که گر
در وقت ماهی در موسم بیفزاید در ولایت مغرب و موت آن پیدا شود و مشهور است که آفتاب [illegible]
چون بگیرد در دریا آید و بخورد بجمع نماید دلیل باران است و اگر در خانه بخورد و مورچه بیرون چون تخم خود را
برد به زمین می آورد دلیل باران است و اگر از خانه خود بیرون دلیل [illegible] و چون مرغان بر خانه [illegible]
و [illegible] بسیار می باشند دلیل [illegible] باشد و گر می [illegible] که او را [illegible] گویند
[illegible] چون [illegible] بسیار بیرون آیند علامت [illegible] باشد و چون در [illegible] بسیار
جمع آیند [illegible] بحث باشد و نزول باران و محقق برجندی در [illegible] آورده که در [illegible]
[illegible] بسیار در [illegible] و هم چنین چون [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] باشد و در آسمان نظر کند علامت [illegible]
و مشهور است که رئیس المحققین علامه طوسی قدس سره در [illegible] سفر بود [illegible]
[illegible] سیاه آید که باران خواهد شد خواجه [illegible] و در آن
شب باران شد [illegible] پرسید که چه علامت
[illegible] معلوم شد [illegible] و دلیل [illegible] تجربه [illegible]
که بعد از آن باران می شود و تاج الدین اکرم گوید [illegible] و در [illegible]
که اگر [illegible] لهو و لعب و بازی [illegible] و رقص [illegible] مشغول شوند دلالت کند بر [illegible]
[illegible] دلالت [illegible]

ابر

حرب است [illegible] و اگر [illegible] کند [illegible] کنند و در تنگی [illegible]
[illegible] دلالت کند بر [illegible] طریق [illegible] طبری گوید
که اگر [illegible] دلالت کند که در آن سال
باران [illegible] بحث [illegible] کنند
[illegible] و اگر [illegible] کلاغ [illegible] و اگر مرغان
[illegible] و دلیل [illegible] باشد و اگر
[illegible] آب [illegible] دلالت [illegible] و اگر [illegible] وقت [illegible]
و دلیل [illegible] چون [illegible] باران [illegible] ولایت
[illegible] گویند [illegible] علامت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] گویند اگر [illegible] کند علامت [illegible]
[illegible] بجواب [illegible] کند [illegible] می نمایند [illegible] گوید
فصل [illegible] حکم [illegible] و محقق برجندی [illegible]
[illegible] الحیوان [illegible] گویند [illegible]
[illegible] که اگر [illegible] باشد که
[illegible] و دلیل [illegible] ولایت باشد و اگر در وقت [illegible]
[illegible] کند و دلیل [illegible] باشد و اگر [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] کند [illegible] پس [illegible] کند [illegible]

مدل و ثوابت را بکار برده ... صحیح باشد و اگر ... [illegible] ... کند و لیکن اگر ... باشد و اگر

میان ... [illegible] ... تمام ... وقت ... [illegible]

... [illegible] ... باشد و اگر ... [illegible]

... [illegible] ... ولایت ... [illegible]

... [illegible] ... ولایت ... [illegible]

کند و اگر ... [illegible] ... و اگر ... [illegible]

... [illegible] ... کتاب ... [illegible]

و لیکن ... [illegible]

... [illegible] ... این کتاب ... [illegible]

... [illegible] ... این کتاب ... [illegible]

... تقدیم و تقدم ... [illegible] ... اول ... [illegible]

صاحب مجسطی ... [illegible] ... بطلمیوس ... [illegible]

... [illegible] ... حکیم ... خواجه نصیر الدین طوسی ... [illegible]

... ابو معشر ... ابو جعفر خازن ... [illegible] ... عبد الجلیل سجزی

کوشیار ... [illegible] ... یعقوب بن اسحق کندی ... [illegible] ... ابو حامد

... صاحب کفایة التعلیم ... [illegible]

حکیم ابو القاسم ... ابو الحسن ... ابراهیم ... [illegible] ... صاحب کتاب



ایوان الصفا حکیم ... محیی الدین مغربی تاج الدین اکرم نخجوانی صاحب کتاب ...

حکیم ... رازی صاحب روضة المنجمین حبیش بخاری صاحب

کتاب اشجار الاثمار مولانا ... محقق عبد العلی برجندی ...

ملا ... احمد بن ... الملقب ... اختیار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]


کتابخانه مجلس شورای ملی
طی «فهرست نشده»
٢٨٤٣